

# کیمهان ۵۵۳

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباحزاده  
جمعه ۱۵ تا پنجشنبه ۲۱ اسفند ۱۴۰۴ خورشیدی  
سال چهل و دوم - شماره ۲۰۱۹

## مرگ خامنه‌ای، پایان دیکتاتوری؟



ایران امروز به ما نیاز دارد  
فراخوان فوری کمک‌های بشردوستانه

دوستان گرامی،  
ایران در پی کمتری هولناک، در سوگ و بحران است. اما مردم با اراده‌ای  
استوار در کنار هم ایستاده‌اند. اکنون نوبت ماست که در کنارشان باشیم.  
اینک، لحظه آن است که ما نیز در کنار آنان بایستیم.  
بنیاد خیریه نوروز، کارزاری اضطراری و انسان دوستانه را برای رساندن  
کمک‌های حیاتی، به خانواده‌ها و جوامع سراسر ایران، آغاز کرده‌است.  
در این لحظه، مردم با بحران‌های فرآینده، غم و اندوهی سنگین، فروپاشی  
اقتصادی، و نیازهای اساسی و فوری روبرو هستند.  
نیازها فوری و حیاتی‌اند:  
● تامین تجهیزات و اقلام پزشکی ضروری  
● حمایت از خانواده‌های داغدار  
● رساندن کمک‌های فوری به مناطق نیازمند  
مردم ایران در برابر فاجعه‌ای وصفناپذیر، شجاعتی کم‌نظیر از خود نشان  
داده‌اند. آنان این شایستگی را دارند که بدانند تنها نیستند. کمک مالی  
امروز شما، مستقیماً صرف تأمین و رساندن یاری به کسانی خواهد شد که با  
بیشترین اضطرار به آن نیاز دارند.

همین حالا اقدام کنید. هر کمکی مهم و هر ساعت  
ارزشمند و سرنوشت‌ساز است.

(704) 544 - 7800  
(703) 303 - 6661

www.norooz.org

©Kayhan London, No. 2017

## خرید کتاب سقوط بهشت



سقوط بهشت

خاندان بیلوی و روزهای پایانی ایران یادشahi  
انثرو اسكات کوپور  
ترجمه رضا تقی‌زاده  
ناشر: کیهان لندن

قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند  
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت  
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل  
برای خرید سالنامه به سایت کیهان لندن مراجعه فرمایید



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE  
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife

@kayhanlife

@KayhanLife

https://kayhanlife.com/  
newsletters-subscription

## کیهان شما، کیهان لندن

@KayhanLondon

@kayhanlondon

@kayhanlondon

https://t.me/kayhan\_london

10 New Square-Lincoln's Inn  
London WC2A 3QG  
Tel: 0044 (0)20 3633 3684  
e-mail:  
info@kayhan.london  
ads@kayhan.london  
editorial@kayhan.london  
www.kayhan.london  
www.kayhanlife.com

سال چهل و دوم  
کیهان شماره ۲۰۱۹ (۵۵۳)  
۱۵ تا ۲۱ اسفند ۱۴۰۴  
۶ تا ۱۲ مارس ۲۰۲۶



## آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london



KAYHAN LONDON  
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN  
COMMUNITY

www.kayhanlife.com



## آگهی استخدام کارمند قراردادی

بنیاد فرهنگی ژاله استهانی برای کارهای اداری و رسانه‌های اجتماعی نیاز به کمک پاره  
وقت بر اساس قرارداد یکساله دارد.  
ساعات کار: ۱۰ پوند در هفته بطور متوسط  
دستمزد: ۱۵ پوند در ساعت  
محل کار: دور کاری، با احتمال حضور در برخی جلسات داخلی و خارجی.  
مدت قرارداد: یکسال  
مقناشیا سن باید علاقمند به مسائل فرهنگی باشند.  
شروع کار: ماه فوریه

شرح وظایف اصلی:

آماده سازی مطالب وبسایت و به روز رسانی و مدیریت شبکه‌های اجتماعی (فیس بوک،  
اینستاگرام، ایکس و یوتیوب)  
تهیه آمادگی و به روز رسانی وبسایتها و اطلاعیه‌های کارگروه‌ها و رویدادهای فرهنگی  
ارائه خدمت عمومی اداری برای فعالیتها: از جمله زروو محل برگزاری رویدادها، کمک  
به سازماندهی فعالیتها یا هماهنگی کارگروه‌های بنیاد، اطلاع رسانی و تبلیغ رویدادها از طریق  
ارسال ایمیل و یا شبکه‌های اجتماعی، پاسخ گویی به ایمیل‌ها و در صورت لزوم مشورت با  
هیئت امنا و انجام سایر امور اداری.

تجارب مورد نیاز:

آشنایی به امور اداری و سازماندهی  
آشنایی با کار با کامپیوتر، امور وبسایت و شبکه‌های اجتماعی، طراحی و ادیت وبسایت  
داشتن تجارب سازماندهی و ارتباطی  
دقت و توجه به جزئیات، قابل اعتماد بودن و علاقمندی به فعالیت‌های فرهنگی  
تسلط به زبان فارسی و انگلیسی

نحوه درخواست:

لطفاً رزومه خود را همراه نامه به ایمیل آدرس زیر ارسال نمایید:  
hr@jalehestahani.com

مهلت ارسال درخواست:

درخواست‌ها می‌باید حداکثر تا روز دو شنبه ۹ فوریه دریافت شود.  
بودجه این پست توسط سازمان خیریه لاتاری تأمین شده است.



## نامه‌ها و عاشقانه‌ها

حکایتی شیرین از عشق و دلدادگی  
نوشته: داریوش پیرنیا

به کوشش منصوره پیرنیا

لطفا جهت تهیه کتاب "نامه‌ها و عاشقانه‌ها" با انتشارات مهر ایران

شماره تلفن: 3012796778 و یا 2406027273 در شرق آمریکا تماس حاصل نمایید.

Web: www.pirnia.com



Email: pirnia@pirnia.com

# کیهان

## فهرست مطالب

سر مقاله - پایان معمار جمهوری اسلامی / روشنگر آستر کی ..... ۴

تیر هفته - مرگ خامنه‌ای، پایان دیکتاتوری؟ ... / ..... ۴-۵

متن مصاحبه شاهزاده رضا پهلوی با «ویز گراد»: مداخله بشر دوستانه برای کمک به ... / ..... ۶-۷

متن گفتگوی شاهزاده رضا پهلوی با شبکه «سی بی اس»: با دولت ترامپ و کنگره آمریکا در ارتباط هستیم ... / ..... ۸-۹

خامنه‌ای در حملات اسرائیل و آمریکا کشته شد: منابع منطقه‌ای: «جسدش از زیر آوار بیرون کشیده شد» ... / ..... ۹

شاهزاده رضا پهلوی در «واشنگتن پست»: با سپاس از پرزیدنت ترامپ، زمان آزادی ایران ... / ..... ۱۰-۱۱

جدال روضه خوان و نوحه خوان ... / خیر اندیش (احمد احرار) ..... ۱۱

داستان بلوچستان (۲) ماجرای فرار دوست محمد خان از تهران و بازداشت و اعدام او ... / امجد جهانیانی ..... ۱۲-۱۳

وال استریت ژورنال: جمهوری اسلامی «اتلاف جنگی ترامپ» را گسترش می‌دهد ... / ..... ۱۴

اسرائیل و آمریکا حمله نظامی را آغاز کردند: ترامپ خطاب به مردم ایران: وقت آزادی شما فرا رسیده ... / ..... ۱۵

پایان دوره سپاه ۳۶ سال رهبری خامنه‌ای: شورایی سه نفره مسئول دور انتقال شد ... / ..... ۱۶-۱۷

احمد خاتمی به طور ضمنی انتخاب جانشین خامنه‌ای را تکذیب کرد ... / ..... ۱۷

پنجمین روز مداخله نظامی آمریکا و اسرائیل: «سنتکام» توانایی رزمی جمهوری اسلامی رو به کاهش است ... / ..... ۱۸

فرمانده سنتکام: نیروی دریایی جمهوری اسلامی تقریباً نابود شد ... / ..... ۱۸-۱۹

در حملات هوایی آمریکا و اسرائیل به جلسه «شورای دفاع» موسوی، با کیور، شمخانی و نصیرزاده ... / ..... ۱۹

ترامپ در مصاحبه با «نیویورک تایمز»: نظامیان و سپاه سلاح‌شان را به مردم تحویل دهند ... / ..... ۲۰

دونالد ترامپ: عملیات «خشم حماسی» بهترین و آخرین فرصت برای نابودی رژیم شورو ایران است ... / ..... ۲۰-۲۱

دوران محمدرضا شاهی: ایران در مسیر قدرت جهانی (صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴) ... / فرید خلیفی ..... ۲۱

دیروز و امروز جمهوری اسلامی: از کشتار مردم تا جنگ ... / بهنام محمدی ..... ۲۱

کی‌پر استار حکومت ایران را به «راهبر دزمین سوخته» متهم کرد ... / ..... ۲۲

یونان و فرانسه پس از حمله پیکادای جمهوری اسلامی به پایگاه بریتانیا، ناو سامانه‌های پدافندی به ... / ..... ۲۳

فایننشال تایمز: اسرائیل با هک دوربین‌های ترافیکی، بیت خامنه‌ای را زیر نظر داشت ... / ..... ۲۴-۲۵

یک کارشناس نظامی: بعد از جنگ ۱۲ روزه هماهنگی پدافند جمهوری اسلامی برای رهگیری اهداف ... / ..... ۲۵

روزنامه «وال استریت ژورنال»: در مذاکرات ژنو توافقی حاصل نشد ... / ..... ۲۶-۲۷

دوران محمدرضا شاهی: زمزمه‌های یک گسست (صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴) ... / فرید خلیفی ..... ۲۷

نخستین تجمع ایرانیان بریتانیا پس از کشته شدن علی خامنه‌ای ... / ..... ۲۷

روزنامه «دیلی تلگراف»: جمهوری اسلامی چگونه با حملات تلافی جویانه جنگ را جهانی کرد ... / ..... ۲۸-۲۹

موشبانه ابن موسلی ... / بهنام محمدی ..... ۲۹

تداوم تهدید و سرکوب حکومتی در شرایط جنگی: جمهوری اسلامی از تباطو ده‌ها میلیون ایرانی را ... / ..... ۳۰-۳۱

حمله طرفداران خامنه‌ای در کراچی به کنسولگری آمریکا ... / ..... ۳۱

جمهوری اسلامی استفاده از مدارس به عنوان «سپر» را تأیید کرد ... / ..... ۳۲-۳۳

وزیر جنگ آمریکا خطاب به مردم ایران: یک «فرصت فوق العاده» ایجاد شده، اکنون نوبت شماست ... / ..... ۳۳

روزنامه «فایننشال تایمز»: ظرفیت شلیک موشک‌های بالستیک جمهوری اسلامی کاهش پیدا کرده است ... / ..... ۳۴-۳۵

داشنگاه در آستانه‌ی تغییر: نسل بی‌هراس و بازتعریف آینده‌ی ایران ... / رضا یاقوت ..... ۳۵

ایران خانه مشترک ماست، نه میدان تقسیم: تمامیت ارضی خط قرمز ملت ایران ... / احسان تارینیا ..... ۳۶-۳۷

خامنه‌ای به درک واصل شد: پایان سپاه یک دیکتاتور و آغاز یک خیزش بزرگ و آزادی ... / اس. روزبه ..... ۳۷

هشدار هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل: خطر اعدام‌های شتاب‌زده بازداشت‌شدگان اعتراضات ... / ..... ۳۸

مجمع تشخیص مصلحت نظام به شورای موقت رهبری اختیارات کامل اعطا کرد ... / ..... ۳۹

حمله‌ی پیش‌دستانه‌ی آمریکا و اسرائیل به ایران چگونه انجام شد؟ ... / بتکین آذر مهر ..... ۴۰-۴۱

تداوم بازداشت و فشارهای امنیتی بر هنرمندان با گذشت دو ماه از اعتراضات دی ۴۰۴ ... / ..... ۴۱

افزایش فشار بر دانشجویان معترض: از پیامک هشدار آمیز تا تهدید خانواده‌ها ... / ..... ۴۲-۴۳

هشدار در باره وضعیت زندانیان در شرایط جنگی ... / ..... ۴۴-۴۵

روایت دو شاهد عینی از اعتراضات دی ۴۰۴ در اراک: تک‌تیر اندازها فقط ... / افروز نور دستروم ..... ۴۵-۴۶

از ابهام تا اقدام: وقتی خطوط قرمز نادیده گرفته می‌شوند ... / کوروش زمانی ..... ۴۶-۴۷

گفتگو با مادر سواد کرمی فرد دانش آموز ۱۶ ساله جان‌باخته در اعتراضات دی ۴۰۴ ... / ..... ۴۸-۴۹

قصاصات تاریخی: فراتر از قدرت و در سایه‌ی رنج یک ملت ... / کوروش کلهر ..... ۴۹

ادامه متن نشست خبری شاهزاده رضا پهلوی در کنفرانس امنیتی مونیخ ... / ..... ۵۰

افزایش نگرانی‌ها از آینده وضعیت انرژی در جهان با ادامه جنگ در خاورمیانه ... / ..... ۵۱

از فرار زیر پله‌های جنگ ایران و عراق تا پیام‌های امروز جنگ آمریکا-اسرائیل و ... / اختر قاسمی ..... ۵۲-۵۳

تجمع ایرانیان بریتانیا در واکنش به حمله آمریکا و اسرائیل به جمهوری اسلامی ... / ..... ۵۳

برگزاری سمینار «ابر پروژه امید ایران» در لندن ... / ..... ۵۳

تأکید بر ادامه قطع برق در بهار و تابستان سال جدید ... / ..... ۵۴

افزایش قیمت جهانی نفت در نخستین روز بازگشایی بازار پس از آغاز جنگ ... / ..... ۵۵

خبرهای کوتاه ... / ..... ۵۶-۵۷

پشت جلد - عکس هفته / بهرام که گورمی گرفتگی همه عمر ... / ..... ۵۸

بازنشر  
بازنشر



## مرگ خامنه‌ای، پایان دیکتاتوری؟

## پایان معمار جمهوری اسلامی

شنبه نهم اسفندماه ۱۴۰۴ یک دیکتاتور خاموش شد. رهبر جمهوری اسلامی در حالی در حمله موشکی اسرائیل کشته شد که همواره آرزوی شهادت داشت و نتوانست در نزدیک به چهار دهه ولایت مطلقه به آرمان‌هایی که ترسیم کرده بود برسد و به شعارهایش جامه عمل بپوشاند. پایان خامنه‌ای نقطه عطف مهمی، نه تنها در سرنوشت جمهوری اسلامی، بلکه در تاریخ معاصر ایران خواهد بود؛ جنگی که با ترور او آغاز و طی پنج روز نخست دامنه آن به ۱۰ کشور گسترده شده است یا ایران را به دوران بعد از جمهوری اسلامی و آغاز



فصلی جدید از ساختار سیاسی خواهد رساند یا مسیر پر پیچ و خم رسیدن به آزادی را ناهموارتر خواهد کرد!

خامنه‌ای یازده سال پس از پیروزی انقلاب ۵۷، پس از مرگ خمینی و مدتی پس از پایان جنگ ایران و عراق به عنوان دومین رهبر جمهوری اسلامی برگزیده شد. روح‌الله خمینی به عنوان رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی شناخته می‌شد اما خامنه‌ای را باید به عنوان «معمار» نظام دانست.

خامنه‌ای که اول انقلاب از ترور جان سالم به‌در برده بود، پس از صندلی ریاست جمهوری، جانشین خمینی شد و به‌سرعت در قاب یک رهبر دیکتاتور و تمامیت‌خواه نمایان شد و ساختاری ناکارآمد، تهاکار، خلل‌ناپذیر و البته اصلاح‌ناپذیر را تثبیت کرد. او با اقداماتی چون تحمیل نظارت استصوابی، ایجاد ساختارهای موازی امنیتی و اجرایی، و رخنه در نهادهای انتصابی نتوانست نه تنها دولت بلکه ساختاری در سطح کلان را در سایه شکل دهد و «بیت رهبر» را به شکل فراقانونی به مرکز ثقل تصمیم‌گیری نظام تبدیل کند.

او حتی با راه‌اندازی شوره‌هایی فرادولتی از جمله شورای عالی سران اقتصادی و شورای راهبردی روابط خارجی تلاش کرد دخالت خود در تمام حوزه‌ها را تثبیت و سازوکاری برای دور زدن قوانین ایجاد کند.

پنجمین رئیس کشور جهان از لحاظ طولانی‌ترین دوران حضور در قدرت، در سالهای گذشته همه منتقدان و رقبای ریز و درشت ساختار طراحی شده‌اش را به چشم پر هم زدنی حذف کرد. شاید در مقایسه با تاریخ شوروی و لنین و استالین، بتوان او را استالین نظام انقلابی دانست که مطلقاً از سرکوب ابایی نداشت و در آخرین مرحله سرکوب شهروندان در دی ۴۰۴ نتوانست بزرگترین کشتار شهروندان در شرایط صلح را در تاریخ ایران ثبت کند و نام جمهوری اسلامی را در صدر فهرست سرکوبگرترین حکومت‌های جهان قرار دهد. فراتر از همه اینها اما خامنه‌ای همواره مهم‌ترین آرمانش نابودی اسرائیل بود و امیدوار بود اسرائیل ۲۵ سال آینده را نبیند. این آرمان سالها منابع عمومی و ملی کشور را بر باد داد و مردم ایران را با هزینه‌های زیادی روبرو کرد و از جمله، این روزها به جنگ نظامی فراگیری تبدیل شده است.

نام علی خامنه‌ای در شرایطی به عنوان یکی از رهبران دیکتاتور ایران و جهان در تاریخ ثبت خواهد شد که باید دید ساختاری که معماری کرده تا چه اندازه حیات‌اش به حیات «رهبر نظام» گره خورده بود و تا چه زمانی پس از مرگ او دوام خواهد آورد.



● بسیاری بر این باورند که آخرین ابزار نظام برای بقا همچنان سرکوب است. اساساً رهبران آمریکا و اسرائیل نیز گفته‌اند عملیات را تا جایی پیش می‌برند که مردم در خیابان بتوانند در مقابل سرکوبگران قد علم کنند. در روزهایی که می‌شود امیدوار بود حکومت نفس‌های آخر را می‌کشد، اگر ضربه نهایی را مردم وارد کنند.

جمهوری اسلامی حمایت می‌کنیم.» او حتا تأکید کرد که «باید برای فرادای بعد از این رژیم استراتژی داشته باشیم.» مقامات رژیم حاکم بر ایران به اندازه‌ی کافی آگاهند که وقتی رهبران قدرتمند اما محافظه‌کار اروپایی چنین مواضعی می‌گیرند، پس حکومت در بزنگاهی بسیار سخت قرار دارد و زمینه‌سازی برای «تغییر رژیم» کاملاً جدی است.

رسانه‌های جمهوری اسلامی به نقل از «یک مقام نظامی» تهدید کردند که در صورت تلاش آمریکا و اسرائیل برای تغییر رژیم در ایران، راکتور اتمی دیمونا در اسرائیل هدف قرار خواهد گرفت. در عمل هم جمهوری اسلامی نشان داد که برای بقای خود حاضر به هر حماقتی است.

شلیک موشک و پهپاد به حداقل ۱۳ کشور اطراف ایران تأیید می‌کند که حکومت، آخراً زمانی فکر می‌کند حتا اگر از ایران یک «سرزمین سوخته» برجای ماند.

اغلب کشورهایایی که موشک‌های سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی به سرزمین‌های آنها اصابت کرد، دولت‌هایی داشتند که در تمام چهار دهه‌ی گذشته با ملاحه، مباحثات کرده بودند و فراتر از آن، در دور زدن تحریم‌ها، پولشویی و معامله با غربی‌ها به اسم میانجیگری ←

حدود دو ماه پس از سرکوب خونین مردم و قتل‌عام ۱۲ تا ۳۰ هزار نفر توسط جمهوری اسلامی، آمریکا و اسرائیل در یک عملیات مشترک با عنوان «خشم حماسی» مداخله‌ی نظامی را آغاز کردند. علی خامنه‌ای و جمعی از فرماندهان ارشد در همان ساعات نخست حمله کشته شدند. حملات در بالاترین سطح ادامه دارد و اصلی‌ترین پرسش این است که این جنگ تا کجا ادامه خواهد داشت و آیا به سقوط نظام منتهی خواهد شد؟

هرچند دونالد ترامپ گفت که هدف اصلی آمریکا از حمله «تغییر رژیم» نیست، اما تقریباً همه می‌دانند که او بنا به مصلحت این حرف را می‌زند، زیرا قبلاً خودش درباری ضرورت حل ریشه‌های تهدیدات جمهوری اسلامی صحبت کرده است؛ از جمله اینکه پیش از شروع جنگ و پس از قتل‌عام مردم توسط حکومت گفت: «تغییر رژیم در ایران بهترین اتفاقی است که می‌تواند بیفتد.»

در همین ارتباط، فریدریش مرتس صدراعظم آلمان، در دیدار با دونالد ترامپ در کاخ سفید گفت: «درباره‌ی دور کردن این رژیم از ایران با آمریکا همسو هستیم» و «از تلاش آمریکا و اسرائیل برای خلاص کردن ما از شر رژیم تروریست

مشروعیتی ندارد. تنها جایگزین این رژیم، سامانه‌ی گذار است که چارچوب آن از طریق کتابچه‌ی مرحله اضطراری پروژه‌ی شکوفایی ایران به اطلاع شما رسیده است.»

علی‌رغم تبلیغات و بزرگنمایی‌هایی که داشت، فراتر از موشک‌پرانی‌های عمدتاً کور و پرتاب پهپاد، ابزار دیگری برای «عرض اندام» نداشت. در روز پنجم و ششم جنگ،

برای کاستن فشارها از رژیم قدم برداشته بودند، بی‌آنکه حتا یک بار به جنایات حکومت علیه مردم، از جمله سرکوب اعتراضات، قتل‌عام مردم یا اعدام‌ها، اعتراض



آنچه برای حکومت حیاتی است، تحمل مباران‌هاست؛ به این امید که تا پایان آنها دوام بیاورد. با مباران مراکز نظامی، نیروهای امنیتی به اماکن غیرنظامی، از جمله مدارس و باشگاه‌های ورزشی و استادیوم‌ها، منتقل شدند. در واقع این اماکن به پوشش و سپر انسانی آنها تبدیل شد، اما با هدف‌گیری‌های دقیق، این کانون‌های پوششی نیز برای سرکوبگران نامن شد.

در چنین شرایطی حکومت هواداران خود را به خیابان کشانده است و به اسم ماه رمضان و برگزاری مراسم یادبود برای خامنه‌ای، آنها را تا نیمه‌های شب در خیابان‌های شهرهای مختلف در تجمعات نگه می‌دارد؛ آن هم در نزدیکی نقاط استراتژیک. کارشناسان و تحلیلگران حکومتی مدام به طرفداران نظام توصیه می‌کنند که باید خیابان را حفظ کرد. نهادهای اطلاعاتی در آخر هفته به مردم تهران پیامک دادند که خانه‌هایشان را برای حضور مسافران از سایر نقاط فراهم کنند؛ کسانی که به پایتخت می‌آیند تا در مراسم تدفین خامنه‌ای شرکت کنند.

بسیاری بر این باورند که آخرین ابزار نظام برای بقا همچنان سرکوب است. اساساً رهبران آمریکا و اسرائیل نیز گفته‌اند عملیات را تا جایی پیش می‌برند که مردم در خیابان بتوانند در مقابل سرکوبگران قد علم کنند. در روزهایی که می‌شود امیدوار بود حکومت نفس‌های آخر را می‌کشد، اگر ضربه نهایی را مردم وارد کنند.

حساب سنتکام دوبار گزارش داد: «توان حکومت ایران برای ضربه به نیروهای آمریکا و شرکای منطقه‌ای به سرعت در حال کاهش است.» غرق شدن ناوهای نیروی دریایی ارتش و سپاه پاسداران، هدف‌گیری هواپیمای «یاک ۱۳۰» نیروی هوایی ارتش بر فراز تهران توسط اف-۳۵ اسرائیل، ناتوانی پدافند برای مقابله با پرواز جنگنده‌ها و پهپادهای آمریکایی و مباران مراکز استراتژیک نظام یکی پس از دیگری مهر تأییدی بر گزارش سنتکام است.

### واکنش شاهزاده رضا پهلوی به تلاش حکومت برای تعیین جانشین خامنه‌ای

از اصلی‌ترین مسائلی که نظام در بدترین شرایط با آن درگیر است، انتخاب جانشین برای علی خامنه‌ای است. اصلی‌ترین گزینه احتمالاً مجتبی خامنه‌ای باشد، اما ترامپ صراحتاً گفت هرکسی جانشین خامنه‌ای شود، کشته می‌شود.

شاهزاده رضا پهلوی نیز در پیامی ویدیویی گفت: «همان‌طور که پس از هلاکت خامنه‌ای تأکید کردم، هرگونه جانشین‌سازی برای او از پیش شکست‌خورده است. هر نامی که معرفی شود، چه مجتبی باشد یا حسن، فاقد مشروعیت است و در کارنامه‌ی خونین این رژیم و رهبران جنایتکارش، خمینی و خامنه‌ای، شریک خواهد بود.» او افزود: «رژیم در حال سقوط جمهوری اسلامی

کنند. حکومت چنان ستیزه‌جویی را به حداکثر رساند که خشم دولت‌های اسلامی «دوست» و «برادر» را هم برانگیخت.

### اعتراض فیدان به جمهوری اسلامی

وزیر خارجه‌ی ترکیه اعلام کرد که ایران بدون هیچ‌گونه تمایزی، کشورهای حاشیه خلیج فارس را مباران می‌کند و این راهبردی «به شدت اشتباه» است. هاکان فیدان در رابطه با راهبرد اتخاذ شده توسط جمهوری اسلامی گفت که آنها در ارزیابی خود، رویکرد «اگر من بروم، منطقه را هم با خود می‌برم» را دنبال می‌کنند و در حال هدف قرار دادن زیرساخت‌های انرژی سایر کشورهای منطقه هستند.

او تأکید کرد که ایران به خوبی می‌داند زیرساخت‌های انرژی در کشورهای کلیدی منطقه تا چه اندازه برای اقتصاد جهانی، ثبات و امنیت انرژی اهمیت دارد و از همین نقطه به‌عنوان ابزاری برای فشار استفاده می‌کند.

فیدان همچنین گفت که اهداف طرف‌های مهاجم، حول دو محور اصلی از بین بردن توانمندی‌های نظامی ایران و هدف‌گذاری برای تغییر رژیم مطرح شده است و در نتیجه می‌توان ارزیابی داشت که مدت، شکل و دامنه‌ی جنگ بر اساس این دو هدف متفاوت خواهد بود. آنطور که مقام‌های آمریکایی می‌گویند جمهوری اسلامی

## متن مصاحبه شاهزاده رضا پهلوی با «ویزگرا»: مداخله بشردوستانه برای کمک به مردم ایران ضروری است



شاهزاده رضا پهلوی در گفتگو با استفن تامپسون

خیابان‌های ایران می‌گذرد به گوش جهان برسد و متأسفانه رسانه‌های جریان اصلی تقریباً از این پوشش غایب بوده‌اند. چون شاید به نوعی با روایت آنها سازگار نیست؟ یا اینکه معیار دوگانه‌ای در کار است؟ قضاوتش با افکار عمومی. اما روشن است که آنها در توصیف چیزی که در تاریخ معاصر بی‌سابقه است، غیبت جدی داشته‌اند: بیش از ۳۰ هزار نفر در کمتر از دو روز تنها در منطقه‌ی تهران کشته می‌شوند و انگار مسئله به قدر کافی «مهم» نیست که رسانه‌های جریان اصلی پوشش بدهند. و می‌دانید، بالاخره یک جایی باید پاسخگو باشند. پوشش ندادن چنین تراژدی‌ای یا ناآگاهی مطلق است یا بدتر، تقریباً بازی در زمین رژیم و تبدیل شدن به ابزار تبلیغاتی آن که همیشه اعمال کثیف خود را پنهان کرده است. رژیمی آنقدر مستأصل که در تاریکی کامل مردم کشور را قتل‌عام می‌کند؛ رژیمی آنقدر درمانده و ضعیف که ناچار است بیش از ۵ هزار شبه‌نظامی غیرایرانی را از لبنان، فلسطین، افغانستان و عراق وارد کند تا کار کثیف را برایش انجام دهند و مردم ایران را در خیابان بگشند؛ چیزهایی که رسانه‌ها درباره‌اش حرف نمی‌زنند.

فکر می‌کنم خیلی از ایرانی‌ها مثل من از این وضعیت واقعاً خسته و عصبانی‌اند؛ بدبختی‌ترین کار یک خبرنگار این است که «خبر» را گزارش کند. امیدوارم بالاخره به این موضوع برسند و بفهمند پوشش دادن آن یک تعهد اخلاقی است. یک روزنامه‌نگار نمی‌تواند نسبت به چنین سطحی از نسل‌کشی بی‌تفاوت یا بی‌خبر بماند.

جامعه ایرانیان خارج کشور چندین اعتراض را سازمان داده است؛ تصاویر شگفت‌انگیز جلوی سفارتخانه‌ها، با پرچم شیروخورشید. هربار آن را می‌بینم کمی احساساتی می‌شوم. خانواده من هم در تبعید بودند؛ من نیمه‌لهستانی‌ام و خانواده‌ام هم تبعید را تجربه کرده‌اند، برای همین این ماجرا از یک جهت برایم آشناست و از همان زاویه عواطف مرا بیدار می‌کند. دیاسپورای ایرانی دارد توجهات را

زنان در زندان تجاوز می‌شود. از نظر سطح خشونت‌ی که به کار گرفته‌اند، واقعاً فاجعه‌بار است. با این حال، ایرانی‌ها همچنان ایستادگی می‌کنند. از شب همان کشتار، هر شب از پشت‌بام‌ها شعار داده‌اند. شما حمایت گسترده ایرانیان خارج کشور را هم دیده‌اید؛ از استرالیا تا کانادا و اینجا در اروپا. همه کنار هم ایستاده‌اند و در این خیزش از هم پشتیبانی می‌کنند. واقعیت این است که ما الان در موقعیتی هستیم که انگار با یک نیروی اشغالگر طرفیم و همه امیدوارند جهان به کمک بیاید؛ به شکل نوعی مداخله بشردوستانه که ضروریست. این تنها راهی است که می‌تواند برای ما فرصت واقعی برخاستن علیه رژیم را فراهم کند که ناعادلانه همه امکانات سرکوب را در اختیار دارد. فقط جهان می‌تواند با برابر کردن زمین بازی به ما کمک کند. برای همین همه منتظر اقدام‌اند- زودتر نه دیرتر- تا جان‌ها نجات پیدا کند و در مبارزه ما برای آزادی، شمار کشته‌شدگان کمتر شود.

برخی از ویدئوهایی که از ایران بیرون آمده‌اند واقعاً هولناک‌اند؛ از جمله ویدئویی که خیلی تکانم داد: نیروهای سپاه با خودرو حرکت می‌کنند و عملاً از روی معترضان رد می‌شوند. این تصاویر عمدتاً در شبکه‌های اجتماعی به ویژه «ایکس» پخش شده و ایرانیان خارج کشور، مخالفان و کسانی که علیه رژیم ایستاده‌اند، تبدیل به صدای مردم ایران شده‌اند. اما چیزی که برای من در تماشای مبارزه شما و مردم ایران علیه رژیم اسلامی برجسته است، اینست که رسانه‌های جریان اصلی، در مقایسه با میزان این سرکوب، تا حد زیادی سکوت کرده‌اند. شما الان گفتید ۳۶ هزار کشته فقط در تهران. در مقابل، جنگ غزه دو سال توجه رسانه‌های جریان اصلی را جلب کرد؛ هر هفته، هر شب، در هر پایتخت، ده‌ها تجمع و صدها هزار نفر در خیابان. به نظر شما چرا رسانه‌های جریان اصلی به رنج مردم ایران به اندازه رنج مردم غزه علاقه نشان نداده‌اند؟

واقعاً شبکه‌های اجتماعی نقش کلیدی دارند تا آنچه در

شاهزاده رضا پهلوی: «ما الان در موقعیتی هستیم که انگار با یک نیروی اشغالگر طرفیم و همه امیدوارند جهان به کمک بیاید؛ به شکل نوعی مداخله بشردوستانه که ضروریست. این تنها راهی است که می‌تواند برای ما فرصت واقعی برخاستن علیه رژیم را فراهم کند که ناعادلانه همه امکانات سرکوب را در اختیار دارد. فقط جهان می‌تواند با برابر کردن زمین بازی به ما کمک کند. برای همین همه منتظر اقدام‌اند- زودتر نه دیرتر- تا جان‌ها نجات پیدا کند»

«یادم هست اوایل دهه ۸۰- احتمالاً ۱۹۸۲ با یکی از اعضای مجلس لردها صحبت می‌کردم. گفتم: اروپا به خاورمیانه طوری نگاه می‌کند که انگار منطقه‌ای دوردست است و به ما ربطی ندارد؛ آنها آنجا با هم می‌جنگند! به او گفتم که یک روز این ماجرا به حیاط خلوت خودتان می‌رسد؛ و حالا رسیده است. و متأسفانه اینجا یک نوع زاویه فکری هست- بیشتر در میان چپ‌ها- که تا این را بگویی، فوراً می‌گویند «اسلام‌هراس» هستی! آیا فکر می‌کنید مردم عربستان، یا امارات، یا ایران، وقتی درباره اسلام رادیکال حرف می‌زنند، اسلام‌هراس‌اند؟ آنها مسلمان‌اند. فرقی را نمی‌شود تشخیص داد؟ و وقتی چیزی را همانطور که هست می‌نامی، متهم می‌شوی که «بد تصویرش کرده‌ای». این همان ریاکاری و معیار دوگانه‌ای است که وجود دارد.»

«ما منتظر آمریکا یا اروپا نمی‌مانیم؛ فقط به آنها می‌گوییم: چرا ایرانی‌ها را پس از سقوط رژیم، بهترین شریک خودتان نمی‌بینید؟ ما هستیم تا جهان امن‌تر شود؛ تا رادیکالیسم، تروریسم، تهدید هسته‌ای و هر چیز دیگری که دنیا را درگیر کرده، فوراً مهار شود. ما می‌توانیم فرصت شکوفایی اقتصادی برای کشور خودمان و کشور شما بسازیم و آینده بهتری برای نسل‌های بعد فراهم کنیم.»

استفن تامپسون مؤسس و مدیر پایگاه خبری «ویزگرا» مستقر در بریتانیا که از سال ۲۰۲۰ فعالیت خود را شروع کرده، اخیراً مصاحبه‌ای حضوری با شاهزاده رضا پهلوی داشت که متن آن را در ادامه می‌خوانید.

استفان تامپسون: امروز مهمان برنامه شاهزاده رضا پهلوی است؛ از نگاه برخی رهبر غیررسمی اپوزیسیون ایران در تبعید و از نگاه بعضی دیگر، رهبر رسمی. خیلی خوشحالم که اینجا با شما هستم.

شاهزاده رضا پهلوی: من نیز خوشحالم و از شما برای این دعوت ممنونم.

خیلی ممنون از وقتی که گذاشتید. ما در شرایطی بسیار خاص با هم دیدار می‌کنیم؛ سرکوب دیوانه‌وار و کشتار بی‌رحمانه است. به ما بگویید در ایران چه می‌گذرد و چه احساسی دارید؟

هیچ کلمه‌ای نمی‌تواند شدت خشونت‌ی که با اتفاق افتاد توصیف کند. حداقل آماری که داریم، بیش از ۳۶ هزار نفر است... ممکن است ارقام بالاتر هم باشد. این فقط کشتن مردم در خیابان نیست؛ آنها را در بیمارستان تعقیب می‌کنند و روی تخت بیمارستان تیر خلاص می‌زنند. بیش از ۴۰ هزار نفر بازداشت شده‌اند. بیش از ۳۰۰ هزار نفر زخمی‌اند. به

مسلمان زیادی از جمله امارات، اردن، عربستان سعودی و مصر، اخوان المسلمین را سازمان تروریستی اعلام کرده‌اند؟ چرا اروپا کوتاهی می‌کند؟  
-شاید بعضی‌ها اینجا فکر می‌کنند درباره این دو سازمان، بیشتر و بهتر از عرب‌ها و مسلمانان منطقه می‌فهمند!

### ● آیا همین است؟ جواب دیگری ندارد؟

-می‌دانم؛ شاید هم رشوه گرفته‌اند، فاسد شده‌اند، یا شاید به طرز باورنکردنی‌ای ساده‌لوح‌اند. مطمئن نیستم. اما واقعیت اینست که فکر می‌کنم در نهایت، مقدار زیادی ساده‌لوحی در کار است و نفهمیدن ابعاد واقعی ماجرا. خیلی‌ها که شاهد مستقیم سطح جنایت، رادیکالیسم، افراط‌گرایی، نفرت و تعصبی که در ایدئولوژی آنها نهادینه است نبوده‌اند، آن را درک نمی‌کنند مگر اینکه فقط یک روز، فقط یک روز، در ایران زندگی کنند تا بفهمند واقعاً چه می‌گذرد و این ایدئولوژی چطور مسموم است. زهر است. از رادیکالیسم هم بدتر است. اگر یک فاجعه ذوب هسته‌ای رخ بدهد، همین قدر ویرانگر است. و فکر می‌کنم حالا دارید پیامدهای آن رادیکالیسم و افراط‌گرایی را می‌بینید که در خاک اروپا هم خودش را نشان می‌دهد؛ این سطح از افراط‌گرایی اسلام رادیکال دارد در اروپا حس می‌شود. من سال‌ها پیش به اروپایی‌ها هشدار داده بودم که آخرش به حیاط خلوت خودتان می‌رسد. یادم هست اوایل دهه ۸۰- احتمالاً ۱۹۸۲- با یکی از اعضای مجلس لردها صحبت می‌کردم. گفتم: اروپا به خاورمیانه طوری نگاه می‌کند که انگار منطقه‌ای دوردست است و به ما ربطی ندارد؛ آنها آنجا با هم می‌جنگند؛ به او گفتم که یک روز این ماجرا به حیاط خلوت خودتان می‌رسد؛ و حالا رسیده است. و متأسفانه اینجا یک نوع زاویه فکری هست- بیشتر در میان چپ‌ها- که تا این را بگوئی، فوراً می‌گویند «اسلام‌هراس» هستی! آیا فکر می‌کنید مردم عربستان، یا امارات، یا ایران، وقتی درباره اسلام رادیکال حرف می‌زنند، اسلام‌هراس‌اند؟ آنها مسلمان‌اند. فرقی را نمی‌شود تشخیص داد؛ و وقتی چیزی را همانطور که هست می‌نامی، متهم می‌شوی که «بد تصویر کشیده‌ای». این همان ریاکاری و معیار دوگانه‌ای است که وجود دارد. اما واقعیت این است که بله اخوان المسلمین را رژیم اسلامی دارند به افراط‌گرایی، رادیکالیسم، نفرت، تعصب و تبعیض دامن می‌زنند. این جوهره ایدئولوژی آن‌هاست.

آنچه ما ایرانی‌ها می‌خواهیم کشوری است که در آن بتوانیم برای تکتک شهروندان ایران فارغ از قوم و باور مذهبی یا گرایش سیاسی، عدالت و برابری در برابر قانون را تضمین کنیم و به هر شکل از تبعیض پایان بدهیم که این رژیم ریشه اصلی‌اش بوده. و فقط ما نیستیم که آسیب می‌بینیم؛ خیلی‌های دیگر در جهان هم تحت تأثیر قرار گرفته‌اند. این مسیر، مسیر درستی نیست. و برای ما که به غرب نگاه می‌کنیم، باید پرسید چرا نگاه ما به غرب است؟! ما دنبال یکن نیستیم... چرا؟ چون کشورهای غربی دموکراسی‌های تثبیت شده‌اند که فکر می‌کنیم این آزادی‌ها و ارزش‌ها در آنها محترم است و محافظت می‌شود. اما چرا وقتی نوبت به کشورهای مثل ما می‌رسد، ناگهان دیگر مسئله «حقوق بشر» نیست و می‌شود: «شاید آنها جور دیگری فکر می‌کنند، شاید باید درکشان کنیم». این همان چیزی است که در ابتدا می‌گفتند: «بیا باید درکشان کنیم؛ شاید متفاوت‌اند؛ باید آنها را باور کنیم». ببخشید! اما تعصب، تعصب است. رادیکالیسم، رادیکالیسم است. نمی‌شود با تبعیض، تبعیض را توجیه کرد.

ادامه در صفحه ۵۰

● یکی از چیزهایی که شاید درباره ایران بد فهمیده می‌شود، میزان نفوذ این کشور در خاورمیانه و نقشی است که ایفا کرده، از جمله در جنگ اسرائیل و حماس. اسرائیلی‌ها فقط با حماس نمی‌جنگیدند بلکه با چندین نیروی نیابتی می‌جنگیدند. درباره نقش [رژیم] ایران به عنوان عامل بی‌ثباتی در خاورمیانه بیشتر توضیح می‌دهید؟  
-رژیم همچنان برای اینکه «خلافت شیعی» امروز خودش را بنا کند و آن را به جهان صادر کند، از نیروهای نیابتی زیادی استفاده می‌کند. چه حمایت از حماس باشد، چه حزب‌الله، چه حوثی‌ها؛ و حتی تا خاک اروپا و نیمکره غربی هم می‌رود؛ با سازمان‌های تروریستی یا «هسته‌های خفته» که از ساختارهایی تأمین مالی می‌شوند که مستقیماً به خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، وصل‌اند؛ مثلاً هدف گرفتن شهروندان بریتانیایی در خاک بریتانیا...

### ● می‌توانید چند نمونه مشخص از عملیات‌هایی بدهید که [رژیم] ایران در کشورهای غربی برای بی‌ثبات کردن آنها انجام داده؟

-من در واقع نقشه کامل ساختارها و نهادهایی را با جزئیات ارائه کرده‌ام که در پوشش «بنیاد» یا «مرکز» فعالیت می‌کنند و مستقیماً زیر نظر رهبر جمهوری اسلامی، علی خامنه‌ای، هستند که در خاک اروپا عمل می‌کنند در مورد بریتانیا اینکه چطور شهروندان بریتانیایی را هدف می‌گیرند؛ از جامعه یهودی، روزنامه‌نگاران تا مخالفان و... این شبکه گسترده است؛ تازه این غیر از آنست که درباره عملیات‌های پولشویی‌شان صحبت کنیم که خیلی از آنها نیز باز به سپاه پاسداران گره می‌خورند و اینکه چرا «تروریستی اعلام کردن سپاه» مدام به عنوان یکی از اقدامات ضروری مطرح می‌شود؛ که البته بحث جداگانه‌ای است. اینها روش‌هایی است که رژیم تا امروز با جنگ‌های نیابتی برای تضعیف ثبات منطقه به کار برده و دو هدف را جلو می‌برد: یکی ایجاد بی‌ثباتی‌ای که از آن تغذیه می‌کند؛ و دوم منحرف کردن توجه از خودش. هروقت مسئله‌ای پیش می‌آید، توجه‌ها را به سوریه یا لبنان یا غزه یا اسرائیل یا هر موضوع دیگری می‌کشاند تا نگاه‌ها از خودش برداشته شود. این تاکتیکی است که رژیم دهه‌ها به کار گرفته است.

### ● ادعاهایی مطرح شده و گفته می‌شود شواهدی هست که سپاه را به برخی باندهای فعال در اروپا مرتبط می‌کند، حتی در پرونده‌هایی مثل سرعت مسلحانه و قاچاق مواد مخدر. آیا شما از این موضوع خبر دارید؟

-این شبکه تا آمریکای لاتین هم امتداد پیدا می‌کند. بخشی از ارتباط رژیم تهران با کاراکاس و البته با کوبا در همین محور بوده؛ خیلی‌ها در ونزوئلا می‌توانند درباره رد پای سپاه تا نیمکره غربی توضیح بدهند. این تازه هم نیست. برخی حملات مثلاً علیه کنیسه‌های در آرژانتین عملیات دیگری بود که رژیم مرتکب شد و باز هم جامعه یهودی را هدف گرفت. در این چهار دهه آنقدر نمونه هست که می‌شود این الگوی رفتاری را نشان داد. و این فقط یک حادثه نیست؛ بخشی از استراتژی کلی برای ارباب منطقه و به گروگان گرفتن همه ما در این روند است.

● ایالات متحده در چند ایالت به سمت ممنوع کردن و تروریستی اعلام کردن اخوان المسلمین حرکت کرده است. اتحادیه اروپا اما در تروریستی اعلام کردن هم سپاه پاسداران و هم اخوان المسلمین تعلل کرده. به نظر شما چرا اروپایی‌ها کوتاهی می‌کنند، به ویژه وقتی کشورهای اکثر

→ به فجایی که این روزها در ایران رخ می‌دهد جلب می‌کند. شما از جهان غرب چه می‌خواهید انجام دهد؟ روایت کردن یک چیز است و بیرون آوردن تصاویر کاریست که آدم‌هایی مثل من هم می‌توانند انجام دهند. اما در عمل از دولت‌های غربی چه می‌خواهید؟

-وقتی می‌بینید رهبران کشورها دارند مواضع خیلی قاطع می‌گیرند، مثلاً صدراعظم مرتس [آلمان] که می‌گوید این رژیم مشروعیت خود را کاملاً از دست داده، وقتی یک نظام نامشروع می‌شود، منطقی‌اش این است که بپرسید: پس چه چیزی مشروع است؟ آیا این آرزوی مردم ایران نیست که بالاخره باید به رسمیت شناخته شود؟ ۴۰ سال است غرب عملاً سیاست «مماشات» را پیش برده، با این امید که شاید این رژیم رفتار خود را تغییر دهد، به اندازه کافی «عاقل» شود که پای میز مذاکره بیاید و استراتژی خود یعنی رادیکالیسم و افراط‌گرایی و تروریسم در منطقه و فراتر از آن را متوقف کند. اما این اتفاق نیفتاده است. در عوض، امروز به اینجا رسیده‌ایم: رژیمی که چهار دهه با طناب مماشات نجات پیدا کرده ولی تا همین امروز هیچ نشانه‌ای از تغییر به چیزی غیر از آنچه هست نشان نداده است؛ و نمی‌تواند هم نشان بدهد، چون همانطور که همیشه گفته‌ام، این در «دی‌ان‌ای» آنهاست. با جهان آزاد و دموکراتیکی که به حقوق بشر احترام می‌گذارد، آزادی‌های فردی را ارزش می‌داند و از حقوق اقلیت‌های مذهبی و قومی محافظت می‌کند، سازگار نیست. این رژیم اساساً برای صدور یک ایدئولوژی شکل گرفته؛ به زبان مردم ایران و علیه منافع جهان آزاد.

### ● پس از جهان آزاد چه انتظار داریم؟

اول: می‌تواند کمک کند تا ایرانیانی که بی‌دفاع و بی‌سلاح‌اند، در برابر چنین سطحی از خشونت تنها نمانند؛ با برابر کردن زمین بازی برای ما، از طریق حذف و خنثی ساختن ابزار سرکوبی که رژیم استفاده می‌کند از جمله سپاه پاسداران یا هر ساختار مشابه دیگر.

### ● پس شما از یک مداخله نظامی دفاع می‌کنید...

-این یک مداخله بشردوستانه است چون جهان دیگر نمی‌تواند این اندازه سرکوب و کشتار خیابانی را تحمل کند. این نخستین بار هم در جهان نیست. منظورم اینست که گاهی جنگ‌ها با مداخله‌ای از همین نوع پایان یافته‌اند...

### ● البته؛ همینطور است...

-بله؛ مثلاً جنگ جهانی دوم. شما که اهل لهستانید این را خوب می‌دانید. و دوم: بستن شریان‌های اقتصادی؛ یعنی قطع هر درآمدی که رژیم با آن ماشین جنگی‌اش را تأمین می‌کند. مسدود کردن دارایی‌هایشان و اختصاص دادن آن به کمک به مردم ایران در کمپین‌های مختلف از اعتصاب‌های کارگری گرفته تا موارد دیگر. اخراج دیپلمات‌هایشان، بستن سفارتخانه‌ها، پیگیری حقوقی و محاکمه کسانی که مسئول جنایت علیه بشریت بوده‌اند.

همچنین می‌تواند بیشتر کار کند تا ارتباط ایرانی‌ها از جهان قطع نشود. دسترسی به اینترنت و اطلاعات حیاتی است و در هر مرحله می‌تواند ابزار بسیار مؤثری برای ما باشد. و در نهایت، آماده باشند یک دولت انتقالی را به رسمیت بشناسند که پاسخ مشروع به خواست مردم ایران در برابر رژیمی است که مشروعیت آن را کاملاً از دست داده. اینها گام‌های ملموسی است که جهان می‌تواند برای کمک به ما بردارد و در پایان خواهند فهمید این کار نه فقط به نفع مردم ایران، بلکه به نفع منافع خودشان هم هست.

## متن گفتگوی شاهزاده رضا پهلوی با شبکه «سی‌بی‌اس»: با دولت ترامپ و کنگره آمریکا در ارتباط هستیم



شاهزاده رضا پهلوی در گفتگو با اسکات پلی

● «فکر نمی‌کنم نمونه‌ای از چنین سطحی از جنایت و قساوت در تاریخ ایران یا دوران معاصر وجود داشته باشد که توسط این رژیم رخ داد. و همه اینها به خاطر اصرار و پافشاری علی‌خامنه‌ای برای اینکه خودش و رژیم مافیایی‌اش را با سرمایه مردم ایران در قدرت نگه دارد.»

● «فکر می‌کنم بخشی از دلیل اعتماد مردم به من اینست که به هیچ شکل و صورتی نمی‌توانند مرا با انقلاب یا با این رژیم مرتبط بدانند... من از روزی که رفتم، هرگز ایران را ترک نکردم. ایران هر سال زندگی‌ام در ذهنم بوده. هر روز، وقتی صبح از خواب بیدار می‌شوم، اولین چیزی که در ذهنم است ایران است.»

● «پیام من به رئیس‌جمهور ترامپ این است که آمده‌ام تا همراه و هم‌صدا با میلیون‌ها تن از هم‌میهن‌انم در داخل و خارج از ایران از او تشکر کنم که این کار را انجام داد و شجاعت انجام اقدامی را داشت که آسان نیست. او مداخله کرد و در تقویم تاریخ ایران به عنوان برجسته‌ترین رهبر خارجی ثبت خواهد شد؛ کسی که قواعد بازی را عوض کرد و در نتیجه‌ی آن، جهان را تغییر داد.»

● شما می‌خواهید رهبری دوران گذار ایران به دموکراسی را بر عهده بگیرید و نمی‌خواهید شاه شوید. -من برای یک مقام نامزد نمی‌شوم.

● یعنی می‌گویید ایران را رهبری نمی‌کنید؟ -این موضوع دیگریست. مردم به من به عنوان رهبر دوران گذار اعتماد دارند، نه به عنوان شاه آینده یا رئیس‌جمهور آینده یا هر چیز دیگر. من کاملاً روی مأموریت زندگی‌ام متمرکز شده‌ام؛ اینکه کشور را به نقطه‌ای برسانم که مردم بتوانند آزادانه انتخاب کنند. همین برای من کافیست تا بگویم مأموریت‌م انجام شد.

● شما در تصور صلح با اسرائیل هستید؟ -البته! در تاریخ معاصر، ایران به یهودی‌هایی که در جنگ جهانی دوم از دست نازی‌ها فرار می‌کردند پناه داد و از آنها در ایران با پناهگاه و امنیت محافظت کرد. اهمیت استراتژیک مشارکت با اسرائیل امری حیاتی است.

● اصولی که بر اساس آن می‌خواهید ایران جدید را بسازید چیست؟

-فکر می‌کنم امروز چیزی که ما را متحد می‌کند چهار اصل محوری است و اینکه چطور می‌توانیم برای رسیدن به آن هدف کنار هم کار کنیم. اول، تمامیت ارضی ایران. دوم، جدایی روشن دین از دولت که پیش‌شرط دموکراسی است و ما به‌ایش را پرداخته‌ایم و می‌دانیم زندگی زیر سایه دیکتاتوری مذهبی یعنی چه. سوم، برابری همه شهروندان در برابر قانون و آزادی‌های فردی. و از همه مهم‌تر اینکه مردم بتوانند در یک روند دموکراتیک انتخاب کنند و تصمیم بگیرند که نظام آینده‌ی حکومت‌شان چه باشد.

● برنامه تسلیحات هسته‌ای چه خواهد شد؟ -به نظر من باید بطور کامل برچیده شود. فکر

را گرفته؟ فکر نمی‌کنم نمونه‌ای از چنین سطحی از جنایت و قساوت در تاریخ ایران یا دوران معاصر وجود داشته باشد که توسط این رژیم رخ داد. و همه اینها به خاطر اصرار و پافشاری علی‌خامنه‌ای برای اینکه خودش و رژیم مافیایی‌اش را با سرمایه مردم ایران در قدرت نگه دارد. نمی‌دانم چطور می‌شود آنها را توصیف کرد جز اینکه واقعاً هیولا هستند، به معنای واقعی کلمه.

● ژانویه گذشته، ایرانی‌ها به فراخوان پهلوی به خیابان‌ها ریختند و صدها هزار نفر راهپیمایی کردند. حکومت بنا بر برآوردها حدود ۲۰ هزار شهروند را به گلوله بست. آن کشتار پیش‌درآمد جنگ بود. این ویدئو مربوط به شب پس از اعلام خبر مرگ خامنه‌ای در شهر اصفهان است. این برای شما چه معنایی دارد؟

-یعنی در نهایت ما آماده‌ایم برگردیم به خیابان‌ها، هرچند به آنها هشدار داده بودم که فعلاً مراقب امنیت خودتان باشید و در خانه بمانید؛ زمان رفتن به خیابان هم خواهد رسید. اما باز می‌بینید مردم همچنان آنقدر شجاع هستند که بگویند بی‌خیال؛ چون برای ما این آزادی است. برای ما مثل یک مداخله بشردوستانه است برای محافظت از جان‌هایی که ممکن بود همچنان از دست بروند. اما حالا وقتی مردم ایران پایان رژیم‌ی را می‌بینند که همیشه محکوم به فروپاشی بود، چه مداخله می‌شد و چه نمی‌شد، به آنها یک فرصتی واقعی می‌دهد. می‌خواهم مخاطبان شما بدانند که ما آماده بودیم بجنگیم. خون زیادی بین ما و این رژیم ریخته شده. ما متعهدیم بجنگیم، فارغ از مداخله از خارج. آنها دارند از رئیس‌جمهور ترامپ تشکر می‌کنند که به حرفش عمل کرد و پای قول‌اش ایستاد.

● واقعاً باور دارید این رژیم بعد از نزدیک به ۵۰ سال سقوط می‌کند؟ -قطعاً!

شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با اسکات پلی در برنامه «۶۰ دقیقه» شبکه «سی‌بی‌اس نیوز» که دوم مارس (۱۱ اسفند ۱۴۰۴) پخش شد، با اشاره به کشته شدن علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در حملات آمریکا و اسرائیل گفت: «او به معنای واقعی یک هیولا بود و با اینکه به مردم هشدار دادیم که در زمان حمله مراقب باشند و به خیابان‌ها نیایند اما از مرگ او آنقدر خوشحال بودند که گفتند بی‌خیال و موجی از شادی در ایران به راه افتاد.»

شاهزاده رضا پهلوی همچنین گفت که با دولت ترامپ و کنگره آمریکا در تماس است و تأکید کرد: «اهمیت استراتژیک مشارکت با اسرائیل امری حیاتی است.»

● اسکات پلی با توضیحاتی درباره حملات نظامی اخیر آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی و اینکه «گفتگو را با خبر کشته شدن علی‌خامنه‌ای در ساعات آغازین جنگ آغاز کردیم»، با اشاره به انقلاب ۱۹۷۹ و دوران زندگی شاهزاده رضا پهلوی در تبعید می‌افزاید: «امشب شناخته‌شده‌ترین چهره اپوزیسیون ایران که معتقد است رژیم در حال فروپاشی است، در پاریس است. او می‌خواهد رهبری گذاری را بر عهده بگیرد که ایران را برای جهان امن‌تر کند... از او پرسیدیم آیا می‌خواهد به پادشاهی برسد؟ سیاست ایران نسبت به اسرائیل چگونه باید باشد؟ سرنوشت برنامه هسته‌ای چه می‌شود؟»

شاهزاده رضا پهلوی: بی‌تردید یک رویداد تکان‌دهنده است؛ از این جهت که مردم تمام هیولایی را که اسمش «رژیم» است، در نهایت در چهره هیولای اصلی می‌بینند و وقتی چنین شخصیتی نابود می‌شود، موجی از شادی به راه می‌افتد. مردم می‌گویند «خدای من، بالاخره اتفاق افتاد». شاید این همان شانس ماست.

● شما خامنه‌ای را «هیولا» می‌نامید. منظورتان چیست؟ -خب، از وقتی این رژیم سر کار آمده، جان چند ایرانی

→ نمی‌کنم ایران هیچ نیازی به دنبال کردن نظامی‌سازی برنامه هسته‌ای داشته باشد.

● دوران پدرتان با سرکوب و تجمل افراطی به یاد آورده می‌شود. چرا فکر می‌کنید مردم امروز از شما استقبال می‌کنند؟

-خب، این شاید یک روایت باشد. اما وقتی به خیلی از کسانی نگاه می‌کنید که آن زمان را تجربه کرده‌اند، به من می‌گفتند: می‌دانی چیست؟ ما می‌دانیم کجا بودیم و حالا کجا هستیم. امروز می‌خواهیم کنار تو باشیم. از تو حمایت می‌کنیم. و اینها افرادی هم هستند که در همان زندان‌های معروف یا سرکوبگر، هرچه اسمش را بگذارید، در رژیم پیشین زندانی شده بودند.

● در دوران پدرتان مردم کشته نمی‌شدند؟

-ببینید، پدرم داوطلبانه ایران را ترک کرد تا خونریزی نشود. و گفت: من پادشاهم. پادشاه تاج و تخت‌اش را روی خون مردم خودش بنا نمی‌کند. اگر ملت امروز مرا نمی‌خواهد، می‌روم. اسلحه‌ام را به سوی آنها نمی‌گیرم.

● شما نزدیک به ۵۰ سال است خارج از کشور هستید.

چرا مردم باید شما را بخواهند؟

-اگر آنها فکر می‌کردند که این یک مسئله است، فکر نمی‌کنم میلیون‌ها نفر در خیابان‌های ایران نام مرا صدا می‌زدند. فکر می‌کنم بخشی از دلیل اعتماد مردم به من اینست که به هیچ شکل و صورتی نمی‌توانند مرا با انقلاب یا با این رژیم مرتبط بدانند. همین جوان‌هایی که امروز در خیابان‌ها هستند و با این رژیم هدف گلوله و کشتار قرار می‌گیرند، نسلی هستند که به والدین‌شان می‌گویند: «واقعاً چه فکر کردید؟ این چه جنونی بود که فکر کردید خمینی قرار است راه حل و مسیر آزادی ما باشد؟ ببینید حالا کجا هستیم.» من از روزی که رفتم، هرگز ایران را ترک نکردم. ایران هر سال زندگی‌ام در ذهنم بوده. هر روز، وقتی صبح از خواب بیدار می‌شوم، اولین چیزی که در ذهنم است ایران است.

● پهلوی به ما گفت که با دولت ترامپ و اعضای از

کنگره در تماس است. پیام شما به پریزدنت ترامپ چیست؟

-پیام من به رئیس‌جمهور ترامپ این است که آمده‌ام تا همراه و هم‌صدا با میلیون‌ها تن از هم‌میهن‌انم در داخل و خارج از ایران از او تشکر کنم که این کار را انجام داد و شجاعت انجام اقدامی را داشت که آسان نیست. او مداخله کرد و در تقویم تاریخ ایران به عنوان برجسته‌ترین رهبر خارجی ثبت خواهد شد؛ کسی که قواعد بازی را عوض کرد و در نتیجه‌ی آن، جهان را تغییر داد.

● ترامپ در ژانویه درباره شما گفت: «به نظر آدم خیلی

خوبی می‌آید، اما نمی‌دانم در کشور خودش چطور پیش می‌رود. نمی‌دانم کشورش رهبری او را می‌پذیرد یا نه؛ و البته اگر بپذیرند، برای من مشکلی نیست.» به نظر می‌رسد حمایت همه‌جانبه ترامپ را داشته باشید.

-اول از همه، فکر نمی‌کنم کسی در موقعیت من انتظار داشته باشد یک دولت خارجی یا یک رهبر خارجی رسماً از او حمایت کند. چیزی که الان می‌دانم این است که میلیون‌ها ایرانی، داخل ایران و خارج از ایران، نام مرا صدا می‌زنند. در من کسی را می‌بینند که به شکل ویژه‌ای در جایگاهی قرار دارد که می‌تواند نقش رهبری گذار را ایفا کند؛ نه برای نامزد شدن در قدرت، چون کاری که می‌کنم

## خامنه‌ای در حملات اسرائیل و آمریکا کشته شد؛ منابع منطقه‌ای: «جسدش از زیر آوار بیرون کشیده شد»



گوشی موبایل یک هوادار علی خامنه‌ای

منابع اسرائیلی می‌گویند عکس جسد علی خامنه‌ای به ترامپ و نتانیاهو نشان داده شده است.

در همین ارتباط «شبکه ۱۲» اسرائیل اعلام کرد که خامنه‌ای کشته شده و جسد او از زیر آوار یک مجتمع مسکونی بیرون کشیده شده است. گفته می‌شود خامنه‌ای در یک مخفیگاه زیرزمینی بود و به همراه او ده‌ها تن از مقامات این کشور نیز کشته شده‌اند.

وبسایت «آکسیوس» نیز گزارش داد که جیحیل لیتر سفیر اسرائیل در ایالات متحده، به چندین مقام ارشد در واشنگتن اطلاع داد که خامنه‌ای کشته شده است.

خبر مرگ خامنه‌ای را ابتدا بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل به نقل از اطلاعات ارتش این کشور اعلام کرد.

خامنه‌ای در فروردین سال ۱۳۱۸ در مشهد به دنیا آمد. او پس از ترور محمدعلی رجایی، در سال ۱۳۶۰ به ریاست‌جمهوری رسید و دو دوره در این مقام باقی ماند. به‌دنبال مرگ خمینی در سال ۱۳۶۸، مجلس خبرگان با نفوذ اکبر رفسنجانی او را به‌عنوان دومین رهبر جمهوری اسلامی انتخاب کرد.

بعد از اعلام مرگ خامنه‌ای ده‌ها ویدیو منتشر شد که نشان می‌داد مردم با وجود شرایط امنیتی به شادی پرداختند.

تصویر نمونه‌ی عینی قهرمانی است.

● قشای این صحنه‌ها تکان‌دهنده است. پهلوی به ما گفت یگان‌هایی در ارتش و پلیس به او پیام داده‌اند که حاضرند علیه حکومت اقدام کنند. او می‌گوید در یک روند آشتی ملی، به بسیاری از نیروها که دست‌شان به خون مردم آلوده نیست عفو داده می‌شود.

- درواقع این یک نشانه روشن برای اینست که اکنون وقت تصمیم است: می‌خواهید اینبار کنار مردم باشید یا می‌خواهید در یک کشتی در حال غرق شدن بایستید!

● ممکن است این مصاحبه از سد قطع اینترنت عبور کند. می‌خواهم بدانم به مردم ایران چه می‌گویید؟

-به خودتان ایمان داشته باشید. شما ملتی با تمدنی کهن هستید. می‌دانم چقدر به میراث‌تان افتخار می‌کنید، و ایران چقدر برای همه شما مهم است. من همیشه به آنها گفته‌ام و می‌گویم: می‌دانم همیشه به آینده‌ای بهتر امید داشته‌اید. چیزی که می‌خواهم از امروز شروع کنید و می‌بینم که به ندای من پاسخ داده‌اید اینست که بجای فقط امید داشتن، شروع کنید به باور کردن اینکه می‌توان به آن آینده رسید.

● خبرگزاری «رویترز» شنبه نهم اسفندماه ۱۴۰۴ به نقل از یک مقام ارشد اسرائیلی گزارش داد که علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران در حملات آمریکا و اسرائیل کشته شده است.

● این خبرگزاری به نقل از یک مقام اسرائیلی خبر داد که جسد خامنه‌ای از زیر آوار بیرون کشیده شده است.

● منابع اسرائیلی می‌گویند عکس جسد علی خامنه‌ای به ترامپ و نتانیاهو نشان داده شده است.

● در همین ارتباط «شبکه ۱۲» اسرائیل اعلام کرد که خامنه‌ای کشته شده و جسد او از زیر آوار یک مجتمع مسکونی بیرون کشیده شده است. گفته می‌شود خامنه‌ای در یک مخفیگاه زیرزمینی بود و به همراه او ده‌ها تن از مقامات این کشور نیز کشته شده‌اند.

خبرگزاری «رویترز» شنبه نهم اسفندماه ۱۴۰۴ به نقل از یک مقام ارشد اسرائیلی گزارش داد که علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران در حملات آمریکا و اسرائیل کشته شده است.

این خبرگزاری به نقل از یک مقام اسرائیلی خبر داد که جسد خامنه‌ای از زیر آوار بیرون کشیده شده است.

این نیست، بلکه اینست که پلی باشم به سوی آن سرنوشت.

● تنش‌ها ماه‌هاست رو به افزایش است. در خردادماه نیروهای آمریکا و اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای در ایران حمله کردند در سال ۲۰۲۲ یکی از بزرگترین خیزش‌ها در نزدیک به ۵۰ سال تاریخ این رژیم رخ داد؛ پلیس «گشت ارشاد» زنی ۲۲ ساله را به اتهام «بی‌حجابی» بازداشت کرد. او در بازداشت کشته شد و جمعیت به خیابان‌ها آمد تا پایان رژیم را بخواهند. نیروهای امنیتی بیش از ۵۰۰ نفر را کشتند، ۲۲ هزار نفر را بازداشت کردند و اینترنت را قطع کردند. بخش بزرگی از جامعه تا امروز خشمگین و ملتهب مانده. وقتی شجاعت مردم را در خیابان‌ها می‌بینید، این صحنه‌هایی که شاهدش هستیم چه احساسی در شما ایجاد می‌کند؟

-فکر می‌کنم تعریف نهایی قهرمانی است. آن دانشجوی تنهای چینی را یادتان هست در میدان تیان‌آن‌من که جلوی تانک ایستاد؟ آن تصویر را یادم هست. بگذارید تصویر دیگری به شما بدهم که در فضای مجازی فراگیر شده: آن آتش‌نشان که چند هفته پیش در خیابان‌ها یک مجروح تیرخورده را حمل می‌کرد و او را هم با گلوله کشتند. این

## شاهزاده رضا پهلوی در «واشنگتن پست»:

## با سپاس از پرزیدنت ترامپ، زمان آزادی ایران فرا رسیده است



ایران آزاد، پس از دهه‌ها، روابط گرم پیشین خود با ایالات متحده را از سر خواهد گرفت. زایش دوباره ملت ما دوره‌ای از صلح و رفاه را رقم خواهد زد: با ذخایر انرژی، جمعیتی تحصیل کرده و کارآفرین، و جغرافیایی که ایران را بطور طبیعی به کانون تجارت منطقه‌ای بدل می‌کند.

ایران، عراق نیست. ما اشتباهاتی را که پس از آن جنگ رخ داد تکرار نخواهیم کرد. نه انحلال نهادها در کار خواهد بود، نه خلأ قدرت، نه هرج و مرج. دقیقاً به همین دلیل است که تیم کارشناسان من طرح دوران گذار به نام «پروژه شکوفایی ایران» را تدوین کرده است.

این نقشه راه تفصیلی برای بازسازی ملی، از جمله ۱۰۰ روز نخست پس از فروپاشی حکومت و نیز بازسازی و تثبیت بلندمدت کشور، مورد حمایت بسیاری از رهبران کسب و کار در جهان است. دیوید ایگنیشس، نویسنده‌ی واشنگتن پست، این پروژه را «هوشمندانه‌تر از هر آن چیزی» توصیف کرده که دولت آمریکا یا تبعیدیان عراقی پیش از حمله ۲۰۰۳ به آن کشور ارائه کرده بودند.

گروه‌های اپوزیسیون دموکراتیک ایران اعم از پادشاهی‌خواه و جمهوری‌خواه، اقلیت‌های سکولار و مذهبی، چپ‌ها، لیبرال‌ها و همه اقوام بر سر چهار اصل بنیادین متحدند: تمامیت ارضی ایران؛ آزادی‌های فردی و برابری همه شهروندان؛ جدایی دین از دولت؛ و حق مردم ایران برای تعیین شکل دموکراتیک حکومت آینده.

بسیاری از ایرانیان، اغلب در حالی که زیر باران گلوله قرار داشته‌اند، از من خواسته‌اند رهبری این گذار را بر عهده بگیرم. از شجاعت‌شان در شگفتم و به ندای آنان پاسخ داده‌ام. مسیر پیش رو شفاف خواهد بود: قانون اساسی جدیدی که تدوین می‌شود و با همه‌پرسی به تصویب می‌رسد؛ سپس انتخابات آزاد با نظارت بین‌المللی برگزار می‌شود. و آنگاه پس از رأی مردم، دولت گذار منحل خواهد شد.

● راه پیش روی ما، تدوین قانون اساسی جدید و سپس برگزاری انتخابات آزاد با نظارت بین‌المللی است.

● همان حکومت آخرالزمانی که از ۱۹۷۹ هم‌میهن‌انم را سرکوب کرده، سیاست «مرگ بر آمریکا» را نیز نهادینه کرده است.

● سال‌هاست هم‌میهن‌انم از جهان آزاد خواسته‌اند کنارشان بایستند. اکنون رئیس‌جمهور ترامپ به ندای آنان پاسخ داده است. مردم ایران می‌دانند تنها نیستند.

● با نزدیک شدن رهایی ما، از دوستان آمریکایی و جامعه‌ی بین‌المللی می‌خواهیم همچنان کنار ما بایستند و آماده باشند تا زمانی که آن لحظه فرا می‌رسد، یک دولت گذار مشروع را به رسمیت بشناسند.

دیدگاهی که در ادامه می‌خوانید به قلم شاهزاده رضا پهلوی شنبه ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ در واشنگتن پست منتشر شد. بامداد شنبه نیروهای آمریکا و اسرائیل عملیات «خشم حماسی» را علیه حکومت ایران آغاز کردند. بنا بر اعلام دولت‌های آمریکا و اسرائیل، رهبر حکومت، علی خامنه‌ای، کشته شد. پرزیدنت دونالد ترامپ در اعلام این حملات، تهدیدهای سنگینی را برشمرده که «مهم‌ترین حامی تروریسم در جهان» علیه ایالات متحده و متحدانش ایجاد می‌کند. او همچنین رو به مردم ایران، قربانیان همیشگی این حکومت، اعلام کرد: «زمان آزادی شما فرا رسیده است.»

آقای رئیس‌جمهور: سپاسگزارم. این کلمات به مردم ایران نیرو داد و یقین دارم که آنان از عهده‌ی این لحظه برخوردارند آمد. نزدیک به نیم قرن است که جمهوری اسلامی مانند «یک دولت در میان دولت‌ها» رفتار نکرده و در عوض، همچون یک پروژه‌ی انقلابی سلطه‌جو عمل کرده است: حاکمیت همسایگان را تضعیف کرده، در سراسر جهان به شعله‌ور کردن درگیری‌ها دامن زده، و در پی دستیابی به سلاح هسته‌ای و موشک‌های دوربرد برای حمل آن بوده است.

همان حکومت آخرالزمانی که از ۱۹۷۹ هم‌میهن‌انم را سرکوب کرده، سیاست «مرگ بر آمریکا» را نیز نهادینه کرده است. چنانکه رئیس‌جمهور ترامپ به‌درستی یادآوری کرد، ملاها با یورش به سفارت آمریکا در تهران و به گروگان‌گرفتن آمریکایی‌ها به مدت ۴۴۴ روز به قدرت رسیدند.

در دهه‌های بعد، حکومت کارزار خود علیه ایالات متحده و جهان آزاد را ادامه داد. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مسئول مرگ هزار نفر و چه بسا بیش از اینها شهروند آمریکایی است؛ از جمله دست‌کم ۶۰۳ نظامی ایالات متحده که با بمب‌های کنار جاده‌ای که توسط رژیم ایران تأمین شده کشته شدند.

رئیس‌جمهور ترامپ از همان دوره‌ی نخست ریاست جمهوری‌اش با شفافیت اخلاقی و اقدام قاطع پاسخ داد. او از توافق هسته‌ای غیرمسئولانه با رژیم ایران — «برجام» — خارج شد؛ کارزار گسترده‌ی «فشار حداکثری» را اعمال کرد؛ و سپاه پاسداران را در فهرست «سازمان‌های تروریستی خارجی» قرار داد. در سال ۲۰۲۰ نیز قاسم سلیمانی، یکی از فرماندهان ارشد حکومت و چهره‌ی اصلی تروریسم آن را از میان برداشت. با اینهمه، هولناک‌ترین جنایت‌های جمهوری اسلامی نه در خارج بلکه در داخل کشور رخ داده است.



در ژانویه، هنگامی که میلیون‌ها ایرانی برای حق آزادی به خیابان‌ها آمدند، بنا بر گزارش‌ها، حکومت طی چند روز بیش از ۳۰ هزار نفر را قتل‌عام کرد. این رفتار یک دولت مشروع نیست؛ رفتار یک نیروی اشغالگر است. در حقیقت، نبرد امروز کشور من میان «اشغال» و «رهايي» است. سال‌هاست هم‌میهن‌انم از جهان آزاد خواسته‌اند کنارشان بایستند. اکنون رئیس‌جمهور ترامپ به ندای آنان پاسخ داده است. مردم ایران می‌دانند تنها نیستند.

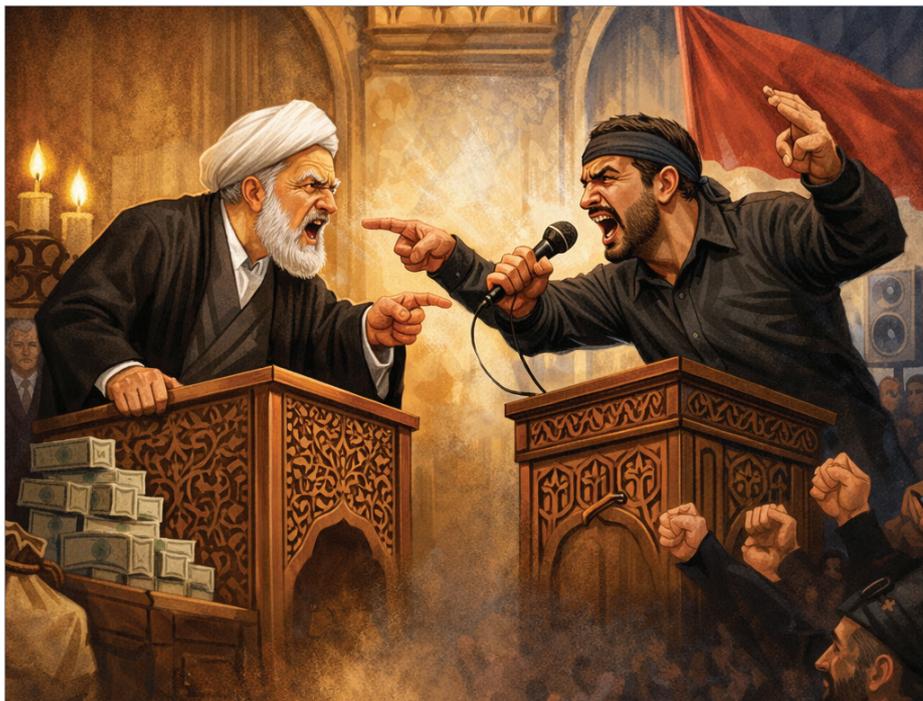
اما حتی با کمک آمریکا و اسرائیل نیز پیروزی نهایي را سرانجام مردم ایران رقم خواهند زد. آنان نیروی میدانی‌اند. و اکنون، با برچیده شدن ماشین سرکوب حکومت، توازن قوا سرانجام در حال تغییر است و به ایرانیان فرصت می‌دهد تا سرنوشت خود را در دست خویش بگیرند.

بازنشر

# جدال روضه خوان و نوحه خوان

خیراندیش (احمد احرار)

کیهان لندن شماره ۱۱۹۲ (بهمن ۱۳۸۶)



کخال تلمذ کرد و کخال شد و فکل و کراوات بست و فرنگی مآب شد و بنام دکتر حسن خان به مشهد آمد و کحالی می‌کرد. از زن دیگری حاج فاضل پسری دارد بنام شیخ احمد که او هم فعلاً در مشهد محضر ثبت اسناد دارد. بین پدر و پسر، یعنی حاج فاضل و دکتر حسن خان مدتها مباحثه بود که احمد چه تحصیل کند. پدر می‌گفت من پیر شده‌ام. تو حسن که رفتی و خان شدی و دکتر شدی. می‌خواهم سلسله‌ام برنیفتد و اجاق تاریک نشود. پدرم و خانواده‌ام مجتهد بوده‌اند. خوب است احمد به عتبات برود و مجتهد علوم شرعی شود. دکتر حسن خان می‌گفت بهتر است برود به طهران در مدارس جدید تحصیل علوم غیر شرعی امروزی کند، وجودش انفع است.

بعد از مدتی مباحثه، شبی حاج فاضل با دکتر حسن خان دوباره موضوع را طرح می‌کند که شیخ احمد باید به عتبات برود. دکتر حسن خان می‌گوید آقا جان، تا احمد برود به عتبات و سالها تحصیل کند و مجتهد برگردد دیگر رونق این کارخانه کم خواهد شد. دوره، دوره مجتهدین و آخوندها نیست. این بساط بتدریج منسوخ خواهد شد. بهتر است برود همان علوم جدید را تحصیل کند.

حاج فاضل می‌گوید حسن، خیال می‌کردم تو فکری داری، عقلی داری، حساب در دست تو است. می‌بینم خیلی نسنجیده صحبت می‌کنی و مردم را نشناخته‌ای. پسر جان، تو خیال می‌کنی در این چند سال که احمد برود تحصیل کند و مجتهد برگردد تا آن تاریخ تخم خر از ایران برخواهد افتاد و احمق‌ها منقرض می‌شوند؟ خیر پسر جان، تا این مملکت باشد خر در آن فراوان است. همیشه عده‌ای خواهند بود که به احمد و نوع احمد سواری بدهند!

عاشورا و تاسوعای امسال، همانطور که در خبرها خواندید، میدان جدل بین روضه‌خوان‌ها و نوحه‌خوانها بود. روضه‌خوان‌ها، نوحه‌خوان‌ها را متهم می‌کنند که پایشان را از گلیمشان درازتر کرده‌اند و به جای نوحه‌خوانی، در مجالس سوگواری منبر می‌روند و به سخنرانی می‌پردازند حال آن که منبر رفتن و سخن گفتن از حقوق اهل منبر است. نوحه‌خوان‌ها جواب می‌دهند انقلاب اسلامی، روضه‌خوان‌ها را ترفیع درجه داد و به وزارت و وکالت و سفارت رساند. نوحه‌خوان هم دیگر آن نوحه‌خوان قبل از انقلاب نیست. حالا ما هم به جای ایستادن در پای منبر و نوحه سر دادن حق داریم بالای منبر برویم و حرفهای سیاسی بزنیم.

آماری که به برکت همین درگیری از تعداد روضه‌خوانها و نوحه‌خوانها و درآمدهایشان انتشار یافته به نوبه خود قابل توجه است. کسانی می‌پرسند در عصر تسخیر فضا، این آمار و ارقام چه توجیهی دارد. ما اگر خواسته باشیم به این سؤال پاسخ دهیم از هر طرف هدف حمله قرار می‌گیریم. یکی می‌گوید توهین به مذهب کرده‌اید. دیگری می‌گوید توهین به ملت کرده‌اید. جوابش را می‌گذاریم به عهده مردگانی که هفت کفن پوسانده‌اند و مال این دوره و زمانه هم نیستند.

مرحوم دکتر قاسم غنی در خاطراتش می‌نویسد: «یکی از مجتهدین و فقهای درجه اول مشهد حاج فاضل بود که احدی در جامعیت او شک نداشت. فقها و علمای درجه اول او را مجتهد مسلم متبحر و استاد سرآمد می‌شمردند. به‌علاوه ذوق و اطلاعات ادبی و شعری و تاریخی داشت. شخصاً هم بسیار باهوش و رند بود. پسر بزرگش شیخ حسن، در جوانی طلبه بوده بعد به طهران رفت. عمامه را کنار گذاشت و مقدمات علوم جدید را تحصیل کرد و نزد دکتر حسین خان

ایران دموکراتیک خاورمیانه را دگرگون خواهد کرد؛ و یکی از پایدارترین سرچشمه‌های آشوب در جهان را به ستونی برای ثبات منطقه‌ای بدل می‌کند. «پیمان ابراهیم» رئیس‌جمهور ترامپ به عنوان یک توافق تاریخی نشان داد که صلح میان دشمنان دیرینه، اگر شرایط درست فراهم باشد، ممکن است. ایران آزاد این دستاورد را گسترش خواهد داد؛ با به رسمیت شناختن فوری اسرائیل و پیگیری چارچوبی گسترده‌تر برای صلح منطقه‌ای که ایران، اسرائیل و همسایگان عرب ما را بجای تقابل، در مسیر همکاری بهم پیوند می‌دهد.

پیشنهاد می‌کنم نام این توافق را «پیمان کوروش» بگذاریم؛ به یاد کوروش بزرگ، فرمانروای باستانی نیکنام ایران که توماس جفرسون از او به عنوان الهام‌بخش یاد کرده است. چنین توافقی، ایدئولوژی خصومت حکومت کنونی را بنا بنیانی برای صلح جایگزین خواهد کرد.

برخلاف نفرت حکومت ایران از آمریکا، مردم ایران آمریکا را دوست دارند. آنان از این کشور استثنایی سپاسگزارند که به ملت من فرصتی برای آزادی داد. رئیس‌جمهور ترامپ و بسیاری از قانونگذاران آمریکا همبستگی خود را با مردم ایران ابراز کرده‌اند. برای این حمایت، عمیقاً قدر دانیم.

با نزدیک شدن رهایی ما، از دوستان آمریکایی و جامعه‌ی بین‌المللی می‌خواهیم همچنان کنار ما بایستند و آماده باشند تا زمانی که آن لحظه فرا می‌رسد، یک دولت گذار مشروع را به رسمیت بشناسند.

تاریخ به ندرت نقطه‌های عطف خود را از پیش اعلام می‌کند. اما لحظه‌هایی از راه می‌رسند که شجاعت، رهبری و همبستگی می‌تواند مسیر ملت‌ها را تغییر دهد.

وقتی مردم ایران در روزهای پیش رو آزادی خود را پس بگیرند، رئیس‌جمهور ترامپ به عنوان رهبری به یاد آورده خواهد شد که در مهم‌ترین لحظه کنار آنان ایستاد. خدا آمریکا را حفظ کند. پاینده ایران.

\*منبع: واشنگتن پست

\*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

## کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقه‌مندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن [ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london) و با انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه پست بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: [satrap@btconnect.com](mailto:satrap@btconnect.com) www.satrap.co.uk

Super Hornumz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

Bex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

## داستان بلوچستان (۲)

## ماجرای فرار دوستمحمدخان از تهران و بازداشت و اعدام او

## یاغی بلوچ در جواب رضاشاه چه گفت که او را به خنده انداخت؟

مجید جهانبانی-ویرجینیا

(تاریخ نشر در کیهان لندن: خرداد و تیر ماه ۱۳۸۳ - شماره‌های ۱۰۰۹ و ۱۰۱۰)

این منظور چندین ناوای لشکر شرق را به سمنان اعزام و با آموختن طبخ آن کمک مؤثری به اردوگشی بلوچستان کردند. بالاخره حرکت ستونها برای درگیری و جنگ در مهرماه ۱۳۰۷ صورت گرفت. ستون کرمان به فرماندهی سرتیپ علی خان رحیمی از بم حرکت کرده و طی مخابره حضوری اظهار امیدواری کرد که در مپور نیروها به هم خواهند رسید. ریاست ساخولی خاش به عهده سرهنگ باقر آقا خان داورپناه واگذار گردید و دستور داده شد که به طرف قلعه گشت حرکت نماید. قوای چریک تحت ریاست سردار عبدو خان بلوچ رئیس طایفه ریگی نیز در اختیار سرهنگ مزبور بود. دوستمحمدخان و همدستانش که امکان هیچگونه تعرضی برای قوای خود نمی‌دیدند ناچار به قلعه‌های خود چسبیده



دوستمحمدخان با لباس و کلاه پهلوی در تهران

بودند و از آنها دفاع می‌کردند. قوای سیستم با تحمل ضایعاتی در صبح هفتم آبان به موجب گزارش سرهنگ خان نجوان قلعه گشت را متصرف شدند. در هجدهم آبان هواپیمای نایب اول ماکویی گزارش داد که قلعه هاشک نیز از طرف نیروی سیستم متصرف و پیشروی آنان به سمت قلاع بخشان و شستون آغاز شده است. قلاع متجاسرین یکی پس از دیگری تسخیر و مدافعین تسلیم شدند.

مهمترین قلعه سراوان، قلعه دزک بود که دوستمحمدخان تا توانسته بود وسایل دفاع را در آنجا تدارک دیده بود و اطمینان داشت که قلعه دزک تسخیرناپذیر است. پس از محاصره قلعه، توپخانه و هواپیماها امکان هرگونه مقاومت را از بین بردند و اشرار تسلیم گردیدند. متأسفانه در محاصره قلعه مزبور یکی از فرماندهان شایسته سرهنگ داور پناه به شهادت رسید که با تشریفات نظامی به خاک سپرده شد. شکستهای پی در پی و تسلیم قلاع، روحیه دوستمحمدخان را به شدت متزلزل کرد ولی نامبرده جرأت نداشت که خود را تسلیم کند و بیم آن داشت که بلافاصله اعدام خواهد شد. توسط پیک و نامه به او اطمینان داده شد که اگر تسلیم شود با وساطت لازم، اعلیحضرت ←

خود بلوچستان خواهد رسید. اطمینان داده شد که اگر سر اطاعت و تمکین در میان باشد اهالی از همه گونه امنیت و رفاه برخوردار خواهند شد.

در مورد شخص دوستمحمدخان اعلام شده بود که او در موقع هرج و مرج بخوبی منطقه را حراست کرده و حتماً زحماتی را متحمل گردیده، لذا اگر تسلیم و منقاد دولت شود مورد عنایت شاهنشاه قرار خواهد گرفت و در غیر اینصورت یاغی دولت محسوب شده و به مجازاتهای قانونی خواهد رسید. بر اثر تبلیغات فوق، محمدشاه خان و خوانین جالق و بعضی رؤسای دیگر بلوچ قلاع خود را تسلیم و با نهایت صمیمیت با ستونهای نظامی همراهی و بلذیت نمودند. متأسفانه این تبلیغات خیرخواهانه در



دوستمحمد خان بلوچ باران زایی در لباس محلی

وجود دوستمحمدخان و برخی سرداران بلوچ مؤثر واقع نگردید. پیشوایان بلوچ قوای نظامی را کافر و دشمن دین و ناموس خود شمرده و اعلان جهاد دادند. حتی با بعضی سران افغانی تماس گرفته و اعلام داشته بودند که «ایرانیها» می‌خواهند به ما حمله کنند و تقاضای کمک کرده بودند.

## لشکر کشی در صحرا

چون دوستمحمدخان از دولت مرکزی اطاعت نکرد از حکومت عزل شد و مراتب به اطلاع سرداران و ساکنین بلوچستان رسید و متأسفانه چاره‌ای جز زد و خورد باقی نماند. طی مسافتات بعید و عبور از صحاری بی پایان بدون آب و آبادی بیش از هر چیز توجه فرماندهی را در عملیات جلب می‌کرد. برای رسانیدن آب دو دستگاه کامیون تعیین گردید تا با ظروف حلبی مخصوص که تمهید شده بودند و آب را تا حدی خنگ نگاه می‌داشتند احتیاجات را تا حدودی تأمین نمایند. نانهای سمنانی به قدر کفایت غذای دو روز تمام قوا تهیه شده و بین نفرات تقسیم گردید تا فقط در موقع ضرورت از آن استفاده کنند. این نانها که در محل به کسمات معروف است چندین ماه بدون عیب باقی می‌ماند. برای

در سلطنت رضاشاه که ایجاد قدرت کامل مرکزی مورد نظر بود، خواستهای دوستمحمدخان در بلوچستان نمی‌توانست با موفقیت روبرو شود. رضاشاه به سرتیپ امان‌الله میرزا جهانبانی فرمانده نیروی شرق دستور داد که گزارش مبسوطی از وضع ناحیه و امکان اقدامات نظامی در ناحیه بلوچستان تهیه و ارسال کند. بدیهی است از هر چیز لازمتر کسب اطلاع از وضع متجاسرین بود. نوشته‌های کسانی که به نقاط مختلف بلوچستان سفر کرده بودند در مورد کثرت قوای بلوچ و گرمای طاقت‌فرسا و اوضاع ناگوار طبیعت اغراق‌آمیز بود و اطلاع زیادی به دست نمی‌داد.

موضوع مهمی که توجه فرمانده امان‌الله میرزا را به خود جلب کرد این بود که در تمام ادوار گذشته همه قشون‌کشیها به بلوچستان از طریق کرمان صورت گرفته بود ولی در آن موقع ادامه راه آهن بلوچستان انگلیس تا شهر دزداب (زاهدان کنونی) و احداث جاده اتومبیل‌رو از دزداب به مشهد مبدأ جدیدی را برای عملیات نظامی در بلوچستان فراهم می‌ساخت که از نظر سوق الجیشی بهتر و مناسبتر از راه کرمان بود.

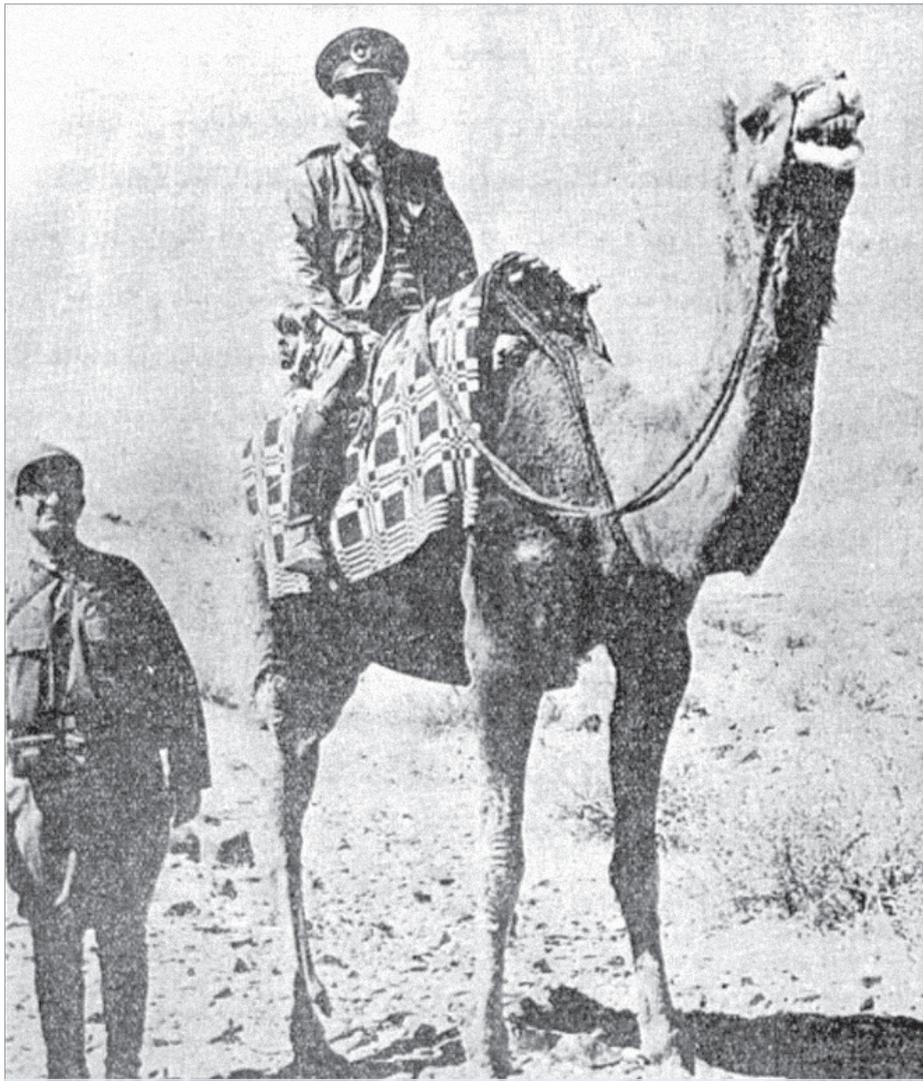
با توجه به نظرات همه‌جانبه، گزارش مبسوطی تهیه و در شهریورماه ۱۳۰۶ به‌عرض شاه رسید. اعلیحضرت رضاشاه دفع اشرار و قطع دخالت انگلیسها را واجب دانستند ولی دستور دادند که شروع عملیات به سال بعد موکول گردد تا هم نواقص ارتش برطرف شود و هم شاید دوستمحمدخان بدون جنگ و برادرکشی به تبعیت کامل از دولت مرکزی تن دردهد. یک سال مهلت برای شروع عملیات نظامی فرصت مناسبی بود که در اختیار نیروی شرق قرار گرفت. در طول تابستان ۱۳۰۷ نیروهای نظامی در نقاط مناسب تمرکز یافته به تکمیل وسایل و تعلیمات نظامی پرداختند. اعلیحضرت رضاشاه توجه خاصی به پیشرفت امور نیروهای شرق نشان داد و ستونها دارای توپخانه قوی و همه گونه وسایل و اسلحه شدند، به‌علاوه چند دستگاه کامیون و بی‌سیم و دو فروند هواپیمای جنگی در اختیار نیروی شرق قرار گرفت.

سرتیپ امان‌الله میرزا جهانبانی در یادداشت‌های خود می‌نویسد: «آنچه که عملیات نظامی کامل را مشکل می‌کرد این بود که طوایفی که با ما سر و کار داشتند تمامی افراد این آب و خاک و اتباع ایران بودند که آلت دست بعضی از سرداران بلوچ قرار گرفته بودند و نمی‌شد که آنها را دشمن خارجی فرض کرد و طبق اصول و مقررات جنگ آنها را محو و نابود نمود. به همین علت دستور داده شد که مرتباً به افراد نظامی گوشزد شود که در منطقه می‌بایستی نهایت درجه توجه نسبت به حال ساکنین به‌عمل آید و هرگز روح دشمنی نباید در میان باشد.»

با توجه به این روحیه، فرمانده لشکر شرق برای جلب اعتماد مردم بلوچ و ایجاد روح امید در آنان دستور داد اعلامیه‌هایی که بر روی اوراق الوان چاپ شده بود به وسیله قاصدها و مخصوصاً هواپیماها در نقاط مختلف پخش گردد. در این اعلامیه‌ها بشارت داده شده بود که از کلیه مالیاتهای گذشته صرفنظر خواهد شد و تا ده سال عایدات حاصله از مالیاتهای قانونی بلوچستان صرفاً به مصرف آبادانی و عمران

همیشه با موفقیت و دلی شاد به سرزمین خود بازمی‌گشتند. سالها گذشت و روزی که قرار شد مرزهای بلوچستان ایران و کشور نوبنیاد پاکستان دگرباره مورد تجدید و تجدید

→ او را به حضور خواهند پذیرفت و مورد عفو قرار خواهند داد. دوستمحمدخان در زاهدان خود را تسلیم نمود و در بهمن ماه به تهران اعزام شد. در تهران او لباس محلی را با کت و شلوار و کلاه پهلوی معاوضه نمود ولی تقاضا کرد که شمشیر خود را همواره بر کمر داشته باشد. در شرفیابی به حضور رضاشاه بنا بر اظهار تیمسار جهانبانی، شاه پرسیده بود که آیا لباس جدید او برزنده‌تر نیست و دوستمحمدخان با لهجه بلوچی گفته بود «خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو!» که موجب خنده شاه و سایرین شده بود. در تهران خانه مناسبی در اختیار او قرار گرفت و حقوق مکفی در حقتش مقرر شد. دوستمحمدخان از آزادی کامل بهره‌مند بود و در پذیراییهای رسمی مانند یکی از رجال کشور دعوت می‌شد ولی همواره یکی از مأمورین آگاهی او را تحت نظر داشت و همه جا او را همراهی می‌کرد. پس از مدتی دوستمحمدخان از وضع موجود خسته شد و تصمیم گرفت به بلوچستان بازگردد. بدین منظور یک دستگاه اتومبیل سواری خریداری و به مستخدم بلوچ خود رانندگی آموخت و بالاخره روزی به بهانه شکار عازم ورامین و گرمسار گردید. در بین راه افراد وی مأمور آگاهی را مورد حمله قرار داده و به قتل رساندند. شاید یکی دو شتر و چند نفر بلوچ در آن اطراف منتظر او بودند. خبر فرار دوستمحمدخان و قتل



سپهبد امان‌الله جهانبانی در سفر به بلوچستان برای نقشه‌برداری و تعیین مرزها



امیر لشکر امان‌الله میرزا جهانبانی- فرمانده لشکر شرق

دفع آن به هیچوجه به‌سادگی از طریق ژاندارمری و دیگر قوای نظامی امکان‌پذیر نبود، سران بلوچ خود داوطلبانه به دفع دادشاه پرداختند و پس از بیست روز تلاش در جنگ تن به تن خونینی که در دامنه هشت‌کوه به‌وقوع پیوست او و برادرش را کشته و همدستانش را متواری ساختند که بعداً عده‌ای از آنها به‌قتل رسیده و بقیه دستگیر شدند. بدین ترتیب خود اهالی بلوچستان راه را برای ایجاد یک منطقه آرام هموار ساختند تا امور تثبیت مرزها و همچنین آمد و رفت مردم و مأمورین دولت به‌آسانی صورت پذیرد.

در دوره‌ای که هم اکنون ما در آن بسر می‌بریم و با چشم زخمی که حکومت اسلامی از خرد و کلان گرفته است ماه و سالی نیست که در آن خبر درگیری افراد سپاه پاسداران و دیگر مأمورین رژیم اسلامی در منطقه بلوچستان و کشته شدن تعدادی از طرفین به‌چاپ نرسد.

حال این چه رازی است که مردی با دستی تهی، بدون لشکر و سپاه در منطقه بلوچستان هر روز به کار دشوار و پر مسؤولیت مرزبندی می‌پرداخت، ولی حکومت امروزی مدعی نیابت از «الله» حتی با سپاهی گران در صحراهای بلوچستان قادر به قدم برداشتن به‌طریق سلامت نیست.

نظر کامل قرار گیرد، دولت ایران کسی را بهتر از او نیافت و سرکردگان و اهالی غیور بلوچستان یکدل و یک‌زبان بر این انتخاب مهر تأیید زدند. او در مقام سناتور، قبول این مأموریت را برای خود افتخاری دانست و ضمن سخنرانی خود در مجلس سنا یادآور شد که به‌شهادت تاریخ و سوابق موجود هیچوقت دو بلوچستان متمایز از یکدیگر وجود نداشته بلکه کلیه بلوچستان همواره جزء لاینفک کشور ایران بوده است. اینک تعیین خط مرزی برای آن بوده است که به کشور دوست و همکیش خود ثابت کنیم که همواره خواهان روابط برادرانه بین دو کشور هستیم و این مرز در حقیقت مرز مودت و دوستی است.

به‌هرحال در سنینی که هر فرد مایل به استراحت و پرداختن به دوستان و خاطرات خویش است امان‌الله میرزا بار دیگر لباس ساده سربازی خود را در بر کرد و بدون توقع مزد و پاداشی صحاری سوزان و پست و بلند بلوچستان را قدم به قدم با هر وسیله‌ای که در دسترس قرار می‌گرفت پیمود و به تثبیت دائمی خطوط مرزی پرداخت.

هیچ نیروی نظامی و امنیتی خاصی جز کارشناسان مرزی او را همراهی نمی‌کرد و در تمامی مدت حتی یک مورد تجاوز

مأمور دولت عکس‌العمل شدید و فوری نیروهای انتظامی را موجب شد. اتومبیل دوستمحمدخان پس از مدتی راهپیمایی در بیراهه‌ها، در چاله‌های افتاد و از حرکت بازماند. سرنشینان ناچار به پیاده‌روی پرداختند که در مدت کوتاهی توسط افراد ژاندارمری دستگیر و بازداشت شدند. در دادگاه دوستمحمدخان محکوم به اعدام شد و چون مأمور دولت را کشته بود، رضاشاه وساطت دیگران را قبول نکرد و نامبرده در مقابل جوخه آتش قرار گرفت.

#### نقش جهانبانی در تعیین مرزها

حسن سلوک و علاقمندی به سرنوشت سرزمین بلوچستان و یا لاقلاً آن قسمتی که از بلوچستان بزرگ ایران جدا شده بود و در سال 1397 شمسی کاملاً به خاک ایران ملحق شد سپهبد امان‌الله جهانبانی را همواره در نظر بلوچها همچون سرداری جلوه‌گر می‌ساخت و حتی در مراسلات و گفتار خود او را حامی بلوچستان لقب داده بودند. اکثر اوقات در خانه او اجتماعی از افراد بلوچ وجود داشت. هر وقت هر بلوچی برای حل مشکل خود به تهران می‌آمد قبل از مراجعه به دستگاههای دولتی به دیدار او می‌رفت و صاحبان حق

## والاستریت ژورنال: جمهوری اسلامی «ائتلاف جنگی ترامپ» را گسترش می‌دهد



مباران مراکز نظامی در تهران

«همدردی» خود را با مردم ایران در مرگ یک «ستمگر» ابراز کرد. با وجود میزبانی پایگاه‌های آمریکا، ترکیه از حمله تهران در امان مانده است.

حزب‌الله بامداد دوشنبه با تعدادی موشک علیه اسرائیل وارد درگیری شد اما این اقدام در لبنان با اعتراض روبه‌رو شد؛ جایی که مردم نمی‌خواهند در جنگ نیابتی دیگری از سوی تهران گرفتار شوند و همچنین می‌دانند اسرائیل جبهه دوم را تحمل نخواهد کرد. این حمله برای حزب‌الله هنوز در حال بازیابی «بی‌معنا»ست، اما «تروریست‌ها» به تهران پاسخگو هستند.

لبنان، زیر فشار حملات هوایی اسرائیل، سرانجام روز دوشنبه به سمت ممنوع کردن فعالیت نظامی حزب‌الله حرکت کرد. از نظر هیئت تحریریه، بیروت بهتر است این ممنوعیت را در قانون تثبیت کند و پیش از آنکه کشور دوباره در جنگ فرو برود، حزب‌الله را خلع سلاح کند.

جمهوری اسلامی حتی پای اروپا را هم به ماجرا کشانده است: با حمله به یک پایگاه دریایی فرانسه در امارات و یک پایگاه هوایی کویت که ایتالیا از آن استفاده می‌کند. جنگنده‌های بریتانیا ناچار شده‌اند پهپادها را رهگیری کنند. این سرمقاله یادآوری می‌کند اسرائیل مدت‌ها هشدار می‌داد اروپا در تیررس تهران است و روز یکشنبه حزب‌الله یک پایگاه هوایی بریتانیا در قبرس کشوری عضو اتحادیه اروپا را هدف قرار داد.

این روزنامه در ادامه می‌نویسد ناگهان کی‌پر استارمر نخست‌وزیر بریتانیا، موضع خود را تغییر داده و اجازه داده است آمریکا از پایگاه‌های هوایی بریتانیا، از جمله دیه‌گو گارسیا، برای عملیات علیه رژیم ایران استفاده کند. فرانسه اعلام کرده «آماده» کمک به دفاع از کشورهای خلیج فارس است. یونان هم برای دفاع از قبرس، ناوهای جنگی و جنگنده اعزام می‌کند. حتی اورسولا فون‌درلاین، رئیس کمیسیون اروپا، می‌گوید «گذر معتبر در ایران فوراً لازم است.»

مرکز مالی دور زدن تحریم‌ها بوده است.» امارات اکنون درد را احساس می‌کند؛ همان چیزی که جمهوری اسلامی می‌خواهد. حملات پهپادی که تولید گاز قطر را متوقف کرد و یک پالایشگاه بزرگ نفت عربستان سعودی را هدف قرار داد، حتی مخرب‌تر بود و باعث جهش قیمت‌ها شد. قطر شریک مهمی برای تهران است و عربستان سعودی سخت می‌کوشید روابطش را با تهران بهبود دهد. اکنون سعودی‌ها تهدید می‌کنند به جنگ علیه رژیم ایران وارد شوند. قطر هم می‌گوید دو جنگنده ایرانی را سرنگون کرده است.

کشورهای خلیج فارس خشمگین‌اند. دونالد ترامپ روز دوشنبه گفت: «آن‌ها می‌خواهند بجنگند. قرار بود خیلی کم درگیر شوند، اما حالا اصرار دارند وارد میدان شوند.» اگر این درست باشد و این کشورها بتوانند فشار و هزینه را تاب بیاورند، ممکن است تداوم عملیات علیه رژیم ایران برای مدت طولانی‌تری امکان‌پذیر شود. در هر حال، از نگاه این سرمقاله، رژیم ایران بیش از پیش خود را منزوی می‌کند و بدون تغییر واقعی، شاید نتواند به «روال معمول» در روابط با کشورهای خلیج فارس بازگردد.

جمهوری اسلامی از اختلال انرژی آسیب می‌بیند، اما شاید بزرگ‌ترین بازنده چین باشد؛ کشوری که بیش از هر کس دیگری گاز قطر و نفت خلیج فارس را می‌خرد. در سال ۲۰۲۵ حدود نیمی از واردات نفت چین از تنگه هرمز عبور می‌کرد؛ جایی که اکنون ترافیک کشتیرانی متوقف شده است. به نوشته وال‌استریت ژورنال، در حالی که آقای ترامپ قیمت بنزین آمریکا را زیر نظر دارد، تهران پیام را مستقیم از پکن می‌شنود.

سوریه که تا همین اواخر نیابتی رژیم ایران بود، روز شنبه جمهوری اسلامی را محکوم کرد اما نه آمریکا را. در پاسخ «یک موشک» دریافت کرد و چهار نفر کشته شدند. در مقابل رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه، اعلام کرد از «درگذشت رهبر معظم ایران اندوهگین» است و

شورای تحریریه روزنامه «وال‌استریت ژورنال» در گزارشی عنوان کرده است رژیم ایران با حمله به همسایگان عرب و اروپا، بیش از پیش خود را منزوی می‌کند و «ائتلاف» علیه خود را گسترش می‌دهد.

در این گزارش که دوم مارس (۱۱ اسفند) منتشر شد آمده، واکنش‌های تلافی‌جویانه جمهوری اسلامی از زمان آغاز بمباران‌های آمریکا و اسرائیل، تا اینجا عملاً به شکل‌گیری ائتلافی گسترده‌تر علیه رژیم ایران کمک کرده است. نویسندگان تأکید می‌کنند «با حمله به کشورهای عرب و شرکای آن‌ها، تهران پرونده‌ای فراگیرتر علیه بقای خودش می‌سازد.»

علی خامنه‌ای روی موشک‌ها و پهپادها سرمایه‌گذاری کرد تا همسایگان را تهدید کند و حمله به ایران را بازدارد. اما شکست این راهبرد، روز شنبه جان او را گرفت. اکنون جمهوری اسلامی از همان تسلیحات برای بالا بردن قیمت نفت و ارباب متحدان آمریکا در خلیج فارس استفاده می‌کند؛ با این هدف که آن‌ها را وادار کند به دونالد ترامپ فشار بیاورند تا کارزار نظامی‌اش را متوقف کند.

کشورهای خلیج فارس خشمگین‌اند. دونالد ترامپ روز دوشنبه گفت: «آن‌ها می‌خواهند بجنگند. قرار بود خیلی کم درگیر شوند، اما حالا اصرار دارند وارد میدان شوند.» اگر این درست باشد و این کشورها بتوانند فشار و هزینه را تاب بیاورند، ممکن است تداوم عملیات علیه رژیم ایران برای مدت طولانی‌تری امکان‌پذیر شود.

شورای تحریریه روزنامه «وال‌استریت ژورنال» در گزارشی عنوان کرده است رژیم ایران با حمله به همسایگان عرب و اروپا، بیش از پیش خود را منزوی می‌کند و «ائتلاف» علیه خود را گسترش می‌دهد.

در این گزارش که دوم مارس (۱۱ اسفند) منتشر شد آمده، واکنش‌های تلافی‌جویانه جمهوری اسلامی از زمان آغاز بمباران‌های آمریکا و اسرائیل، تا اینجا عملاً به شکل‌گیری ائتلافی گسترده‌تر علیه رژیم ایران کمک کرده است. نویسندگان تأکید می‌کنند «با حمله به کشورهای عرب و شرکای آن‌ها، تهران پرونده‌ای فراگیرتر علیه بقای خودش می‌سازد.»

وال‌استریت ژورنال می‌نویسد، علی خامنه‌ای روی موشک‌ها و پهپادها سرمایه‌گذاری کرد تا همسایگان را تهدید کند و حمله به ایران را بازدارد. اما شکست این راهبرد، روز شنبه جان او را گرفت. اکنون جمهوری اسلامی از همان تسلیحات برای بالا بردن قیمت نفت و ارباب متحدان آمریکا در خلیج فارس استفاده می‌کند؛ با این هدف که آن‌ها را وادار کند به دونالد ترامپ فشار بیاورند تا کارزار نظامی‌اش را متوقف کند.

جمهوری اسلامی ۱۸۲ موشک و ۶۸۹ پهپاد به سمت امارات متحده عربی شلیک کرده است؛ امارات روز دوشنبه این آمار را اعلام کرد. میزان رهگیری «چشمگیر» بوده، اما در این موشک‌باران، جمهوری اسلامی توانست فرودگاه و یک هتل شاخص در دبی را هدف قرار دهد؛ شهری که به نوشته وال‌استریت ژورنال، «دریچه رژیم ایران به جهان و

# اسرائیل و آمریکا حمله نظامی را آغاز کردند؛ ترامپ خطاب به مردم ایران: وقت آزادی شما فرا رسیده



هدفگیری مقرهای امنیتی در تهران

شما سوگند خورده‌اید حافظ ایران و ملت ایران باشید، نه حافظ جمهوری اسلامی و سرکردگانش. وظیفه شما دفاع از مردم است، نه دفاع از رژیم که با سرکوب و جنایت، میهن ما را به گروگان گرفته است. به ملت بپیوندید و به یک گذار باثبات و امن کمک کنید. در غیر این صورت، با کشتی درهم‌شکسته خامنه‌ای و رژیمش غرق خواهید شد.

و پیام من به رئیس‌جمهور ایالات متحده، پریزیدنت ترامپ، این است: ملت شریف ایران، با وجود سرکوب و کشتار وحشیانه این رژیم، نزدیک به دو ماه با دلوری ایستادگی کرد. اینک از شما می‌خواهم بیشترین احتیاط ممکن را برای حفظ جان غیرنظامیان و هم‌میهنانم به کار ببرید. مردم ایران، متحدان طبیعی شما و جهان آزادند، و یاری شما در سخت‌ترین دوره تاریخ معاصر ایران را فراموش نخواهند کرد.

و به شما هم‌میهنان عزیزم در ایران: در این ساعت‌ها و روزهای حساس، بیش از هر زمان دیگر باید بر هدف نهایی خود متمرکز بمانیم: بازپس‌گرفتن ایران. من از شما می‌خواهم که در حال حاضر در خانه‌های خود بمانید و آرامش و امنیت خود را حفظ کنید. هوشیار و آماده باشید تا در زمان مناسب، که به‌طور دقیق به اطلاع شما خواهیم رساند، برای اقدام نهایی به خیابان‌ها باز گردید. پیام‌های من را از طریق شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های ماهواره‌ای دنبال کنید. اگر در اینترنت و ماهواره اختلال ایجاد شد، از طریق امواج رادیویی با شما در تماس خواهم بود.

ما به پیروزی نهایی بسیار نزدیکیم. می‌خواهم هر چه زودتر در کنار شما باشم تا با هم ایران را پس بگیریم و دوباره بسازیم.

فرصت شما برای چندین نسل خواهد بود. سال‌ها بود که از آمریکا درخواست کمک می‌کردید، اما هرگز آن را دریافت نکردید. هیچ رئیس‌جمهوری حاضر نشد کاری را بکند که من امشب می‌خواهم انجام دهم.»

ترامپ افزود: «حالا رئیس‌جمهوری دارید که به شما چیزی را که خواستید می‌دهد. پس ببینیم شما چطور پاسخ می‌دهید. آمریکا با قدرتی عظیم و نیرویی ویرانگر از شما حمایت می‌کند. حالا وقت آن است که سرنوشت خود را در دست بگیرید و آینده‌ای شکوفا و با شکوه را که در دسترس شما است را آزاد کنید. این وقت عمل است، نگذارید از دست برود.»

پیام شاهزاده رضا پهلوی، خطاب به مردم، نیروهای مسلح و ترامپ شاهزاده رضا پهلوی نیز بلافاصله پس از آغاز حمله نظامی، پیام ویدیو صادر کرد:

هم‌میهنان عزیزم، لحظاتی سرنوشت‌ساز پیش روی ماست. کمکی که رئیس‌جمهور ایالات متحده به مردم شجاع ایران وعده داده بود، اکنون رسیده است. این یک مداخله بشردوستانه است؛ و هدف آن، جمهوری اسلامی، دستگاه سرکوب و ماشین کشتار آن است؛ نه کشور و ملت بزرگ ایران.

اما، با وجود رسیدن این کمک، پیروزی نهایی هم‌چنان به دست ما رقم خواهد خورد. این ما ملت ایران هستیم که در این آخرین نبرد کار را تمام خواهیم کرد. زمان بازگشت به خیابان‌ها نزدیک است.

اکنون که جمهوری اسلامی در حال فروپاشی است، پیام من به نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی کشور روشن است:

● حوالی نیمروز شنبه ۹ اسفند ۱۴۰۴ حملات اسرائیل و آمریکا به مراکز حساس سپاه پاسداران و ارتش، مقرهای فرماندهی، سایت‌های راداری و پدافندی، لانچرهای موشکی و پایگاه‌های سرکوب آغاز شد.

● موج اولیه این عملیات، با حملات پیش‌دستانه اسرائیل آغاز شد. بخشی از این حمله با موشک‌های نقطه‌زن کروز بود.

● ده‌ها نقطه در تهران، قم، کرمانشاه، اصفهان، سیستان و بلوچستان و چند استان دیگر هدف قرار گرفت.

● ساعاتی پس از آغاز عملیات نظامی علیه جمهوری اسلامی دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا خطاب به مردم ایران گفت: «وقت آزادی شما فرا رسیده است.» دونالد ترامپ خطاب به مردم ایران گفت: «وقت آزادی شما فرا رسیده است. پناه بگیرید، در خانه بمانید. بیرون بسیار خطرناک است. مپ‌ها هر جایی فرود خواهند آمد.»

● او تأکید کرد، «وقتی کار ما تمام شد، حکومت خود را در دست بگیرید. این به عهده شما خواهد بود. این احتمالاً تنها فرصت شما برای چندین نسل خواهد بود. سال‌ها بود که از آمریکا درخواست کمک می‌کردید، اما هرگز آن را دریافت نکردید. هیچ رئیس‌جمهوری حاضر نشد کاری را بکند که من امشب می‌خواهم انجام دهم.» <ق>-شاهزاده رضا پهلوی نیز در پیامی خطاب به نیروهای مسلح گفت: «اکنون که جمهوری اسلامی در حال فروپاشی است، پیام من به نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی کشور روشن است، شما سوگند خورده‌اید حافظ ایران و ملت ایران باشید، نه حافظ جمهوری اسلامی و سرکردگانش. وظیفه شما دفاع از مردم است، نه دفاع از رژیم که با سرکوب و جنایت، میهن ما را به گروگان گرفته است. به ملت بپیوندید و به یک گذار باثبات و امن کمک کنید. در غیر این صورت، با کشتی درهم‌شکسته خامنه‌ای و رژیمش غرق خواهید شد.»

حوالی نیمروز شنبه ۹ اسفند ۱۴۰۴ حملات اسرائیل و آمریکا به مراکز حساس سپاه پاسداران و ارتش، مقرهای فرماندهی، سایت‌های راداری و پدافندی، لانچرهای موشکی و پایگاه‌های سرکوب آغاز شد.

موج اولیه این عملیات، با حملات پیش‌دستانه اسرائیل آغاز شد. بخشی از این حمله با موشک‌های نقطه‌زن کروز بود.

ده‌ها نقطه در تهران، قم، کرمانشاه، اصفهان، سیستان و بلوچستان و چند استان دیگر هدف قرار گرفت.

ساعاتی پس از آغاز عملیات نظامی علیه جمهوری اسلامی دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا خطاب به مردم ایران گفت: «وقت آزادی شما فرا رسیده است.»

دونالد ترامپ خطاب به مردم ایران گفت: «وقت آزادی شما فرا رسیده است. پناه بگیرید، در خانه بمانید. بیرون بسیار خطرناک است. مپ‌ها هر جایی فرود خواهند آمد.» او تأکید کرد، «وقتی کار ما تمام شد، حکومت خود را در دست بگیرید. این به عهده شما خواهد بود. این احتمالاً تنها

## پایان دوره سیاه ۳۶ سال رهبری خامنه‌ای؛ شورایی سه نفره مسئول دوره انتقال شد



تعطیلی یک هفته‌ای و ۴۰ روز عزای عمومی در پی مرگ علی خامنه‌ای در حالی اعلام شده که از روز شنبه نهم اسفندماه به علت شرایط جنگی مدارس، مهدکودک‌ها، دانشگاه‌ها و اغلب شرکت‌های خصوصی تعطیل شدند. همچنین بخش دولتی و بانک‌ها نیز به حالت نیمه‌تعطیل درآمد و با ۵۰ درصد ظرفیت مشغول به خدمات‌رسانی هستند!

از سوی دیگر ساعتی پس از تأیید رسمی مرگ علی خامنه‌ای از سوی اسرائیل و آمریکا، شهروندان زیادی در شهرهای مختلف ایران به شادی پرداختند. بر اساس ویدئوهای منتشر شده در برخی شهرها شهروندان از پنجره خانه‌ها هورا می‌کشیدند و دست و سوت می‌زدند.

در برخی شهرها از جمله کرج، شاهین شهر، ممسنی، مشهد و دهلران شهروندان به خیابان آمدند به رقص و شادی پرداختند.

مرگ علی خامنه‌ای همچنین موجی از واکنش‌های مثبت را در میان ایرانیان خارج از کشور که بسیاری از آنها به علت فشارهای سیاسی و اجتماعی تحمیل شده از سوی حکومت تحت رهبری علی خامنه‌ای ناچار به ترک ایران شده بود در پی داشت.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ستاد کل نیروهای مسلح ایران نیز طی ساعات گذشته در بیانیه‌هایی آمریکا و اسرائیل را تهدید به انتقام کردند.

ستاد کل نیروهای مسلح ایران مدعی شده «آمریکای جنایتکار و رژیم منحوس صهیونیستی را با قدرت، صلابت و حمایت مردم شریف پشیمان خواهیم کرد و راه آن رهبر حکیم و مقتدر را تا آخرین قطره خون و تسلیم دشمنان ادامه خواهیم داد.»

سپاه پاسداران نیز در بیانیه دیگری اعلام کرد که «در مقابله با توطئه‌های داخلی و خارجی و مجازات درس‌آموز متجاوزان» ایستادگی خواهد کرد.

ساعت ۹:۳۰ بامداد شنبه نهم اسفند آغاز شده است. بیت رهبر جمهوری اسلامی در پایتخت از نخستین اهداف این حملات بود.

از بعد از ظهر شنبه خبرهایی غیررسمی درباره احتمال بالای مرگ علی خامنه‌ای مطرح شد. این خبر شامگاه شنبه به وقت محلی از سوی اسرائیل و آمریکا تأیید و گفته شد بنیامین نتانیاهو و دونالد ترامپ تصاویر جسد علی خامنه‌ای را دیده‌اند.

خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ساعت یک بعد از ظهر شنبه از سلامت شماری از مقامات ارشد حکومتی در پی حملات موشکی و هوایی خبر داد اما نامی از علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی نبرد.

خبرگزاری «فارس» مدعی شد محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی، مسعود پزشکیان رئیس دولت، علی لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت ملی، غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه و امیر حاتمی فرمانده کل ارتش از حملات صبح شنبه اسرائیل و آمریکا جان سالم به‌در برده‌اند.

در حالیکه مقامات مختلف ادعای سلامت علی خامنه‌ای را مطرح می‌کردند، رسانه‌های جمهوری اسلامی با چند ساعت تأخیر و در بامداد یکشنبه دهم اسفندماه اعلام کردند.

با اعلام خبر رسمی مرگ علی خامنه‌ای دولت، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ستاد کل نیروهای مسلح بیانیه‌هایی جداگانه صادر کردند. دولت مسعود پزشکیان با اعلام ۴۰ روز عزای عمومی و یک هفته تعطیلی در بیانیه‌ای نوشت: «این جنایت بزرگ هرگز بی‌جواب نخواهد ماند و برگ تازه‌ای از تاریخ جهان اسلام و تشیع را رقم خواهد زد.»

در بیانیه دولت تأکید شده بود که «این‌بار نیز با تمام قدرت و صلابت، به پشتگرمی امت اسلامی و آزادگان جهان عاملان و آمران این جنایت بزرگ را پشیمان خواهیم ساخت.»

● علی خامنه‌ای رهبر ۸۶ ساله جمهوری اسلامی بامداد شنبه نهم اسفندماه ۱۴۰۴ با حمله نظامی اسرائیل و آمریکا در «بیت رهبری» در تهران کشته شد.

● محمد مخبر دزفولی از مشاوران و دستیار علی خامنه‌ای نیز بامداد یکشنبه دهم اسفندماه ۱۴۰۴ اعلام کرد شورایی متشکل از مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم، غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه و یکی از فقهای شورای نگهبان مسئولیت دوره انتقال رهبری حکومت را به‌عهده می‌گیرند.

● با اعلام خبر رسمی مرگ علی خامنه‌ای دولت مسعود پزشکیان با اعلام ۴۰ روز عزای عمومی و یک هفته تعطیلی در بیانیه‌ای نوشت: «این جنایت بزرگ هرگز بی‌جواب نخواهد ماند و برگ تازه‌ای از تاریخ جهان اسلام و تشیع را رقم خواهد زد.»

● سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ستاد کل نیروهای مسلح ایران نیز طی ساعات گذشته در بیانیه‌هایی آمریکا و اسرائیل را تهدید به انتقام کردند. - علی خامنه‌ای از سال ۱۳۶۸ و پس از مرگ روح‌الله خمینی به‌عنوان رهبر جمهوری اسلامی منتخب شد و ۳۶ سال رهبری او از تاریک‌ترین دوره‌های تاریخ ایران به‌شمار می‌رود.

● علی خامنه‌ای تنها دو ماه پیش از مرگ و در جریان اعتراضات دی ۴۰۴ با صدور دستور سرکوب مسلحانه ده‌ها هزار شهروند معترض در خیابان، جمهوری اسلامی را در صدر سرکوبگرترین حکومت‌های جهان قرار داد. کشتار ده‌ها هزار تن طی دو روز و در گستره‌ای به پهنای همه استان‌های کشور، در شرایط صلح و از سوی حکومت مستقر، در تاریخ ایران بی‌سابقه بوده است.

● بیش از سه دهه رهبری علی خامنه‌ای با برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی، فعال‌سازی نیروهای نیابتی حکومت در کشورهای منطقه و جهان، ایجاد شبکه‌های مافیایی تنومند رانت و فساد در ساختار اقتصادی و اجرایی کشور، و توهم قدرت نخست منطقه بودن و عمق نفوذ در منطقه، ایران و ملت ایران را با چالش‌ها و تهدیدهای مختلفی روبرو کرد.

با اعلام رسمی خبر مرگ علی خامنه‌ای در پی حمله نظامی اسرائیل و آمریکا، شورایی متشکل از مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم، غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه و یکی از فقهای شورای نگهبان مسئولیت دوره انتقال رهبری حکومت را به‌عهده می‌گیرند. علی لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت ملی نیز ساعتی پیش از تشکیل شورای رهبری و معرفی رهبر جدید جمهوری اسلامی در روزهای آینده خبر داد.

علی خامنه‌ای رهبر ۸۶ ساله جمهوری اسلامی بامداد شنبه نهم اسفندماه ۱۴۰۴ با حمله نظامی اسرائیل و آمریکا در «بیت رهبری» در تهران کشته شد. بر اساس گزارش‌های تأیید شده از سوی جمهوری اسلامی زهرا حداد عادل همسر مجتبی خامنه‌ای، هدی خامنه‌ای دختر علی خامنه‌ای و همسرش مصباح‌الهدی باقری کنی، و یکی از نوه‌های علی خامنه‌ای که هویت او هنوز اعلام نشده در این حمله کشته شدند.

حملات نظامی اسرائیل و آمریکا علیه جمهوری اسلامی از

## احمد خاتمی به طور ضمنی انتخاب جانشین خامنه‌ای را تکذیب کرد؛ «به جمع‌بندی نزدیک شده‌ایم»



مجتبی خامنه‌ای در مراسم ختم یکی از نزدیکان وحید حقانیان

به طور ضمنی انتخاب جانشین خامنه‌ای را تکذیب کرد و به شبکه خبر جمهوری اسلامی ایران گفت: «به جمع‌بندی نزدیک شده‌ایم و در اولین فرصت رهبر تعیین خواهد شد.» خاتمی همچنین گفت دلیل تأخیر در انتخاب جانشین خامنه‌ای، وضعیت جنگی کشور است.

برخی رسانه‌ها مدعی شده بودند با فشار سپاه پاسداران، مجتبی خامنه‌ای ۵۶ ساله، دومین پسر خامنه‌ای به عنوان جانشین او انتخاب شده است.

پس از کشته شدن خامنه‌ای در حمله شنبه ۹ اسفند، مسعود پزشکیان، غلامحسین محسنی اژه‌ای و علیرضا اعرافی شورای موقت رهبری را تشکیل دادند.

اسرائیل کاتس وزیر دفاع اسرائیل بدون نام بردن از مجتبی خامنه‌ای گفته است هر کسی که به عنوان رهبر آینده جمهوری اسلامی سیاست «نابودی اسرائیل» را دنبال کند، توسط ارتش اسرائیل حذف خواهد شد.

بعد از مباران «بیت» خامنه‌ای، گفته شد که مجتبی خامنه‌ای نیز در بین کشته شدگان است اما دو روز بعد اعلام شد همسر او [دختر حداد عادل] و منصوره خجسته همسر خامنه‌ای کشته شدند و مجتبی زنده مانده است.

او اصلی‌ترین فرد برای جانشینی پدر است اما این احتمال که او نیز بلافاصله پس از رهبری، توسط اسرائیل یا آمریکا حذف شود، ابهامات زیادی در مورد آینده جانشینی خامنه‌ای ایجاد کرده است.

پیش از سه دهه رهبری علی خامنه‌ای با برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی، فعال‌سازی نیروهای نیابتی حکومت در کشورهای منطقه و جهان، ایجاد شبکه‌های مافیایی، تنومند رانت و فساد در ساختار اقتصادی و اجرایی کشور، و توهم قدرت نخست منطقه بودن و عمق نفوذ در منطقه، ایران و ملت ایران را با چالش‌ها و تهدیدهای مختلفی روبرو کرد.

● شبکه «ایران اینترنشنال» سه‌شنبه شب ۱۲ اسفند ۱۴۰۴ به نقل از منابع خود مدعی شد مجتبی خامنه‌ای فرزند علی خامنه‌ای بعد از کشته شدن پدرش در حملات هوایی آمریکا و اسرائیل به عنوان «رهبر» انتخاب شده است.

● یک روز بعد اما احمد خاتمی از اعضای خبرگان به طور ضمنی انتخاب جانشین خامنه‌ای را تکذیب کرد و به شبکه خبر جمهوری اسلامی ایران گفت: «به جمع‌بندی نزدیک شده‌ایم و در اولین فرصت رهبر تعیین خواهد شد.»

● اسرائیل کاتس وزیر دفاع اسرائیل: «هر رهبری که از سوی رژیم ایران منصوب شود، هدفی مستقیم برای حذف فیزیکی خواهد بود.»

شبکه «ایران اینترنشنال» سه‌شنبه شب ۱۲ اسفند ۱۴۰۴ به نقل از منابع خود مدعی شد مجتبی خامنه‌ای فرزند علی خامنه‌ای بعد از کشته شدن پدرش در حملات هوایی آمریکا و اسرائیل به عنوان «رهبر» انتخاب شده است.

روزنامه «نیویورک تایمز» در گزارشی که نویسنده آن فرناز فصیحی بود، به نقل از عبدالرضا داوری مشاور سابق محمود احمدی‌نژاد و از حامیان مجتبی خامنه‌ای نوشت، که اگر او [مجتبی] جانشین پدرش شود، ممکن است به چهره‌ای شبیه محمد بن سلمان تبدیل شود. با این همه یک روز بعد اما احمد خاتمی از اعضای خبرگان

علی خامنه‌ای تنها دو ماه پیش از مرگ و در جریان اعتراضات دی ۴۰۴ با صدور دستور سرکوب مسلحانه ده‌ها هزار شهروند معترض در خیابان، جمهوری اسلامی را در صدر سرکوب‌گرترین حکومت‌های جهان قرار داد. کشتار ده‌ها هزار تن طی دو روز و در گستره‌ای به پهنای همه استان‌های کشور، در شرایط صلح و از سوی حکومت مستقر، در تاریخ ایران بی‌سابقه بوده است.

در این بیانیه تأیید شده رهبر جمهوری اسلامی در محل کار خود در «بیت رهبری» کشته شد. بر اساس این بیانیه، او در لحظه کشته شدن «در حال انجام وظایف محوله» و حضور در دفتر کار خود بوده و این حمله بامداد شنبه ۹ اسفند رخ داده است.

محمد مخبر دزفولی از مشاوران و دستیار علی خامنه‌ای نیز بامداد یکشنبه دهم اسفندماه ۱۴۰۴ اعلام کرد شورایی متشکل از مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم، غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضائیه و یکی از فقهای شورای نگهبان مسئولیت دوره انتقال رهبری حکومت را به عهده می‌گیرند.

محمد مخبر با اشاره به اصل ۱۱۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی گفت «در شرایطی که مقام رهبر به هر دلیلی به طور موقت خالی ماند، شورایی متشکل از رئیس‌جمهور، رئیس قوه قضائیه و یکی از فقهای شورای نگهبان به مجمع تشخیص مصلحت نظام، مسئولیت اداره موقت امور را بر عهده می‌گیرند.»

در اصل ۱۱۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده «هر گاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود، یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم گردد، یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است، از مقام خود برکنار خواهد شد. تشخیص این امر به عهده خبرگان مذکور در اصل یکصد و هشتم می‌باشد.»

در ادامه آمده «در صورت فوت یا کناره‌گیری یا عزل رهبر، خبرگان موظفند در اسرع وقت نسبت به تعیین و معرفی رهبر جدید اقدام نمایند. تا هنگام معرفی رهبر، شورایی مرکب از رئیس‌جمهور، رئیس قوه قضائیه و یکی از فقهای شورای نگهبان به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت نظام، همه وظایف رهبری را به طور موقت به عهده می‌گیرد. چنانچه در این مدت یکی از آن‌ها به هر دلیل نتواند انجام وظیفه نماید، فرد دیگری به انتخاب مجمع، با حفظ اکثریت فقها در شورا، به جای وی منصوب می‌گردد.»

علی لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت ملی بامداد یکشنبه ۱۰ اسفندماه ۱۴۰۴ در گفتگویی که از صداوسیما جمهوری اسلامی پخش شد اعلام کرد «طبق قانون اساسی برای آینده ایران در شرایط فقدان رهبری فکر شده و به زودی شورای موقت رهبری تشکیل خواهد شد یعنی در اصل ۱۱۱ قانون اساسی در مورد اینکه جامعه رهبری به هر دلیل نداشته باشد فکر شد که برای موقت رئیس‌جمهور و رئیس قوه قضائیه و یکی از فقهای شورای نگهبان به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت نظام اینها وظایف رهبری در کشور را به عهده خواهند داشت تا اینکه رهبر بعدی انتخاب شود و این کار در اسرع وقت صورت خواهد گرفت و امروز این پیگیری می‌شود که شورای موقت رهبری تشکیل شود و مطابق قانون اساسی وظایفی که بر عهده‌اشان است انجام دهند.»

هادی طحان نظیف سخنگوی شورای نگهبان نیز بامداد یکشنبه ۱۰ اسفندماه اعلام کرد «طبق قانون اساسی انتخاب رهبر جدید وظیفه مجلس خبرگان است. طبق اصل ۱۱۱ قانون اساسی تا زمان تشکیل جلسه توسط مجلس خبرگان رهبری و انتخاب رهبر جدید، شورای موقت رهبری متشکل از رئیس‌جمهور، رئیس قوه قضائیه و یکی از اعضای فقهای شورای نگهبان به صورت موقت عهده‌دار امور خواهد شد.» علی خامنه‌ای از سال ۱۳۶۸ و پس از مرگ روح‌الله خمینی به‌عنوان رهبر جمهوری اسلامی منتخب شد و ۳۶ سال رهبری او از تاریک‌ترین دوره‌های تاریخ ایران به شمار می‌رود.

## پنجمین روز مداخله نظامی آمریکا و اسرائیل؛ سنتکام: توانایی رزمی جمهوری اسلامی رو به کاهش است



وضعیت تهران پس از حمله به مراکز نظامی و امنیتی

او همچنین اعلام کرد که در تهران چهارمین مرکز از مجموع چهار مرکز فرماندهی هدف قرار گرفته است؛ به گفته این دیپلمات این حملات باعث «ایجاد هرج و مرج در ساختار حکومت آیت‌الله‌ها» شده و در زنجیره فرماندهی اختلال ایجاد کرده است، به گونه‌ای که امکان ارسال پیام‌ها به نیروها در میدان کاهش یافته است. او این موضوع را یکی از دلایل شلیک کور موشک‌های بالستیک به کشورهای همسایه از سوی جمهوری اسلامی دانست.

سفیر اسرائیل گفت مهم‌ترین سبب آن که در این حملات هدف قرار گرفت، مرکزی بوده که به گفته او قرار بوده در آن «اورانیوم غنی‌شده» با سامانه‌های موشکی قابل حمل آن‌ها ترکیب شود.

او گفت در موضوع «موشک‌های هسته‌ای»، اتصال مواد غنی‌شده به سامانه پرتاب، عامل تعیین‌کننده در زمان‌بندی است و اگر عملیات آمریکا و اسرائیل به تعویق می‌افتاد، این سایت به‌زودی به نقطه‌ای می‌رسید که دیگر «غیرقابل نفوذ» و تخریب‌ناپذیر می‌شد.

سفیر اسرائیل با اشاره به اظهارات استیو ویتکاف نماینده ویژه، گفت در نخستین دیدار او با مقام‌های ایرانی، جمهوری اسلامی اذعان کرد که ۶۴۲ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده با غنای ۶۰ درصد در اختیار دارند. به گفته او، رساندن این میزان غنی‌سازی از ۶۰ درصد به ۹۰ درصد یک هفته زمان می‌برد و می‌توانست به تولید ۱۱ مپ منجر شود، و سپس تنها کافی است این مواد را به گونه‌ای روی سامانه‌های موشکی قرار داد.

او گفت در صورت تحقق چنین وضعیتی، جلوگیری از آن دیگر ممکن نخواهد بود. طی پنج روز عملیات آمریکا و اسرائیل، علاوه بر علی‌خامنه‌ای بیش از ۲۰ نفر از فرماندهان رده بالای نیروهای مسلح نیز کشته شدند.

● آدمیرال براد کوپر فرمانده نیروهای آمریکایی در خاورمیانه (سنتکام): ما شاهد هستیم که توانایی ایران در هدف قرار دادن ما و شرکای ما در حال کاهش است، و این در حالی است که قدرت رزمی ما در حال افزایش است. ارزیابی کلی عملیاتی من این است که ما جلوتر از برنامه عملیاتی خود حرکت می‌کنیم.

● دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا، نیز در دیدار با فریدریش مرتس صدراعظم آلمان که بامداد ۱۳ اسفند ۱۴۰۴ بوقت ایران در کاخ انجام شد در پاسخ به نخستین پرسش‌های خبرنگاران از زمان آغاز حملات، گفت: «تقریباً همه چیز [آنها] از کار افتاده است... دیگر نیروی دریایی ندارند؛ نابود شده است. نیروی هوایی ندارند؛ نابود شده است. سامانه‌های شناسایی هوایی ندارند؛ نابود شده است. رادارهایشان هم از کار افتاده است.»

● یخیل لایتر سفیر اسرائیل در ایالات متحده، در پیامی ویدیویی که در «ایکس» منتشر کرد گفت حملات باعث «ایجاد هرج و مرج در ساختار حکومت آیت‌الله‌ها» شده و در زنجیره فرماندهی اختلال ایجاد کرده است، به گونه‌ای که امکان ارسال پیام‌ها به نیروها در میدان کاهش یافته است.

در پنجمین روز از عملیات مداخله نظامی در ایران علیه جمهوری اسلامی، موسوم به عملیات «خشم حماسی»، آدمیرال براد کوپر فرمانده نیروهای آمریکایی در خاورمیانه و رئیس فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) اعلام کرد که ۲۴ ساعت اول بمباران جمهوری اسلامی ایران «تقریباً دو برابر مقیاس» ۲۴ ساعت اول جنگ علیه عراق در سال ۲۰۰۳ بود.

کوپر در ویدیویی که شامگاه سه‌شنبه منتشر شد، گفت: «ما شاهد هستیم که توانایی ایران در هدف قرار دادن ما و شرکای ما در حال کاهش است، و این در حالی است که قدرت رزمی ما در حال افزایش است. ارزیابی کلی عملیاتی من این است که ما جلوتر از برنامه عملیاتی خود حرکت می‌کنیم.»

دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا، نیز در دیدار با فریدریش مرتس صدراعظم آلمان که بامداد ۱۳ اسفند ۱۴۰۴ بوقت ایران در کاخ انجام شد در پاسخ به نخستین پرسش‌های خبرنگاران از زمان آغاز حملات، گفت: «تقریباً همه چیز [آنها] از کار افتاده است... دیگر نیروی دریایی ندارند؛ نابود شده است. نیروی هوایی ندارند؛ نابود شده است. سامانه‌های شناسایی هوایی ندارند؛ نابود شده است. رادارهایشان هم از کار افتاده است.»

از سوی دیگر یخیل لایتر سفیر اسرائیل در ایالات متحده، در پیامی ویدیویی که در «ایکس» منتشر کرد گفت در چارچوب عملیات آمریکا و اسرائیل، بیشتر ایستگاه‌های راداری در غرب ایران و همچنین پرتابگرهای موشکی زمین‌به‌زمین و زمین‌به‌هوا منهدم شده‌اند.

هرج و مرج در ساختار حکومت آیت‌الله‌ها

## فرمانده سنتکام: نیروی دریایی جمهوری اسلامی تقریباً نابود شد

● منابع نظامی آمریکایی می‌گویند، ایالات متحده در ۱۰۰ ساعت نخست «عملیات خشم حماسی» نزدیک به ۲ هزار نقطه را در ایران هدف قرار داد. مقام‌ها هشدار دادند حملات «از دریا تا آسمان و فضای سایبری» ادامه خواهد داشت.

● او افزود: «بسیاری از شما ممکن است شوک و بهت حملات سال ۲۰۰۳ را به یاد داشته باشید. ۲۴ ساعت نخست این عملیات عملاً دو برابر آن مقیاس بود و ما به صورت ۲۴ ساعته و هفت روز هفته، از بستر دریا تا فضا و فضای سایبری، به ایران حمله می‌کنیم.»

● کوپر گفت: «ما همچنین در حال غرق کردن نیروی دریایی جمهوری اسلامی هستیم؛ در واقع، تا این لحظه کل نیروی دریایی.»

منابع نظامی آمریکایی می‌گویند، ایالات متحده در ۱۰۰ ساعت نخست «عملیات خشم حماسی» نزدیک به ۲ هزار نقطه را در ایران هدف قرار داد. مقام‌ها هشدار دادند حملات «از دریا تا آسمان و فضای سایبری» ادامه خواهد داشت.

به گزارش «نیویورک پست»، به نقل برد کوپر فرمانده سنتکام بیش از ۵۰ هزار نیروی آمریکایی در قالب «بزرگ‌ترین تجمع نظامی در خاورمیانه در دوران معاصر» مستقر شده‌اند.

کوپر روز سه‌شنبه در ویدیویی که در «ایکس» منتشر شد، گفت: «به دستور رئیس‌جمهور ایالات متحده و وزیر جنگ، نیروهای ما در خاورمیانه عملیاتی بی‌سابقه را برای از بین بردن توانایی ایران در تهدید آمریکایی‌ها آغاز کرده‌اند؛ تهدیدی که نزدیک به نیم قرن ادامه داشته است.»

از زمان آغاز «عملیات خشم حماسی» در روز شنبه، آمریکا بیش از ۵۰ هزار نیرو به همراه ۲۰۰ جنگنده، دو ناو هواپیمابر و تعداد نامشخصی مپ‌افکن مستقر کرده است. کوپر توضیح داد: «این نیروها حجم عظیمی از قدرت آتش را به همراه دارند که بزرگ‌ترین تجمع نظامی آمریکا در خاورمیانه طی دوران معاصر را نمایندگی می‌کنند.»

او افزود: «بسیاری از شما ممکن است شوک و بهت حملات سال ۲۰۰۳ را به یاد داشته باشید. ۲۴ ساعت نخست این عملیات عملاً دو برابر آن مقیاس بود و ما به صورت ۲۴ ساعته و هفت روز هفته، از بستر دریا تا فضا و فضای سایبری، به ایران حمله می‌کنیم.»

در ۱۰۰ ساعت نخست عملیات مشترک با اسرائیل، نزدیک به ۲ هزار نقطه در ایران هدف قرار گرفت و آمریکا بیش از ۲ هزار مهمات شلیک کرد.

کوپر افزود ایالات متحده «به شدت» سامانه‌های پدافند هوایی ایران را تضعیف کرده و صدها موشک بالستیک، سکوی پرتاب و پهپاد را منهدم کرده است.

او گفت: «به زبان ساده، ما هر چیزی را که بتواند

## در حملات هوایی آمریکا و اسرائیل به جلسه «شورای دفاع» موسوی، پاکپور، شمشانی و نصیرزاده کشته شدند



در این تصویر احمدرضا رادان فرمانده انتظامی در حال بوسیدن عبدالرحیم موسوی است و نصیرزاده وزیر دفاع تماشاگر



محمد پاکپور و علی شمشانی

ملت ایران برنامه‌ریزی مفصلی کرده است؛ بخشی از آن را اجرا کرده است و برای اجرای بخش‌های دیگر در مراحل بعدی امید دارد، همه این اقدامات برای بلعیدن ایران عزیز ماست و به نظر من مهم‌ترین برنامه دشمن، ایجاد تفرقه است.»

ساعت و محل برگزاری جلسه «شورای دفاع» اطلاعات سری است اما لو رفت. هدفگیری مجدد فرماندهان ارشد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در همان ساعات اولیه حمله، نشان از نفوذ بالای سرویس‌های اطلاعاتی خارجی در ساختار نظامی و امنیتی حکومت دارد. همین وضعیت در «جنگ ۱۲ روزه» نیز اتفاق افتاده بود اما با گذشت ۹ ماه از آن جنگ این ضعف بزرگ همچنان ادامه یافت و شمار دیگری از مقامات ارشد نظامی و امنیتی نظام کشته شدند.

● خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، یکشنبه ۱۰ اسفند ۱۴۰۴ گزارش داد که عبدالرحیم موسوی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، محمد پاکپور فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، علی شمشانی مشاور خامنه‌ای و دبیر شورای دفاع و عزیز نصیرزاده وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در حمله هوایی آمریکا و اسرائیل کشته شدند.

● خبرگزاری تسنیم اعلام کرد اسامی سایر کشته‌ها اعلام خواهد شد. تسنیم اشاره دقیقی به محل کشته شدن این فرماندهان نکرده است اما به نظر می‌رسد همگی آنها در جلسه محرمانه «شورای دفاع» حضور داشتند.

خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، یکشنبه ۱۰ اسفند ۱۴۰۴ گزارش داد که عبدالرحیم موسوی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، محمد پاکپور فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، علی شمشانی مشاور خامنه‌ای و دبیر شورای دفاع و عزیز نصیرزاده وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در حمله هوایی آمریکا و اسرائیل کشته شدند.

خبرگزاری تسنیم اعلام کرد اسامی سایر کشته‌ها اعلام خواهد شد. تسنیم اشاره دقیقی به محل کشته شدن این فرماندهان نکرده است اما به نظر می‌رسد همگی آنها در جلسه محرمانه «شورای دفاع» حضور داشتند.

یکی از کسانیکه گفته شد او هم در مبارزات کشته شده، امیر حاجی فرمانده ارتش جمهوری اسلامی است اما او قسر در رفته است. حاجی در پیامی مدعی شد «اطمینان می‌دهم» در ارتش جمهوری اسلامی ایران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و همه نیروهای مسلح با اراده‌ای پولادین با تمام قوا و قاطعانه عمل می‌کنند. او هشدار داد که «دشمن برای ایجاد تفرقه در صفوف

به سمت ما شلیک کند، هدف قرار می‌دهیم.»  
نیروهای آمریکایی از انواع مپافکن‌های خود از جمله بی-۲، بی-۱ و بی-۵۲ استفاده کرده‌اند و عملیات‌هایی «در عمق خاک ایران» انجام داده‌اند.  
دست‌کم ۱۷ کشتی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و یک زیردریایی نیز توسط آمریکا هدف قرار گرفته‌اند.



دریادار برد کوپر فرمانده هسته‌تاک

کوپر گفت: «ما همچنین در حال غرق کردن نیروی دریایی جمهوری اسلامی هستیم؛ در واقع، تا این لحظه کل نیروی دریایی.»

پس از آغاز عملیات، هیچ کشتی با پرچم ایران در آب‌های خاورمیانه مشاهده نشده است.

کوپر همچنین گفت: «ما متوقف نخواهیم شد و به اجرای عملیات هدف‌گیری پویا ادامه می‌دهیم. در حال شکار آخرین سکوی‌های متحرک موشک‌های بالستیک ایران هستیم تا آنچه را که من توانایی باقی‌مانده پرتاب آن‌ها توصیف می‌کنم، از بین ببریم.»

در یک حمله تلافی‌جویانه حکومت ایران، شش نظامی آمریکایی در حمله پهبادی به بندر شعبیه کویت در روز یکشنبه کشته شدند.

کاپیتان کودی خورک، ۳۵ ساله از فلوریدا؛ گروهان یکم نوا تیتجنس، ۴۲ ساله از نبراسکا؛ گروهان یکم نیکول آمور، ۳۹ ساله از مینه‌سوتا؛ و گروهان دکلن کودی، ۲۰ ساله از آیووا، به عنوان چهار تن از شش کشته این حمله معرفی شدند.

حملات دیگر جمهوری اسلامی ایران نیز پایگاه‌های آمریکا در سراسر خاورمیانه را هدف قرار داده‌اند و روز سه‌شنبه کنسولگری آمریکا در دبی نیز هدف یک پهباد ایرانی قرار گرفت.

کوپر گفت: «برای روشن شدن موضوع، ایران به طور کورکورانه غیرنظامیان را هدف قرار می‌دهد؛ در حالی که این موشک‌ها و پهبادها را پرتاب می‌کند. شما این صحنه‌ها را در تلویزیون دیده‌اید؛ شواهد کاملاً روشن و قاطع است.» فرمانده ستاد مرکزی آمریکا گفت توانایی ایران برای حمله به آمریکا به دلیل حملات مداوم به زیرساخت‌های نظامی‌اش در حال کاهش است.

کوپر گفت: «ارزیابی کلی عملیاتی من این است که ما جلوتر از برنامه‌ریزی خود حرکت می‌کنیم.»

## ترامپ در مصاحبه با «نیویورک تایمز»: نظامیان و سپاه سلاح‌شان را به مردم تحویل دهند



دونالد ترامپ

## دونالد در ترامپ در کاخ سفید: عملیات «خشم حماسی» بهترین و آخرین فرصت برای نابودی رژیم شرور ایران است

● رئیس جمهوری آمریکا دوشنبه دوم مارس (۱۱ اسفند ۱۴۰۴) در مراسم اهدای مدال افتخار کاخ سفید با اشاره به عملیات نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران موسوم به «عملیات خشم حماسی» گفت که «ما پیش‌بینی کرده بودیم چهار هفته طول بکشد تا رهبری نظامی را حذف کنیم، و همان‌طور که می‌دانید این کار در حدود یک ساعت انجام شد. بنابراین در آن بخش هم بسیار جلوتر از برنامه هستیم.»

● ترامپ تأکید کرد «عجله‌ای برای پایان دادن به عملیات ندارد» سپس توضیح داد: «امروز کسی گفت رئیس‌جمهور می‌خواهد کار را خیلی زود تمام کند و بعد حوصله‌اش سر می‌رود. من حوصله‌ام سر نمی‌رود. در این موضوع هیچ چیز خسته‌کننده‌ای وجود ندارد. هیچ‌کدام از ما حوصله‌مان سر نمی‌رود. من هرگز حوصله‌ام سر نمی‌رود. اگر حوصله‌ام سر می‌رفت، مطمئن باشید الان اینجا نبودم.»

رئیس جمهوری آمریکا دوشنبه دوم مارس (۱۱ اسفند ۱۴۰۴) در مراسم اهدای مدال افتخار کاخ سفید با اشاره به عملیات نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران موسوم به «عملیات خشم حماسی» گفت که «ما پیش‌بینی کرده بودیم چهار هفته طول بکشد تا رهبری نظامی را حذف کنیم و همان‌طور که می‌دانید این کار در حدود یک ساعت انجام شد. بنابراین در آن بخش هم بسیار جلوتر از برنامه هستیم.»

دونالد ترامپ درباره اهداف حمله به ایران گفت: «اهداف ما روشن است. اول، ما در حال نابود کردن توانمندی‌های موشکی [رژیم] ایران هستیم؛ و می‌بینید که این روند به‌صورت ساعتی در حال انجام است، همچنین ظرفیت تولید موشک‌های جدید که اتفاقاً موشک‌های نسبتاً خوبی هم می‌سازند را از بین می‌بریم. دوم، ما نیروی دریایی آنها را نابود می‌کنیم. تاکنون ۱۰ کشتی را از کار انداخته‌ایم؛ اکنون در کف دریا هستند. سوم، اطمینان حاصل می‌کنیم که بزرگ‌ترین حامی تروریسم در جهان هرگز نتواند به سلاح هسته‌ای دست یابد. هرگز قرار نیست سلاح هسته‌ای داشته باشند. از همان ابتدا گفتم: هرگز سلاح هسته‌ای نخواهند داشت. آنها از طریق توافقی که کشور ما به‌طور احمقانه امضا کرده بود، در مسیر دستیابی مشروع به آن قرار داشتند و در نهایت، اطمینان می‌یابیم که رژیم ایران دیگر نتواند در خارج از مرزهایش گروه‌های تروریستی را تسلیح ←

سلاح‌های خود را به مردم ایران تحویل دهند. او گفت: «فکرش را بکنید که آن‌ها واقعا تسلیم مردم شوند.»

او سپس با اشاره به تجربه‌اش در ونزوئلا مدل کاملاً متفاوتی برای چگونگی انتقال قدرت در ایران ارائه کرد و گفت: «به نظرم کاری که ما در ونزوئلا کردیم بی‌نقص بود، یک سناریوی بی‌نقص.»

رئیس‌جمهوری آمریکا در ابتدا پاسخ به این پرسش که ترجیح می‌دهد چه کسی رهبری ایران را در دست گیرد، گفت: «سه گزینه خیلی خوب دارم، اما آن‌ها را فاش نمی‌کنم. بگذارید اول کار را تمام کنیم.»

او سپس سناریویی را توصیف کرد که مردم ایران حکومت را سرنگون کنند.

ترامپ گفت: «این به خودشان بستگی دارد که این کار را بکنند یا نه. سال‌هاست درباره‌اش حرف می‌زنند، پس حالا بدیهی است که فرصت خواهند داشت.»

رئیس‌جمهور آمریکا با اشاره به کشته شدن سه سرباز آمریکایی در درگیری با ایران گفت که تلفات آمریکا ممکن است از این هم بالاتر برود. او با این حال ابراز اطمینان کرد که ایران در نهایت تسلیم خواست آمریکا و اسرائیل خواهد شد و افزود: «کشور به شکل قابل توجهی تضعیف شده است.»

در ادامه این مصاحبه ترامپ گفت اگر رهبری جدید ایران خود را شریک عمل‌گرایی نشان دهد، آماده است تحریم‌ها را کاهش دهد. او با این حال نگفت که آیا به نظر او و دولت‌ش مردم ایران باید حکومت فعلی را سرنگون کنند یا نه. رئیس‌جمهوری آمریکا گفت: «من به هیچ وجه تعهدی نمی‌دهم؛ هنوز خیلی زود است. ما کارهایی برای انجام دادن داریم و تا حالا هم خیلی خوب پیش رفته‌ایم. می‌توانم بگویم که کاملاً از برنامه جلوتر هستیم.»

رئیس‌جمهوری آمریکا همچنین گفت که حملات آمریکا و اسرائیل بخش بزرگی از نیروی دریایی ایران را از جمله ۹ کشتی و یک مقر نیروی دریایی، از بین برده است.

● همزمان با سومین روز حمله مشترک آمریکا و اسرائیل به جمهوری اسلامی، رئیس‌جمهوری آمریکا در مصاحبه با روزنامه «نیویورک تایمز» با اشاره به اینکه «سه گزینه بسیار خوب» برای رهبری آینده ایران در نظر دارد تأکید کرد «کاملاً به خود مردم ایران بستگی دارد که بخواهند حکومت را تغییر دهند یا نه. سال‌ها درباره آن صحبت کرده‌اند و حالا طبیعتاً فرصت خواهند داشت.»

● دونالد ترامپ یکشنبه ۱۰ اسفند ۱۴۰۴ در گفتگوی «حدود شش دقیقه‌ای» با نیویورک تایمز عنوان کرد که حملات به ایران در صورت لزوم «چهار تا پنج هفته» ادامه خواهد داشت.

● او سپس با اشاره به تجربه‌اش در ونزوئلا مدل کاملاً متفاوتی برای چگونگی انتقال قدرت در ایران ارائه کرد.

همزمان با سومین روز حمله مشترک آمریکا و اسرائیل به جمهوری اسلامی، رئیس‌جمهوری آمریکا در مصاحبه با روزنامه «نیویورک تایمز» با اشاره به اینکه «سه گزینه بسیار خوب» برای رهبری آینده ایران در نظر دارد تأکید کرد «کاملاً به خود مردم ایران بستگی دارد که بخواهند حکومت را تغییر دهند یا نه. سال‌ها درباره آن صحبت کرده‌اند و حالا طبیعتاً فرصت خواهند داشت.»

دونالد ترامپ یکشنبه ۱۰ اسفند ۱۴۰۴ در گفتگوی «حدود شش دقیقه‌ای» با نیویورک تایمز عنوان کرد که حملات به ایران در صورت لزوم «چهار تا پنج هفته» ادامه خواهد داشت. او گفت که «سه گزینه بسیار خوب» برای رهبری جمهوری اسلامی مدنظر دارد، با این حال از توضیح درباره آن‌ها خودداری کرد.

ترامپ همچنین به این پرسش که آیا فکر می‌کند علی لاریجانی می‌تواند رهبری ایران را بر عهده بگیرد یا خیر، پاسخ نداد.

رئیس‌جمهوری آمریکا همچنین گفت که امیدوار است نیروهای نخبه نظامی ایران، از جمله مقامات سپاه پاسداران

## دوران محمدرضا شاهی؛ ایران در مسیر قدرت جهانی

(صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)

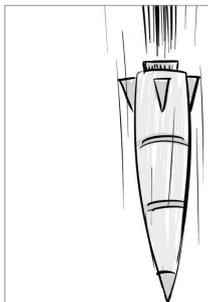


ویدئو

ارتقای جایگاه بین‌المللی و تثبیت هویت ملی ایرانی به طور همزمان دنبال شد. در فاصله ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۷، اقتصاد ایران یکی از سریع‌ترین نرخ‌های رشد در جهان را تجربه کرد.

دهه پایانی حکومت محمدرضا شاه پهلوی یکی از پرشتاب‌ترین و اثرگذارترین دوره‌های تاریخ معاصر ایران بود. دوره‌ای که در آن رشد اقتصادی، افزایش قدرت نظامی،

## دیروز و امروز جمهوری اسلامی؛ از کشتار مردم تا جنگ



کیهان  
KATHAN.LONDON

امروز  
دیروز



© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

تأمین مالی و هدایت کند.»

او سپس در ادامه افزود: «فکر کردم به توافق رسیدیم، اما عقب‌نشینی کردند، دوباره بازگشتند، فکر کردیم توافق داریم، باز عقب‌نشینی کردند. گفتیم با این افراد نمی‌شود معامله کرد؛ باید کار را به شیوه درست انجام داد.»

ترامپ سپس از آمادگی طولانی جنگ با ایران گفت و اعلام کرد: «ما قدرتمندترین و نیرومندترین ارتش جهان را در اختیار داریم و به راحتی پیروز خواهیم شد. ما از برنامه زمانی پیش‌بینی شده جلوتر هستیم، اما هر مقدار زمانی که لازم باشد، اشکالی ندارد. هر کاری لازم باشد انجام می‌دهیم. از همان ابتدا پیش‌بینی ما چهار تا پنج هفته بود، اما توانایی ادامه بسیار طولانی‌تر از آن را داریم.»

ترامپ تأکید کرد «عجله‌ای برای پایان دادن به عملیات ندارد» سپس توضیح داد: «امروز کسی گفت رئیس‌جمهور می‌خواهد کار را خیلی زود تمام کند و بعد حوصله‌اش سر می‌رود. من حوصله‌ام سر نمی‌رود. در این موضوع هیچ چیز خسته‌کننده‌ای وجود ندارد. هیچ‌کدام از ما حوصله‌مان سر نمی‌رود. من هرگز حوصله‌ام سر نمی‌رود. اگر حوصله‌ام سر می‌رفت، مطمئن باشید الان اینجا نبودم.»

او درباره هشدارهای آمریکا راجع به برنامه هسته‌ای و موشکی ایران گفت: «پس از نابودی کامل برنامه هسته‌ای ایران در «عملیات چکش نیمه‌شب» مدتی پیش، به ایران هشدار دادیم که برای بازسازی آن در مکان دیگری تلاشی نکنند، زیرا دیگر قادر به استفاده از تأسیساتی که ما با قدرت نابود کردیم نبود. اما آنها این هشدارها را نادیده گرفتند و از توقف پیگیری سلاح هسته‌ای خودداری کردند.»

ترامپ با اشاره به اینکه برنامه موشکی ایران به سرعت در حال پیشرفت است گفت: «این موضوع تهدیدی بسیار روشن و عظیم علیه آمریکا و نیروهای مستقر ما در خارج از کشور به شمار می‌رود. این رژیم پیشاپیش موشک‌هایی در اختیار داشت که می‌توانستند اروپا و پایگاه‌های ما را چه در منطقه و چه در خارج هدف قرار دهند و به زودی می‌توانستند موشک‌هایی در اختیار داشته باشند که به سرزمین زیبای آمریکا برسند.»

او ادامه داد: «یک رژیم ایرانی مجهز به موشک‌های دوربرد و سلاح هسته‌ای، تهدیدی غیرقابل تحمل نه تنها برای خاورمیانه، بلکه برای مردم آمریکا خواهد بود. خود کشور ما نیز در معرض تهدید قرار می‌گرفت، و بسیار نزدیک بود که چنین شود.»

او در مورد خروجش از برجام اعلام کرد: «من بسیار افتخار می‌کنم که توافق هسته‌ای ایران با رئیس‌جمهور باراک حسین اوباما را لغو کردم. آن سند، سندی وحشتناک، خطرناک و بسیار بد بود. آنها سه سال پیش سلاح هسته‌ای در اختیار داشتند و از آن استفاده می‌کردند، اما اجازه نخواهم داد چنین اتفاقی بیفتد.»

ترامپ همچنین در مورد قاسم سلیمانی گفت: «نزدیک به ۴۷ سال است که این رژیم به ایالات متحده حمله کرده و آمریکایی‌ها را کشته است. هر زمان فردی را می‌بینید که دست‌ها و پاهایش را از دست داده یا صورتش به شدت ویران شده، تقریباً مطمئن باشید که کار یک مپ‌کنار جاده‌ای ایرانی بوده است. این مپ‌ها به دستور قاسم سلیمانی کار گذاشته می‌شد؛ کسی که با افتخار خود را پدر مپ‌های کنار جاده‌ای می‌دانست. اما من در دوره اول ریاست‌جمهوری‌ام او را از میان برداشتم.»

او عملیات «خشم حماسی» را «آخرین و بهترین فرصت آمریکا» دانست تا تهدیدهای غیرقابل تحمل «رژیم بیمار و شرور» را از بین ببرد.

## کی‌یر استارمر حکومت ایران را به «راهبرد زمین سوخته» متهم کرد؛ چراغ سبز لندن به استفاده از پایگاه‌ها برای حملات آمریکا



نخست وزیر بریتانیا

نیز از «دیه‌گو گارسیا» در اقیانوس هند استفاده خواهد کرد. استارمر نیز گفت استفاده از پایگاه‌های بریتانیا صرفاً برای «هدف دفاعی مشخص و محدود» نابودی موشک‌های ایران «در مبدأ» خواهد بود.

این اعلامیه در حالی منتشر شد که نخست‌وزیر آن را تنها چند ساعت پیش از حمله پهبادی به یک پایگاه نیروی هوایی سلطنتی بریتانیا در قبرس مطرح کرد. به گفته مقام‌های بریتانیایی، پایگاه «آکروتیری» در قبرس شامگاه یکشنبه هدف حمله پهبادی قرار گرفت اما «تلفات»ی گزارش نشده است. وزارت دفاع بریتانیا بعداً گفت «خسارت حداقلی» وارد شده و تحقیقات برای مشخص شدن این که پهباد «از کجا شلیک شده» ادامه دارد.

استارمر در بخش پایانی سخنانش تلاش کرد میان «اقدام دفاعی» و «پیوستن به حملات» مرزبندی کند. او گفت بریتانیا «به این حملات نمی‌پیوندد»، اما «اقدام‌های دفاعی» خود را در منطقه ادامه می‌دهد و همچنین از اعزام «کارشناسانی از اوکراین» برای همکاری با متخصصان بریتانیایی جهت کمک به شرکای خلیج فارس در «سرنگون کردن پهبادهای ایرانی» خبر داد.

او با اشاره به تجربه جنگ عراق گفت: «همه ما اشتباهات عراق را به یاد داریم و از آن درس گرفته‌ایم.» سپس افزود بریتانیا «در حملات اولیه علیه ایران دخیل نبود» و «اکنون نیز به اقدام‌های تهاجمی نمی‌پیوندد»، اما در عین حال مدعی شد ایران با «راهبرد زمین سوخته» منطقه را به سمت بحران می‌برد و لندن ناگزیر است از «دفاع جمعی» متحدان و «مردم بریتانیا در منطقه» حمایت کند، زیرا به گفته او «این وظیفه ما در برابر مردم بریتانیاست.»

نخست‌وزیر بریتانیا در پایان این رویکرد را «بهترین راه برای حذف تهدید فوری» و جلوگیری از «وخیم‌تر شدن اوضاع» دانست و آن را اقدامی برای «حفاظت از منافع و جان بریتانیایی‌ها» توصیف کرد.

استارمر همچنین گفت نیروهای مسلح بریتانیا که در نقاط مختلف منطقه مستقرند، به‌واسطه اقدام‌های ایران «در معرض خطر» قرار گرفته‌اند. او گفت «دیروز» ایران یک پایگاه نظامی در بحرین را هدف قرار داد و این حمله «با فاصله‌ای اندک» از پرسنل بریتانیایی رخ داد. نخست‌وزیر در بخش دیگری از اظهاراتش گفت مرگ رهبر عالی ایران «ایران را از ادامه این حملات بازخواهد داشت» و مدعی شد رویکرد تهران «حتی بی‌پروا تر و برای غیرنظامیان خطرناک‌تر» شده است. او در همین چارچوب توضیح داد که جنگنده‌های بریتانیایی «به‌عنوان بخشی از عملیات دفاعی هماهنگ» در آسمان منطقه فعال‌اند و «پیش‌تر نیز با موفقیت» برخی حملات را رهگیری کرده‌اند. اما به گفته او، «تنها راه توقف تهدید» این است که «موشک‌ها در مبدأ» و در «انبارهای ذخیره» یا «سکوها پرتابی که برای شلیک موشک‌ها استفاده می‌شود» نابود شوند.

به گفته استارمر، ایالات متحده از بریتانیا خواسته است اجازه دهد از پایگاه‌های بریتانیایی برای همین «هدف دفاعی محدود و مشخص» استفاده کند؛ درخواستی که لندن آن را پذیرفته است. استارمر گفت این تصمیم برای جلوگیری از آن است که ایران «به شلیک موشک در سراسر منطقه ادامه دهد»، «غیرنظامیان بی‌گناه را بکشد»، «جان بریتانیایی‌ها را به خطر اندازد» و «کشورهایی را هدف قرار دهد که دخیل نبوده‌اند.»

نخست‌وزیر بریتانیا در توضیح مبنای حقوقی تصمیم خود گفت: «پایه تصمیم ما دفاع جمعی از دوستان و متحدان دیرینه و حفاظت از جان بریتانیایی‌هاست» و این اقدام را «مطابق حقوق بین‌الملل» دانست. او افزود دولت بریتانیا «خلاصه‌ای از مشاوره حقوقی» خود را منتشر کرده است. همزمان، بی‌بی‌سی گزارش داده است که آمریکا احتمالاً برای حملات به «مواضع موشکی ایران» از پایگاه نیروی هوایی سلطنتی بریتانیا در «فرفور» واقع در گلاسترش و

کی‌یر استارمر نخست‌وزیر بریتانیا اعلام کرد دولت با درخواست ایالات متحده برای استفاده از پایگاه‌های نظامی بریتانیایی در منطقه به‌منظور «هدف دفاعی مشخص و محدود» یعنی نابودی موشک‌های جمهوری اسلامی «در مبدأ» موافقت کرده است؛ تصمیمی که او آن را بر پایه «دفاع جمعی از متحدان» و «حفاظت از جان بریتانیایی‌ها» توصیف کرد و همزمان تهران را متهم کرد که در منطقه به‌دنبال یک «راهبرد زمین سوخته» است.

استارمر همچنین گفت نیروهای مسلح بریتانیا که در نقاط مختلف منطقه مستقرند، به‌واسطه اقدام‌های ایران «در معرض خطر» قرار گرفته‌اند.

او در توضیح مبنای حقوقی تصمیم خود گفت: «پایه تصمیم ما دفاع جمعی از دوستان و متحدان دیرینه و حفاظت از جان بریتانیایی‌هاست» و این اقدام را «مطابق حقوق بین‌الملل» دانست. او افزود دولت بریتانیا «خلاصه‌ای از مشاوره حقوقی» خود را منتشر کرده است.

نخست‌وزیر بریتانیا در پایان این رویکرد را «بهترین راه برای حذف تهدید فوری» و جلوگیری از «وخیم‌تر شدن اوضاع» دانست و آن را اقدامی برای «حفاظت از منافع و جان بریتانیایی‌ها» توصیف کرد.

کی‌یر استارمر نخست‌وزیر بریتانیا اعلام کرد دولت با درخواست ایالات متحده برای استفاده از پایگاه‌های نظامی بریتانیایی در منطقه به‌منظور «هدف دفاعی مشخص و محدود» یعنی نابودی موشک‌های جمهوری اسلامی «در مبدأ» موافقت کرده است؛ تصمیمی که او آن را بر پایه «دفاع جمعی از متحدان» و «حفاظت از جان بریتانیایی‌ها» توصیف کرد و همزمان تهران را متهم کرد که در منطقه به‌دنبال یک «راهبرد زمین سوخته» است.

استارمر یکشنبه شب اول مارس (۱۱ اسفند بوقت ایران) در بیانیه‌ای که آن را بخشی از «راهبرد بریتانیا در منطقه خلیج فارس» خواند، گفت روز قبل به مردم توضیح داده بود که بریتانیا در حملات آمریکا به ایران «مشارکت نداشته» و «این وضعیت همچنان برقرار است». او تأکید کرد: «تصمیم ما مبنی بر این که بریتانیا در حملات علیه ایران دخیل نباشد، تصمیمی عاقدانه بود»، زیرا لندن معتقد است «بهترین راه برای منطقه و جهان، یک راه‌حل مذاکره‌شده است؛ راه‌حلی که ایران در آن با کنار گذاشتن هرگونه آرزو برای توسعه سلاح هسته‌ای موافقت کند.»

با این حال، نخست‌وزیر بریتانیا گفت طی دو روز گذشته ایران «حملات مستمری» را در سراسر منطقه علیه کشورهای انجام داده که «به آن‌ها حمله نکرده‌اند». او مدعی شد این حملات «فروودگاه‌ها و هتل‌هایی را هدف قرار داده که شهروندان بریتانیایی در آن اقامت دارند» و وضعیت را «به‌وضوح خطرناک» دانست. استارمر گفت دست‌کم ۲۰۰ هزار شهروند بریتانیایی «در منطقه حضور دارند؛ از جمله «ساکنان، خانواده‌هایی که در تعطیلات هستند و افرادی که در مسیر ترانزیت قرار دارند»، و از همه خواست «حضور خود را ثبت کنند و توصیه‌های سفر وزارت خارجه» را دنبال کنند. او افزود این دوران «به‌شدت نگران‌کننده» است و دولت «هر کاری بتواند برای حمایت» انجام خواهد داد.

# یونان و فرانسه پس از حمله پهبادی جمهوری اسلامی به پایگاه بریتانیا، ناو و سامانه‌های پدافندی به قبرس ارسال می‌کنند



پایگاه هوایی بریتانیا در قبرس

حالت تخلیه باقی مانده‌اند؛ در حالی که مقام‌های امنیتی در حال ارزیابی تهدیدها و رصد احتمال حملات بیشتر هستند. این رخداد نگرانی‌ها را در قبرس افزایش داده است؛ کشوری عضو اتحادیه اروپا که در همسایگی خاورمیانه قرار دارد و میزبان دو «منطقه پایگاهی حاکمیتی» بریتانیاست؛ تأسیساتی که سال‌ها به عنوان نقطه اتکای عملیات منطقه‌ای استفاده شده‌اند.

در لندن نیز کی‌یر استارمر نخست‌وزیر بریتانیا، زیر فشار پرسش‌ها درباره نقش پایگاه‌های این کشور در بحبوحه تشدید بحران قرار گرفته است. استارمر روز دوشنبه گفت پایگاه‌های بریتانیا در قبرس در عملیات آمریکا علیه ایران به کار گرفته نخواهند شد؛ در حالی که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، از این موضوع انتقاد کرده است.

استارمر روز یکشنبه اعلام کرده بود با درخواست آمریکا برای استفاده از پایگاه‌های بریتانیا برای یک «هدف دفاعی مشخص و محدود» موافقت کرده است. اما او در اظهاراتش در پارلمان در روز دوشنبه تأکید کرد این موافقت شامل پایگاه‌های واقع در جزیره مدیترانه‌ای قبرس نمی‌شود.

او گفت: «پایگاه‌های قبرس توسط آمریکا استفاده نمی‌شوند و قرار هم نیست استفاده شوند... چون مناسب نیستند.»

تحولات قبرس همزمان با افزایش تهدیدهای پهبادی در سراسر منطقه رخ می‌دهد. ژان-نوتل بارو وزیر خارجه فرانسه، روز سه‌شنبه گفت جنگنده‌های رافال فرانسه آخر هفته گذشته در آسمان امارات متحده عربی در چارچوب «عملیات امنیت آسمان» پرواز کرده‌اند؛ پس از آنکه یک حمله پهبادی ایران یک پایگاه دریایی در ابوظبی را هدف قرار داد نشانه‌ای از اینکه بُعد هوایی این جنگ با سرعت از میدان اصلی درگیری فراتر می‌رود.

دوشنبه دستور اعزام نیرو به قبرس را صادر کرد. چهار فروند جنگنده اف-۱۶- یونان در شهر ساحلی پافوس در جنوب غرب قبرس مستقر شده‌اند و دو ناوچه یونانی نیز در مسیر جزیره‌اند؛ از جمله یکی که به سامانه اخلاگر ضدپهپاد «سناتوروس» مجهز است.

خریستودولیدس روز سه‌شنبه در دیدارهایی در قبرس با وزیر دفاع این کشور، واسیلیس پالماس و همچنین نیکوس دندیاس، وزیر دفاع یونان، و ژنرال دیمیتریس هوییس، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح یونان، این اقدام را «پاسخ فوری» یونان توصیف کرد و گفت دیگر کشورهای اروپایی نیز اکنون در حال پیگیری حمایت‌های مشابه‌اند.

این تحرکات در چارچوب فعال شدن «دکترین دفاعی یکپارچه یونان و قبرس» انجام می‌شود؛ چارچوب راهبردی مشترکی میان آتن و نیکوزیا که برای هماهنگی واکنش‌ها در صورت بروز تهدید طراحی شده است.

این تصمیم‌ها پس از حمله به پایگاه «آکروتیری» نیروی هوایی سلطنتی بریتانیا (RAF) اتخاذ شد؛ یکی از مهم‌ترین مراکز نظامی لندن در منطقه. مقام‌ها می‌گویند یک پهپاد بدون سرنشین از نوع «شاهد» اندکی پس از نیمه‌شب دوشنبه به این پایگاه برخورد کرد و تنها خسارت جزئی به یک آشیانه هواپیما وارد شد. بنا بر گفته مقام‌ها، دو پهپاد دیگر نیز همان روز پس از آنکه جنگنده‌های بریتانیایی از پایگاه به پرواز درآمدند، رهگیری و منهدم شدند.

دولت قبرس اعلام کرده است پهپادها از لبنان شلیک شده‌اند و به احتمال زیاد کار نیروهای حزب‌الله بوده است، هرچند مقام‌ها همزمان بر «ایرانی‌ساخت» بودن پهپادها نیز تأکید کرده‌اند؛ اشاره‌ای به الگوی پهپادهای شاهد که توسط ایران و متحدانش به کار گرفته می‌شود.

به گفته مقام‌ها، آکروتیری و روستاهای اطراف آن در

یونان و فرانسه پس از آنکه پهپادهای ساخت جمهوری اسلامی ایران بامداد دوشنبه ۱۱ اسفند ۱۴۰۴ یک پایگاه هوایی بریتانیا را در قبرس هدف قرار دادند، در حال اعزام تجهیزات و نیروهای نظامی به این جزیره هستند؛ اقدامی که در میانه تشدید جنگ آمریکا، اسرائیل و ایران، بازتاب‌های امنیتی آن را در شرق مدیترانه پررنگ‌تر کرده است.

به گفته دو مقام ارشد دولت قبرس، امانوئل ماکرون رئیس‌جمهور فرانسه، این تصمیم را روز سه‌شنبه در گفتگو با نیکوس خریستودولیدس رئیس‌جمهور قبرس، به او منتقل کرده است. وزارت دفاع فرانسه از اظهار نظر خودداری کرده است.

طبق گفته سه مقام که به دلیل نداشتن مجوز برای ارائه جزئیات به صورت علنی نخواستند نام‌شان فاش شود، آلمان نیز به درخواست قبرس برای اعزام یک ناو پاسخ مثبت داده و انتظار می‌رود برلین به‌زودی تصمیم رسمی خود را اعلام کند. مقام‌های قبرسی می‌گویند خریستودولیدس درباره گزینه‌های مشابه با جورجیا ملونی نخست‌وزیر ایتالیا، نیز در تماس بوده است.

خریستودولیدس روز سه‌شنبه در دیدارهایی در قبرس با وزیر دفاع این کشور، واسیلیس پالماس و همچنین نیکوس دندیاس، وزیر دفاع یونان، و ژنرال دیمیتریس هوییس، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح یونان، این اقدام را «پاسخ فوری» یونان توصیف کرد و گفت دیگر کشورهای اروپایی نیز اکنون در حال پیگیری حمایت‌های مشابه‌اند.

یونان و فرانسه پس از آنکه پهپادهای ساخت جمهوری اسلامی ایران بامداد دوشنبه ۱۱ اسفند ۱۴۰۴ یک پایگاه هوایی بریتانیا را در قبرس هدف قرار دادند، در حال اعزام تجهیزات و نیروهای نظامی به این جزیره هستند؛ اقدامی که در میانه تشدید جنگ آمریکا، اسرائیل و ایران، بازتاب‌های امنیتی آن را در شرق مدیترانه پررنگ‌تر کرده است.

مقام‌های قبرسی روز سه‌شنبه ۲۱ اسفند ۱۴۰۴ اعلام کردند فرانسه یک ناو جنگی به قبرس اعزام می‌کند و همچنین سامانه‌های مستقر در خشکی برای مقابله با پهپاد و موشک به این کشور خواهد فرستاد تا توان دفاعی آن تقویت شود.

به گفته دو مقام ارشد دولت قبرس، امانوئل ماکرون رئیس‌جمهور فرانسه، این تصمیم را روز سه‌شنبه در گفتگو با نیکوس خریستودولیدس رئیس‌جمهور قبرس، به او منتقل کرده است. وزارت دفاع فرانسه از اظهار نظر خودداری کرده است.

طبق گفته سه مقام که به دلیل نداشتن مجوز برای ارائه جزئیات به صورت علنی نخواستند نام‌شان فاش شود، آلمان نیز به درخواست قبرس برای اعزام یک ناو پاسخ مثبت داده و انتظار می‌رود برلین به‌زودی تصمیم رسمی خود را اعلام کند. مقام‌های قبرسی می‌گویند خریستودولیدس درباره گزینه‌های مشابه با جورجیا ملونی نخست‌وزیر ایتالیا، نیز در تماس بوده است.

در همین حال یونان سریع‌تر از دیگران وارد عمل شده است. مقام‌ها می‌گویند آتن پس از رخداد پهبادی روز

## فایننشال تایمز: اسرائیل با هک دوربین‌های ترافیکی، بیت خامنه‌ای را زیر نظر داشت



بیت خامنه‌ای قبل و بعد از بمباران

یک مقام اطلاعاتی اسرائیل گفت که مدت‌ها پیش از فرود آمدن بمب‌ها «همان‌قدر که اورشلیم را می‌شناسیم، تهران را هم می‌شناختیم.»  
او افزود: «وقتی [جایی] را به خوبی خیابانی که در آن بزرگ شده‌اید می‌شناسید، اگر حتی یک چیز کوچک سر جایش نباشد، متوجه می‌شوید.»

اطلاعات به دست آمده از واحد پیشرفته شنود الکترونیک و رمزگشایی کد موسوم به یگان ۸۲۰۰ اسرائیل، منابع انسانی جذب‌شده توسط موساد و انباشت داده‌هایی که سازمان اطلاعات نظامی ارتش اسرائیل از پردازش گزارش‌های روزانه جمع‌آوری کرده بود، منجر به تولید چنین تصویر اطلاعاتی مترابلی از تهران شد.

به گفته یک منبع آگاه، اسرائیل از روش ریاضی موسوم به «تحلیل شبکه‌های اجتماعی» برای تجزیه و تحلیل میلیاردها داده استفاده کرد تا مراکز نامحتمل ثقل تصمیم‌گیری را آشکار سازد و اهداف تازه‌ای را برای زیر نظر گرفتن و ترور شناسایی کند.

ایتای شاپیرا، سرتیپ ذخیره ارتش اسرائیل که ۲۵ سال در اداره اطلاعات نظامی این ارتش فعالیت کرده است، می‌گوید: «در فرهنگ اطلاعاتی اسرائیل، اطلاعات لازم برای هدف‌گیری مهم‌ترین مسئله تاکتیکی است. این اطلاعات با هدف توانمندسازی راهبردها ساخته شده‌اند. اگر تصمیم‌گیرنده تصمیم بگیرد که کسی باید ترور شود، بر اساس فرهنگ اطلاعاتی اسرائیل، ما این اطلاعات را فراهم می‌کنیم.»

اسرائیل در جریان جنگ ۱۲ روزه با استفاده از ترکیبی از عملیات سایبری، پهپادهای کوتاه‌برد و مهمات دقیق که از خارج از مرزهای ایران پرتاب شد، رادارها و پرتابگرهای موشک ایران را از کار انداخت.

یک مقام اطلاعاتی اسرائیل تأکید کرد: «اول چشمانشان را کور کردیم.»

به گزارش فایننشال‌تایمز، چه در جریان جنگ ۱۲

اسرائیل تقریباً همه دوربین‌های کنترل ترافیک تهران را سال‌ها پیش هک کرده بودند. تصاویر این دوربین‌ها رمزنگاری و به سرورهایی در تل‌آویو و جنوب اسرائیل منتقل می‌شد. اسرائیلی‌ها نیز از طریق همین دوربین‌ها در روز حمله به بیت خامنه‌ای و کشتن علی خامنه‌ای ورود محافظان و رانندگان مقامات رژیم را به این مجموعه واقع در خیابان پاستور [مجموعه مطهری]، زیر نظر داشتند.

به گفته یک منبع آگاه، زاویه یکی از این دوربین‌ها بسیار مفید واقع شد. زیرا مقامات اسرائیلی از طریق آن دریافته‌اند که محافظان و رانندگان مقامات ایرانی معمولاً خودروهای آن‌ها را کجا پارک می‌کنند. این دوربین همچنین زاویه‌ای به تردهای روزمره این مجموعه داشت.

مقامات اطلاعاتی اسرائیل با استفاده از الگوریتم‌های پیچیده توانستند جزئیات بیشتری به پرونده این نیروهای امنیتی اضافه کنند.

این جزئیات که شامل آدرس، ساعات کاری، مسیر رفت‌وآمد به محل کار و از همه مهم‌تر این که معمولاً از چه کسی محافظت می‌کنند، می‌شد، مقامات اطلاعاتی اسرائیل را قادر ساخت چیزی که «الگوی زندگی» می‌نامند را تدوین کنند.

یکی از این منابع توضیح می‌دهد این قابلیت‌ها بخشی از یک کارزار اطلاعاتی چندساله بود که راه را برای حذف خامنه‌ای هموار کرد.

گروه‌های مختلف اطلاعاتی برای جمع‌آوری داده‌ها درگیر کار بودند با این حال موساد و سی‌آی‌آی برای این که بفهمند خامنه‌ای در آن صبح سرنوشت‌ساز دقیقاً چه ساعتی در دفتر کارش حاضر می‌شود و چه کسانی به او می‌پیوندند، از روش‌ها و منابع بسیار دیگری هم استفاده کردند.

براساس گزارش «فایننشال تایمز» اسرائیل همچنین توانسته بود حدود ۱۲ ایستگاه گیرنده/فرستنده تلفن همراه را طوری مختل کند که تلفن‌های منطقه هنگام تماس «بوق اشغال» بزنند و تیم تأمین‌کننده‌ی نتواند هشدارهای احتمالی را دریافت کند.

● دو منبع آگاه به «فایننشال‌تایمز» گزارش داد ماموران اسرائیل تقریباً همه دوربین‌های کنترل ترافیک تهران را سال‌ها پیش هک کرده بودند. تصاویر این دوربین‌ها رمزنگاری و به سرورهایی در تل‌آویو و جنوب اسرائیل منتقل می‌شد. اسرائیلی‌ها نیز از طریق همین دوربین‌ها در روز حمله به بیت خامنه‌ای و کشتن علی خامنه‌ای ورود محافظان و رانندگان مقامات رژیم را به این مجموعه واقع در خیابان پاستور [مجموعه مطهری]، زیر نظر داشتند.

● به گفته یک منبع آگاه، زاویه یکی از این دوربین‌ها بسیار مفید واقع شد. زیرا مقامات اسرائیلی از طریق آن دریافته‌اند که محافظان و رانندگان مقامات ایرانی معمولاً خودروهای آن‌ها را کجا پارک می‌کنند. این دوربین همچنین زاویه‌ای به تردهای روزمره این مجموعه داشت.

● گروه‌های مختلف اطلاعاتی برای جمع‌آوری داده‌ها درگیر کار بودند با این حال موساد و سی‌آی‌آی برای این که بفهمند خامنه‌ای در آن صبح سرنوشت‌ساز دقیقاً چه ساعتی در دفتر کارش حاضر می‌شود و چه کسانی به او می‌پیوندند، از روش‌ها و منابع بسیار دیگری هم استفاده کردند.

● براساس گزارش «فایننشال‌تایمز» اسرائیل همچنین توانسته بود حدود ۱۲ ایستگاه گیرنده/فرستنده تلفن همراه را طوری مختل کند که تلفن‌های منطقه هنگام تماس «بوق اشغال» بزنند و تیم تأمین‌کننده‌ی نتواند هشدارهای احتمالی را دریافت کند.

روزنامه «فایننشال‌تایمز» دوم مارس (۱۱ اسفند) در گزارشی به استناد به اظهارات بیش از ۱۲ مقام فعلی و سابق امنیتی اسرائیل، جزئیات تازه‌ای از عملیات کشتن علی خامنه‌ای را آشکار کرد. طبق این گزارش اسرائیل با هک دوربین‌های کنترل ترافیک تهران محافظان خامنه‌ای را رصد می‌کرد و سازمان سیا نیز یک منبع انسانی در ایران داشت. دو منبع آگاه به «فایننشال‌تایمز» گزارش داد ماموران



سامانه پدافندی جمهوری اسلامی

## یک کارشناس نظامی: بعد از جنگ ۱۲ روزه هماهنگی پدافند جمهوری اسلامی برای رهگیری اهداف از بین رفت

در جریان جنگ ۱۲ روزه، اسرائیل توانست با حملات برنامه‌ریزی‌شده و جنگ الکترونیک، پدافند هوایی ایران را خنثی کند.

توماس ویتینگتون، کارشناس جنگ الکترونیک، می‌گوید اقدامات الکترونیکی اسرائیل در جنگ ۱۲ روزه توانایی ایران برای استفاده از طیف الکترومغناطیسی جهت شناسایی اهداف و هدایت جنگنده‌ها یا سامانه‌های زمین‌به‌هوا به سوی آن اهداف، و همچنین هماهنگی تلاش‌های پدافند هوایی را سلب کرد.

او افزود: «با اختلال در امواج رادیویی، یکی از اصلی‌ترین مسیرهای تبادل اطلاعات پدافند هوایی در یک سامانه یکپارچه را مختل می‌کنید. این یعنی توانایی هماهنگی برای رهگیری را از بین می‌برد.»

زمانی که آمریکا به سایت‌های هسته‌ای ایران حمله کرد، اسرائیل پیش‌تر کنترل آسمان ایران را به دست گرفته بود و راه را برای بمباران‌های آمریکایی هموار کرده بود.

حتی اگر آمریکا بدون مشارکت اسرائیل به ایران حمله کند، احتمالاً می‌تواند پس از آسیب‌هایی که اسرائیل وارد کرده، به نتایج مشابهی دست یابد.

این نخستین بار هم نخواهد بود که آمریکا با سامانه‌های یکپارچه پدافند هوایی روبه‌رو می‌شود. از دهه ۱۹۹۰، خلبانان آمریکایی در لیبی، عراق و بالکان با پدافندهای پیشرفته مواجه شده‌اند اما این سامانه‌ها نتوانستند چالش معنادراری برای برتری هوایی آمریکا ایجاد کنند.

این به آن معنا نیست که جمهوری اسلامی ایران برای بازسازی توانمندی‌هایش تلاش نکرده است. گزارش‌ها حاکی از آن است که تهران در ماه دسامبر ۲۰۲۵ قراردادی محرمانه به ارزش ۵۰۰ میلیون یورو با روسیه برای خرید ۵۰۰ پرتابگر موشک زمین‌به‌هوا نسل چهارم «وربا» امضا کرده است. این سامانه‌ها توسط تیم‌های کوچک زمینی اداره می‌شوند و امکان پراکندگی بیشتر پدافند هوایی را فراهم می‌کنند.

با این حال، حتی تحویل گسترده این سامانه‌ها نیز پدافند هوایی جمهوری اسلامی را به قدرت پیش از جنگ باز نمی‌گرداند. بنا بر گزارش مؤسسه «مطالعه جنگ»، سامانه‌های قابل حمل وربا نمی‌توانند جایگزین سامانه‌های اس-۳۰۰ شوند که اسرائیل در سال ۲۰۲۴ منهدم کرد، و روسیه نیز تاکنون تمایلی به ارائه سامانه پیشرفته‌تر اس-۴۰۰ به ایران نشان نداده است.

سامانه‌های بومی جمهوری اسلامی ایران نیز گزینه مؤثری محسوب نمی‌شوند. سامانه «باور ۳۷۳» نسخه ایرانی «اس-۳۰۰» در جنگ ۱۲ روزه هیچ رهگیری موفقی نداشت.

توماس ویتینگتون، کارشناس جنگ الکترونیک به «تایمز اسرائیل»، می‌گوید «اقدامات الکترونیکی اسرائیل در جنگ ۱۲ روزه توانایی ایران برای استفاده از طیف الکترومغناطیسی جهت شناسایی اهداف و هدایت جنگنده‌ها یا سامانه‌های زمین‌به‌هوا به سوی آن اهداف، و همچنین هماهنگی تلاش‌های پدافند هوایی را سلب کرد.» او توضیح می‌دهد «با اختلال در امواج رادیویی، یکی از اصلی‌ترین مسیرهای تبادل اطلاعات پدافند هوایی در یک سامانه یکپارچه را مختل می‌کنید. این یعنی توانایی هماهنگی برای رهگیری را از بین می‌برد.»

گزارش‌ها حاکی از آن است که تهران در ماه دسامبر ۲۰۲۵ قراردادی محرمانه به ارزش ۵۰۰ میلیون یورو با روسیه برای خرید ۵۰۰ پرتابگر موشک زمین‌به‌هوا نسل چهارم «وربا» امضا کرده است. این سامانه‌ها توسط تیم‌های کوچک زمینی اداره می‌شوند و امکان پراکندگی بیشتر پدافند هوایی را فراهم می‌کنند.

سامانه‌های بومی جمهوری اسلامی ایران نیز گزینه مؤثری محسوب نمی‌شوند. سامانه «باور ۳۷۳» نسخه ایرانی «اس-۳۰۰» در جنگ ۱۲ روزه هیچ رهگیری موفقی نداشت.

بی‌نتیجه ماندن مذاکرات ژنو و پایان مهلت جمهوری اسلامی برای «توافق» احتمال آغاز عملیات نظامی آمریکا و متحدانش را به طور جدی افزایش داده است. حکومت می‌گوید برای پاسخ به هرگونه حمله آماده است اما کارشناسان می‌گویند از اصلی‌ترین ضعف‌های نیروهای مسلح جمهوری اسلامی «سامانه‌های پدافندی» است که توان مقابله با هواپیماهای پیشرفته را ندارد.

روزنامه «تایمز اسرائیل» هشتم اسفند ۱۴۰۴ گزارش داد آمریکا در هفته‌های اخیر خاورمیانه را با جنگنده‌ها، ناوهای هواپیمابر و دیگر تجهیزات نظامی پر کرده است، اما چارچوب و شکل احتمالی یک کارزار نظامی آمریکا، از بخش روانی «شوک و وحشت» گرفته تا حملات راهبردی یا حتی اقدامات نمادین همچنان مبهم است.

اغلب کارشناسان نظامی معتقدند حمله احتمالی، احتمالاً زمینی نخواهد بود و از طریق هوا و با استفاده از هواپیماها و موشک‌ها انجام خواهد شد.

نخستین تهدید برای خلبانان آمریکایی، سامانه‌های پدافند هوایی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود؛ هرچند گفته می‌شود این سامانه‌ها تا حد زیادی تضعیف شده‌اند و بعید است چالش جدی ایجاد کنند.

روزه و چه در حملات فعلی به ایران، اسرائیل از موشک‌هایی به نام «اسپارو» استفاده کرد که می‌توانند از فاصله بیش از هزار کیلومتری با دقتی بسیار بالا اهداف را منهدم سازند. چنین فاصله‌ای کاملاً از دسترسی سامانه‌های پدافند هوایی ایران خارج است.

اگرچه همه جزئیات این عملیات مشخص نیست و برخی ممکن است هرگز مشخص نشود، اما به گفته بیش از ۱۲ نفر از منابع این گزارش، کشتن علی خامنه‌ای فراتر از یک دستاورد فناوری، یک تصمیم سیاسی بود.

وقتی سازمان سیا و اسرائیل متوجه شدند که خامنه‌ای قرار است صبح شنبه در «بیت» جلسه برگزار کند، فرصت مناسبی برای کشتن او در کنار بسیاری از مقامات ارشد ایرانی فراهم شد.

بنابر ارزیابی آمریکا و اسرائیل، با توجه به این که با شروع جنگ مقامات جمهوری اسلامی برای مصون بودن در برابر بمب‌های اسرائیل سریعاً به پناهگاه‌های زیرزمینی می‌رفتند، کشتن آن‌ها پس از آغاز نبرد بسیار دشوار می‌شد.

به گزارش فایننشال تایمز، اگرچه خامنه‌ای مثل حسن نصرالله زندگی مخفیانه‌ای نداشت، اما به گفته یک منبع، در زمان جنگ ۱۲ روزه برخی اقدامات احتیاطی را رعایت می‌کرد.

او گفت: «این که او در پناهگاهش نبود، غیرمعمول بود. او دو پناهگاه داشت و اگر در آنجا بود، اسرائیل با بمب‌هایی که در اختیار دارد، نمی‌توانست به او برسد.»

به گفته یک منبع آگاه، دونالد ترامپ از پاسخ‌های جمهوری اسلامی ایران در جریان مذاکرات هسته‌ای ناراضی بود و همین امر راه را برای آغاز جنگ هموار کرد.

به گفته یک منبع آگاه از برنامه‌ریزی عملیات، حمله به ایران طی ماه‌ها برنامه‌ریزی شده بود، اما مقامات پس از آن که اطلاعات آمریکا و اسرائیل تأیید کرد خامنه‌ای و مقامات ارشد جمهوری اسلامی صبح شنبه در بیت جلسه دارند، عملیات را تنظیم کردند.

ردیابی اهداف منفرد قبلاً بسیار طاقت‌فرسا بود و به تأییدهای بصری و پالایش گزارش‌های نادرست نیاز داشت. اما در سال‌های اخیر گردآوری گسترده و الگوریتم‌محور داده‌ها توسط اسرائیل، این کار را خودکار کرده است.

اما برای هدفی به ارزش خامنه‌ای جایی برای شکست عملیات وجود نداشت. دکترونیکی نظامی اسرائیل اقتضا می‌کند دو مقام ارشد جداگانه، مستقل از یکدیگر، با اطمینان بالا تأیید کنند که هدف در محل حمله حضور دارد و همراهان او چه کسانی هستند.

به گفته دو منبع آگاه، در این مورد اطلاعات اسرائیل از اطلاعات سیگنال‌ها، از جمله دوربین‌های ترافیکی‌های یک‌سره شده و نفوذ عمیق به شبکه‌های تلفن همراه به‌دست آمد.

به گفته یکی از این منابع، این اطلاعات نشان می‌داد جلسه با حضور خامنه‌ای طبق برنامه در جریان است و مقام‌های ارشد در حال حرکت به سوی محل هستند.

اما آمریکایی‌ها اطلاعات دقیق‌تری داشتند. به گفته این دو منبع، آمریکا این اطلاعات را از طریق یک منبع انسانی به دست می‌آورد.

به گفته مقامات اسرائیلی، همین اطلاعات باعث شد جنگنده‌های اسرائیلی پس از ساعت‌ها پرواز به موقع به مقصد برسند و ۳۰ فروند مهمات دقیق پرتاب کنند.

ارتش اسرائیل در بیانیه‌ای گفت که انجام عملیات در روز دارای مزیت‌هایی بود. در این بیانیه آمده است: «تصمیم به حمله در صبح به جای شب، به اسرائیل اجازه داد تا برای دومین بار، علی‌رغم آمادگی شدید ایران، به غافلگیری تاکتیکی دست یابد.»

# روزنامه «وال استریت ژورنال»: در مذاکرات ژنو توافقی حاصل نشد؛ جمهوری اسلامی «غنی‌سازی صفر» را نپذیرفت



عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی

است و با چند ناوشکن موشک‌انداز هدایت‌شونده همراهی می‌شود که توان شلیک موشک‌های کروز «تام‌هاوک» را دارند. ایران هشدار داده است هرگونه حمله حتا محدود را به منزله محرک یک پاسخ تمام‌عیار تلقی خواهد کرد.

سعید گلکار، دانشیار دانشگاه تنسی در چتانوگا و کارشناس حوزه نظامی ایران، گفت: «این شاید آخرین فرصت برای نهایه کردن یک توافق باشد. اگر شکست بخورد، آمریکا در گام بعدی آنچه را از مسیر دیپلماسی حل نکرده، با ابزار نظامی حل‌وفصل خواهد کرد.»

در نشانه‌ای از اینکه تیم دیپلماسی ترامپ تا چه حد تحت فشار و کمبود ظرفیت قرار گرفته، ویتکاف و کوشنر برای سفری یک‌روزه وارد ژنو شدند؛ سفری که طی آن میان یک ویلای مشرف به دریاچه ژنو برای گفت‌وگوهای هسته‌ای ایران و یک هتل پنج‌ستاره برای مذاکرات پایان دادن به جنگ اوکراین در رفت‌وآمد بودند.

ایران بر «حق» خود برای غنی‌سازی اورانیوم اصرار دارد، اما همزمان پیشنهادهایی را برای راضی کردن آمریکا مطرح کرده است: از جمله کاهش سطح غنی‌سازی از ۶۰ درصد فعلی به ۱/۵ درصد، توقف غنی‌سازی برای چند سال، یا انجام آن از طریق یک کنسرسیوم عربی-ایرانی مستقر در ایران. با این حال، این بحث‌ها تا حد زیادی فرضی است؛ زیرا برنامه هسته‌ای ایران در پی جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل و آمریکا رخ داد، تا حد زیادی «از کار افتاد و آسیب دید». به گفته مقام‌های آمریکایی، واشنگتن بر «غنی‌سازی صفر» پافشاری کرده، اما تیم مذاکره‌کننده ممکن است با اجازه دادن به ایران برای راه‌اندازی دوباره یک راکتور هسته‌ای در تهران موافقت کند راکتوری که امکان مقدار محدودی غنی‌سازی اورانیوم در ایران برای تولید تجهیزات پزشکی را فراهم می‌کند.

این گزینه می‌تواند بحث‌برانگیز باشد، زیرا آن تأسیسات از صفحات سوخت با غنای ۲۰ درصد استفاده می‌کند سطحی از خلوص که تبدیل آن به اورانیوم با غنای بالا نسبتاً آسان‌تر است.

ایده انتقال ذخایر اورانیوم به خارج را رد کرده و با توقف غنی‌سازی، برچیدن تأسیسات هسته‌ای و پذیرش محدودیت‌های دائمی بر برنامه خود نیز مخالفت کرده است.

در عین حال، وزیر خارجه عمان و یک مقام آمریکایی گفته‌اند دو طرف پیشرفت‌هایی داشته‌اند و احتمالاً دوباره برای ادامه مذاکرات دیدار خواهند کرد. وزیر خارجه عمان افزوده است گفت‌وگوها در سطح کارشناسان فنی هفته آینده در وین ادامه می‌یابد.

این خواسته‌های آمریکا پس از آن مطرح شد که ترامپ در سخنرانی سه‌شنبه خود در «وضعیت کشور» هشدار داد ایران همچنان در پی دستیابی به سلاح هسته‌ای و موشک‌های بالستیک است که می‌تواند به خاک آمریکا برسد، اتهاماتی که ایران آن را رد می‌کند.

ترامپ تهدید کرده است اگر توافقی حاصل نشود، اقدام نظامی انجام خواهد داد و به گفته مقام‌های آمریکایی و بر اساس داده‌های مت‌باز، واشنگتن در تدارک احتمالی حمله، به تقویت توان رزمی خود در منطقه ادامه داده است.

آمریکا ده‌ها فروند هواپیمای جنگنده و سوخت‌رسان به منطقه منتقل کرده است و انتظار می‌رود آنها به چندین اسکادران مستقر در پایگاه‌هایی در خاورمیانه و اروپا از جمله در اسرائیل و اردن ملحق شوند.

یکی از مقام‌ها گفت یک ناوشکن دیگر به نام «یواس‌اس جان‌فین» نیز به ناوگروه متشکل از ۱۱ کشتی جنگی دیگر که در شمال دریای عرب، دریای عمان و خلیج فارس فعالیت می‌کنند، اضافه شده است. این مجموعه شامل ناو هواپیمابر «یواس‌اس آبراهام لینکلن» و نیز هفت ناوشکن دیگر و سه شناور رزمی ساحلی است.

در همین حال، ناو هواپیمابر «یواس‌اس جرال‌آر. فورد» که در بندری در یونان پهلو گرفته بود، حرکت خود را در شرق مدیترانه آغاز کرده و انتظار می‌رود برای احتمال انجام حملات، به تدریج در موقعیت عملیاتی قرار گیرد. «فورد» مجهز به ده‌ها جنگنده و هواگردهای جنگ الکترونیک

● به گزارش روزنامه «وال استریت ژورنال»، آخرین دور مذاکرات درباره برنامه هسته‌ای ایران، پنجشنبه ۷ اسفند ۱۴۰۴ بدون دستیابی به توافق پایان یافت. به نوشته این روزنامه دو طرف همچنان بر سر مسائل کلیدی فاصله زیادی دارند. همزمان آمریکا با طرح «خواسته‌های سخت‌گیرانه» و اعزام جنگنده‌ها و ناوهای بیشتر به منطقه، فشار را بر جمهوری اسلامی افزایش داد.

● آنها گفته‌اند ایران باید سه سایت اصلی هسته‌ای خود (فردو، نطنز و اصفهان) را نابود کند و تمام ذخایر باقی‌مانده اورانیوم غنی‌شده را به آمریکا تحویل دهد.

● بر اساس گزارش رسانه‌های رسمی، جمهوری اسلامی ایده انتقال ذخایر اورانیوم به خارج را رد کرده و با توقف غنی‌سازی، برچیدن تأسیسات هسته‌ای و پذیرش محدودیت‌های دائمی بر برنامه خود نیز مخالفت کرده است.

● سعید گلکار دانشیار دانشگاه تنسی و کارشناس حوزه نظامی ایران، گفت: «این شاید آخرین فرصت برای نهایه کردن یک توافق باشد. اگر شکست بخورد، آمریکا در گام بعدی آنچه را از مسیر دیپلماسی حل نکرده، با ابزار نظامی حل‌وفصل خواهد کرد.»

● به گفته مقام‌های آمریکایی، واشنگتن بر «غنی‌سازی صفر» پافشاری کرده، اما تیم مذاکره‌کننده ممکن است با اجازه دادن به ایران برای راه‌اندازی دوباره یک راکتور هسته‌ای در تهران موافقت کند راکتوری که امکان مقدار محدودی غنی‌سازی اورانیوم در ایران برای تولید تجهیزات پزشکی را فراهم می‌کند.

با پایان یافتن دور سوم مذاکرات میان جمهوری اسلامی و آمریکا در ژنو، عباس عراقچی مدعی شد «پیشرفت‌های خوبی داشتیم» و «گفتگوهای فنی آغاز می‌شود» اما منابع غربی گزارش دادند «توافقی حاصل نشد» زیرا جمهوری اسلامی خروج ذخایر اورانیوم از ایران و برچیدن کامل تمام ظرفیت غنی‌سازی در ایران را قبول نکرد.

به گزارش روزنامه «وال استریت ژورنال»، آخرین دور مذاکرات درباره برنامه هسته‌ای ایران، پنجشنبه ۷ اسفند ۱۴۰۴ بدون دستیابی به توافق پایان یافت. به نوشته این روزنامه دو طرف همچنان بر سر مسائل کلیدی فاصله زیادی دارند. همزمان آمریکا با طرح «خواسته‌های سخت‌گیرانه» و اعزام جنگنده‌ها و ناوهای بیشتر به منطقه، فشار را بر جمهوری اسلامی افزایش داد.

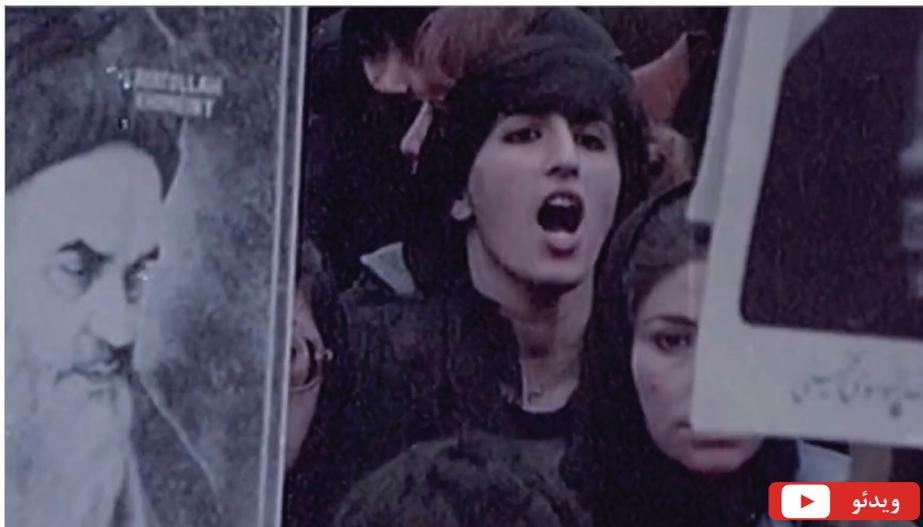
به گفته مقام‌های مطلع، مذاکرات که تا ساعات پایانی شب ادامه پیدا کرد، با حضور استیو ویتکاف و جرد کوشنر، فرستادگان آمریکا، همراه بود. آنها گفته‌اند ایران باید سه سایت اصلی هسته‌ای خود (فردو، نطنز و اصفهان) را نابود کند و تمام ذخایر باقی‌مانده اورانیوم غنی‌شده را به آمریکا تحویل دهد.

به گفته این مقام‌ها، ویتکاف و کوشنر همچنین تأکید کرده‌اند هر توافق هسته‌ای باید «همیشگی» [بدون تاریخ انقضاء] باشد و مانند توافق دوره باراک اوباما «بند غروب» نداشته باشد؛ توافقی که محدودیت‌هایش با گذشت زمان برداشته شد.

بر اساس گزارش رسانه‌های رسمی، جمهوری اسلامی

## دوران محمدرضا شاهی؛ زمزمه‌های یک گسست

(صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



ویدئو

جریان سیاه شامل بنیادگرایان اسلامی شیعه و جریان سرخ شامل چپ‌گرایان سنتی و چریک‌های مسلح، در مقابل این پیشرفت‌ها صف کشیده بودند ولی پس از سال‌ها ترور و خرابکاری نتوانستند راه به جایی ببرند.

سال‌های پایانی دهه ۱۳۵۰ خورشیدی، ایران شاهنشاهی در وضعیتی تلایی قرار داشت. یکی از سریع‌ترین نرخ‌های رشد اقتصادی در جهان، ارتشی نیرومند، پروژه‌های صنعتی گسترده و نقش فعال در ژئوپلیتیک منطقه. در این میان

## نخستین تجمع ایرانیان بریتانیا پس از کشته‌شدن علی خامنه‌ای



ویدئو

رهبری» در تهران و با حمله موشکی اسرائیل کشته شد و ۳۶ سال دیکتاتوری او پایان گرفت. او در حالی به‌وسیله جت‌های اسرائیلی بمب باران شد که وعده داده بود اسرائیل بیست و پنج سال آینده را نخواهد دید. بیت رهبری واقع در انتهای خیابان پاستور تهران، یکی از نخستین اهداف در جنگ اسرائیل و آمریکا علیه جمهوری اسلامی بود که از بامداد شنبه نهم اسفند آغاز شد.

ایرانیان ساکن بریتانیا روز یکشنبه اول مارس ۲۰۲۶ و پس از تأیید رسمی خیر مرگ علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، مقابل سفارت جمهوری اسلامی و دفتر نخست وزیر در شهر لندن، به جشن و پایکوبی پرداختند و یاد و خاطره تمامی جاویدنامان میهن در طول ۴۷ سال حاکمیت جمهوری اسلامی را زنده کردند. علی خامنه‌ای ساعت ۹:۴۵ دقیقه بامداد شنبه نهم اسفند ۱۴۰۴، برابر با ۲۸ بیست و هشتم فوریه ۲۰۲۶، در «بیت

سناتور لیندسی گراهام متحد نزدیک ترامپ، روز چهارشنبه گفت اگر «بحثی برای اجازه دادن به ایران جهت غنی‌سازی خیلی اندک اورانیوم برای حفظ آبرو مطرح شود: فراموشش کنید.»

به گفته یک مقام دیگر، آمریکا در چارچوب هر توافقی تنها «کاهش حداقلی» تحریم‌ها را پیشنهاد می‌دهد؛ موضوعی که به نقطه اصطکاک دیگری تبدیل شده است، چون ایران به دنبال کاهش قابل‌توجه تحریم‌ها برای اقتصاد آسیب‌دیده‌اش است، اقتصادی که به گزارش وال‌استریت ژورنال یکی از محرک‌های اعتراضات گسترده‌ای بود که اوایل امسال حکومت را لرزاند.

مقام‌ها گفتند آمریکا می‌خواهد ابتدا شاهد پایبندی ایران به شروط توافق برای مدت طولانی باشد و اگر ارزیابی شود تهران به توافق پایبند مانده، واشنگتن ممکن است به مرور زمان برای کاهش بیشتر تحریم‌ها و اعطای مزایای دیگر اقدام کند. هرچند واشنگتن مایل است ایران برنامه موشک‌های بالستیک خود و حمایت از نیروهای نیابتی را نیز محدود کند، تمرکز گفت‌وگوهای ژنو بر «مسیر ایران به سوی سلاح» بوده است.

برخی مقام‌ها گفته‌اند مذاکرات درباره موشک‌ها و حمایت ایران از شبه‌نظامیان منطقه‌ای می‌تواند توسط شرکای منطقه‌ای آمریکا، با نقش‌آفرینی و نظر واشنگتن، دنبال شود. گروهی دیگر معتقدند آمریکا باید برای «توافقی گسترده‌تر» که برنامه هسته‌ای، موشک‌ها و حمایت از شبه‌نظامیان را پوشش دهد فشار بیاورد، اما اذعان دارند اگر تنها گزینه ممکن باشد، یک توافق صرفاً هسته‌ای هم می‌تواند آغاز مهمی باشد.

مقام‌های ارشد آمریکا درباره تلاش ایران برای توسعه توان موشک‌های بالستیک با بردهای بلندتر ابراز نگرانی کرده‌اند، اما از ارائه جزئیات بیشتر خودداری کرده‌اند.

مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا، روز چهارشنبه به خبرنگاران گفت: «حس نمی‌زنم چقدر با آن فاصله دارند، اما آنها قطعاً تلاش می‌کنند به موشک‌های بالستیک قاره‌پیما برسند. و باید بگویم اصرار ایران بر اینکه درباره موشک‌های بالستیک گفت‌وگو نکنند، یک مشکل بزرگ، بزرگ است. همین.»

همزمان روزنامه «نیویورک‌تایمز» درباره مذاکرات گزارش داد که جمهوری اسلامی «پیشنهادات ملموس» به آمریکا ارائه داده است که شامل خرید کالاهای آمریکایی (مانند هواپیماهای مسافربری) و نیز دعوت از شرکت‌های آمریکایی برای سرمایه‌گذاری در انرژی، نفت و گاز و دسترسی به معادن مواد معدنی از جمله لیتیم باشد.

به گفته همین مقام‌ها، علی خامنه‌ای در توافق قبلی ورود شرکت‌های آمریکایی را ممنوع کرده بود اما اکنون اجازه داده است. حسین موسویان، دیپلمات پیشین جمهوری اسلامی، این پیشنهادات را «کاتالیزور اعتمادسازی» توصیف کرده است.

موشک‌ها و نیروهای نیابتی؛ بیرون‌اتاق، اما سایه‌اش روی میز

هر دو گزارش نشان می‌دهند پرونده موشک‌های بالستیک و حمایت جمهوری اسلامی ایران از گروه‌های نیابتی فعلاً محور اصلی مذاکرات نیست، اما به‌عنوان عامل فشار و بی‌اعتمادی حضور دارد.

نیویورک‌تایمز می‌نویسد برنامه موشکی و حمایت از گروه‌های مسلح «فعلاً روی میز نیست»، اما مارکو روبیو گفته جمهوری اسلامی از گفتگو درباره موشک‌ها طفره می‌رود که این «یک مشکل بزرگ» است.

# روزنامه «دیلی تلگراف»: جمهوری اسلامی چگونه با حملات تلافی جویانه جنگ را جهانی کرد



انفجار تأسیسات صنعتی شهر شارجه در امارات متحده عربی

و اگر تهران قصد ارسال پیام داشته، «شفاف‌تر از این ممکن نبود».

## پایگاه‌های غربی میان اسکله‌ها

بسیاری از بنادر هدف قرار گرفته، همزمان میزبان پایگاه‌های دریایی غربی هستند. بندر «مینا سلمان» محل استقرار ستاد منطقه‌ای فرماندهی مرکزی نیروهای دریایی آمریکا و نیز تأسیسات پشتیبانی دریایی بریتانیا است؛ جایی که بنا بر گزارش، آخرین ناو بریتانیا در خلیج فارس «اچ‌ام‌اس لنکستر» به‌تازگی از خدمت خارج شده است.

یکی از سلاح‌های تهران در پایگاه دریایی فرانسه که در میانه بندر «زاید» ابوظبی قرار دارد فرود آمد و سلاح دیگری ظاهراً از محدوده نظامی عبور کرد و نزدیک یک بازار سرپوشیده به زمین نشست.

در واکنش به این اقدامات عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی طوری سخن گفت که گویی حمله به ر عمان «تصمیم دولت» نبوده و این احتمال را مطرح کرد که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به‌صورت مستقل و بر اساس دستورهایی که از قبل صادر شده بود، عمل کرده است.

## هدف‌گیری گسترده مناطق غیرنظامی

حملات سه روز گذشته جمهوری اسلامی «گسترده و بی‌تمایز» بوده و طیفی از ساختمان‌های غیرنظامی را دربر گرفته است؛ از هتل‌های شاخص تا شهرداری تل‌آویو و کنیسه بزرگ اورشلیم. انتخاب مکان‌های پرفت‌وآمد که فقط شهروندان کشورهای هدف را شامل نمی‌شود و گردشگران و مهاجران را نیز دربر می‌گیرد می‌تواند با هدف ایجاد وحشت در میان گردشگران عمدتاً غربی و اسرائیلی و همچنین مهاجران خارجی انجام شده باشد.

این گزارش می‌گوید دولت بریتانیا برآورد کرده

«در نتیجه اقدام جمهوری اسلامی» فرو ریخته است. حکومت ایران در واکنش به عملیات آمریکا با نام «خشم حماسی» به ۱۲ کشور اطراف خود حمله کرده است. دامنه حملات از بحرین، کویت و امارات متحده عربی تا پایگاه‌های فرانسه و بریتانیا از مسیر پایگاه هوایی سلطنتی بریتانیا در آکروتیری قبرس گسترش یافته است. احتمالاً پیش فرض جمهوری اسلامی این است که با حمله به متحدان آمریکا می‌کوشد آن‌ها را به اعمال فشار بر دولت دونالد ترامپ وادار کند تا حملاتی را متوقف کند که به تعبیر این روزنامه «سر جمهوری اسلامی را نشانه گرفته است». در ادامه، تلگراف روند «جهانی شدن جنگ» در ۷۲ ساعت گذشته را چنین روایت می‌کند:

## بنادر در خط آتش

نخستین حمله ثبت‌شده جمهوری اسلامی به بندر «مینا سلمان» بحرین در جنوب خلیج فارس انجام شد؛ بندری که علاوه بر جابه‌جایی میلیون‌ها تُن نفت و کالا در سال، میزبان پایگاه‌های دریایی آمریکا و بریتانیا است و از جمله ستاد ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا در آن قرار دارد.

در روزهای بعد، «مینا سلمان» دو بار دیگر هدف پهپادهای انتحاری و موشک‌ها قرار گرفت. یک نفر روز یکشنبه پس از آتش‌سوزی که در پی رهگیری موشکی رخ داد که در محدوده شهر صنعتی سلمان فرود آمد کشته شد. همان روز دامنه حملات به بندر بحرین و نیز بندر زاید در امارات (شمال ابوظبی) کشیده شد. همچنین یک حمله پهپادی «ظاهر» بندر دُقم در ساحل شرقی عمان را هدف گرفته بود؛ بندری که یک پالایشگاه نفت نیز در آن مستقر است.

هر سه نقطه سالانه میلیون‌ها بشکه نفت صادر می‌کنند

● روزنامه «دیلی تلگراف» در گزارشی که دوم مارس (۱۱ اسفند) منتشر شد، می‌نویسد تصمیم جمهوری اسلامی برای پاسخ به حملات هوایی آمریکا و اسرائیل، پای بسیاری از همسایگان منطقه‌ای را به درگیری باز کرد و دامنه جنگ را در عمل «جهانی» کرده است.

● تمام تصورات از آرامش و امنیت در خلیج فارس نفت‌خیز «در نتیجه اقدام جمهوری اسلامی» فرو ریخته است. حکومت ایران در واکنش به عملیات آمریکا با نام «خشم حماسی» به ۱۲ کشور اطراف خود حمله کرده است. دامنه حملات از بحرین، کویت و امارات متحده عربی تا پایگاه‌های فرانسه و بریتانیا از مسیر پایگاه هوایی سلطنتی بریتانیا در آکروتیری قبرس گسترش یافته است.

● احتمالاً پیش فرض جمهوری اسلامی این است که با حمله به متحدان آمریکا می‌کوشد آن‌ها را به اعمال فشار بر دولت دونالد ترامپ وادار کند تا حملاتی را متوقف کند که به تعبیر روزنامه دیلی تلگراف «سر جمهوری اسلامی را نشانه گرفته است».

روزنامه «دیلی تلگراف» در گزارشی که دوم مارس (۱۱ اسفند) منتشر شد، می‌نویسد تصمیم جمهوری اسلامی برای پاسخ به حملات هوایی آمریکا و اسرائیل، پای بسیاری از همسایگان منطقه‌ای را به درگیری باز کرد و دامنه جنگ را در عمل «جهانی» کرده است.

به نوشته تلگراف، تهران در روزهای اخیر حملات خود را به پایگاه‌های نظامی محل استقرار نیروهای آمریکایی در خاورمیانه ادامه داده و همزمان مناطق غیرنظامی از جمله برج‌های مسکونی بلند، فرودگاه‌ها و مسیرهای کشتیرانی را هم هدف قرار داده است.

تمام تصورات از آرامش و امنیت در خلیج فارس نفت‌خیز

روز بر اثر سقوط آوار جان باخته است.

پرتابه‌های هوایی دو فرودگاه عراق را هم هدف قرار داد: فرودگاه ناصریه در فاصله ۱۵۰ مایل (۲۴۰ کیلومتر) شمال غرب مرز کویت، در میان گزارش‌هایی از انفجار، با پهپاد هدف گرفته شد. شب بعد نیز فرودگاه بین‌المللی اربیل در شمال عراق هدف قرار گرفت و تا زمان نگارش گزارش، خبرگزاری‌ها از کشته شدن کسی در این حملات خبر ندادند.

یک پهپاد تهران جمهوری اسلامی دوشنبه به فرودگاه غیرنظامی بحرین هم اصابت کرد و باعث توقف مشابه پروازها شد؛ مقام‌ها گفته‌اند خسارت «مادی» بوده و تلفات جانی یا مجروح گزارش نشده است.

فرودگاه‌ها و پایگاه‌های هوایی اهداف مهم تهران بودند و موشک‌ها نزدیک پایگاه‌های آمریکا در قطر، اردن و کویت فرود آمدند. در پایگاه هوایی ساس‌النخیل امارات نیز به نوشته تلگراف، صبح شنبه یک سلاح هوایی ناشناس وسط محوطه پارک بالگردها به زمین نشست؛ پایگاهی که گفته می‌شود نیروهای ویژه امارات از آن استفاده می‌کنند.

تلگراف در پایان می‌نویسد یک حمله پهپادی موفق نیز پایگاه «اکروتیری» را هدف گرفت، هرچند مشخص نبود مسئولیت آن با تهران بوده یا گروه‌های دیگری از جمله حزب‌الله.

تولید آن بیش از نیم میلیون بشکه در روز است؛ و بنا بر اعلام تلویزیون دولتی عربستان، پس از حمله تهران به‌طور موقت و «به‌عنوان اقدام احتیاطی» تعطیل شد.

تلگراف اضافه می‌کند دوشنبه بقایای حملات هوایی بر روی پلایشگاه احمدی در کویت سقوط کرد و بنا بر گزارش خبرگزاری دولتی کونا، دو نفر زخمی شدند.

جمهوری اسلامی روز دوشنبه میداین گازی قطر را نیز هدف گرفت؛ حمله‌ای که بزرگ‌ترین تولیدکننده گاز طبیعی مایع (LNG) جهان را وادار به توقف تولید کرد پس از این حملات، قیمت عمده‌فروشی گاز در بریتانیا همان بعدازظهر ۵۰ تا درصد هم بالا رفت.

### فرودگاه‌ها و پایگاه‌های نظامی

فرودگاه‌ها یکی دیگر از شریان‌های اقتصادی حیاتی کشورهای ساحلی خلیج فارس هستند و پهپادها و موشک‌های تهران بسیاری از این مراکز را هدف گرفته‌اند؛ فرودگاه دبی شلوغ‌ترین قطب پروازی جهان است و سال گذشته ۹۵ میلیون مسافر را جابه‌جا کرده است. این روزنامه به نقل از رویترز می‌افزاید پس از اصابت حمله‌ای به ترمینال ۲ در روز شنبه که چهار نفر را زخمی کرد تمام پروازها به مقصد و از مبدأ پایتخت امارات متوقف شد.

در فرودگاه ابوظبی نیز دست‌کم یک نفر کشته و هفت نفر در رویدادی که مقام‌ها آن را «حادثه» خواندند زخمی شدند؛ همچنین گزارش شده فرد دیگری نیز پیش‌تر در همان

است اگر وضعیت بدتر شود، در روزهای پیش رو ممکن است بیش از ۱۰۰ هزار دارنده گذرنامه بریتانیایی در منطقه نیازمند تخلیه باشند.

بسیاری از سلاح‌های تهران به‌نظر می‌رسد به هدف مورد نظر نرسیده‌اند، اما اهداف احتمالی شامل برج خلیفه در امارات بوده است؛ جایی که به نوشته این روزنامه، یک پهپاد انتحاری روز شنبه تنها چندصد یارد آن‌سوتر سقوط کرد.

بعدازظهر همان روز در پی حمله پهپادی، در هتل برج‌العرب آتش‌سوزی رخ داد و دو نفر بر اثر سقوط آوار زخمی شدند؛ رخدادی که گردشگران نزدیک محل آن را با ویدئو ثبت کردند.

موردی مشابه در حوالی کنیسه بزرگ اورشلیم رخ داد؛ جایی که بنا بر تحلیل منابع باز «مؤسسه مطالعات جنگ»، یک پرتابه هوایی ناشناس حدود یک‌چهارم مایل دورتر فرود آمد.

یک پرتابه دیگر در محوطه هتل «کرون پلازا» منامه که شماری سفارتخانه و اماکن دیپلماتیک را در خود دارد و محل اقامت دیپلمات‌های در سفر هم هست روز یکشنبه به زمین خورد.

### تنگه هرمز و فشار بر اقتصاد جهانی

برنامه‌های تهران برای درگیری منطقه‌ای از مدت‌ها پیش شامل طرح‌هایی برای بستن تنگه هرمز بوده است؛ گلوگاهی حیاتی در دریای عمان که روزانه میلیون‌ها بشکه نفت از آن عبور می‌کند.

بسیاری از اقتصادهای بزرگ جهان به این نفت وابسته‌اند، از جمله چین که بنا بر روایت تلگراف، سال گذشته حدود پنج میلیون بشکه نفت خام از جمهوری اسلامی تأمین کرده است. تلگراف به برآوردی از TD Securities اشاره می‌کند که طبق آن حدود ۱۳ درصد از کل واردات نفت دریا برد چین از تنگه هرمز عبور می‌کند.

پس از مجموعه‌ای از حملات جمهوری اسلامی به نفتکش‌ها، چند خط کشتیرانی عبور از این منطقه را متوقف کرده‌اند. این روزنامه می‌گوید بین یکشنبه تا دوشنبه دست‌کم پنج کشتی در منطقه ظاهراً هدف قرار گرفته‌اند، از جمله Stena Imperative که بنا بر گزارش، در چارچوب برنامه پشتیبانی سوخت‌رسانی نفتکش‌ها به دولت آمریکا اجاره داده شده تا سوخت مورد نیاز نیروهای نظامی را تأمین کند.

سایر کشتی‌های هدف قرارگرفته، نفتکش‌های حامل نفت خام یا فرآورده بوده‌اند؛ از جمله شناوری که آمریکا آن را به دلیل انتقال نفت به روسیه تحریم کرده و با پرچم پالاو (مجموعه‌ای از جزایر اقیانوس آرام) تردد می‌کرده است.

این گزارش همچنین به نقل از رویترز می‌نویسد تهران از طریق پیام‌های رادیویی به خدمه کشتی‌ها اعلام کرده عبور از تنگه «مجاز نیست». تلگراف می‌افزاید نقشه‌های رهگیری زنده در MarineTraffic در روز دوشنبه نشان می‌داد تجمع بزرگی از نفتکش‌های متوقف‌شده در شرق و غرب تنگه در حال شکل‌گیری است، نشانه‌ای از این‌که تلاش تهران برای تحمیل هزینه به جهان ممکن است از همین حالا اثر گذاشته باشد.

### از میداین نفتی تا پلایشگاه‌ها

تا روز دوشنبه تمرکز تهران به سمت زیرساخت‌های انرژی و به‌ویژه میداین نفتی و پلایشگاه‌ها چرخید.

این روزنامه می‌نویسد راس‌تنوره در عربستان سعودی یکی از بزرگ‌ترین پلایشگاه‌های جهان است و ظرفیت

## موشتابه ابن موشعلی



موشتابه ابن موشعلی

© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

# تداوم تهدید و سرکوب حکومتی در شرایط جنگی؛ جمهوری اسلامی ارتباط ده‌ها میلیون ایرانی را با جهان قطع کرده است



تهران، شامگاه یکشنبه ۱۰ اسفند ۱۴۰۴

دی‌ماه چندین هفته طول کشید و نقض شدید حقوق بشر را پنهان کرد.

بر اساس گزارش «نت‌بلاکس» تنها یک درصد از شهروندان به اینترنت دسترسی دارند؛ همان شهروندانی که با وجود پارازیت‌های شدید امکان دسترسی به استارلینک را پیدا کرده و یا دارای سیم‌کارت سفید حکومتی هستند.

همانطور که «نت بلاکس» اشاره کرده قطع اینترنت جهانی سالهاست به عنوان یکی از ابزارهای سرکوب عمومی توسط جمهوری اسلامی در دستور کار است و در مواقعی چون اعتراضات سراسری، جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل و حالا، در جنگ اسرائیل و آمریکا علیه حکومت، اجرا شده است.

سرکوب‌ها اما به اشکال دیگری نیز طی دو روز گذشته و با وجود شرایط جنگی ادامه داشته است. محمد موحدی‌آزاد دادستان کل کشور روز یکشنبه ۱۰ اسفندماه ۱۴۰۴ با صدور دستوری ویژه به دادستان‌های سراسر کشور، بر نظارت جدی برای جلوگیری از «سوءاستفاده افراد فرصت‌طلب در شرایط جنگی» تأکید کرد.

دادستان کل کشور خواستار «برخورد سریع و قاطع با هرگونه اقدام زمینه‌ساز بهره‌برداری دشمن» شد.

ساعاتی پس از آغاز حمله اسرائیل و آمریکا به جمهوری اسلامی در روز شنبه نهم اسفندماه نیز دادستانی کل کشور با صدور بیانیه‌ای شهروندان ایران را تهدید کرد.

در این بیانیه آمده بود «با کلیه عناصری که در فضای مجازی و دیگر عرصه‌ها نقش پیاده نظام این دو رژیم متجاوز را ایفا کرده و با همراهی با دشمنان، اقدام به القاء ترس و شایعه‌سازی یا تهدید امنیت شهروندان می‌کنند» برخورد می‌شود.

دادستانی کل کشور افزوده بود «این اقدامات» علیه امنیت ملی» تلقی شده و دستگاه‌های انتظامی، امنیتی و قضایی طبق قانون با قاطعیت و بدون ملاحظات برخورد خواهند کرد.»

مرکز مشاوره حقوقی «دادبان» نیز نوشته مواضع ←

افزایش شمار اعدام‌ها هشدار می‌دهند.

دو ساعت پس از آغاز حملات نظامی اسرائیل و آمریکا علیه جمهوری اسلامی در روز شنبه نهم اسفندماه ۱۴۰۴، جمهوری اسلامی اینترنت جهانی را در کشور قطع کرد. طی



بیش از ۱۰۰ ساعت قطع  
اینترنت جهانی در ایران

تنها چند ساعت دسترسی به اینترنت در ایران به ۴ درصد سقوط کرد.

«نت‌بلاکس» که وضعیت اتصال و کیفیت اینترنت در جهان را رصد می‌کند روز دوشنبه ۱۱ اسفندماه در جدیدترین به‌روزرسانی خود درباره وضعیت اینترنت ایران اعلام کرد که قطعی سراسری اینترنت از مرز ۴۸ ساعت گذشت و کماکان ۹۰ میلیون شهروند از حق دسترسی به اینترنت محروم مانده‌اند. «نت بلاکس» افزوده قطع اینترنت یک تاکتیک رایج برای رژیم هستند، که نمونه قبلی آن در

● «نت‌بلاکس» روز دوشنبه ۱۱ اسفندماه در جدیدترین به‌روزرسانی خود درباره وضعیت اینترنت ایران اعلام کرد که قطعی سراسری اینترنت از مرز ۴۸ ساعت گذشت و کماکان ۹۰ میلیون شهروند از حق دسترسی به اینترنت محروم مانده‌اند.

● دو ساعت پس از آغاز حملات نظامی اسرائیل و آمریکا علیه جمهوری اسلامی در روز شنبه نهم اسفندماه ۱۴۰۴، جمهوری اسلامی اینترنت جهانی را در کشور قطع کرد. طی تنها چند ساعت دسترسی به اینترنت در ایران به ۴ درصد سقوط کرد.

● سرکوب‌ها اما به اشکال دیگری نیز طی دو روز گذشته و با وجود شرایط جنگی ادامه داشته است. محمد موحدی‌آزاد دادستان کل کشور روز یکشنبه ۱۰ اسفندماه ۱۴۰۴ با صدور دستوری ویژه به دادستان‌های سراسر کشور، بر نظارت جدی برای جلوگیری از «سوءاستفاده افراد فرصت‌طلب در شرایط جنگی» تأکید کرد.

● مرکز مشاوره حقوقی «دادبان» نسبت به خطر اجرای احکام اعدام بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ۴۰۴ با هدف انتقام‌گیری هشدار داده است.

● «کمیته آزادی زندانیان سیاسی در ایران» با اعلام این خبر که زندانیان محبوس در زندان دستگرد اصفهان پس از آغاز جنگ به مکان نامعلومی منتقل شده‌اند، تأکید کرده احتمال اینکه در وضعیت درگیری نظامی، زندانیان سیاسی به مراکز نظامی منتقل شوند و از زندانیان به‌عنوان سپر انسانی استفاده شود وجود دارد.

با وجود شرایط جنگی و موشک‌باران سنگین در شهرهای مختلف ایران، قطع اینترنت سراسری بر روی شهروندان توسط جمهوری اسلامی از ۴۸ ساعت گذشته است. همچنین نهادهای قضایی جمهوری اسلامی طی دو روز گذشته در چند نوبت شهروندان ایرانی را تهدید به بازداشت و پرونده‌سازی کرده‌اند. نهادهای حقوق بشری نیز نسبت به

شیعیان خشمگین به کنسولگری آمریکا هجوم بردند. در پی این رویدادها، وزارت خارجه بریتانیا اول مارس (۱۰ اسفند) در بیانیه‌ای در مورد سفر شهروندان این کشور به پاکستان هشدار داده است. این هشدار پس از خشونت‌های صورت گرفته علیه کنسولگری آمریکا در بریتانیایی خود در پاکستان محدودیت‌های امنیتی اعمال کرده است.

در پی حمله آمریکا و اسرائیل به جمهوری اسلامی، صدها معترض پاکستانی به کنسولگری آمریکا در جنوب پاکستان یورش بردند. به منابع بیمارستانی محلی، در جریان درگیری میان پلیس و معترضان، دست‌کم ۹ نفر کشته و حداقل ۳۲ نفر دیگر زخمی شدند.

طرفداران جمهوری اسلامی ایران در پاکستان در چند شهر دست به اعتراض زدند که همچنان ادامه دارد. بسیاری از شیعیان پاکستان حامی علی خامنه‌ای و حامی جمهوری

## حمله طرفداران خامنه‌ای در کراچی به کنسولگری آمریکا؛ هشدار امنیتی به کارکنان دولتی بریتانیا در پاکستان



هجوم طرفداران خامنه‌ای در پاکستان به کنسولگری آمریکا

اسلامی هستند. در لاهور نیز صدها معترض تلاش کرده‌اند خود را به کنسولگری آمریکا برسانند، اما پلیس مانع پیشروی آن‌ها شده است.

در منطقه «گلگت-بلتستان» تحت اداره پاکستان، معترضان تجمع کردند و یک ساختمان سازمان ملل را به آتش کشیدند؛ منطقه‌ای که سال‌هاست پوسترهای خامنه‌ای در فضای عمومی به نمایش گذاشته می‌شود.

در همین حال، حملات آمریکا و اسرائیل دولت پاکستان را ناگزیر کرده میان دو مسیر حساس حرکت کند: از یک سو روابط رو به گسترش این کشور با دونالد ترامپ و از سوی دیگر حمایت آن از جمهوری اسلامی.

وزیر خارجه پاکستان پس از تماس با همتای خود در جمهوری اسلامی، آنچه را حملات بی‌دلیل علیه جمهوری اسلامی خواند، محکوم کرده است.

سازمان‌های شیعه نیز خواستار برگزاری تجمع‌های بیشتری در سراسر پاکستان شده‌اند. پلیس می‌گوید هم‌اکنون برای حفاظت از سفارت آمریکا در پایتخت، اسلام‌آباد، اقداماتی را در دستور کار قرار داده است؛ جایی که گزارش‌ها حاکی از حرکت معترضان به سمت آن است.

● صدها نفر از حامیان شیعه علی خامنه‌ای در پاکستان در اعتراض به کشته شدن او دست به اعتراض زدند. در کراچی شیعیان خشمگین به کنسولگری آمریکا هجوم بردند. دست‌کم ۹ نفر کشته و ۳۵ نفر در این اعتراضات زخمی شدند.

● در پی این رویدادها، وزارت خارجه بریتانیا اول مارس (۱۰ اسفند) در بیانیه‌ای در مورد سفر شهروندان این کشور به پاکستان هشدار داده است. این هشدار پس از خشونت‌های صورت گرفته علیه کنسولگری آمریکا در کراچی صادر شد. این وزارتخانه برای رفت‌وآمد کارکنان بریتانیایی خود در پاکستان محدودیت‌های امنیتی اعمال کرده است.

● در منطقه «گلگت-بلتستان» تحت اداره پاکستان، معترضان تجمع کردند و یک ساختمان سازمان ملل را به آتش کشیدند؛ منطقه‌ای که سال‌هاست پوسترهای خامنه‌ای در فضای عمومی به نمایش گذاشته می‌شود.

صدها نفر از حامیان شیعه علی خامنه‌ای در پاکستان در اعتراض به کشته شدن او دست به اعتراض زدند. در کراچی

اطلاعیه‌های نهادهای امنیتی از جمله سازمان اطلاعات سپاه، دادستانی و رئیس قوه قضاییه، همگی بر برخورد قاطع با شهروندان و معترضان تأکید داشته‌اند. همزمان تشدید گشت‌های مسلح، هشدارهای رسمی و ادبیات تهدیدآمیز در رسانه‌های حکومتی نشان‌دهنده گسترش فضای امنیتی است. این مجموعه اقدامات می‌تواند نشانه‌ای از حرکت به سوی نوعی وضعیت شبه‌حکومت نظامی باشد.

بازداشت و تهدید شهروندان نیز با وجود شرایط جنگی در روزهای گذشته ادامه یافته است. برای نمونه روز یکشنبه ۱۰ اسفندماه برنا نعیمی شهروند بهایی در کرمان توسط افرار مسلح لباس‌شخصی با ضرب‌و شتم بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد.

همچنین مرکز مشاوره حقوقی «دادبان» نسبت به خطر اجرای احکام اعدام بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ۴۰۴ با هدف انتقام‌گیری هشدار داده است: «همزمان با تداوم حملات نظامی اسرائیل و آمریکا علیه اماکن نظامی، انتظامی و امنیتی در ایران و به ویژه کشته شدن علی خامنه‌ای در نتیجه این حملات، نگرانی‌ها درباره وضعیت بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ماه ۱۴۰۴ افزایش یافته است.»

این گزارش یادآوری کرده که «در ماه‌های گذشته ده‌ها هزار نفر در جریان اعتراضات سراسری بازداشت شده‌اند و بسیاری از آنان همچنان در بازداشت موقت یا در انتظار رسیدگی قضایی به سر می‌برند.»

«دادبان» تأکید کرده «تجربه تاریخی دهه شصت نشان می‌دهد که در دوره‌های جنگ و بحران سیاسی، خطر تشدید مجازات‌ها و حتی اعدام‌های گسترده افزایش می‌یابد. در آن دوره نیز فضای امنیتی و ادبیات «مقابله با دشمن» زمینه صدور و اجرای احکام اعدام دسته‌جمعی را فراهم کرد. سابقه عملکرد دستگاه قضایی جمهوری اسلامی در بزنگاه‌های بحرانی، موجب نگرانی جدی نسبت به تکرار الگوهای مشابه شده است.»

نهادهای حقوق بشری همچنین درباره سرنوشت زندانیان محبوس در زندان‌های جمهوری اسلامی در شرایط جنگی ابراز نگرانی می‌کنند.

«کمیته آزادی زندانیان سیاسی در ایران» گزارش داده زندانیان محبوس در زندان دستگرد اصفهان پس از آغاز جنگ به مکان نامعلومی منتقل شده‌اند. این انتقال روز نهم اسفندماه ۱۴۰۴ و با چندین دستگاه اتوبوس انجام شده و بدون اطلاع قبلی به خانواده‌ها و وکلای زندانیان صورت گرفته است.

«کمیته آزادی زندانیان سیاسی در ایران» نوشته «انتقال این زندانیان بدون اطلاع به خانواده‌ها و وکلای آن‌ها صورت گرفته و همین موضوع نگرانی‌ها درباره وضعیت جسمی و امنیت جانی آن‌ها را افزایش داده است.» این نهاد با اشاره به شرایط جنگی کنونی هشدار داده که «هرگونه انتقال ناگهانی و بدون اطلاع قبلی می‌تواند جان زندانیان سیاسی را در معرض خطر جدی قرار دهد.»

منابع نزدیک به خانواده‌ها نیز با ابراز بی‌خبری کامل از محل نگهداری منتقل‌شدگان تأکید کرده‌اند که تجربه‌های پیشین نشان داده انتقال‌های ناگهانی اغلب با قطع تماس، محرومیت از دسترسی به وکیل و بی‌خبری طولانی‌مدت همراه بوده است. یکی از اعضای خانواده‌ها گفته است: «در این شرایط جنگی، بی‌خبری مطلق از محل نگهداری عزیزانمان کابوس هر روزه ماست.»

«کمیته آزادی زندانیان سیاسی در ایران» تأکید کرده احتمال اینکه در وضعیت درگیری نظامی، زندانیان سیاسی به مراکز نظامی منتقل شوند و از زندانیان به‌عنوان سپر انسانی استفاده شود وجود دارد.

## جمهوری اسلامی استفاده از مدارس به عنوان «سپر» را تأیید کرد



محسنی اژه‌ای و علیرضا اعرافی منتشر شد. ساعاتی بعد کاربران در شبکه‌های اجتماعی با انتشار تصاویری نشان دادند که این نشست یک بخش بیمارستان آرمان تهران برگزار شده است!

● «ایران اینترنشنال» اول اسفندماه و یک هفته پیش از آغاز جنگ، در گزارشی از «نظامی‌سازی بیمارستان‌ها» خبر داد و به نقل از یک کارمند بیمارستان در شهر تهران گزارش داد «در روزهای اخیر شماری از فرماندهان نظامی و نیروهای سپاه پاسداران جلسات خود را در فضای این مرکز درمانی برگزار کرده‌اند».

● گزارش شهروندان نیز تأکید می‌کند در چند شهر از جمله شیراز، شماری از مأموران و نیروهای نظامی از پادگان‌ها به مدارس، به‌ویژه مدارس دخترانه، منتقل شده‌اند.  
● یک روز پیش از آغاز جنگ اسرائیل و آمریکا علیه جمهوری اسلامی نیز شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران با انتشار تصویری از ادوات جنگی مستقر در یکی از مدارس کشور هشدار داد جمهوری اسلامی کودکان و مدارس را «سپر تجهیزات مرگبار» خود کرده است.  
● دو روز پیش تصویری از برگزاری نشست شورای موقت رهبری، متشکل از مسعود پزشکیان، غلامحسین

● تصاویر منتشر شده از نشست خبری سخنگوی وزارت امور خارجه در یک کلاس درس مدرسه تأیید می‌کند جمهوری اسلامی از مدارس به عنوان سپر استفاده می‌کند.  
● برگزاری نشست خبری در کلاس درس و انتشار تصاویر آن، از سوی برخی تحلیلگران به عنوان «گرا دادن» به اسرائیل و آمریکا برای بمباران مدارس و سپس موج‌سواری حامیان نظام بر آن ارزیابی می‌شود.  
● طی روزهای گذشته گزارش‌هایی از انتقال نیروهای نظامی به اماکن عمومی از جمله مدارس و بیمارستان‌ها منتشر شده است.

تصاویر منتشر شده از کنفرانس خبری اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی در یک کلاس درس مدرسه، استفاده حکومت از مدارس به عنوان سپر را تأیید کرد.

اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت امور خارجه ظهر روز سه‌شنبه ۱۲ اسفندماه ۱۴۰۴ در یک کنفرانس خبری با حضور برخی روزنامه‌نگاران شرکت کرد.

تصاویر منتشر شده از این کنفرانس خبری تأیید می‌کند جمهوری اسلامی از مدارس به عنوان سپر استفاده می‌کند. برگزاری نشست خبری در کلاس درس و انتشار تصاویر آن، از سوی برخی تحلیلگران به عنوان «گرا دادن» به اسرائیل و آمریکا برای بمباران مدارس و سپس موج‌سواری حامیان نظام بر آن ارزیابی می‌شود.

انتشار خبر حمله اسرائیل به دبستان دخترانه در شهر میناب و کشته شدن بیش از ۱۰۰ دانش‌آموز دختر، در روزهای گذشته سبب موج‌سازی طرفداران حکومت علیه حملات اسرائیل و آمریکا شده است.

مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا، روز گذشته درباره گزارش‌ها از حمله احتمالی آمریکا به یک مدرسه در ایران، به خبرنگاران گفت: «اگر این حمله از سوی ما انجام شده باشد، وزارت جنگ آن را بررسی خواهد کرد و من شما را برای پاسخ به آن‌ها ارجاع می‌دهم».

مارکو روبیو افزود: «اگر چنین اتفاقی رخ داده



برگزاری نشست خبری سخنگوی وزارت خارجه، سه‌شنبه ۱۲ اسفندماه ۱۴۰۴

## وزیر جنگ آمریکا خطاب به مردم ایران: یک «فرصت فوق العاده» ایجاد شده، اکنون نوبت شماست



پیت هگست وزیر جنگ آمریکا

تعریف شده است. این عراق نیست. این بی‌پایان نیست... بلکه درست برعکس است. این عملیات مأموریتی روشن، ویرانگر و قاطع دارد: نابودی تهدید موشکی، نابودی نیروی دریایی نه چیز دیگر.»

هگست تأکید کرد که عملیات خشم حماسی شامل اهدافی مانند «ملت‌سازی یا دموکراسی‌سازی» نیست، «این به اصطلاح جنگی برای تغییر رژیم نیست. اما رژیم، مطمئناً تغییر کرده، و در نتیجه جهان [جایی] بهتر شده است.»

او یادآور شد که پرزیدنت ترامپ به طور مداوم گفته است که رژیم‌هایی دیوانه چون حکومت ایران، که بر توهمات اسلامی بنیان گذاشته شده‌اند، نمی‌توانند کار خود را ادامه دهند و باید به پایان برسند.

او ابراز امیدواری کرد مردم ایران «یک فرصت فوق العاده» را غنیمت شمارند و گفت: «اکنون نوبت شماست.»

او گفت پیش از این هم خیلی‌ها این حرف را زده‌اند ولی جرئت می‌خواست که یک رئیس‌جمهوری این کار را به پایان برساند و پرزیدنت ترامپ این جرئت را داشت.

ژنرال دن کین، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا، گفت برنامه‌ریزی برای عملیاتی مانند خشم حماسی مدت‌ها در جریان بوده است.

او نیز توضیح داد: «این عملیات حاصل ماه‌ها و در برخی موارد سال‌ها برنامه‌ریزی سنجیده و پلایش علیه این مجموعه اهداف خاص بود. از حملات دقیق به زیرساخت‌های کلیدی نظامی گرفته تا یکپارچه‌سازی مستمر اطلاعات و هدف‌گیری و هماهنگی نزدیک اجزا در فواصل بسیار دور این عملیات بار دیگر برد، آمادگی و حرفه‌ای‌گری آمریکا و نیروی مشترک ما را نشان داد.»

کین همچنین در بخش دیگری توضیح داد: «عملیات خشم حماسی یادآور آن چیزی است که ارتش ایالات متحده به‌طور منحصربه‌فرد ارائه می‌دهد: توانایی نمایش قدرت در مقیاس جهانی با سرعت، غافلگیری، دقت و نیرویی فراگیر، هر زمان و هر جا که کشورمان نیاز داشته باشد. آنچه در چند روز گذشته نشان داده‌ایم، بازتاب سال‌ها سرمایه‌گذاری در آمادگی، یکپارچگی مشترک و حرفه‌ای‌گری نیروی مشترک است.»

● وزیر جنگ ایالات متحده آمریکا روز دوشنبه دوم مارس (۱۱ اسفند ۱۴۰۴) طی نشستی در پنتاگون گفت که اگرچه جدول زمانی مشخصی برای پایان عملیات نظامی علیه جمهوری اسلامی تعیین نشده، اما اهداف آن کاملاً روشن است.

● او افزود: «جاه‌طلبی‌های ما آرمان‌شهری نیست؛ واقع‌بینانه است و در چارچوب منافع ما و دفاع از مردم و متحدانمان تعریف شده است. این عراق نیست. این بی‌پایان نیست... بلکه درست برعکس است. این عملیات مأموریتی روشن، ویرانگر و قاطع دارد: نابودی تهدید موشکی، نابودی نیروی دریایی نه چیز دیگر.»

● هگست تأکید کرد که عملیات خشم حماسی شامل اهدافی مانند «ملت‌سازی یا دموکراسی‌سازی» نیست، «این به اصطلاح جنگی برای تغییر رژیم نیست. اما رژیم، مطمئناً تغییر کرده، و در نتیجه جهان [جایی] بهتر شده است.»

● او ابراز امیدواری کرد مردم ایران «یک فرصت فوق العاده» را غنیمت شمارند و گفت: «اکنون نوبت شماست.»

وزیر جنگ ایالات متحده آمریکا روز دوشنبه دوم مارس (۱۱ اسفند ۱۴۰۴) طی نشستی در پنتاگون گفت که اگرچه جدول زمانی مشخصی برای پایان عملیات نظامی علیه جمهوری اسلامی تعیین نشده، اما اهداف آن کاملاً روشن است.

پیت هگست گفت: «مأموریت عملیات خشم حماسی کاملاً متمرکز و دقیق است. نابودی موشک‌های تهاجمی حکومت ایران، نابودی تولید موشک‌های ایران، نابودی نیروی دریایی آن‌ها و دیگر زیرساخت‌های امنیتی‌شانو اینکه هرگز به سلاح هسته‌ای دست پیدا نکنند.»

ایران دهه‌هاست در پی دستیابی به توانمندی تسلیحات هسته‌ای بوده است؛ هم از طریق غنی‌سازی مواد هسته‌ای در سطح تسلیحاتی و هم از طریق توسعه موشک‌هایی که قادر به حمل کلاهک هسته‌ای باشند.

در جریان «عملیات چکش نیمه‌شب» (مباران تأسیسات اتمی در جنگ ۱۲ روزه)، ایالات متحده با استفاده از بمب‌های ۳۰ هزار پوندی GBU-57 موسوم به «نفوذگر سنگرشکن»، تأسیسات غنی‌سازی فردو را هدف قرار داد.

هگست گفت آن عملیات برنامه هسته‌ای ایران را به‌طور کامل نابود کرد. با این حال، به گفته هگست، جمهوری اسلامی همچنان در پی دستیابی به توانمندی هسته‌ای و همچنین تقویت توانمندی‌های متعارف برای محافظت از جاه‌طلبی‌های هسته‌ای خود بوده‌اند.

او توضیح داد: «ایران در حال ساخت موشک‌ها و پهپادهای قدرتمند بود تا برای باج‌گیری هسته‌ای خود یک سپر متعارف ایجاد کند. پایگاه‌های ما، نیروهای ما، متحدان ما همه در تیررس آن‌ها بودند. [حکومت] ایران اسلحه‌ای متعارف را روی سر ما گذاشته بود در حالی که می‌کوشید با دروغ‌گویی به بمب هسته‌ای برسد.»

وزیر جنگ گفت اهداف روشن عملیات خشم حماسی باعث می‌شود این عملیات با درگیری‌های گذشته آمریکا در عراق و افغانستان متفاوت باشد.

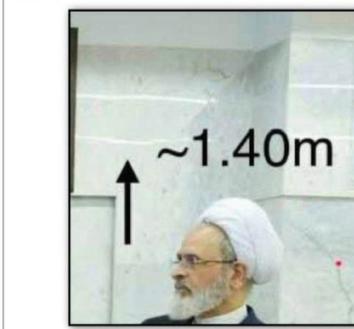
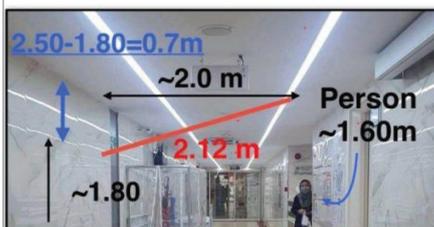
او افزود: «جاه‌طلبی‌های ما آرمان‌شهری نیست؛ واقع‌بینانه است و در چارچوب منافع ما و دفاع از مردم و متحدانمان

باشد، بسیار فاجعه‌بار خواهد بود، اما من نمی‌توانم درباره جزئیات آن صحبت کنم، چون اطلاعاتی در اختیار ندارم. جزئیاتی درباره این موضوع ندارم، اما آنچه روشن است این است که ایالات متحده عمداً یک مدرسه را هدف قرار نمی‌دهد.»

دنی دانون، سفیر اسرائیل در سازمان ملل متحد، نیز درباره این حمله که رسانه‌های جمهوری اسلامی آن را به اسرائیل و آمریکا نسبت دادند گفت گزارش‌های متفاوتی دیده است، از جمله اینکه سپاه پاسداران این مدرسه را هدف قرار داده است.

این در حالیست که برگزاری نشست خبری سخنگوی وزارت خارجه در یک کلاس درس مدرسه گزارش‌ها درباره استفاده جمهوری اسلامی از مدارس و بیمارستان‌ها به عنوان سپر را تأیید می‌کند.

طی روزهای گذشته گزارش‌هایی از انتقال نیروهای نظامی به اماکن عمومی از جمله مدارس و بیمارستان‌ها منتشر



نشست شورای موقت رهبری، یکشنبه ۱۰ اسفند ۱۴۰۴

منتشر شده بود؛ از جمله شلیک به معترضان از داخل فرمانداری و بالای بیمارستان «پنج آذر» در گرگان و استفاده از مدرسه «امام علی» در اراک و مدرسه دخترانه «الزهر» در ساری برای استقرار نیروها و نگهداری شهروندان بازداشت‌شده در اعتراضات.

همچنین «ایران اینترنشنال» اول اسفندماه و یک هفته پیش از آغاز جنگ، در گزارشی از «نظامی‌سازی بیمارستان‌ها» خبر داد و به نقل از یک کارمند بیمارستان در شهر تهران گزارش داد «در روزهای اخیر شماری از فرماندهان نظامی و نیروهای سپاه پاسداران جلسات خود را در فضای این مرکز درمانی برگزار کرده‌اند.»

به‌گفته این منبع، حضور این افراد با همراهی تیم‌های حفاظتی و برگزاری نشست‌هایی که ارتباطی با امور درمانی نداشته، موجب نگرانی کارکنان بیمارستان شده است.

# روزنامه «فایننشال تایمز»: ظرفیت شلیک موشک‌های بالستیک جمهوری اسلامی کاهش پیدا کرده است



تصویر ماهواره‌ای از یک لانچر موشکی و پرتابگر جمهوری اسلامی

و اسرائیل دانستند؛ راهبردی که بر استفاده از هواپیماهای نظامی برای شناسایی و نابودی سکویهای پرتاب موشک و انبارهای تسلیحاتی در داخل ایران متمرکز است. یکی از مقام‌های غربی به «فایننشال تایمز» گفت: «ما مشاهده می‌کنیم، حملات موشکی ایران کاهش پیدا کرده است. این موضوع نتیجه اقداماتی است که آمریکا و اسرائیل برای نابودی سایت‌های پرتاب و هدف قرار دادن این سامانه‌ها انجام می‌دهند.» او افزود: «برآورد ما این است که ایران هنوز برای چند روز دیگر توان ادامه این فعالیت‌ها را دارد.»

ژنرال دن کین رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح آمریکا، نیز گفت که نرخ شلیک موشک‌های بالستیک ایران از آغاز جنگ ۸۶ درصد کاهش یافته است. او افزود که تنها در ۲۴ ساعت گذشته نیز این نرخ ۲۳ درصد افت کرده است. به نظر می‌رسد منظور او موشک‌های بالستیک میان‌برد و دوربردی بوده که قادر به رسیدن به اسرائیل هستند، هرچند بازه زمانی دقیق مورد اشاره او روشن نبود.

لینت نوسباخر، مشاور پیشین اطلاعاتی دولت بریتانیا، به «فایننشال تایمز» می‌گوید کاهش شلیک موشک‌های بالستیک ایران ممکن است ناشی از دشوارتر شدن عملیات پرتاب باشد. او گفت: «فرماندهان موشکی ایران با بیشترین سرعت ممکن در حال شلیک، جابه‌جایی، آماده‌سازی، سوخت‌گیری و پرتاب هستند. مشکل اینجاست که این بیشترین سرعت ممکن اکنون کندتر شده است.»

او افزود: «آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها در حال نابود کردن سکویهای پرتاب، موشک‌ها، سوخت موشک‌های سوخت مایع و حتی گازوئیل مورد نیاز برای راه‌اندازی سکوها هستند؛ بنابراین منابع آنها در حال تحلیل رفتن است.» با این حال، احتمال دیگری نیز مطرح است: اینکه کاهش حملات بخشی از یک راهبرد آگاهانه از سوی ایران برای حفظ تسلیحات در یک جنگ طولانی‌تر باشد.

مقام‌های نظامی اسرائیل پیش‌تر پرتاب‌های

● مقام‌های غربی می‌گویند شلیک موشک‌های بالستیک از سوی جمهوری اسلامی ایران از زمان آغاز جنگ کاهش قابل ملاحظه‌ای داشته است. این وضعیت نشان می‌دهد کارزار هوایی آمریکا و اسرائیل برای نابودی سکویهای پرتاب و انبارهای تسلیحاتی اثرگذار بوده است.

● روزنامه «فایننشال تایمز» با اشاره به احتمال کاهش ذخایر موشکی جمهوری اسلامی، روز چهارشنبه ۱۳ اسفند ۱۴۰۴ به نقل از مقام‌های غربی نوشت: «حملات آمریکا و اسرائیل به سکویهای پرتاب مؤثر بوده است.»

● لینت نوسباخر، مشاور پیشین اطلاعاتی دولت بریتانیا، به «فایننشال تایمز» می‌گوید کاهش شلیک موشک‌های بالستیک ایران ممکن است ناشی از دشوارتر شدن عملیات پرتاب باشد. او گفت: «فرماندهان موشکی ایران با بیشترین سرعت ممکن در حال شلیک، جابه‌جایی، آماده‌سازی، سوخت‌گیری و پرتاب هستند. مشکل اینجاست که این بیشترین سرعت ممکن اکنون کندتر شده است.»

مقام‌های غربی می‌گویند شلیک موشک‌های بالستیک از سوی جمهوری اسلامی ایران از زمان آغاز جنگ کاهش قابل ملاحظه‌ای داشته است. این وضعیت نشان می‌دهد کارزار هوایی آمریکا و اسرائیل برای نابودی سکویهای پرتاب و انبارهای تسلیحاتی اثرگذار بوده است. روزنامه «فایننشال تایمز» با اشاره به احتمال کاهش ذخایر موشکی جمهوری اسلامی، روز چهارشنبه ۱۳ اسفند ۱۴۰۴ به نقل از مقام‌های غربی نوشت: «حملات آمریکا و اسرائیل به سکویهای پرتاب مؤثر بوده است.»

امارات متحده عربی اعلام کرده است که از آغاز جنگ تاکنون در مجموع ۱۸۹ موشک بالستیک از سوی ایران به سمت این کشور شلیک شده است؛ اقدامی که به گفته مقامات، نشان‌دهنده تلاش تهران برای گسترش بی‌ثباتی در

سراسر خاورمیانه است. با این حال، آمارها حاکی از کاهش چشمگیر شدت حملات است. در حالی که در نخستین روز جنگ، شنبه ۱۳۷ موشک به سوی امارات شلیک شد، تا ظهر روز چهارشنبه به وقت محلی تنها سه موشک پرتاب شده بود. وزارت دفاع امارات اعلام کرد که از میان این سه موشک، تنها یکی در خاک این کشور فرود آمده است. امارات از میان کشورهای که درگیر این جنگ هستند، کامل‌ترین داده‌ها درباره پرتاب موشک‌ها و رهگیری آنها را منتشر می‌کند. مقام‌های غربی این کاهش را نشانه موفقیت راهبرد آمریکا

ارتش دفاعی اسرائیل | IDF Farsi

@IDFFarsi • دنبال کردن

**تلاش ترکیبی برای تعمیق ضربه به توان آتش و پدافند ادامه دارد: ده‌ها سامانه موشک بالستیک و پدافندی امروز در غرب و مرکز ایران هدف قرار گرفتند**

مقام‌های نظامی اسرائیل پیش‌تر پرتاب‌های

# دانشگاه در آستانه‌ی تغییر: نسل بی‌هراس و بازتعریف آینده‌ی ایران



است. برافراشتن چنین نشانه‌هایی در دانشگاه‌ها، در صحنه‌ای که تا همین چند سال پیش حتی به صورت محدود هم قابل تصور نبود، نشانه‌ی مهمی از تغییر جهت‌گیری سیاسی و فرهنگی بخش‌هایی از جامعه محسوب می‌شود.

زمینه‌ساز این اعتراضات، سرکوب‌های خونین جمهوری اسلامی در ماه‌های اخیر است. گزارش‌های معتبر خبر از هزاران کشته و ده‌ها هزار بازداشت در جریان اعتراضات ضدحکومتی می‌دهند؛ رقمی که در منابع مختلف از چند هزار تا ده‌ها هزار نفر ذکر شده است. این سطح از سرکوب در مقایسه با بسیاری از دوره‌های پیشین اعتراضات در ایران بی‌سابقه‌تر است و خود به عاملی تبدیل شده که باعث کاهش ترس عمومی و افزایش رادیکالیسم در اعتراضات شده است.

واکنش امنیتی حکومت نیز شدت یافته است؛ از حضور نیروهای بسیج در دانشگاه‌ها گرفته تا برخوردهای فیزیکی با دانشجویان. این تقابل دوگانه - سرکوب از یک سو و مقاومت جوانان از سوی دیگر - وضعیت سیاسی ایران را به نقطه‌ای رسانده که دیگر نمی‌توان آن را صرفاً «آشفته‌گی» نامید؛ بلکه به نظر می‌رسد در چندین عرصه اجتماعی و سیاسی، مردم به دنبال تعیین سرنوشت خود هستند.

به این ترتیب، اعتراضات اخیر دانشگاه‌ها چند پیام روشن دارند: جوانان ایرانی آماده‌اند که ترس را کنار بگذارند، صریحاً صدای خود را بیان کنند، و دریای آینده‌ی سیاسی کشور بحث کنند. ظهور شعارها و نمادهای پیشین به معنای بازگشت به هویت باشکوه ایران گذشته است و نوعی بیان فرهنگی و سیاسی است که نشان می‌دهد بخش مهمی از جامعه دیگر حاضر نیست به ساختار سیاسی فعلی مشروعیت بدهد.

این تحولات در عین پیچیدگی و گستردگی، نقطه عطف مهمی در تاریخ معاصر ایران محسوب می‌شود؛ جایی که نسل تازه‌ای حرکت خود را از دانشگاه‌ها آغاز کرده و آن را به دیگر بخش‌های جامعه سرایت می‌دهد و چشم‌اندازی متفاوت از قدرت، هویت و آینده‌ی ایران ترسیم می‌کند.

● **تجمعات پرشور در دانشگاه‌ها، شعارهای ضدحکومتی و نمادهای سیاسی که تاکنون ممنوع یا تابو بشمار می‌رفتند، همگی حکایت از یک تغییر محسوس در فضای سیاسی ایران دارند که نمی‌توان آن را نادیده گرفت.**

● **زمینه‌ساز این اعتراضات، سرکوب‌های خونین جمهوری اسلامی در ماه‌های اخیر است. گزارش‌های معتبر خبر از هزاران کشته و ده‌ها هزار بازداشت در جریان اعتراضات ضدحکومتی می‌دهند؛ رقمی که در منابع مختلف از چند هزار تا ده‌ها هزار نفر ذکر شده است.**

**رضا یاقوت** - در روزهای اخیر، ایران بار دیگر صحنه‌ی خیزش دانشجویی و اعتراضات گسترده‌ای بوده است که نشان می‌دهد بخش مهمی از نسل جوان، دیگر ترسی از حاکمیت جمهوری اسلامی ندارند و خواسته‌های سیاسی و اجتماعی خود را بطور علنی ابراز می‌کنند. تجمعات پرشور در دانشگاه‌ها، شعارهای ضدحکومتی و نمادهای سیاسی که تاکنون ممنوع یا تابو بشمار می‌رفتند، همگی حکایت از یک تغییر محسوس در فضای سیاسی ایران دارند که نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

تحولات مهم در اعتراضات اخیر نشان می‌دهد که این خیزش فراتر از یک «اعتراض صنفی» یا «موقعیتی» است. در دانشگاه‌هایی مانند دانشگاه صنعتی شریف، دانشگاه تهران، دانشگاه بهشتی و سایر مراکز آموزشی در تهران و مشهد، دانشجویان نه تنها به یاد کسانی که در سرکوب‌های ماه‌های اخیر کشته شده‌اند، گرد هم آمده‌اند، بلکه شعارهایی را سر داده‌اند که مستقیماً ساختار قدرت حاکم و رهبری آن را به چالش می‌کشد. این شعارها شامل «مرگ بر خائنه‌ای»، «آزادی، آزادی» و حتی فریاد «جاوید شاه» است - عبارتی که نشانه‌ای آشکار از مخالفت با جمهوری اسلامی و گرایش به نهادهای سیاسی جایگزین محسوب می‌شود.

در برخی از تجمع‌ها پرچم شیر و خورشید - نماد ایران پیش از انقلاب ۱۳۵۷ - نیز برافراشته شده است که به معنای بازخوانی هویت ملی و رد مشروعیت نظام کنونی

→ آهسته اما مداوم موشک از سوی ایران را «استراتژی تدریجی» توصیف کرده بودند و گفته بودند هدف آن مصرف تدریجی موشک‌های رهگیر اسرائیل در سامانه‌های پدافند هوایی است.

در جریان جنگ ۱۲ روزه میان اسرائیل و ایران در ماه ژوئن گذشته نیز تحلیلگران مشاهده کردند که تهران بهترین موشک‌های خود را برای مراحل پایانی درگیری حفظ کرده بود؛ زمانی که ذخایر موشک‌های رهگیر اسرائیل کاهش یافته بود.

یکی از تحلیلگران به «فایننشال تایمز» گفت: «کاهش نرخ شلیک موشک‌ها ممکن است نشان‌دهنده همان سیاست حفظ ذخایر باشد که در پایان جنگ ۱۲ روزه نیز دیدیم.»

دکتر اولت، تحلیلگر مرکز پژوهشی «مرکز تحلیل‌های دریایی»، توضیح می‌دهد این کاهش می‌تواند بخشی از یک راهبرد فرسایشی باشد. او در «ایکس» نوشت: «باید توجه داشت که این یک راهبرد انتخابی نیست؛ بلکه احتمالاً تنها گزینه‌ای است که ایران در شرایط کمبود سکویای پرتاب و ناتوانی در کنترل حریم هوایی خود در اختیار دارد.»

به گفته ارتش اسرائیل، ایران در آغاز جنگ حدود ۲۵۰۰ موشک بالستیک میان‌برد و دوربرد در اختیار داشت که قادر به هدف قرار دادن اسرائیل بودند. همچنین هزاران موشک بالستیک کوتاه‌برد و موشک کروز نیز در اختیار داشت که می‌تواند کشورهای خلیج فارس را هدف قرار دهد.

فابیان هافمن پژوهشگر دانشگاه اسلو، به «فایننشال تایمز» گفت: «به نظر من بسیار محتمل است که ظرفیت پرتاب موشک ایران به شدت تضعیف شده باشد.» او افزود که کاهش چشمگیر در آمار پرتاب‌ها آنگذر شدید است که به سختی می‌توان آن را صرفاً تاکتیکی دانست.

او گفت تمرکز آمریکا و اسرائیل بر شکار و نابودی سکویای پرتاب موشک ایران «به نظر می‌رسد موفقیت‌آمیز بوده است» و افزود: «ممکن است آنها هنوز موشک داشته باشند، اما مشکل اصلی این است که سکویای پرتاب در حال از بین رفتن است.»

در همین حال و همزمان با کاهش شلیک موشک‌های بالستیک، به نظر می‌رسد تهران بیش از پیش به استفاده از پهپادهای ارزان‌قیمت «شاهد» موسوم به پهپادهای انتحاری روی آورده است.

این پهپادها به راحتی قابل پنهان‌سازی هستند و تقریباً از هر نقطه‌ای می‌توان آنها را به پرواز درآورد؛ به همین دلیل نسبت به حملات آمریکا و اسرائیل آسیب‌پذیری کمتری دارند.

بر اساس داده‌های وزارت دفاع امارات، اگرچه تعداد پرتاب پهپادهای شاهد نیز کاهش یافته، اما این کاهش به اندازه افت شلیک موشک‌ها چشمگیر نبوده است.

در مجموع تاکنون ۹۴۱ پهپاد تهاجمی یک‌طرفه به سمت امارات پرتاب شده است، از جمله ۱۲۹ پهپاد در روز چهارشنبه که از میان آنها ۱۲۱ فروند رهگیری شد.

این پهپادها که کلاهی میان ۳۰ تا ۵۰ کیلوگرم حمل می‌کنند، چندین هدف را مورد اصابت قرار داده‌اند؛ از جمله یک پایگاه نیروی دریایی آمریکا در منامه بحرین، یک تأسیسات راداری آمریکا در قطر و کنسولگری ایالات متحده در ریاض.

در ارتباط با هدف‌گیری لانچرها در ایران، پخیل مایکل لایتر، سفیر اسرائیل در آمریکا، گفت نیروهای اسرائیلی تأسیسات تولید موشک و پرتابگرهای ایران در تهران را هدف قرار دادند و همه پهپادهای تهاجمی ایران را پیش از ورود به حریم هوایی اسرائیل رهگیری کردند. او افزود رهبران حکومت ایران زیر نظر هستند.

# ایران خانه مشترک ماست، نه میدان تقسیم؛ تمامیت ارضی خط قرمز ملت ایران



اقتصادی و تاریخی میان اقوام ایران عمیق‌تر از آن است که با شعارهای مقطعی گسسته شود.

در اینجا باید مسئولیت تاریخی جمهوری اسلامی را نیز صریح بیان کرد. دفاع از تمامیت ارضی به معنای دفاع از ساختار سیاسی موجود نیست. برعکس، یکی از عوامل تشدید ناراضی‌های منطقه‌ای، عملکرد جمهوری اسلامی بوده است. تمرکز شدید قدرت، توزیع ناعادلانه منابع، سرکوب مطالبات مدنی و نگاه امنیتی به مسائل فرهنگی، اعتماد ملی را فرسوده کرده است. وقتی شهروندان احساس کنند در تصمیم‌گیری‌های کلان سهمی ندارند و منابع مناطقشان بدون بازگشت عادلانه مصرف می‌شود، طبیعی است که بی‌اعتمادی شکل بگیرد.

جمهوری اسلامی نه تنها آزادی‌های سیاسی را محدود کرده، بلکه با فساد و ناکارآمدی خود شکاف‌های اجتماعی را عمیق‌تر کرده است. این نظام با امنیتی‌کردن مطالبات مدنی، مسائل قابل حل را به بحران‌های ساختاری تبدیل کرده است. بنابراین، گذار از ساختار ناکارآمد و تبعیض‌آمیز کنونی یک ضرورت ملی است، نه برای آنکه یکپارچگی ایران شرطی و وابسته به اصلاح باشد، بلکه برای آنکه وحدت ملی بر پایه عدالت و اعتماد عمومی استوار و پایدار بماند. تمامیت ارضی ایران مستقل از هر حکومت، خط قرمز ملت است؛ اما حکمرانی عادلانه شرط تقویت و تثبیت این وحدت است.

در فضای گذار، نیروهای اپوزیسیون مسئولیت مضاعفی دارند. آنها باید همزمان بر گذار دموکراتیک و حفظ اصول بنیادین توافق کنند. تمامیت ارضی ایران یکی از این اصول است. می‌توان درباره‌ی شکل نظام آینده، نسبت

باشد. حتی اگر این پروژه‌ها با ادبیات حقوق بشری بیان شوند، باید پیامدهای ژئوپلیتیک و اجتماعی آنها سنجیده شود. پرسش اساسی این است که آیا تجزیه، تضمین‌کننده‌ی آزادی و عدالت است یا آغازگر دور تازه‌ای از منازعه و وابستگی. پاسخ روشن است. تجزیه نه عدالت می‌آورد و نه آزادی؛ تجزیه، کشور را به قطعات آسیب‌پذیر تبدیل می‌کند، نیروهای خارجی را به درون اختلافات داخلی می‌کشاند و مردم را از حقوق شهروندی به وضعیت رعیت در واحدهای کوچک و ضعیف تنزل می‌دهد. جواب عامیانه‌تر و سراسر ترش این است: وقتی خانه را تکه‌تکه کردی، دیگر امنیت و آبرو و آینده‌ای برای هیچ کس باقی نمی‌ماند.

در این میان، تجربه زیسته نیز اهمیت دارد. من در پیوند دو فرهنگ گیلکی و گُردی رشد کرده‌ام و سال‌هایی از زندگی‌ام را در میان گُردها گذرانده‌ام. برای من، تنوع فرهنگی نه مرز سیاسی بلکه ثروت ملی بوده است. من دیده‌ام که اکثریت مردم گُرد پیش از هر چیز خواهان کرامت، فرصت برابر، امنیت اقتصادی و آزادی‌های مدنی‌اند. آنان احترام به زبان و فرهنگ خود را مطالبه می‌کنند، اما این مطالبه را در چارچوب ایران می‌بینند نه بیرون از آن.

آنچه ناراضی‌های ایجاد کرده، تبعیض، فقر و بی‌عدالتی ساختاری بوده است، نه میل ذاتی به جدایی. تعمیم دیدگاه‌های رادیکال اقلیتی محدود به کل یک قوم، هم نادرست است و هم خطرناک. همان‌گونه که نمی‌توان از رفتار یک گروه کوچک حکم کلی درباره‌ی یک ملت صادر کرد، نمی‌توان خواسته‌های حداکثری برخی جریان‌ها را به نام همه‌ی مردم یک منطقه نوشت. پیوندهای عاطفی،

احسان تاری نیا\* - در هندسه‌ی حقوق عمومی مدرن، دولت - ملت بر سه پایه استوار است: سرزمین مشخص، جمعیت پایدار و حاکمیت سیاسی. از میان این سه، سرزمین نه یک مؤلفه صرفاً اداری بلکه بستر عینی تحقق اراده‌ی تاریخی یک ملت است. بدون قلمرو مشخص، حاکمیت به ادعایی انتزاعی و قانون به متنی بی‌ضمانت اجرا تبدیل می‌شود. تمامیت ارضی در این چارچوب یک احساس یا شعار نیست، بلکه شرط وجودی دولت - ملت و تضمین‌کننده‌ی نظم عمومی و امنیت جمعی است. هرگاه این اصل تضعیف شود، بنیان اعتماد ملی و انسجام اجتماعی نیز آسیب می‌بیند و کشور در معرض رقابت‌های مخرب داخلی و خارجی قرار می‌گیرد.

این اصل باید با صراحت تعریف شود: تمامیت ارضی ایران خط قرمز ملی است. نه موضوع معامله‌ی سیاسی است، نه ابزار فشار و نه پروژه‌ای قابل چانه‌زنی. هیچ جریان سیاسی، تحت هیچ عنوانی، حق ندارد حتی به صورت غیرمستقیم ایده‌ی خروج بخشی از سرزمین ایران از حاکمیت ملی را عادی‌سازی کند. این موضع نه ناشی از تعصب، بلکه مبتنی بر منطق حقوق عمومی، امنیت ملی و تجربه‌ی تاریخی است.

در عین حال، دفاع از تمامیت ارضی به معنای انکار تنوع قومی و زبانی نیست. ایران یک واحد تک‌فرهنگی نبوده و نیست. در طول قرون، اقوام گوناگون در چارچوب یک حوزه‌ی تمدنی مشترک زیسته‌اند و با وجود تفاوت‌های زبانی و فرهنگی، به حافظه‌ی تاریخی و سرنوشت سیاسی مشترک رسیده‌اند. این تکرار نه ضعف ایران بلکه دلیل بقای آن بوده است. ایران بر اساس حذف تفاوت‌ها ساخته نشده، بلکه بر اساس همزیستی تفاوت‌ها دوام آورده است.

از همین رو باید مرز مفهومی میان حقوق فرهنگی و تجزیه‌طلبی روشن باشد. مطالبه‌ی توسعه‌ی متوازن و مشارکت سیاسی بیشتر، همگی در چارچوب ایران واحد قابل طرح و دفاع‌اند. اما هر مطالبه‌ای که در نهایت به مرزبندی سیاسی جدید یا خروج از حاکمیت ملی منتهی شود، از چارچوب مشروعیت ملی خارج می‌شود. مسئله رقابت هویت‌ها نیست، مسئله حفظ خانه‌ی مشترک است.

در بزنگاه‌های انقلابی، این تمایز اهمیت دوچندان پیدا می‌کند. دوره‌های گذار سیاسی همزمان حامل فرصت بازسازی و خطر فروپاشی‌اند. هرگاه نظم مستقر تضعیف می‌شود، نیروهای متنوع وارد میدان می‌شوند. اگر در چنین شرایطی بر اصول بنیادین توافق وجود نداشته باشد، خلأ قدرت می‌تواند به بستر سوءاستفاده تبدیل شود. تاریخ منطقه نشان داده است که فروپاشی دولت مرکزی بدون توافق ملی درباره‌ی مرزها، به تجزیه‌های خونین و مداخلات خارجی انجامیده است. نتیجه‌ی چنین روندی نه آزادی پایدار، بلکه بی‌ثباتی مزمن و اقتصاد فرسوده بوده است.

ایران از نظر تاریخی انسجام عمیق‌تری دارد، اما از منظر سیاست مستثنا نیست. در فضای گذار، ممکن است برخی گروه‌ها با تفسیر حداکثری از مفاهیمی چون حق تعیین سرنوشت یا خودمختاری، عملاً پروژه‌ای را پیش ببرند که نتیجه‌ی آن خروج بخشی از قلمرو ملی از حاکمیت مشترک

# خامنه‌ای به درک واصل شد؛ پایان سیاه یک دیکتاتور و آغاز یک خیزش بزرگ و آزادی

خامنه‌ای برای مردم ایران فقط یک نام سیاسی نبود؛ او مغز یک سازوکار بود؛ سازوکار ترس، بی‌پاسخی، سرکوب خیابان، زندان، اعتراف اجباری، اعدام و تحقیر روزانه.

**حافظه‌ی جمعی در برابر عزای حکومتی**  
 حکومت از «عزا» حرف می‌زند، در حالی که حافظه‌ی جمعی مردم پر است از عزای واقعی: عزای خانواده‌هایی که عزیزانشان در خیابان افتادند، مادرانی که پشت در زندان‌ها پیر شدند و جوانانی که با طناب و شکنجه حذف شدند. تضاد امروز میان شادی مردم و اصرار حکومت بر گریه‌های فرمایشی، خلاصه‌ی یک داوری تاریخی است. همان که حافظ گفته بود:

دور فلکی یکسره بر منهج عدل است  
 خوش باش که ظالم نبرد راه به منزل

## آغاز یک خیزش بزرگ

اما یک نکته‌ی حیاتی: مرگ یک دیکتاتور لزوماً به معنای پایان دیکتاتوری نیست. ساختاری که بر ترس بنا شده، با رفتن یک نفر خودبه‌خود فرو نمی‌باشد، مگر آنکه مردم و نیروهای اجتماعی این لحظه را به یک مسیر روشن

س. روزه - ساعت ۵ بامداد به وقت ایران، خبری که سال‌ها در ذهن میلیون‌ها ایرانی مثل یک جمله ناتمام آویزان مانده بود، به واقعیت پیوست: رسانه‌های حکومتی با لحنی لرزان از مرگ علی خامنه‌ای گفتند. همان دستگاهی که دهه‌ها سوگ را بر مردم تحمیل کرد، حالا با اعلام ۴۰ روز عزای عمومی و یک هفته تعطیلی سراسری، از مردم «عزا» می‌خواهد. حکومتی که همیشه برای آلودگی هوا، بی‌برقی و ناترازی گاز، زندگی مردم را تعطیل می‌کرد، حالا برای مرگ معمار این خرابی‌ها، کشور را به بن‌بست کشانده است.

## تقاضای واژه‌ها: او که مردم را «رهگذر» خواند

تاریخ حافظه‌ی عجیبی دارد و عدالتش را در لحظه‌های غیرمنتظره به رخ می‌کشد. هنوز طنین صدای متکبرانانه او در گوش ملت است که پس از کشتار ناجوانمردانه معترضان در خیابان‌ها، با وقاحت تمام آن‌ها را «رهگذر» نامید و مدعی شد که مردم و مخالفانش «به درک واصل شدند». تاریخ نشان داد که هنوز هم دیکتاتورها هستند که به درک واصل می‌شوند.

او گمان می‌کرد با تحقیر خون مظلوم، می‌تواند بر ابدیت تخت خویش بیفزاید. اما گردش دوران، همان عبارت را به

جمهوریت و پادشاهی، میزان تمرکز یا تمرکززدایی بحث کرد، اما اصل یکپارچگی کشور نباید موضوع رقابت حزبی شود. هر جریان سیاسی که خود را ملی می‌داند، باید این اصل را صریح و بدون ابهام بپذیرد.

در این چارچوب، موضع‌گیری صریح و بدون ابهام شاهزاده رضا پهلوی در دفاع از تمامیت ارضی ایران صرفاً یک اظهار نظر سیاسی نیست، بلکه بازتاب یک مسئولیت تاریخی است. ایشان بارها تأکید کرده‌اند که ایران نه میدان تقسیم قدرت بلکه خانه‌ی مشترک یک ملت است و هیچ جریان سیاسی حق ندارد به نام آزادی، خاک وطن را موضوع معامله قرار دهد. این صراحت در تعیین خط قرمز ملی، برای نیروهای وفادار به ایران پیام روشنی دارد: آینده‌ی ایران بر پایه‌ی وحدت سرزمینی بنا خواهد شد. تأکید ایشان بر یکپارچگی ایران، نه از منظر رقابت سیاسی بلکه از منظر پاسداری از هویت ملی قابل فهم است. در روزگاری که برخی تلاش می‌کنند مفاهیم را مبهم سازند، این شفافیت موضع، خود نوعی رهبری است.

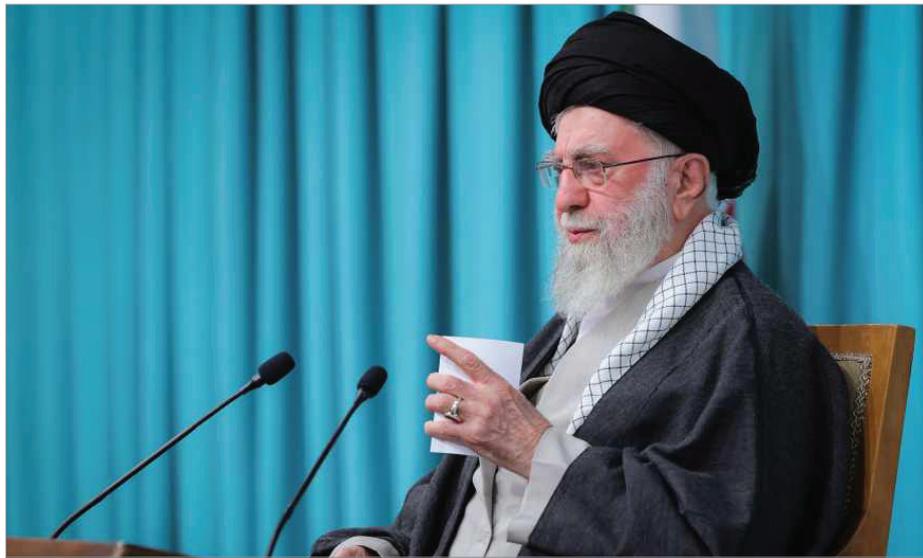
از منظر تاریخی، ایران یکی از کهن‌ترین حوزه‌های سیاسی پیوسته‌ی جهان است. اقوام گوناگون در شکل‌گیری این تاریخ سهم داشته‌اند و دفاع از ایران به معنای دفاع از سهم مشترک همه‌ی آنهاست. از منظر ژئوپلیتیک، ایران در منطقه‌ای حساس قرار دارد و هرگونه تضعیف ساختار سرزمینی، کشور را در برابر مداخلات خارجی آسیب‌پذیر می‌کند. از منظر اقتصادی، بازار ملی یکپارچه امکان برنامه‌ریزی کلان، توسعه زیرساخت‌های سراسری و مدیریت هماهنگ منابع را فراهم می‌کند. تقسیم سرزمین، این ظرفیت‌ها را کاهش می‌دهد و وابستگی‌های جدید ایجاد می‌کند.

از منظر حقوق بین‌الملل نیز، اصل تمامیت ارضی یکی از اصول تثبیت‌شده است. آینده مطلوب، ایران دموکراتیک، یکپارچه و متکثر است. تقویت مدیریت محلی در چارچوب حاکمیت ملی، افزایش اختیارات اجرایی استان‌ها در امور خدماتی و توسعه‌ای، و رفع تبعیض‌های منطقه‌ای، موضوعاتی قابل بحث و ضروری‌اند، مشروط بر آنکه همه‌ی این اصلاحات در چارچوب قانون اساسی ملی و زیر چتر حاکمیت واحد ایران صورت گیرد و به هیچ‌وجه به مرزبندی سیاسی جدید یا ساختارهای موازی حاکمیتی منتهی نشود. در روزگاری که ایران در آستانه‌ی تحولات بزرگ قرار دارد، مسئولیت هر ایرانی آگاه آن است که میان مبارزه با استبداد و حفاظت از سرزمین، تعادل برقرار کند. می‌توان و باید با جمهوری اسلامی مخالفت کرد، می‌توان و باید برای آزادی و دموکراسی تلاش کرد، اما این تلاش نباید به قیمت تضعیف خانه‌ی مشترک تمام شود. ایران یک ملت است با تنوعی غنی، تاریخی مشترک و آینده‌ای که تنها در سایه وحدت، قانون و عدالت می‌تواند روشن باشد. این آینده با یک جمله شروع می‌شود و با آن هم باید تمام شود: ایران قابل تقسیم نیست.

در نهایت، دفاع از تمامیت ارضی، دفاع از کرامت جمعی است. ایران نه ملک یک حکومت است و نه ابزار یک ایدئولوژی. جمهوری اسلامی رفتنی است، اما ایران ماندنی است. مبارزه با استبداد باید با حفظ سرزمین همراه باشد. آزادی بدون کشور معنا ندارد و کشور بدون آزادی پایدار نمی‌ماند. آینده‌ی روشن ایران در پیوند این دو اصل شکل می‌گیرد: گذار از استبداد و حفظ ایران واحد.

پاینده ایران

\* احسان تارینیا، روانشناس بالینی، روزنامه‌نگار، مترجم، نویسنده در لوکزامبورگ



تبدیل کنند: مسیر گذار به حکومتی پاسخگو، قانونمدار و انسانی.

اگر امروز شادی هست، باید به یک تصمیم جمعی برای آغاز یک خیزش بزرگ تبدیل شود. این بار قرار نیست «چهره» عوض شود و «سازوکار» بماند. این بار باید سازوکار ترس از ریشه برچیده شود؛ با دادخواهی، با ثبت حقیقت و با جلوگیری از بازتولید همان دستگاهی که ده‌ها سال زندگی ایرانیان را گروگان گرفت.

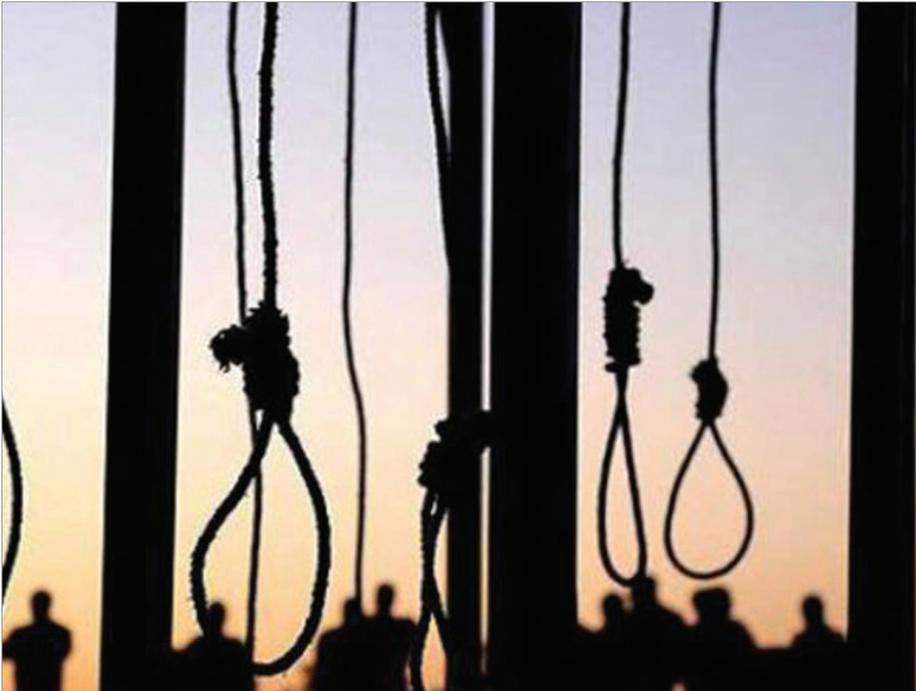
امروز، آنچه مردم جشن می‌گیرند، حاوی یک پیام روشن است: تاریخ دیر و زود دارد، اما سوخت و سوز ندارد. امید، همینجاست؛ امید به روزی که ایران، نه با عزای تحمیلی، بلکه با جشن آزادی شناخته شود. این مردم شایسته‌ی افتخار و احترام‌اند، زیرا با دیکتاتورترین حاکم زمانه مبارزه کردند.

سوی خودش بازگرداند. طولی نکشید که خودش به درک واصل شد تا نشان دهد هیچ قدرتی آنقدر بزرگ نیست که از داوری زمان فرار کند. امروز، این عبارت «به درک واصل شدن» نه برای آن جوانان جان‌فدا، که برای کارنامه‌ی سیاه کسی به کار می‌رود که نیم قرن تباهی را بر ایران آوار کرد.

## یک روز تاریخی برای ملت ایران

امروز برای ملت ایران یک روز تاریخی است. در بسیاری از خانه‌ها و در میان شهروندان، آنچه موج می‌زند سوگ نیست؛ نفس راحت است. شادی‌ای تلخ، آمیخته به خاطره‌های سیاه، که از «خشونت دوستی» نمی‌آید؛ بلکه از این می‌آید که یک سرچشمه‌ی اصلی رنج، یک مرکز فرمان و یک امضای نهایی بر پرورنده‌های مرگ و سرکوب، ناگهان از صحنه کنار رفته است.

## هشدار هیئت حقیقت یاب سازمان ملل: خطر اعدام‌های شتابزده بازداشت‌شدگان اعتراضات در میانه‌ی تشدید درگیری‌ها



● یک هیئت تحقیقاتی مأمور از سوی سازمان ملل متحد هشدار داده هزاران زندانی در ایران - از جمله بسیاری از افرادی که در جریان اعتراضات سراسری اخیر بازداشت شده‌اند - ممکن است در حالی که کشور با تشدید حملات نظامی و افزایش بی‌ثباتی منطقه‌ای روبروست، با روندهای سریع و فشرده‌ی صدور حکم اعدام مواجه شوند.

● «هیئت مستقل بین‌المللی حقیقت‌یاب درباره‌ی ایران» در نوامبر ۲۰۲۲ از سوی شورای حقوق بشر سازمان ملل تشکیل شد تا درباره‌ی نقض‌های احتمالی حقوق بشر مرتبط با اعتراضاتی که از سپتامبر همان سال آغاز شد، تحقیق کند.

● هیئت مأمور سازمان ملل در این بیانیه، همچنین نگرانی شدید خود را نسبت به حملات تلافی‌جویانه‌ی جمهوری اسلامی علیه کشورهای همسایه ابراز کرد؛ حملاتی که به گفته‌ی آنها به کشته‌شدن غیرنظامیان و آسیب دیدن زیرساخت‌های غیرنظامی منجر شده است.

ژنو - یک هیئت تحقیقاتی مأمور از سوی سازمان ملل متحد روز چهارشنبه هشدار داد هزاران زندانی در ایران - از جمله بسیاری از افرادی که در جریان اعتراضات سراسری اخیر بازداشت شده‌اند - ممکن است در حالی که کشور با تشدید حملات نظامی و افزایش بی‌ثباتی منطقه‌ای روبروست، با روندهای سریع و فشرده‌ی صدور حکم اعدام مواجه شوند.

این هشدار از سوی «هیئت مستقل بین‌المللی حقیقت‌یاب درباره‌ی ایران» که به دستور شورای حقوق بشر سازمان ملل تشکیل شده است، صادر شد؛ در حالی که تبادل حملات نظامی میان ایالات متحده، اسرائیل و ایران برای پنجمین روز متوالی ادامه دارد.

این گروه از کارشناسان مستقل حقوق بشر اعلام کرد، گزارش‌های معتبری دریافت کرده‌اند که نشان می‌دهد بازداشت‌شدگان در اختیار مقامات جمهوری اسلامی، در جریان بحران جاری با خطرات فزاینده‌ی روبرو هستند. این هیئت در بیانیه‌ای اعلام کرد: «چندین نفر دیگر نیز با خطر اعدام مواجه هستند؛ در روندهایی که ناقض استانداردهای بین‌المللی دادرسی عادلانه، حقوق دادرسی قانونی و حق حیات است.»

این کارشناسان هشدار دادند که روندهای قضایی اضطراری می‌تواند معترضان بازداشت‌شده را در معرض خطر فوری قرار دهد.

به گفته‌ی این کارشناسان، بسیاری از زندانیان - از جمله افرادی که در جریان اعتراضات سراسری دی‌ماه در سراسر ایران بازداشت شده‌اند - ممکن است در دوران بازداشت در معرض شکنجه، بدرفتاری یا حتی ناپدیدسازی قهری قرار گیرند.

هیئت حقیقت‌یاب تأکید کرد که وضعیت بازداشت‌شدگان بویژه با توجه به ابعاد درگیری‌های کنونی و سابقه‌ی اخیر سرکوب‌های شدید دولت ایران علیه جنبش‌های اعتراضی، نگران‌کننده است.

به گفته‌ی بازرسان، مردم ایران اکنون خود را میان یک رویارویی نظامی رو به گسترش و حکومتی با سابقه‌ی مستند

نقض‌های جدی حقوق بشر گرفتار می‌بیند.

تنش‌ها پس از حملات تلافی‌جویانه‌ی جمهوری اسلامی به اهداف غیرنظامی در نقاط مختلف منطقه تشدید شد. این درگیری‌ها نگرانی‌ها درباره‌ی احتمال گسترش جنگی منطقه‌ای را افزایش داده است؛ جنگی که می‌تواند چندین کشور حوزه‌ی خلیج فارس و کشورهای همسایه را نیز درگیر کند.

هیئت مأمور سازمان ملل در این بیانیه، همچنین نگرانی شدید خود را نسبت به حملات تلافی‌جویانه‌ی جمهوری اسلامی علیه کشورهای همسایه ابراز کرد؛ حملاتی که به گفته‌ی آنها به کشته‌شدن غیرنظامیان و آسیب دیدن زیرساخت‌های غیرنظامی منجر شده است.

کارشناسان تأکید کردند: «تمام طرف‌های درگیر در این منازعه ملزم به رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه هستند.» آنها همچنین یادآور شدند که عملیات نظامی باید اصول تمایز، تناسب و احتیاط را رعایت کند تا از غیرنظامیان و زیرساخت‌های غیرنظامی محافظت شود.

این کارشناسان همچنین نسبت به گزارش‌هایی مبنی بر هدف قرار گرفتن مدارس در جریان حملات هوایی، ابراز نگرانی عمیق و تأسف شدید کردند. در مرگبارترین حادثه‌ی گزارش‌شده، گفته می‌شود موشکی به مدرسه‌ای در شهر میناب در جنوب ایران اصابت کرده که در نتیجه‌ی آن بیش از ۱۵۰ دانش‌آموز و معلم کشته و شمار زیادی زخمی شده‌اند.

با این حال، بازرسان تأکید کردند که فراتر از خطرات فوری ناشی از درگیری‌های نظامی، تهدیدهای فزاینده‌ی نیز متوجه افرادی است که هم‌اکنون در بازداشت به سر می‌برند.

این هیئت هشدار داد که حملات نظامی به مراکز بازداشت می‌تواند جان زندانیان را به خطر اندازد و به خطر

تکرار حملاتی مشابه حمله‌ی اسرائیل به زندان اوین در تهران در ژوئن ۲۰۲۵ اشاره کرد.

کارشناسان همچنین از مقامات جمهوری اسلامی خواستند به قطع سراسری اینترنت و ارتباطات در کشور پایان دهند؛ اقدامی که به گفته‌ی آنان مردم ایران را از دسترسی به اطلاعات حیاتی درباره‌ی حملات جاری محروم کرده و مانع تماس خانواده‌ها با بستگان‌شان شده است.

به گفته‌ی این هیئت، چنین قطع ارتباطی در زمانی که دسترسی به اطلاعات می‌تواند برای ایمنی شهروندان و پاسخ‌های بشردوستانه حیاتی باشد، جامعه را در انزوا قرار می‌دهد.

هیئت حقیقت‌یاب از کشورهای عضو سازمان ملل خواست اقدامات دیپلماتیک فوری برای توقف درگیری‌ها، کاهش تنش‌ها و از سرگیری گفتگوها با هدف دستیابی به صلح و پاسخگویی انجام دهند.

در این بیانیه آمده است: «صلحی پایدار - مبتنی بر احترام کامل به حقوق بین‌الملل، از جمله حقوق بین‌الملل حقوق بشر و منشور سازمان ملل - تنها راه پایدار برای حفاظت از حقوق مردم ایران است.»

«هیئت مستقل بین‌المللی حقیقت‌یاب درباره‌ی ایران» در نوامبر ۲۰۲۲ از سوی شورای حقوق بشر سازمان ملل تشکیل شد تا درباره‌ی نقض‌های احتمالی حقوق بشر مرتبط با اعتراضاتی که از سپتامبر همان سال آغاز شد، تحقیق کند. شورای حقوق بشر در ژانویه ۲۰۲۶ مأموریت این هیئت را برای دو سال دیگر تمدید کرد تا بررسی اتهامات ادامه‌دار درباره‌ی نقض‌های جدی حقوق بشر در سراسر کشور ادامه یابد.

منبع: سازمان ملل  
ترجمه: کیهان لندن

## مجمع تشخیص مصلحت نظام به شورای موقت رهبری اختیارات کامل اعطا کرد



● با گذشت شش روز از ترور علی خامنه‌ای توسط اسرائیل، مجمع تشخیص مصلحت نظام در مصوبه‌ای به شورای موقت رهبری اختیارات کامل اعطا کرد. بر اساس این مصوبه شورای موقت رهبری اختیار عزل و نصب فرماندهان و اعلان جنگ و صلح را نیز دارد.

● پس از مرگ علی خامنه‌ای در پی بمباران «بیت» توسط اسرائیل در روز شنبه نهم اسفندماه، بر اساس قوانین جمهوری اسلامی شورای موقت رهبری متشکل از مسعود پزشکیان رئیس دولت، غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه و علیرضا اعرافی عضو فقیه مجلس خبرگان رهبری آغاز بکار کرد.

● بر اساس گزارش‌های غیررسمی منتشر شده مجتبی خامنه‌ای فرزند دوم علی خامنه‌ای به‌عنوان گزینه اصلی رهبر سوم جمهوری اسلامی مطرح است.

با گذشت شش روز از ترور علی خامنه‌ای توسط اسرائیل، مجمع تشخیص مصلحت نظام در مصوبه‌ای به شورای موقت رهبری اختیارات کامل اعطا کرد. بر اساس این مصوبه شورای موقت رهبری اختیار عزل و نصب فرماندهان و اعلان جنگ و صلح را نیز دارد. این شورای متشکل از رئیس دولت، رئیس قوه قضاییه و یکی از فقهای مجلس خبرگان رهبری است. محسن دهنوی سخنگوی مجمع تشخیص مصلحت نظام روز پنجشنبه ۱۴ اسفندماه ۱۴۰۴ اعلام کرد چون شورای موقت رهبری در برخی از تصمیمات نیازمند تأیید و تصویب سه چهارم اعضای مجمع است، اعضای مجمع با اکثریت بالاتر از سه چهارم، اختیارات شورای موقت رهبری را برای شرایط اضطراری تصویب کرده‌اند تا خلأ اجرایی و فرماندهی در اداره کشور وجود نداشته باشد.

وبسایت «عصر ایران» نوشته «با توضیح سید محسن دهنوی سخنگوی مجمع، دست شورای موقت رهبری برای موارد نیازمند تصویب مجمع باز به نظر می‌رسد و رئیس مجمع هم گفته منظور از انتخاب رهبری در اسرع وقت در خبرگان، در اسرع وقت ممکن است و از این منظر هم به نظر می‌رسد نه خبرگان نه شورای موقت رهبری محدودیت زمانی ندارند و تنها ابهام شاید این باشد که آیا ریاست شورای موقت رهبری با رئیس جمهوری است یا نه؟»

«عصر ایران» افزوده برخی معتقدند رئیس جمهوری به عنوان عالی‌ترین مقام رسمی کشور پس از رهبری (اصل ۱۱۳) رئیس هر شورایی است که عضو آن باشد و بعضی بر این باورند چون این قاعده درباره مجمع تشخیص رعایت نمی‌شود به صورت طبیعی رییس شورای رهبری نیست و اساسا این شورا رییس ندارد.»

پس از مرگ علی خامنه‌ای در پی بمباران «بیت» توسط اسرائیل در روز شنبه نهم اسفندماه، بر اساس قوانین جمهوری اسلامی شورای موقت رهبری متشکل از مسعود پزشکیان رئیس دولت، غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه و علیرضا اعرافی عضو فقیه مجلس خبرگان رهبری آغاز بکار کرد.

در اصل ۱۱۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده «هر گاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود، یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم گردد، یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است، از مقام

کرد اعضای این مجلس «به جمع‌بندی» نزدیک شده‌اند و در اولین فرصت رهبر تعیین خواهد شد.

ساعاتی پس از انتشار اظهارات احمد خاتمی «ایران اینترنشنال» در گزارشی بار دیگر به انتخاب مجتبی خامنه‌ای به عنوان رهبر سوم جمهوری اسلامی و با فشار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تأکید کرد و نوشت قرار است این مجلس امروز، پنجشنبه ۱۴ اسفندماه، با تشکیل یک جلسه اضطراری دیگر، این تصمیم را به‌صورت رسمی اعلام کند. دو منبع از دفاتر نمایندگان مجلس خبرگان به ایران اینترنشنال گفته‌اند دست‌کم هشت عضو این مجلس در اعتراض به «فشار سنگین» سپاه پاسداران برای تحمیل انتخاب مجتبی خامنه‌ای، در جلسه روز پنجشنبه شرکت نخواهند کرد.

به گفته منابع ایران اینترنشنال، گروهی از مخالفان رهبری مجتبی خامنه‌ای روز گذشته در تماس با رییس و اعضای هیات‌رئیس خبرگان گفته‌اند اعلام او به‌عنوان رهبر جمهوری اسلامی می‌تواند «شائبه موروثی شدن رهبری» و «شبهه سلطنتی شدن جمهوری اسلامی» را برای افکار عمومی ایجاد کند. این نمایندگان خواهان انصراف مجتبی خامنه‌ای و برگزاری رأی‌گیری مجدد در جلسه روز پنجشنبه شده‌اند. به گفته این منابع، یکی از نمایندگان در این تماس‌ها گفته است «آیت‌الله علی خامنه‌ای از طرح ایده رهبری فرزندش خشنود نبود و هرگز اجازه طرح این مساله را در زمان حیات خود نداد.» یک نماینده دیگر نیز استدلال کرده که مجتبی خامنه‌ای «وزن مرجعیتی و فقهی علنی و تثبیت‌شده‌ای ندارد» و به همین دلیل انتخاب او به‌عنوان «ولی‌فقیه» فاقد وجاهت دینی است.

اکنون مصوبه مجمع تخصیص مصلحت نظام برای اعطای اختیارات کامل به شورای موقت رهبری می‌تواند تأیید اختلاف نظر اعضای شورای خبرگان رهبری درباره جانشین علی خامنه‌ای باشد.

خود برکنار خواهد شد. تشخیص این امر به عهده خبرگان مذکور در اصل یکصد و هشتم می‌باشد.»

در ادامه آمده «در صورت فوت یا کناره‌گیری یا عزل رهبر، خبرگان موظفند در اسرع وقت نسبت به تعیین و معرفی رهبر جدید اقدام نمایند. تا هنگام معرفی رهبر، شورایی مرکب از رئیس‌جمهور، رئیس قوه قضاییه و یکی از فقهای شورای نگهبان به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت نظام، همه وظایف رهبری را به طور موقت به عهده می‌گیرد. چنانچه در این مدت یکی از آن‌ها به هر دلیل نتواند انجام وظیفه نماید، فرد دیگری به انتخاب مجمع، با حفظ اکثریت فقها در شورا، به جای وی منصوب می‌گردد.»

بر اساس گزارش‌های غیررسمی منتشر شده مجتبی خامنه‌ای فرزند دوم علی خامنه‌ای به‌عنوان گزینه اصلی رهبر سوم جمهوری اسلامی مطرح است. «ایران اینترنشنال» سه روز پیش از برگزیده شدن مجتبی خامنه‌ای در رأی‌گیری مجلس خبرگان خبر داد اما رسانه‌های حکومتی این موضوع را تکذیب کردند.

حسن خمینی نوه روح‌الله خمینی، صادق آملی لاریجانی، حسن روحانی و علیرضا اعرافی چهار گزینه دیگر مورد بحث به عنوان رهبر سوم حکومت هستند.

روزنامه «نیویورک تایمز» در گزارشی به قلم فرزان فصیحی و به نقل از عبدالرضا داوری مشاور سابق محمود احمدی‌نژاد و از حامیان مجتبی خامنه‌ای نوشت اگر او [مجتبی] جانشین پدرش شود، ممکن است به چهره‌ای شبیه محمد بن سلمان تبدیل شود.

تشبیه مجتبی خامنه‌ای به رهبری شبیه بن سلمان که اصلاحات ساختاری زیادی را در عربستان رقم زده، بیشتر از سوی فائزه هاشمی رفسنجانی دختر علی اکبر هاشمی رفسنجانی نیز مطرح شده بود.

احمد خاتمی از اعضای خبرگان رهبری روز گذشته اعلام

## حمله‌ی پیش‌دستانه‌ی آمریکا و اسرائیل به ایران چگونه انجام شد؟



موشک‌های کروز از ناوشکن‌ها و زیردریایی‌های آمریکایی شلیک شدند، جنگنده‌های اسرائیلی بمب‌های هدایت‌شونده‌ی دقیق را به سوی اهداف فرستادند و بمب‌افکن‌های رادارگریز محموله‌های خود را بر روی اهداف تعیین شده رها کردند. با وجود تفاوت در زمان و مکان شلیک، همه این تسلیحات طوری هماهنگ شده بودند که همزمان بر فراز تهران و دیگر نقاط راهبردی فرود آیند.

هدف، ایجاد شوک سیستماتیک بود: کور کردن، غافلگیر کردن و فلج کردن ساختار فرماندهی پیش از هرگونه واکنش مؤثر از سوی رژیم.

سامانه‌های پدافند هوایی ایران مانند جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل بار دیگر نتوانستند بطور مؤثر فعال شوند و آسمان ایران کاملاً در اختیار اسرائیل و آمریکا قرار گرفت.

گزارش‌ها حاکی از آن است که ترکیبی از جنگ الکترونیک و عملیات سایبری گسترده برای خنثی‌کردن پدافند هوایی ایران به کار گرفته شد. داده‌های جعلی به صفحه‌های رادار نیروهای پدافند تزریق شد، ارتباطات مختل گردید و اهداف فریبنده برای شبیه‌سازی موج عظیم جنگنده‌ها ایجاد شد.

سامانه‌های پیشرفته‌ی ایرانی، از جمله سامانه‌ی بومی «یاور» و برخی سامانه‌های روسی که رژیم به آنها امید زیادی داشت، زیر فشار این حمله‌ی الکترونیکی از کار افتادند یا مختل شدند. صدها پهپاد فریبنده کوچک، صفحه‌های رادار را پر کردند و هر راداری که برای واکنش فعال می‌شد، بلافاصله با موشک‌های ضدتشعشع هدف قرار می‌گرفت.

با بی‌اثر شدن پدافند، جنگنده‌های نسل پنجم از جمله اف-۳۵های آمریکایی و اسرائیلی وارد عمق حریم هوایی ایران شدند. شبکه دفاع هوایی نه‌تنها تضعیف، بلکه عملاً از هم پاشیده شد.

حمله‌ها در سه محور اصلی انجام شد:

● برد ظرفیت‌های باقی‌مانده جمهوری اسلامی، جنگ را به یک نبرد منطقه‌ای تبدیل کرده‌است.

● تلاش جمهوری اسلامی همانگونه که مقامات آن هم اعلام کرده‌اند، این است که آشوب جنگ منطقه‌ای و پیامدهای اقتصادی و سیاسی ناشی از آن، فشار بین‌المللی برای پایان جنگ را افزایش دهد.

پتکین آذر مهر - سرانجام پس از هفته‌ها انتظار و گمانه‌زنی، در ۲۸ فوریه ۲۰۲۴، ایالات متحده آمریکا و اسرائیل یک عملیات نظامی گسترده و هماهنگ علیه جمهوری اسلامی را آغاز کردند. مقامات اسرائیلی این عملیات را «غرش شیران» نامیدند و بخش آمریکایی آن با عنوان «خشم حماسی» اعلام شد.

عملیاتی پیش‌دستانه و همه‌جانبه با هدف فلج کردن زیرساخت‌های نظامی جمهوری اسلامی و حذف عالی‌ترین سطوح نظامی، امنیتی و سیاسی آن، از جمله ولی فقیه، علی‌خامنه‌ای در کوتاه‌ترین مدت.

در قلب این عملیات، تاکتیکی پیچیده به نام «زمان برخورد همزمان» قرار داشت. طراحان نظامی این حمله با محاسبات دقیق ریاضی، زمان شلیک، مسیر پرواز و مختصات اهداف را به‌گونه‌ای تنظیم کردند که موشک‌ها و بمب‌هایی که از نقاط مختلف جغرافیایی شلیک می‌شدند، دقیقاً همزمان به اهداف خود اصابت کنند.

در دریای عرب، ناو هواپیمابر «یواس اس آبراهام لینکلن» در موقعیت عملیاتی قرار گرفت و در مدیترانه شرقی، ناو «یواس اس جرال آر. فورد» به همراه ناوشکن‌ها و زیردریایی‌هایی که پس از چند هفته برنامه‌ریزی مستقر شده بودند، هم‌زمان، جنگنده‌های اسرائیلی پس از طی مسافت‌های طولانی از فراز خاورمیانه و آسمان کشورهای واسط، به حریم هوایی ایران نزدیک شدند.

● سرانجام پس از هفته‌ها انتظار و گمانه‌زنی، در ۲۸ فوریه ۲۰۲۴، ایالات متحده آمریکا و اسرائیل یک عملیات نظامی گسترده و هماهنگ علیه جمهوری اسلامی را آغاز کردند. مقامات اسرائیلی این عملیات را «غرش شیران» نامیدند و بخش آمریکایی آن با عنوان «خشم حماسی» اعلام شد.

● در قلب این عملیات، تاکتیکی پیچیده به نام «زمان برخورد همزمان» قرار داشت. طراحان نظامی این حمله با محاسبات دقیق ریاضی، زمان شلیک، مسیر پرواز و مختصات اهداف را به‌گونه‌ای تنظیم کردند که موشک‌ها و بمب‌هایی که از نقاط مختلف جغرافیایی شلیک می‌شدند، دقیقاً همزمان به اهداف خود اصابت کنند.

● سامانه‌های پدافند هوایی ایران مانند جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل بار دیگر نتوانستند بطور مؤثر فعال شوند و آسمان ایران کاملاً در اختیار اسرائیل و آمریکا قرار گرفت.

● در همان روز نخست حمله، تمرکز ویژه‌ای بر مناطق اطراف خیابان جمهوری و خیابان پاستور در تهران صورت گرفت؛ مناطقی که به‌عنوان قلب اجرایی و روزمره‌ی حاکمیت شناخته می‌شوند و بیت رهبر جمهوری اسلامی در آنجا قرار داشت. این حملات به کشته شدن خامنه‌ای در همان ساعات اولیه انجامید.

● اما درگیری با موج نخست پایان نیافت. جمهوری اسلامی همچنان هزاران موشک بالستیک و پهپاد در اختیار دارد، در چارچوب عملیاتی با عنوان «وعده‌ی صادق ۴» حملات تلافی‌جویانه‌ای علیه پایگاه‌های آمریکا و متحدانش در منطقه را انجام داد.

● حمله‌ی نخست، سطحی از هماهنگی و برتری فناوریانه را نشان داد که بی‌سابقه بود. با این حال، پیش‌دستی لزوماً به معنای پایان درگیری نیست. حتی موفق‌ترین حمله‌ی اولیه نیز نمی‌تواند تمامی توانایی‌های یک کشور را از میان



## حمله پهپادی سپاه به نخجوان؛

### الهام علی‌اف: افراد بی‌شرف که این اقدام تروریستی را انجام دادند، پشیمان خواهند شد



برخاستن دود سیاه از سالن ترمینال فرودگاه نخجوان

علیه ایران «مشارکت نکرده و نخواهد کرد». همچنین وزارت دفاع جمهوری آذربایجان اعلام کرد این حمله بی‌پاسخ نخواهد ماند و در حال آماده‌سازی اقدامات هستیم. یکی از این پهپادها در نزدیکی ساختمان یک مدرسه سقوط کرده بود.

پیش از این، ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، با تکذیب حمله پهپادی به فرودگاه بین‌المللی نخجوان در جمهوری آذربایجان، اعلام کرد ایران به حاکمیت همه کشورها، «به‌ویژه کشورهای مسلمان و همسایه»، احترام می‌گذارد.

ستاد کل نیروهای مسلح مدعی شد اینگونه اقدامات «از سوی اسرائیل و برای متهم‌سازی جمهوری اسلامی» صورت می‌گیرد.

در پی حملات پهپادی جمهوری اسلامی به نخجوان، وزارت خارجه جمهوری آذربایجان سفیر جمهوری اسلامی در باکو را احضار و بر «حق پاسخگویی» آذربایجان تأکید کرد.

مهمت کوچ، پژوهشگر مسائل خاورمیانه، درباره این اقدام و دیگر حمله‌های جمهوری اسلامی به همسایگانش گفت که حملات سپاه پاسداران به ترکیه و جمهوری آذربایجان اقدامی «ناسنجیده یا بدون برنامه‌ریزی» نیست.

او افزود: «جمهوری اسلامی پیش‌تر نیز مقامات نظامی این دو کشور را تهدید کرده بود.»

این تاکتیک در نهایت می‌تواند بیش از دو سرانجام داشته باشد: یا جمهوری اسلامی خواهد توانست دامنه‌ی جنگ را مهار کند و بقای خود را - هرچند در قالبی متفاوت و با شرایطی تازه - تداوم بخشد؛ یا موج انزجار و خشم در کشورهای منطقه و دولت‌های غربی چنان شدت خواهد گرفت که آنان را به این جمع‌بندی برساند که زمان آن رسیده است جمهوری اسلامی برای همیشه به زباله‌دان تاریخ سپرده شود.

● الهام علی‌اف رئیس‌جمهوری آذربایجان پنجشنبه ۱۴ اسفند در واکنش به حمله پهپادی به نخجوان گفت: «این افراد بی‌شرف که این اقدام تروریستی را انجام دادند، پشیمان خواهند شد.» علی‌اف تأکید کرد مقام‌های ایرانی باید در این زمینه توضیح بدهند و عذرخواهی کنند.

● همچنین وزارت دفاع جمهوری آذربایجان اعلام کرد این حمله بی‌پاسخ نخواهد ماند و در حال آماده‌سازی اقدامات هستیم.

● ستاد کل نیروهای مسلح مدعی شد اینگونه اقدامات «از سوی اسرائیل و برای متهم‌سازی جمهوری اسلامی» صورت می‌گیرد.

مقامات آذربایجان به «یورونیوز» گفته‌اند که سه پهپاد جمهوری اسلامی ترمینال مسافربری فرودگاه «رازی» در نخجوان آذربایجان را هدف قرار دادند.

الهام علی‌اف رئیس‌جمهوری آذربایجان پنجشنبه ۱۴ اسفند در واکنش به حمله پهپادی به نخجوان گفت: «این افراد بی‌شرف که این اقدام تروریستی را انجام دادند، پشیمان خواهند شد.» علی‌اف تأکید کرد مقام‌های ایرانی باید در این زمینه توضیح بدهند و عذرخواهی کنند.

او همچنین گفت که جمهوری آذربایجان در هیچ عملیاتی

بستگی به تصمیم آمریکا برای ادامه حملات دارد. تلاش جمهوری اسلامی همانگونه که مقامات آن هم اعلام کرده‌اند، این است که آشوب جنگ منطقه‌ای و پیامدهای اقتصادی و سیاسی ناشی از آن، فشار بین‌المللی برای پایان جنگ را افزایش دهد. برای این منظور، جمهوری اسلامی که برای بقای خود دست و پا می‌زند تنها به اهداف نظامی بسنده نخواهد کرد. سلول‌های خفته‌ی آن در سراسر جهان حتی اماکن غیر نظامی را نیز هدف قرار خواهند داد.

→ نخست، انهدام سامانه‌های موشکی زمین به هوا، مراکز راداری و ستادهای پدافند هوایی در تهران و سایر استان‌های راهبردی.

دوم، هدف قراردادن پایگاه‌ها و انبارهای موشک‌های بالستیک، بویژه در غرب کشور و حوالی کرمانشاه. سوم، حمله به مراکز صنعتی و نظامی، از جمله تأسیسات مرتبط با برنامه‌های هسته‌ای، موشکی و پهپادی.

در همان روز نخست حمله، تمرکز ویژه‌ای بر مناطق اطراف خیابان جمهوری و خیابان پاستور در تهران صورت گرفت؛ مناطقی که به‌عنوان قلب اجرایی و روزمره‌ی حاکمیت شناخته می‌شوند و بیت رهبر جمهوری اسلامی در آنجا قرار داشت. این حملات به کشته شدن خامنه‌ای در همان ساعات اولیه انجامید.

موج نخست حمله از دریا آغاز شد. ناوشکن‌های کلاس آرلی برک ده‌ها موشک تاماهاوک را از سامانه‌های پرتاب عمودی شلیک کردند. این موشک‌ها با پرواز در ارتفاع پایین و تبعیت از تطبیق با پستی بلندی‌های زمین، مراکز راداری و سنگرهای فرماندهی را بطور دقیق هدف قرار دادند و مسیرهای امنی برای هواپیماهای مهاجم ایجاد کردند.

حدود نیم ساعت بعد، مپ‌افکن‌های رادارگریز بی-۲ اسپیریت به عمق خاک ایران نفوذ کردند و تأسیسات مستحکم زیرزمینی را بمباران کردند.

جنگنده‌های اف-۱۵ئی با محموله‌های سنگین مپ‌های هدایت‌شونده، به شکار سکوی متحرک موشکی و قرارگاه‌های لجستیکی پرداختند. هواپیماهای مستقر بر ناوهای هواپیمابر نیز وارد عمل شدند؛ اف/ای-۱۸- سوپرهورنت‌ها برای نابودی رادارهای باقی‌مانده و اف-۳۵ها برای جمع‌آوری اطلاعات و انجام حملات دقیق.

در همین حال، هواپیماهای سوخت‌رسان در آسمان منطقه مستقر بودند و امکان ادامه عملیات در چندین نوبت را فراهم کردند.

تا پیش از ساعات ظهر، مرحله‌ی نخست پایان یافته بود. پدافند هوایی جمهوری اسلامی کور شده، بخش‌های کلیدی از برنامه موشکی و هسته‌ای آسیب دیده و زیرساخت‌های مهم نظامی تضعیف شده بود. این حمله یک عملیات موفق ترکیبی با استفاده از مدرن‌ترین شیوه‌های جنگ بود.

اما درگیری با موج نخست پایان نیافت. جمهوری اسلامی همچنان هزاران موشک بالستیک و پهپاد در اختیار دارد، در چارچوب عملیاتی با عنوان «وعده‌ی صادق ۴» حملات تلافی‌جویانه‌ای علیه پایگاه‌های آمریکا و متحدانش در منطقه را انجام داد.

از همان ابتدا پایگاه الظفره در امارات هدف قرار گرفت و گزارش‌هایی از تلفات منتشر شد. در بحرین، مقر ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا هدف حمله قرار گرفت. سامانه‌های دفاعی در قطر و کویت موشک‌های ورودی را رهگیری کردند و حریم هوایی منطقه بسته شد.

در اسرائیل، آذیرهای هشدار در سراسر کشور به صدا درآمد و رهگیری‌های هوایی بر فراز تل‌آویو و اورشلیم برای ناکارآمد ساختن موشک‌های مهاجم تلاش کردند.

حمله‌ی نخست، سطحی از هماهنگی و برتری فناورانه را نشان داد که بی‌سابقه بود. با این حال، پیش‌دستی لزوماً به معنای پایان درگیری نیست. حتی موفق‌ترین حمله‌ی اولیه نیز نمی‌تواند تمامی توانایی‌های یک کشور را از میان ببرد. ظرفیت‌های باقی‌مانده جمهوری اسلامی، جنگ را به یک نبرد منطقه‌ای تبدیل کرده‌است.

اکنون منطقه در آماده باش جنگی به سر می‌برد. نخستین ضربه وارد شده است؛ اما اینکه آیا این آغاز یک کارزار کوتاه و تعیین‌کننده باشد یا شروع فصلی تازه از درگیری گسترده‌تر،

## تداوم بازداشت و فشارهای امنیتی بر هنرمندان با گذشت دو ماه از اعتراضات دی ۴۰۴



● بازداشت اغلب هنرمندان با حمله مأموران به محل زندگی و همچنین ضبط وسائل الکترونیکی همراه بوده است. برخی از آنها نیز هنگام بازداشت با ضرب و جرح مأموران روبرو شدند و حتی شماری وضعیت جسمی نامناسبی در بازداشت دارند.

● شماری از هنرمندان نیز به علت انتشار مطلبی مرتبط با اعتراضات دی ۴۰۴ و کشتار خونین شهروندان توسط جمهوری اسلامی با احضار و تهدید نهادهای امنیتی روبرو شده‌اند؛ برخی از این هنرمندان بازداشت نشده‌اند اما با پرونده‌سازی نهادهای امنیتی روبرو هستند و به زودی محاکمه خواهند شد.

● از میان هنرمندان بازداشت شده داوود عباسی، فیلمساز، ستاره افشون نمایشنامه‌نویس و کارگردان تئاتر در روزهای گذشته با سپردن وثیقه و به‌طور موقت تا زمان صدور حکم دادگاه آزاد شدند.

موج بازداشت شهروندان همچنان با گذشت دو ماه از آغاز اعتراضات سراسری دی ۴۰۴ ادامه دارد. در این میان گزارش‌ها حاکی از آنست که شماری از هنرمندان نیز در روزهای گذشته بازداشت شده‌اند و اغلب هنرمندانی که بیشتر بازداشت شده بودند نیز همچنان بلاتکلیف در بازداشت هستند. به گزارش فعالان صنفی بازداشت اغلب هنرمندان با حمله مأموران به محل زندگی و همچنین ضبط وسائل الکترونیکی همراه بوده است. برخی از آنها نیز هنگام بازداشت با ضرب و جرح مأموران روبرو شدند و حتی شماری وضعیت جسمی نامناسبی در بازداشت دارند. احمد صفرزاده، کارگردان و بازیگر تئاتر، محمدمعین علاقه‌مند، بازیگر، نمایشنامه‌نویس و دستیار کارگردان، علی همدانی، بازیگر تئاتر، نیما امیری، دانشجوی گرافیک، آرتین پریش، نوازنده و جواهرساز، مصطفی علی محمدی، نوازنده و مدرس پیانو، سیروان شعبانی، نوازنده تار، سه‌تار، تنبور و سرپرست ارکستر سنتی و پاپ فرهنگسرای بهمن هنرمندانی هستند که در یک هفته گذشته خبر بازداشت آنها از سوی دوستان و یا خانواده آنها اعلام شده است و با بازداشت آنها شمار هنرمندان زندانی به بیش از ۴۵ نفر رسید.

منابع صنفی پیشتر نیز اسامی ۴۰ هنرمند بازداشت شده را منتشر کرده بودند. البرز عادی، نقاش، سهند عباس‌نیا، دانشجوی دانشگاه هنر تبریز، کیمیا موسوی (مرضیه‌سادات)، بازیگر و عروسک‌گردان، حسین مزینانی، نوازنده، ارشد زعفرانی، خواننده، نگین خاکسار، نوازنده و مدرس پیانو، نسترن باقرزاده، بازیگر تئاتر، پارسا مصلحی‌فرد، نوازنده و آهنگساز، داوود عباسی، فیلمساز، آرتین غضفری، عکاس، داوود نوروزی، شاعر، مهیار آقامحمدباقر، طراح زیورآلات، صادق منصوری، خوش‌نویس و مدرس خوشنویسی، همت کریمی، دانشجوی سینما، محمدپارسا استادرضا، ترانه‌سرا، خواننده و آهنگساز، عبدالله عاج‌پرین، کارگردان، نویسنده و بازیگر تئاتر، پریا مرندی، بازیگر تئاتر و سینما، شکیلا قاسمی، طراح گرافیک و علی اسداللهی، شاعر و نویسنده را که در بازداشت هستند منتشر کرده بود. گزارش‌ها حاکی از آنست که پریا مرندی و شکیلا قاسمی از هنرمندان بهایی بازداشت شده هستند.

از میان هنرمندان بازداشت شده داوود عباسی، فیلمساز، ستاره افشون نمایشنامه‌نویس و کارگردان تئاتر در روزهای

گذشته با سپردن وثیقه و به‌طور موقت تا زمان صدور حکم دادگاه آزاد شدند.

شماری از هنرمندان نیز به علت انتشار مطلبی مرتبط با اعتراضات دی ۴۰۴ و کشتار خونین شهروندان توسط جمهوری اسلامی با احضار و تهدید نهادهای امنیتی روبرو شده‌اند؛ برخی از این هنرمندان بازداشت نشده‌اند اما با پرونده‌سازی نهادهای امنیتی روبرو هستند و به زودی محاکمه خواهند شد. منابع صنفی همچنین تأکید دارند که از سرنوشت بسیاری از این هنرمندان اطلاعی در دست نیست و بی‌خبری از آنها موجب افزایش نگرانی نسبت به وضعیت آنها شده است.

در اعتراضات دی ۴۰۴ اسامی شماری از هنرمندان در میان جان‌باختگان به چشم می‌خورد.

به گزارش منابع حقوق بشری جواد گنجی کارگردان و دستیار کارگردان، مهدی سلحشور مجسمه‌ساز، احمد عباسی طراح گرافیک، تهیه‌کننده و بازیگر تئاتر، صنم پوریبایی نوازنده و مدرس ویولن، امیرعلی زارعی نوازنده و دانشجوی هنر، صهبا رشتیان نقاش و انیماتور، پویا فراگردی نوازنده ویولون، شکوفه عبدی عکاس، شبنم فردوسی عروسک‌ساز و طراح گرافیک، و زهره شمعی‌زاده منشی صحنه و دوبلور هنرمندانی هستند که تاکنون اسامی آنها در میان هزاران جانباخته انقلاب شیروخورشید ایران منتشر شده است. بر اساس گزارش‌ها شکوفه عبدی، عکاس حرفه‌ای ۱۹ دی‌ماه هنگام عکاسی از اعتراضات دی ۴۰۴ در شهر اراک مورد اصابت گلوله مأموران جمهوری اسلامی قرار گرفت و جان باخت.

مهدی منعم عکاس خبری سرشناس با اعلام این خبر در صفحه اینستاگرامش نوشته «شکوفه عبدی اهل شاه زند اراک، مادر دو فرزند و صاحب آتلبه عکاسی لوتوس در اراک بود که به عنوان یک عکاس مستقل زن هنگام تهیه عکس از تجمعات اعتراضی کشته شد.»

مهدی منعم با تأکید بر اینکه «این اتفاق اهمیت عکاسی در بستر اجتماعی که ترکیب از هنر، اطلاع‌رسانی و وجدان حرفه‌ای است را یادآوری می‌کند» نوشته «ثبت نگاه یک معترض، چهره‌ی یک مادر نگران و... نشان‌دهنده پیوند عاطفی عکاس با سوژه‌هایش است. این پیوند همان چیزی است که کار را از یک فعالیت صرفاً فنی به یک مأموریت حرفه‌ای اجتماعی تبدیل می‌کند.»

به گفته مهدی منعم که سابقه عکاسی از جنگ ایران و عراق را نیز در کارنامه دارد عکاسان در شرایط ناآرامی با منع فعالیت، با خطر بازداشت، خشونت و حتی مرگ روبرو می‌شوند. با این حال مسئولیت حرفه‌ای آنان ایجاب می‌کند که ضمن رعایت اخلاقی، صحت روایت به ثبت منصفانه واقعیت بپردازند.

## افزایش فشار بر دانشجویان معارض؛ از پیامک هشدارآمیز تا تهدید خانواده‌ها

● دانشگاه علوم پزشکی شیراز با ارسال پیامکی به دانشجویان، نسبت به حضور در تجمعات هشدار داده و مسئولیت «تبعات احتمالی» را متوجه شخص دانشجو دانسته و مدعی شده که «برخی افراد با انتشار اطلاعیه‌هایی برای برگزاری گردهمایی غیرقانونی در تلاش‌اند از شما دانشجویان فریب‌خورده سوءاستفاده کنند.»

● همزمان، گزارش‌هایی از فشارهای گسترده بر دانشجویان دانشگاه خوارزمی و خانواده‌های آنان منتشر شده است.

● «خرنامه امیرکبیر» در گزارش دیگر به نقل از منابع دانشجویی دانشگاه فرح پهلوی «الزهر» خبر داده که نزدیک ۹۰ الی ۱۰۰ نفر از دانشجویان این دانشگاه بدون هیچ توضیحی ممنوع‌الورود شده‌اند.

● «خرنامه امیرکبیر» نوشته با تشدید نظارت در مبادی ورودی دانشگاه، به‌ویژه در گیت‌های مجهز به سیستم‌های تشخیص چهره، کنترل و پایش دانشجویان به‌صورت گسترده‌تری انجام می‌شود. علاوه بر این، بررسی فردی اطلاعات دانشجویان از طریق سامانه‌های دانشجویی و تطبیق هویت به شکل موردی صورت می‌گیرد.

● دانشگاه‌ها پس از چند هفته و از ابتدای هفته‌ای که گذشت بازگشایی شد و دانشجویان در اکثر دانشگاه‌ها، به یاد جانباختگان اعتراضات دی‌ماه، با لباس مشکی حاضر شدند و تجمعات دانشجویی با سر دادن شعارهای ملی از سر گرفته شد. دانشجویان در چند دانشگاه پرچم شیروخورشید را به اهتزاز درآوردند، پرچم جمهوری اسلامی را آتش زدند.

با گذشت یک هفته از اعتراضات ضدحکومتی دانشجویان در دانشگاه‌های مختلف کشور، منابع صنفی از افزایش فشار بر دانشجویان و تشدید جو امنیتی در دانشگاه‌های کشور گزارش می‌دهد.

«خرنامه امیرکبیر» که اخبار جنبش دانشجویی را پوشش می‌دهد از افزایش فشار بر دانشجویان و تشدید جو امنیتی در دانشگاه‌ها پس از اعتراضات دانشجویی روزهای گذشته خبر داده است.

بر اساس این گزارش دانشگاه علوم پزشکی شیراز با ارسال پیامکی به دانشجویان، نسبت به حضور در تجمعات هشدار داده و مسئولیت «تبعات احتمالی» را متوجه شخص دانشجو دانسته است. در این پیام ادعا شده که «برخی افراد با انتشار اطلاعیه‌هایی برای برگزاری گردهمایی غیرقانونی در تلاش‌اند از شما دانشجویان فریب‌خورده سوءاستفاده کنند.»

در پیامک تهدید دانشجویان دانشگاه علوم

عمامه‌دار، که آن را با کنایه به خامنه‌ای «موشعلی» صدا می‌زدند، بر روی درختان دانشگاه نصب کردند. تصاویری از تلاش نیروهای حکومتی برای پایین کشیدن عروسک‌ها از روی درختان منتشر و با واکنش طنزآمیز و تمسخر کاربران در شبکه‌های اجتماعی روبرو شد. «موشعلی» صفتی است که پس از پنهان شدن علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی

پس از گسترش اعتراضات دی ۴۰۴ و کشیده شدن آن به خیابان‌ها، جمهوری اسلامی تعطیلی کلاس‌های حضوری دانشگاه‌ها را به عنوان یکی از ابزارهای خاموش کردن خیزش ملی در دستور کار قرار داد. به گزارش فعالان دانشجویی با وجود تعطیلی خوابگاه‌ها و کلاس‌های درس در این مدت و همچنین بازداشت شماری از دانشجویان اما همچنان جو

پزشکی شیراز تأکید شده که حضور در این گونه گردهمایی‌ها غیرقانونی بوده و مسئولیت پیامدهای آن بر عهده شرکت‌کنندگان خواهد بود.

همزمان، گزارش‌هایی از فشارهای گسترده بر دانشجویان دانشگاه خوارزمی و خانواده‌های آنان منتشر شده است. «خبرنامه امیرکبیر» تأکید کرده که پس از بازگشایی خوابگاه‌ها، کلاس‌های این دانشگاه به صورت مجازی اعلام شد؛ تصمیمی که به گفته معاون دانشگاه، به دستور شورای عالی امنیت ملی اتخاذ شده است. این اقدام با اعتراض دانشجویان همراه شد و آنان سه روز پیاپی در محوطه دانشگاه دست به تحصن زدند.

این گزارش افزوده دانشجویان معترض اعلام کرده‌اند که مسئولان دانشگاه تلاشی برای حضوری شدن کلاس‌ها انجام نداده‌اند و در جریان تحصن نیز با تهدید مواجه شده‌اند. به گفته آنان، فشارها تنها متوجه دانشجویان نبوده و خانواده‌هایشان نیز به طور مداوم تحت تهدید قرار گرفته‌اند. منابع دانشجویی از فضای شدید امنیتی در این دانشگاه خوارزمی خبر داده و تأکید کرده‌اند که به دلیل سطح بالای سرکوب، اطلاع‌رسانی دقیق و مستمر با دشواری مواجه است.

«خبرنامه امیرکبیر» نوشته «این تحولات در حالی رخ می‌دهد که پس از موج تازه انقلاب شیروخورشید و حماسه بی‌نظیر دانشگاه‌های کشور در هفته جاری، در روزهای اخیر گزارش‌های متعددی از جلوگیری از تجمعات دانشجویی و افزایش هشدارهای امنیتی در دانشگاه‌های مختلف کشور منتشر شده است.»

«خبرنامه امیرکبیر» در گزارش دیگر به نقل از منابع دانشجویی دانشگاه فرح پهلوی «الزهر» خبر داده که نزدیک ۹۰ الی ۱۰۰ نفر از دانشجویان این دانشگاه بدون هیچ توضیحی ممنوع‌الورود شده‌اند. این اقدام غیر قانونی، پس از هفته درخشان این دانشگاه و حمایت تمام قد دانشجویان از انقلاب شیر و خورشید ایران صورت گرفته است. شجاعت کم‌نظیری که حتی با ورود نیروهای بسیجی غیردانشجو و حمله به دانشجویان نیز توان متوقف کردن آن را نداشتند.

در این گزارش آمده «از روز سه‌شنبه ۵ اسفند، فضای دانشگاه به شدت امنیتی شده و روندهای کنترلی و محدودکننده‌ای در قبال دانشجویان اعمال گردیده است. بر اساس مشاهدات و گزارش‌های متعدد، مسئولان دانشگاه بدون ارسال هرگونه پیامک، اخطار کتبی، احضاریه رسمی یا اطلاع‌رسانی شفاف، اقدام به ممانعت از ورود دانشجویان به محوطه دانشگاه کرده‌اند.»

«خبرنامه امیرکبیر» افزوده «هیچ توضیح مشخص، مستند یا روند قانونی روشنی در خصوص دلایل این تصمیم‌ها ارائه نشده و دانشجویان مشمول این محدودیت‌ها از حق آگاهی نسبت به وضعیت خود و امکان پیگیری رسمی محروم مانده‌اند و از خوابگاه‌ها نیز اخراج شده‌اند.»

همچنین گزارش‌ها حاکی از آن است که با تشدید نظارت در مبادی ورودی دانشگاه، به‌ویژه در گیت‌های مجهز به سیستم‌های تشخیص چهره، کنترل و پایش دانشجویان به صورت گسترده‌تری انجام می‌شود. علاوه بر این، بررسی فردی اطلاعات دانشجویان از طریق سامانه‌های دانشجویی و تطبیق هویت به شکل موردی صورت می‌گیرد.

بر اساس گزارش «خبرنامه امیرکبیر» پس از این حوادث، دانشجویان این دانشگاه با انتشار یک فراخوان، از دانشجویان خواسته‌اند تا در اعتراض به ممنوع‌الورودی همکلاسی‌های خود سکوت نکنند و روزهای شنبه، یکشنبه و دوشنبه رو به روی درب شرقی دانشگاه تحصن کنند.



در تونل‌های عمیق زیر زمین در جریان جنگ ۱۲ روزه برای او بکار برده می‌شود.

اعتراض دانشجویان با واکنش شدید مقامات حکومتی روبرو شده است. روزنامه «کیهان» چاپ تهران در مطلبی نوشته «آنچه امروز در صحن برخی دانشگاه‌ها می‌گذرد، بازتولید وحشی‌گری «شعبان بی‌مخها» در لباسی جدید است» و ادعا کرده «ما با دانشجو طرف نیستیم، با «مهره‌های انتحاری» و «چاقوکش‌های مزدور» مواجه هستیم.»

در بخشی از این مطلب آمده «وزارت علوم و دستگاه قضائی نباید در برابر این اراذل و اوباش کوتاهی کنند. مماشات با کسی که پرچم ملی را آتش می‌زند یا با چاقو به حریم دانشگاه تجاوز می‌کند، نه تنها سستی در اجرای قانون، بلکه خیانت به علم و امنیت ملی است. دشمن که در فتنه دی‌ماه با بصیرت ملت کمرش شکسته شد، اکنون به دنبال «کشته‌سازی» در محیط دانشگاه است تا از غد آن برای خود کلاهی بیافد. باید از فتنه دی‌ماه عبرت گرفت.»

دامنه واکنش به اعتراضات دانشجویان به امام جمعه شهرهای مختلف نیز رسیده است. احمد علم‌الهدی در خطبه‌های نماز جمعه امروز جمعه هشتم اسفندماه گفته «این که یک عده افراد برای دشمن مزدوری کنند، یک اقلیت بسیار ناچیزی در محیط دانشگاه هستند که یک عده جوان تازه به دانشگاه راه پیدا کرده را گول بزنند و دنبال سر خود راه بندازند، این‌ها افرادی هستند که بعداً آگاه و پشیمان می‌شوند اما بخش عمده جامعه دانشگاهی را دانشجویان متدین، انقلابی، فداکار و رزمنده با دشمن تشکیل می‌دهند، چه اساتید و چه دانشجویان، عمده جامعه دانشگاهی ما را افراد انقلابی تشکیل می‌دهند که دلیل آن این است که اقلیت مزدوری که با چند دانشجو ناآگاه برای دشمن کار می‌کنند در مقابلش این دانشجویان انقلابی می‌ایستند و از خود مقاومت نشان می‌دهند.»

سنگین امنیتی در دانشگاه‌ها حاکم بوده است. دانشگاه‌ها پس از چند هفته و از ابتدای هفته‌ای که گذشت بازگشایی شد و دانشجویان در اکثر دانشگاه‌ها، به یاد جانباختگان اعتراضات دی‌ماه، با لباس مشکی حاضر شدند و تجمعات دانشجویی با سر دادن شعارهای ملی از سر گرفته شد.

دانشجویان معترض ضمن تجمعات هر روزه، شعارهایی از جمله «جاویدشاه»، «این آخرین نبرده، پهلوی بر میگردد»، «مرگ بر دیکتاتور»، «زندانی سیاسی آزاد باید گردد»، «بترسید بترسید ما همه با هم هستیم»، «زن زندگی آزادی» و «بسیجی، سپاهی، داعش ما شمایی» سر دادند.

دانشجویان همچنین با در دست داشتن تصاویر جان‌باختگان اعتراضات دی ۴۰۴ شعارهای «این گل پرپر شده هدیه به میهن شده» و «قسم به خون یاران ایستاده‌ایم تا پایان» سر دادند.

از جمله شعارهای قابل توجه دانشجویان، شعار «شریف دیگه بسشه، آریامهر اسمشه» و «الزهر بسشه، فرح دیگه اسمشه» بود که به تغییر نام دانشگاه‌های ایران پس از انقلاب ۵۷ اشاره داشتند.

دانشجویان در جریان اعتراضات دوشنبه چهارم اسفندماه پرچم جمهوری اسلامی را در سه دانشگاه دانشگاه تهران، دانشکده پلی تکنیک «امیرکبیر» و مدرسه عالی دختران «الزهر» آتش زدند. آنها طی اعتراضات خود همچنین پرچم شیروخورشید را در چند دانشگاه از جمله دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی در تهران و دانشگاه صنعتی اصفهان برافراشتند. در دانشگاه صنعتی آریامهر «شریف» نیز پرچم بزرگ ملی و خورشید شاهنشاهی ایران برافراشته شد. در دانشگاه فردوسی مشهد نیز تصویر محمدرضا شاه فقید در دست دانشجویان بود.

همچنین روز دوشنبه چهارم اسفند گروهی از دانشجویان دانشگاه صنعتی آریامهر «شریف» چند عروسک موش

## هشدار درباره وضعیت زندانیان در شرایط جنگی



را ترک کردند. فروشگاه زندان تعطیل شد و زندانیان برای تأمین نیازهای روزمره خود با مشکل مواجه شدند. «  
کانون حقوق بشر ایران افزوده در شرایط جنگی، هر نقطه‌ای می‌تواند در معرض اصابت قرار گیرد. هنگامی که یک مرکز نگهداری زندانیان هدف حمله واقع می‌شود، خطر بالقوه به تهدیدی بالفعل تبدیل می‌گردد.

این نهاد حقوق بشری افزوده کارشناسان هشدار می‌دهند در صورت تکرار حمله، زندانیان عملاً در فضای بسته و فاقد مسیر فرار باقی خواهند ماند؛ وضعیتی که می‌تواند به تلفات گسترده منجر شود. با توجه به سابقه بروز تنش‌های امنیتی در این زندان طی سال‌های گذشته، نگرانی‌ها نسبت به تکرار سناریوهای مشابه افزایش یافته است. افزون بر تهدید خارجی، گزارش‌هایی نیز از تشدید محدودیت‌های داخلی، قطع ارتباطات و برخوردهای تنبیهی پس از حادثه منتشر شده است؛ موضوعی که می‌تواند وضعیت زندانیان را میان دو سطح از خطر—بیرونی و درونی—قرار دهد.  
سازمان حقوق بشر ایران نیز با انتشار گزارشی از افزایش «نگرانی‌ها از خطر آسیب به زندانیان در حملات نظامی یا انتقام‌جویی حکومت از زندانیان سیاسی و عقیدتی» خبر داده و نوشته به‌ویژه خانواده‌های تعدادی از آنان نگرانی شدید خود را در این رابطه ابراز کرده‌اند.

سازمان حقوق بشر ایران تأکید کرده که نگهداری تعداد زیادی از ده‌ها هزار معترض بازداشت‌شده در رابطه با اعتراضات ضدحکومتی دی‌ماه در بازداشتگاه‌های وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران، که از جمله اهداف حملات نظامی اخیر بوده‌اند، نگرانی‌ها درباره وضعیت این زندانیان را افزایش داده است.

سازمان حقوق بشر ایران با ابراز نگرانی از احتمال تشدید اجرای احکام اعدام در زندان‌های ایران و همچنین آسیب به زندانیان در شرایط جنگی، بر ضرورت اجرای بخشنامه شماره ۲۱۱ شورای عالی قضایی جمهوری

نهادهای حقوق بشری درباره وضعیت زندانیان محبوس در زندان‌های ایران با شدت یافتن حملات نظامی اسرائیل و آمریکا علیه جمهوری اسلامی هشدار می‌دهند. برخلاف قوانین داخلی و بین‌المللی جمهوری اسلامی برای انتقال زندانیان به مکان امن یا آزاد کردن آنها با وثیقه اقدامی انجام نداده است.

بر اساس گزارش‌ها در نخستین ساعات بامداد سه‌شنبه ۱۲ اسفند ۱۴۰۴ بخشی از دیوار زندان اوین با حملات موشکی اسرائیل تخریب شد. پیشتر اسرائیل هشدار درباره بمباران این منطقه را صادر کرده بود. پیش از آن تلفن‌های زندان اوین قطع شده و در حالیکه خانواده زندانیان نگران وضعیت عزیزانشان هستند، ارتباط با زندان قطع شده است. کانون حقوق بشر ایران نسبت به سلامت و وضعیت زندانیان در شرایط جنگی ابراز نگرانی کرده است. کانون حقوق بشر ایران با اشاره به حمله موشکی شب گذشته که سبب آسیب بخشی از دیوار زندان اوین شده نوشته «از وضعیت کنونی زندانیان و آسیب‌های وارد شده به آنان هنوز اطلاعی در دست نیست. این رویداد بار دیگر مسئله امنیت زندانیان، به‌ویژه زندانیان سیاسی، را در شرایط تشدید تهدیدهای نظامی به کانون توجه افکار عمومی بازگردانده است.»

در گزارش کانون حقوق بشر ایران آمده «زندانیان، به دلیل ماهیت بازداشتگاه و محدودیت‌های فیزیکی، نه امکان خروج اضطراری دارند و نه دسترسی مستقل به پناهگاه‌های امن. این در شرایطی است که در شرایط جنگی درب کلیه زندانها باید باز شده و عموم زندانیان آزاد شوند. اما به رغم همه تهدیدات از روز ۹ اسفند ۱۴۰۴، وضعیت اضطراری در زندان اوین بوده و اخبار منتشر شده توسط کانون حقوق بشر ایران حاکی از اختلال در روند عادی اداره زندان و محدودیت شدید دسترسی زندانیان به غذا و مایحتاج اولیه بوده است. پرسنل اداری، درب‌های زندان را بسته و محل

● در نخستین ساعات بامداد سه‌شنبه ۱۲ اسفند ۱۴۰۴ بخشی از دیوار زندان اوین با حملات موشکی اسرائیل تخریب شد. پیشتر اسرائیل هشدار درباره بمباران این منطقه را صادر کرده بود.

● کانون حقوق بشر ایران گزارش داده پس از آغاز جنگ پرسنل اداری، درب‌های زندان اوین را بسته و محل را ترک کردند. فروشگاه زندان تعطیل شد و زندانیان برای تأمین نیازهای روزمره خود با مشکل مواجه شدند.

● سازمان حقوق بشر ایران نیز تأکید کرده که نگهداری تعداد زیادی از ده‌ها هزار معترض بازداشت‌شده در رابطه با اعتراضات ضدحکومتی دی‌ماه در بازداشتگاه‌های وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران، که از جمله اهداف حملات نظامی اخیر بوده‌اند، نگرانی‌ها درباره وضعیت این زندانیان را افزایش داده است.

● «کمیتة آزادی زندانیان سیاسی در ایران» با اعلام این خبر که زندانیان محبوس در زندان دستگرد اصفهان پس از آغاز جنگ به مکان نامعلومی منتقل شده‌اند، تأکید کرده احتمال اینکه در وضعیت درگیری نظامی، زندانیان سیاسی به مراکز نظامی منتقل شوند و از زندانیان به‌عنوان سپر انسانی استفاده شود وجود دارد.

● بر اساس مصوبه شماره ۲۱۱ شورای عالی قضایی مصوب ۲۲ دی ۱۳۶۵، در وضعیت‌های اضطراری ناشی از جنگ، قوه قضاییه موظف است با استفاده از ابزارهای قانونی برای حفظ جان زندانیان اقدام کند. این ابزارها شامل تبدیل قرار تأمین، اعطای آزادی مشروط، پذیرش وثیقه یا کفالت و همچنین انتقال زندانیان به اماکن امن است.

● این مصوبه تأکید دارد در صورتی که اقدامات معمول برای تأمین امنیت کافی نباشد، دادرها می‌توانند نسبت به آزادی موقت زندانیان بی‌خطر تا زمان رفع وضعیت اضطراری اقدام کنند. در این دسته، زندانیان سیاسی، عقیدتی، مالی، جرایم غیرعمد و جرایم خرد قرار می‌گیرند.

→ اسلامی ایران برای محافظت از جان زندانیان تأکید کرده است.

بر اساس مصوبه شماره ۲۱۱ شورای عالی قضایی مصوب ۲۲ دی ۱۳۶۵، در وضعیت‌های اضطراری ناشی از جنگ، قوه قضاییه موظف است با استفاده از ابزارهای قانونی برای حفظ جان زندانیان اقدام کند. این ابزارها شامل تبدیل قرار تأمین، اعطای آزادی مشروط، پذیرش وثیقه یا کفالت و همچنین انتقال زندانیان به اماکن امن است.

این مصوبه تأکید دارد در صورتی که اقدامات معمول برای تأمین امنیت کافی نباشد، دادرها می‌توانند نسبت به آزادی موقت زندانیان بی‌خطر تا زمان رفع وضعیت اضطراری اقدام کنند. در این دسته، زندانیان سیاسی، عقیدتی، مالی، جرایم غیرعمد و جرایم خرد قرار می‌گیرند. در این مصوبه همچنین در مورد زندانیان جرایم خشن نیز انتقال به مکان‌های امن پیش‌بینی شده است. حقوقدانان تأکید دارند که اجرای این مقرر صرفاً یک اختیار نیست، بلکه در شرایط اضطراری تکلیف قانونی دستگاه قضایی محسوب می‌شود.

از سوی دیگر بر اساس کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹، افراد غیرنظامی باید در برابر آثار مخاصمات مسلحانه مورد حمایت قرار گیرند. ماده ۲۷ این کنوانسیون تصریح می‌کند که اشخاص تحت حمایت باید در همه حال مورد احترام و حفاظت باشند.

همچنین ماده ۵۸ پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ مقرر می‌کند که طرف‌های مخاصمه باید تا حد امکان غیرنظامیان را از مناطق در معرض خطر دور کنند و سایر احتیاطات لازم را برای کاهش آسیب اتخاذ نمایند.

بر اساس این اصول، اگر زندان در معرض حمله نظامی قرار گیرد، مقام بازداشت‌کننده موظف است اقدامات عملی برای کاهش خطر انجام دهد. این اقدامات می‌تواند شامل تخلیه، انتقال یا ایجاد تدابیر حفاظتی باشد.

طی روزهای گذشته نگرانی‌هایی نیز درباره استفاده از زندانیان به عنوان سپر انسانی در برابر حملات اسرائیل و آمریکا مطرح شده است.

در همین رابطه «کمیته آزادی زندانیان سیاسی در ایران» گزارش داده زندانیان محبوس در زندان دستگرد اصفهان پس از آغاز جنگ به مکان نامعلومی منتقل شده‌اند. این انتقال روز نهم اسفندماه ۱۴۰۴ و با چندین دستگاه اتوبوس انجام شده و بدون اطلاع قبلی به خانواده‌ها و وکلای زندانیان صورت گرفته است.

«کمیته آزادی زندانیان سیاسی در ایران» نوشته «انتقال این زندانیان بدون اطلاع به خانواده‌ها و وکلای آن‌ها صورت گرفته و همین موضوع نگرانی‌ها درباره وضعیت جسمی و امنیت جانی آن‌ها را افزایش داده است.» این نهاد با اشاره به شرایط جنگی کنونی هشدار داده که «هرگونه انتقال ناگهانی و بدون اطلاع قبلی می‌تواند جان زندانیان سیاسی را در معرض خطر جدی قرار دهد.»

منابع نزدیک به خانواده‌ها نیز با ابراز بی‌خبری کامل از محل نگهداری منتقل‌شدگان تأکید کرده‌اند که تجربه‌های پیشین نشان داده انتقال‌های ناگهانی اغلب با قطع تماس، محرومیت از دسترسی به وکیل و بی‌خبری طولانی‌مدت همراه بوده است. یکی از اعضای خانواده‌ها گفته است: «در این شرایط جنگی، بی‌خبری مطلق از محل نگهداری عزیزانمان کابوس هر روزه ماست.»

«کمیته آزادی زندانیان سیاسی در ایران» تأکید کرده احتمال اینکه در وضعیت درگیری نظامی، زندانیان سیاسی به مراکز نظامی منتقل شوند و از زندانیان به‌عنوان سپر انسانی استفاده شود وجود دارد.

## روایت دو شاهد عینی از اعتراضات دی ۴۰۴ در اراک: تک تیراندازها فقط سر جوان‌ترها را نشانه می‌گرفتند

● «بعد از فراخوان، خیابان‌ها خیلی شلوغ‌تر شده بود، فکر می‌کنم نصف بیشتر شهر بیرون بودند، همه با زن و بچه آمده بودند، چادری و غیرچادری، همه مردم از همه سنی حضور داشتند، واقعا حس عجیبی بود، در هیچ کدام از این سالها این اتحاد را ندیده بودم»

● «اینها با تاکتیک، کاملا آماده بودند که جوان‌ها را بکشند چون به عینه دیدم تک تیراندازها فقط سر جوان‌ترها را نشانه می‌گرفتند حالا قصدشان نسل کشی بوده یا هر چیزی، کاملا آماده بودند فقط برای کشتن، با اینکه کنار هم بودیم انگار جوان‌ترها را بیشتر نشانه می‌گرفتند، حتی نورهای لیزر تک تیراندازها را می‌دیدم و نمی‌دانم چرا نکشتند خودم می‌گویم شاید آدمهایی که با من بودند به جز مادرم چند خانم سن بالای دیگر بودند شاید واقعا هدفشان فقط جوانها بود. ولی چیزی که پیش‌بینی نکرده بودیم آمادگی بیش از حد جمهوری اسلامی بود، همه جا تک تیرانداز گذاشته بودند و خیلی تاکتیکی مردم را گیر می‌انداختند و به قصد کشت، تیراندازی می‌کردند.»

● «یکی از آشنایان ما که در آرامستان اراک کار می‌کند می‌گفت در ۱۸ دی‌ماه بیشتر از ۳۰۰ نفر کشته دیدیم و فردای آن روز هم بیش از صدها خانواده برای پیدا کردن بچه‌هایشان به آرامستان آمده بودند. در ۱۹ دی‌ماه، نیروهای سرکوب، میزان کشتار و وحشی‌گری را به اوج خود رسانده بودند، چون چند نفر در خیابان ۲۲ بهمن انتهای مخابرات، زیر ماشین آتش‌نشانی له شدند و اصلا قابل شناسایی نبودند، مردم اراک آن شب تا ساعت ۱۲ شب هنوز در خیابان‌ها بودند، در ساعت ۱ شب، سرکوبگران خون‌های کف خیابان‌ها را می‌شستند و تمیز می‌کردند.»

● «از همان شب‌ها چند مامور با لباس خدمات در بیمارستان‌ها مشغول به کار شدند و کلا به دنبال مجروحان می‌گشتند. ما هم شانس آوردیم به سر و صورت‌مان تیر نزدند چون خیلی‌ها کور شدند دوست خودم که در بیمارستان کار می‌کند می‌گفت بیشتر از صدها نفر را آورده بودند که چشم‌هایشان را تخلیه کردند.»

● «فروزه نوردستروم- یکی از آشنایان ما که در آرامستان اراک کار می‌کند می‌گفت در ۱۸ دی‌ماه بیشتر از ۳۰۰ نفر کشته دیدیم و فردای آن روز هم بیش از ۱۰۰ خانواده برای پیدا کردن بچه‌هایشان به آرامستان آمده بودند. در ۱۹ دی‌ماه، نیروهای سرکوب، میزان کشتار و وحشی‌گری را به اوج خود رسانده بودند، چندین نفر در خیابان ۲۲ بهمن انتهای مخابرات، زیر ماشین آتش‌نشانی له شدند و به هیچ عنوان، قابل شناسایی نبودند، مردم اراک آن شب تا ساعت ۱۲ شب هنوز در خیابان‌ها بودند، در ساعت ۱ شب، سرکوبگران خون‌های کف خیابان‌ها را می‌شستند و تمیز می‌کردند؛ اینها بخشی از روایت دو شهروند معترض اهل اراک، یک دختر ۳۰ ساله و مادر ۶۰ ساله اوست که نیروهای سرکوب، در اعتراضات ۱۹ دی ماه آنها را از فاصله نزدیک، هدف گلوله ساچمه‌ای قرار دادند. آنها در گفت‌وگو با کیهان لندن از اعتراضات مردم اراک در دی ۱۴۰۴ سخن گفتند که از مرکز شهر اراک شکل گرفت و به خیابان‌های شریعتی، ملک، امام و مخابرات رسید.

● «من برای مطالبات خودم رفتم مثل سال‌های قبل، از همان سال ۸۸ که دانشجو بودم ولی در

طول این سالها خانواده‌ام مخصوصا مادرم خیلی تغییر کرد و او هم امسال همراهیم کرد.»

شاهزاده رضا پهلوی با انتشار نخستین فراخوان خود از مردم ایران دعوت کرده بود که روزهای پنج‌شنبه و جمعه، ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه، رأس ساعت ۸ شب، چه در خیابان‌ها و چه از داخل منازل خود، اقدام به سردادن شعار کنند. نرگس با اشاره به فراخوان شاهزاده رضا پهلوی می‌گوید: «بعد از فراخوان، خیابان‌ها خیلی شلوغ‌تر شده بود، فکر می‌کنم نصف بیشتر شهر بیرون بودند، همه با زن و بچه آمده بودند، چادری و غیرچادری، همه مردم از همه سنی حضور داشتند، واقعا حس عجیبی بود، در هیچ کدام از این سالها این اتحاد را ندیده بودم.»

او با اشاره به اینکه او و مادرش در شب ۱۹ دی هدف گلوله تفنگ ساچمه‌ای قرار گرفتند توضیح می‌دهد: «ما شب ۱۹ دی تیر خوردیم، از فاصله نزدیک به ما تیر زدند، بعد هم با دادوبیداد و تهدید کردن سعی کردند ما را بترسانند چون ما در ساعت ۸ و ۱۰ دقیقه تیر خوردیم، تازه اول شب بود و شروع کرده بودند. جفت پاهای ما تیر خورد، در پاهای من ۵۰ ساچمه هست و مامانم ۵ ساچمه خورده، و اوضاعش از من بهتر است.»

نرگس ادامه می‌دهد: «چیزی که باید اضافه کنم و با چشم‌های خودم دیدم و مطمئنم این است که اینها با تاکتیک، کاملا آماده بودند که جوان‌ها را بکشند چون به عینه دیدم تک تیراندازها فقط سر جوان‌ترها را نشانه می‌گرفتند حالا قصدشان نسل کشی بوده یا هر چیزی، کاملا آماده بودند فقط برای کشتن، با اینکه کنار هم بودیم انگار جوان‌ترها را بیشتر نشانه می‌گرفتند، حتی نورهای لیزر تک تیراندازها را می‌دیدم و نمی‌دانم چرا نکشتند خودم می‌گویم شاید آدمهایی که با من بودند به جز مادرم چند خانم سن بالای دیگر بودند شاید واقعا هدفشان فقط جوانها بود. ولی چیزی که پیش‌بینی نکرده بودیم آمادگی بیش از حد جمهوری اسلامی بود، همه جا تک تیرانداز گذاشته بودند و خیلی تاکتیکی مردم را گیر می‌انداختند و به قصد کشت، تیراندازی می‌کردند، یادم هست از زور گاز اشک‌آور هیچی نمی‌دیدم، اگر مادرم همراه نبود شاید می‌توانستم فرار کنم ولی مادرم خیلی ترسیده بود و شوکه شده بود، به خاطر همین از دو طرف توسط مامورها احاطه شدیم.»

در ادامه مادر نرگس به این گفتگو می‌پیوندد: «از دو طرف توسط مامورها احاطه شدیم، یکی از آنها که لباس بسیجی یا سپاه داشت شروع کرد به تیراندازی و بقیه مامورها مخصوصا نیروهای انتظامی جلویش را گرفتند ولی این آدم نمی‌خواست بگذارد ما برویم، بعد از اینکه تیراندازی کرده بود به ما گفت «بشینید رو پاهاتون، ماسک‌هاتون رو دربیارید». ما وحشت کرده بودیم، او شروع کرد به هتاک و فحش دادن که «منم حقوقم اندازه شماهاست ولی مثل شماها کثافت و ج... ده نیستم، شماها رو داعش باید بیاد آدم کنه» و بعد دوباره بقیه نیروها جلویش را گرفتند و به ما گفتند «پاشید برید». ما با پاهای زخمی و تن ترسیده برگشتیم.»

این خانم میانسال اضافه می‌کند: «این را هم بگویم از میزان وحشی بودن این نیروها که همان موقع که به ما گفتند «بشینید و ماسک‌هاتون رو در بیارید» یک خانمی بین ما خیلی ترسیده بود، شروع کرد به گریه کردن و

## از ابهام تا اقدام: وقتی خطوط قرمز نادیده گرفته می‌شوند

● آنچه پس از پایان دور اخیر گفتگوها میان رژیم جمهوری اسلامی و ایالات متحده آمریکا بیش از هر چیز جلب توجه می‌کند، نه اعلام یک توافق اعلام شده است و نه یک شکست رسمی؛ بلکه «ابهام» است. ابهامی که هم در روایت طرفین دیده می‌شود و هم در پوشش رسانه‌ای غربی و حتی رسانه‌های حکومتی که هر کدام تفسیری متفاوت ارائه می‌دهند.

● تجربه گذشته نشان داده‌است که هم‌زمانی مذاکره و اقدام نظامی، لزوماً متناقض نیست. در مواردی، عملیات محدود دقیقاً برای تقویت موقعیت مذاکره‌کننده انجام شده است؛ پیامی کوتاه و سخت که هدفش تغییر رفتار طرف مقابل بوده‌است، نه آغاز یک جنگ فراگیر. - در چنین شرایطی، سناریوهای پیش‌رو را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: ادامه‌ی فشار هم‌زمان با مذاکره برای گرفتن امتیاز بیشتر؛ دستیابی به توافقی محدود و موقت برای خرید زمان؛ یا اقدام نظامی محدود برای تغییر موازنه روانی و سیاسی.

● اگر تاریخ تعیین شده به پایان برسد بی‌آنکه تغییری محسوس در معادله ایجاد شده باشد، این احتمال وجود دارد که آمریکا برای حفظ اعتبار بازدارندگی خود، گزینه اقدام را فعال کند؛ حتی اگر این اقدام محدود و با هدف ارسال پیام باشد.

کوروش زمانی - آنچه پس از پایان دور اخیر گفتگوها میان رژیم جمهوری اسلامی و ایالات متحده آمریکا بیش از هر چیز جلب توجه می‌کند، نه اعلام یک توافق اعلام شده است و نه یک شکست رسمی؛ بلکه «ابهام» است. ابهامی که هم در روایت طرفین دیده می‌شود و هم در پوشش رسانه‌ای غربی و حتی رسانه‌های حکومتی که هر کدام تفسیری متفاوت ارائه می‌دهند. وقتی خروجی مذاکرات نه با لبخند دیپلماتیک همراه است و نه با اعلام بن‌بست، معمولاً به این معناست که اختلافات اصلی همچنان پابرجاست و اتخاذ تصمیم‌های بزرگ، به سطح سیاسی بالاتر منتقل شده‌است. در چنین فضایی، تحلیل نه بر اساس بیانیه‌های رسمی، بلکه بر پایه آرایش میدانی و الگوهای رفتاری شکل می‌گیرد.

استقرار گسترده‌ی نیروهای آمریکایی در پیرامون ایران، از ناوهای هواپیمابر و زیردریایی‌های اتمی گرفته تا بمب‌افکن‌ها، پدافند موشکی و هواپیماهای سوخت‌رسان، صرفاً یک نمایش نمادین نیست. چنین آرایشی پرهزینه، پیچیده و از نظر سیاسی-امنیتی بسیار هشداردهنده است. در ادبیات راهبردی، این وضعیت معمولاً در چارچوب «دیپلماسی اجبار» تعریف می‌شود؛ یعنی ترکیب مذاکره و تهدید معتبر نظامی برای تغییر محاسبات طرف

کار کند، دکترها فقط تعدادی از ساچمه‌ها را خارج کردند، چون با بی‌حسی نمی‌توان همه را خارج کرد، نیاز به جراحی هست، و برای جراحی باید به بیمارستان رفت و کسی جرات ندارد به بیمارستان برود، چون در همه بیمارستان‌ها مامور گذاشته‌اند، دوستانم که در بیمارستان‌ها کار می‌کنند می‌گویند از همان شب‌ها چند مامور با لباس خدمات در بیمارستان‌ها مشغول به کار شدند و کلا به دنبال مجروحان می‌گشتند. ما هم شانس آوردیم به سر و صورت مان تیر نزدند چون خیلی‌ها کور شدند دوست خودم که در بیمارستان کار می‌کند می‌گفت بیشتر از صدها نفر را آورده بودند که چشم‌هایشان را تخلیه کردند.»

از نرگس در مورد حضور مامورهای در بیمارستان‌ها پرسیدم می‌گوید: «در بیمارستان‌هایی که دوستان من هستند، بیمارستان سینا و بیمارستان امیرالمومنین بودند، ولی در همه بیمارستان‌ها ماموران بودند مخصوصاً بیمارستان ولیعصر اراک چون در مرکز شهر قرار دارد. شاید الان دیگر ماموران



در داخل بیمارستان‌ها نباشند ولی در همه بیمارستان‌ها طرفداران نظام هستند که اطلاعات را می‌رسانند مثلاً به گفته دوست خودم که در بیمارستان خوانساری مخصوص بیماران سرطانی کار می‌کند، خود رئیس بیمارستان، اسم و اطلاعات افراد تیر خورده را گزارش می‌کند.»

از مادر نرگس در مورد آمار تقریبی کشته شده‌ها می‌پرسم، بغضش را فرو می‌خورد و می‌گوید: «دقیق نمی‌دانم ولی یکی از آشنایان ما که در آرامستان اراک کار می‌کند می‌گفت در ۱۸ دی‌ماه بیشتر از ۳۰۰ نفر کشته دیدیم و فردای آن روز هم بیش از صدها خانواده برای پیدا کردن بچه‌هایشان به آرامستان آمده بودند. در ۱۹ دی‌ماه، نیروهای سرکوب، میزان کشتار و وحشی‌گری را به اوج خود رسانده بودند، چون چند نفر در خیابان ۲۲ بهمن انتهای مخابرات، زیر ماشین آتش‌نشانی له شدند و اصلاً قابل شناسایی نبودند.»

در ادامه به جمع‌ات مردم اراک در سال‌های گذشته به دلیل آلودگی هوا اشاره کردم، نرگس با تایید این موضوع می‌گوید: «بله در همه این سال‌ها ما اعتراض سکوت می‌کردیم و همیشه شاهد خشونت در اعتراضات کارگران بودیم ولی این یکی واقعا فرق داشت، چون مردم عادی این بار در کنار هم بودند و با بچه‌هایشان آمده بودند.»

در پایان از وضعیت کار و شغل نرگس می‌پرسم. او آهی از سر حسرت می‌کشد و می‌گوید: «من شغلی ندارم، دنبال کار هم گشتم، ولی شهر صنعتی است و کارگری، اشتغال زیادی وجود ندارد، پدرم هزینه‌ها را می‌دهد، آن هم به سختی، من هنوز هم به دنبال کار می‌گردم.»

گفت «غلط کردم اومده بودم تماشا» و آن مامور با پوتین کوبید به تخت سینه‌اش و به او گفت «تو گوه خوردی که غلط کردی ج...» ۵۰...»، بخشید کلمات مناسبی نیستند ولی چیزهایی که دیدیم و شنیدیم.»

نرگس در ادامه صحبت‌های مادرش می‌گوید: «از همه جاهای شهر مردم به سمت مرکز شهر حرکت کردند ما خودمان در خیابون شریعتی بودیم که تیر خوردیم، و بیشترین تعداد کشته‌ها در خیابان‌های ملک، امام و مخابرات اتفاق افتاده، چون تک تیراندازها در آن مناطق بیشتر مستقر بودند. ماموران سرکوب در بانکها و یک دبیرستان مستقر بودند که مردم آن دبیرستان را آتش زدند، همینطور در یک پاساژ و حتی بر روی پله‌های شهر هم مستقر بودند. دو طرف پله‌ها را بسته بودند و در بالای پله‌ها تک تیرانداز گذاشته بودند. در خیابان جهان‌پناه اراک هم یک سیلو هست، بالای آن سیلو هم تک تیرانداز گذاشته بودند.»

نرگس در ادامه به مامورانی اشاره می‌کند که لباس ضد

شورش سیاه رنگ پوشیده بودند: «آنها مامورهای سپاه و بسیج را آرام می‌کردند، مامورهای سپاه و بسیج خیلی وحشی‌ترند و سال‌های قبل نیروهای انتظامی را می‌دیدیم که به ما کمک کردند مثلاً به ما می‌گفتند از کجا فرار کنید تا گیر نیروهای سپاه و بسیج نیفتید، چون خودشان هم می‌دانند که آنها رحم ندارند و قصدشان کشتن است.»

مادر نرگس در ادامه صحبت‌های دخترش توضیح می‌دهد: «در ۱۹ دی، کشتار و وحشی‌گری را به اوج رساندند، مردم تا ساعت ۱۲ شب هنوز در خیابان‌ها بودند و ساعت یک شب، هم همه خیابان‌ها را شستند و تمیز کردند.»

در مورد درمان از آنها پرسیدم، مادر نرگس می‌گوید: «ما پرس‌وجو کردیم و دکترهایی را پیدا کردیم که به مردم کمک می‌کردند، با دادن اسم آشنا رفتیم و توانستیم عکس رادیولوژی بگیریم که خوشبختانه تیرها روی عصب و جای حساسی نخورده بود، دکتر به ما آنتی‌بیوتیک داد و از ما خواست اسمش را فاش نکنیم، چون برایش دردرس درست می‌شود و گفت کسانی که نیاز به جراحی دارند را با بی‌حسی در مطب‌ها جراحی می‌کنند.»

نرگس هم در ادامه توضیح می‌دهد: «چون تیرها به قوزک پا و پاشنه پایم خورده بود نمی‌توانستم راه بروم ولی خوشبختانه مشکلی برایم پیش نیامد، هرچند هنوز از پیاده‌روی طولانی پایم درد می‌گیرد، ولی بین آشنایان ما کسی هست که تیرها به عصب‌های دستش خورده، در بدنش حدود ۴۰۰ ساچمه هست و چون تعداد ساچمه‌ها زیاد است هنوز بعد از بیش از ۵۰ روز نمی‌تواند با دستانش

قریب الوقوع را نتوان صرفا با اتکا به خبر ادامه گفتگوهای فنی منتفی دانست. اگر برداشت واشینگتن این باشد که تهران در موضوعات کلیدی از جمله دامنه و سطح فعالیت‌های حساس انعطاف نشان ندهد، ممکن است ضرب‌الاجل از حالت ابزار فشار به مرحله اجرا وارد شود. در چنین حالتی، اقدام احتمالی لزوما در ابتدا به معنای جنگ گسترده نخواهد بود؛ می‌تواند عملیاتی محدود، هدفمند و زمان‌مند باشد که هدف آن تغییر محاسبات و بازتعریف چارچوب مذاکرات است. اما واکنش رژیم ایران نیز در صورت وقوع جنگ، می‌تواند معادلات و زمان‌بندی از پیش تعیین شده را تغییر داده و ایالات متحده آمریکا را به سمت یک رویارویی تمام عیار تا سرحد سرنگونی رژیم جمهوری

برای خرید زمان؛ یا اقدام نظامی محدود برای تغییر موازنه روانی و سیاسی. احتمال سناریوی سوم در صورتی افزایش می‌یابد که نشانه‌های پیش‌هشدار نیز فعال شوند؛ از جمله هشدارهای رسمی به کشتیرانی، تغییر سطح آماده‌باش منطقه‌ای یا پیام‌های مستقیم به بازار انرژی. بدون این شاخص‌ها، پیش‌بینی یک حمله قریب‌الوقوع قطعی دشوار است، هرچند امکان آن را نمی‌توان نادیده گرفت. بنابراین شاید دقیق‌تر آن باشد که گفته شود واشینگتن در موقعیتی قرار گرفته که گزینه نظامی را نه به عنوان آخرین حربه، بلکه به عنوان بخشی از معادله فعال کرده است. اگر برداشت تصمیم‌گیران آمریکایی این باشد که پنجره فرصت سیاسی محدود است و تداوم وضعیت فعلی خطر تثبیت

مقابل. پرسش کلیدی این است که آیا این آرایش صرفا اهرم فشار برای گرفتن امتیاز است، یا نشانه‌ی ورود به پنجره‌ی یک اقدام نظامی زمان‌بندی شده؟ تجربه گذشته نشان داده‌است که هم‌زمانی مذاکره و اقدام نظامی، لزوما متناقض نیست. در مواردی، عملیات محدود دقیقا برای تقویت موقعیت مذاکره‌کننده انجام شده است؛ پیامی کوتاه و سخت که هدفش تغییر رفتار طرف مقابل بوده‌است، نه آغاز یک جنگ فراگیر. از این منظر، این احتمال را نمی‌توان نادیده گرفت که اگر واشینگتن به این جمع‌بندی رسیده باشد که تهران قصد عقب‌نشینی از موضع خود در موضوع سطح و دامنه فعالیت‌های هسته‌ای را ندارد، گزینه اقدام محدود را برای «تنظیم مجدد محاسبه» فعال کند.



دونالد ترامپ در کنار مارکو رویو و پیت هگست وزرای خارجه و جنگ

اسلامی پیش برد. بنابراین، تحلیل جامع وضعیت ایجاب می‌کند دو خط را هم‌زمان ببینیم: از یک سو تداوم دیپلماسی و روایت‌های مربوط به نشست‌های فنی، و از سوی دیگر تقویم سیاسی و امنیتی تعیین‌شده از سوی واشینگتن. نادیده گرفتن هر یک از این دو، تصویر را ناقص می‌کند. اگر تاریخ تعیین‌شده به پایان برسد بی‌آنکه تغییری محسوس در معادله ایجاد شده باشد، این احتمال وجود دارد که آمریکا برای حفظ اعتبار بازدارندگی خود، گزینه اقدام را فعال کند؛ حتی اگر این اقدام محدود و با هدف ارسال پیام باشد. در نتیجه، نمی‌توان تنها با استناد به فضای مذاکراتی، فرض حمله در کوتاه‌مدت را کنار گذاشت. همان‌گونه که نمی‌توان آن را قطعی دانست، نمی‌توان هم صرفا به امید ادامه گفتگو آن را منتفی فرض کرد. وزن واقعی هر سناریو در روزها و ساعات آینده، بیش از هر چیز به این بستگی دارد که ضرب‌الاجل اعلام‌شده چگونه تفسیر و چگونه اجرا شود. از این رو، ۴۸ ساعت آینده بسیار تعیین‌کننده و گویای موضع و تصمیم ایالات متحده آمریکا در مقابل عبور رژیم جمهوری اسلامی ایران از خطوط قرمز خواهد بود. در نهایت، آنچه اکنون دیده می‌شود نه قطعیت جنگ است و نه قطعیت صلح؛ بلکه ورود به مرحله‌ای است که در آن هر دو گزینه بطور هم‌زمان روی میز قرار دارد. همین امر وضعیت را حساس و پیش‌بینی را دشوار می‌کند. در چنین فضای خاکستری، تحلیل محتاطانه آن است که احتمال اقدام نظامی در کوتاه‌مدت را جدی بدانیم اما نه لزوما قطعی!

یک واقعیت غیرقابل بازگشت را به همراه دارد، احتمال اقدام نظامی افزایش می‌یابد. اما اگر هنوز امید به تعدیل موضع از مسیر فشار و مذاکره وجود داشته باشد، آرایش نظامی بیش از آنکه مقدمه‌ی حمله باشد، ابزار چانه‌زنی باقی خواهد ماند. در عین حال، تمرکز صرف بر ادامه مذاکرات و تحلیل‌های پیرامون دوره‌های فنی نباید ما را از یک متغیر مهم غافل کند: موضوع «ضرب‌الاجل» واشینگتن به تهران. در تجربه‌ی پیشین، زمانی که «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، برای تغییر رفتار تهران بازه‌ی زمانی مشخصی تعیین کرد، آن مهلت صرفا ابزار لفظی نبود. پایان همان بازه با اقدام نظامی همراه شد و با هم‌ارزان تأسیسات هسته‌ای رژیم نشان داد که در منطق تصمیم‌گیری او، «تاریخ اعلام‌شده» می‌تواند بخش مهمی از راهبرد و محاسبات او باشد، نه فقط یک اظهار نظر رسانه‌ای. به همین دلیل، تحلیل وضعیت کنونی نباید صرفا بر این گزاره استوار شود که چون مذاکرات ادامه دارد یا صحبت از نشست‌های فنی مطرح شده، پس گزینه نظامی فعلا به حاشیه رفته است. در برخی الگوهای سیاست خارجی آمریکا، ضرب‌الاجل دقیقا برای آن تعیین می‌شود که اگر در بازه‌ی مقرر تغییر محسوسی رخ نداد، اقدام قهری مشروع جلوه داده شود. از این منظر، حتی اگر کانال گفتگو باز بماند، پایان مهلت می‌تواند نقطه تصمیم مستقل از روند مذاکرات باشد. همین نکته سبب می‌شود که سناریوی اقدام نظامی

در عین حال، باید میان «توان حمله» و «تصمیم به حمله» تمایز قائل شد. استقرار نیرو به معنای آماده بودن گزینه نظامی است، اما تصمیم سیاسی برای استفاده از آن تابع متغیرهای متعدد است: ارزیابی‌های اطلاعاتی درباره‌ی عبور از خط قرمز عملیاتی، میزان آمادگی برای مدیریت واکنش متقابل، پیامدهای بازار انرژی، و محاسبات داخلی آمریکا. حمله گسترده به زیرساخت‌های پراکنده و عمیق، عملیاتی چندمرحله‌ای و پرریسک است که تبعات منطقه‌ای و اقتصادی آن فراتر از یک ضربه‌ی نمادین خواهد بود. بنابراین اگر سناریوی اقدام در کوتاه‌مدت مطرح باشد، محتمل‌تر آن است که در قالب عملیاتی محدود، هدفمند و با پیام سیاسی روشن تعریف شود. ابهام رسانه‌ای خود بخشی از معادله است. وقتی اطلاعات دقیق از متن مذاکرات بیرون نمی‌آید و تحلیل‌ها جای خبر را می‌گیرند، معمولا یا اختلافات جدی است یا طرفین عاقدانه در حال مدیریت فضای روانی‌اند. اگر آمریکا به این نتیجه رسیده باشد که ادامه مذاکرات بدون تغییر رفتار ایران صرفا اتلاف زمان است، ممکن است بخواهد پیش از ورود به دوره‌های فنی طولانی، یک شوک تکان‌دهنده ایجاد کند. از سوی دیگر، ادامه‌ی اعلام گفتگوهای فنی می‌تواند نشان دهد که در دیپلماسی هنوز کاملا بسته نشده‌است و تهدید نظامی بیش از آنکه مقدمه جنگ باشد، ابزار فشار است. در چنین شرایطی، سناریوهای پیش‌رو را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: ادامه‌ی فشار هم‌زمان با مذاکره برای گرفتن امتیاز بیشتر؛ دستیابی به توافق محدود و موقت

## گفتگو با مادر سودا اکرمی فرد دانش آموز ۱۶ ساله جان باخته در اعتراضات دی ۴۰۴؛ مأموران امنیتی گفتند نه «جاوید نام» بنویسید نه مراسم بگیرید و نه دست بزنید



کوچک، حتی کسانی که به بیرون نیامده بودند از داخل خانه‌ها شعار می‌دادند.»

مادر سودا اکرمی فرد با بغض ادامه می‌دهد: «سودا انگار می‌دانست می‌خواهد از بین ما برود، در شب ۱۹ قبل از رفتن به اعتراضات، گوشواره‌ها و گوشی تلفنش را به من داد و گفت شاید برنگردم، حتی مادر بزرگش را بغل کرد گفت مادر جون، خداحافظت شاید نیومدم...»

آن شب بین ساعت ۹ تا نه ونیم بود که اول شوهر خواهرم تیر خورد، چون جلو بود و کسی او را ندیده بود، سودا چون بالای سطل آشغال ایستاده بود، دیده بود که شوهر خواهرم تیر خورده و برای نجات او رفته بود، شوهر خواهرم گفته بود فقط سودا دید من تیر خوردم، آمد بالای سرم، به او گفتم برو به بقیه بگو که تیر خوردم. سودا در راه برگشت بود که از بالای پشت‌بام به قلبش تیر زدند و افتاد، همان لحظه در بغلم تمام کرد و جاودانه شد، او را به درمانگاه بردیم که بسته بود، او را به خانه بردیم، چون فکر می‌کردم ساچمه خورده و شاید از ترس بیهوش شده باشد، درحالیکه او همان لحظه تمام کرده بود، ولی من قبول نمی‌کردم چون چشم‌هایش باز بود، ولی بدنش سرد شده بود و از بینی و دهانش خون می‌آمد.

همه راه‌های ارتباطی قطع شده بود که با ماشین خواهرم او را به بیمارستان شهدای سلامت ملارد بردیم چون فکر می‌کردم شاید زنده باشد، ولی در بیمارستان، جنازه را از ما گرفتند و گفتند دادستان آمده همه تیر خورده‌ها را بردند و ۴ روز بعد جنازه او را با شماره ۱۲۵۳۸، در بین هزاران جنازه دیگر در کهریزک، بر روی زمین و داخل یک کاور پارچه‌ای نازک پیدا کردیم، کل بدن و سر و صورت سودا خونین بود، آنجا جنازه روی جنازه، گذاشته بودند، تک تک آن جنازه‌ها را باید نگاه می‌کردیم تا سودا را پیدا کنیم.»

به گفته سمیرا عینی، سوله‌های کهریزک، لبریز از پیکر کشته‌شدگان بود: «آنقدر داخل سوله‌ها پر از جنازه بود که تعداد زیادی جنازه را در بیرون از سوله روی زمین انداخته بودند، همگی این جنازه‌ها از ناحیه سر، قلب و گلو گلوله ←

شاهزاده رضا پهلوی بسیار علاقمند شد، کلیپ‌های زیادی تهیه و در شبکه‌های مجازی منتشر می‌کرد، از همان سال که مهسا امینی کشته شد دخترم خیلی دوست داشت در اعتراضات خیابانی شرکت کند.»

او خود را نیز دوستدار و طرفدار بسیار سرسخت رضاشاه و خاندان پهلوی می‌داند و می‌گوید خودم هم از طرفداران خاندان پهلوی هستم و به دلیل انتشار پست‌های مربوط به خاندان پهلوی در اینستاگرام، یکی از صفحات من را بستند. در آبان ۹۸ هم بدون هیچ هراسی در اعتراضات خیابانی شرکت کردم.

مادر سودا اکرمی فرد که در سال ۹۲ به دلیل اعتیاد پدر سودا از او طلاق گرفت می‌گوید: «چندین بار او را به کلینیک و مرکز درمانی فرستادیم. ولی ترک نکرد و من بخاطر سودا هر کاری کردم که بتوانم او را بزرگ کنم، با کالسکه او را با خودم می‌بردم و کار می‌کردم. حتی خانه‌ها و پله‌های مردم را پاک می‌کردم که خرج سودا و خودم را در بیاورم. من سودا را با بدبختی و اجاره‌نشینی، بدون پدر، بزرگ کردم، با دست‌فروشی لوازم آرایشی و حتی دو سال فروشنده‌گی در ایران‌مال، از ۹ صبح تا ۱۲ شب و سودا پیش مادرم و یکی از خواهرهایم بود، سودا هم درس می‌خواند و هم کار می‌کرد. همیشه می‌گفت: مامان من هم می‌خوام خودم و به بالا بالاها برسونم و همه زحمت‌های تو رو جبران کنم.»

سمیرا عینی اضافه می‌کند: «من و سودا در چند روز اول اعتصابات و اعتراضات با هم به فردیس کرج و بین مردم رفتیم، روز سه‌شنبه ۱۶ دی‌ماه در فردیس با سودا، دختر دایی و چند نفر دیگر بودیم که چند بسیجی ما را دوره کردند، از ما عکس گرفتند و ما را شناسایی کردند. روز ۱۷ دی‌ماه، چون در فردیس شناسایی شده بودیم، من و سودا و دو خواهرم و شوهر خواهرم به مارلیک، خیابان پرنیان رفتیم. روز ۱۸ دی‌ماه که شاهزاده رضا پهلوی فراخوان داده بودند آن منطقه خیلی خیلی شلوغ بود، فقط تیراندازی دیدیم و ساچمه و اشک‌آور، همه به بیرون آمده بودند از بزرگ تا

● «از سال ۴۰۱ سودا به شاهزاده رضا پهلوی بسیار علاقمند شد، کلیپ‌های زیادی تهیه و در شبکه‌های مجازی منتشر می‌کرد، از همان سال که مهسا امینی کشته شد دخترم خیلی دوست داشت در اعتراضات خیابانی شرکت کند.»

● «من و سودا در چند روز اول اعتصابات و اعتراضات با هم به فردیس کرج و بین مردم رفتیم، روز سه‌شنبه ۱۶ دی‌ماه در فردیس با سودا، دختر دایی و چند نفر دیگر بودیم که چند بسیجی ما را دوره کردند. از ما عکس گرفتند و ما را شناسایی کردند. روز ۱۷ دی‌ماه، چون در فردیس شناسایی شده بودیم، من و سودا و دو خواهرم و شوهر خواهرم به مارلیک، خیابان پرنیان، رفتیم. روز ۱۸ دی‌ماه که شاهزاده رضا پهلوی فراخوان داده بودند آن منطقه خیلی خیلی شلوغ بود، فقط تیراندازی دیدیم و ساچمه و اشک‌آور، همه به بیرون آمده بودند از بزرگ تا کوچک، حتی کسانی که به بیرون نیامده بودند از داخل خانه‌ها شعار می‌دادند.»

● «سودا انگار می‌دانست می‌خواهد از بین ما برود، در شب ۱۹ قبل از رفتن به اعتراضات، گوشواره‌ها و گوشی تلفنش را به من داد و گفت شاید برنگردم، حتی مادر بزرگش را بغل کرد گفت مادر جون، خداحافظت شاید نیومدم...»

● «در بیمارستان، جنازه را از ما گرفتند و گفتند دادستان آمده همه تیر خورده‌ها را بردند و ۴ روز بعد جنازه او را با شماره ۱۲۵۳۸، در بین هزاران جنازه دیگر در کهریزک، بر روی زمین و داخل یک کاور پارچه‌ای نازک پیدا کردیم، کل بدن و سر و صورت سودا خونین بود، آنجا جنازه روی جنازه، گذاشته بودند، تک تک آن جنازه‌ها را باید نگاه می‌کردیم تا سودا را پیدا کنیم.»

● «آنقدر داخل سوله‌ها پر از جنازه بود که تعداد زیادی جنازه را در بیرون از سوله روی زمین انداخته بودند، همگی این جنازه‌ها از ناحیه سر، قلب و گلو گلوله خورده بودند. در همان سوله داخل کهریزک بود که پیکر را به بهشت زهراهای تهران بردند و ما ۳ ساعت جنازه سودا را گم کردیم، چون او را از کهریزک به بهشت زهرا برده بودند.»

فیروزه نوردستروم- سودا اکرمی فرد ۱۶ ساله دانش آموز سال اول هنرستان در رشته گرافیک، ساکن مارلیک ملارد بود که در شامگاه ۱۹ دی‌ماه، از بالای پشت‌بام سینه او هدف گلوله جنگی نیروهای سروکوبر قرار گرفت و او همان لحظه در آغوش مادرش جان داد. پیکر او را در بیمارستان شهدای سلامت ملارد از مادرش گرفتند. خانواده سودا چهار روز بعد پیکر غرق در خون او را با شماره ۱۲۵۳۸ در بین هزاران جناخته دیگر در کهریزک پیدا کردند.

سودا دختری شاد و پرهیجان بود. پدر و مادرش از هم جدا شده بودند و او با سختی و تلاش بسیار خود و مادرش، در کنار درس و تحصیل به کلاس‌های زبان می‌رفت و در کلاس‌های رزمی همچون کیک بوکس و ژیمناستیک و نیز در کلاس‌های رقص و بدنسازی شرکت می‌کرد.

سمیرا عینی مادر ۳۸ ساله سودا اکرمی فرد در گفتگو با «کيهان لندن» سودا می‌گوید: «سودا تنها فرزند من بود و چون محبت پدری ندیده بود بسیار با محبت و به شدت دلسوز بود و همه هم دوستش داشتند بخاطر اینکه بسیار با ادب بود و به همه احترام می‌گذاشت.»

او در ادامه توضیح می‌دهد: «از سال ۴۰۱ سودا به

# قضاوت تاریخ؛ فراتر از قدرت و در سایه رنج یک ملت



● تاریخ، حافظه‌های خاموش اما بی‌رحم است، نه هیاهوی قدرت آن را می‌فریبد و نه تکرار تبلیغات، حقیقت را در آن محو می‌کند. آنچه در نهایت باقی می‌ماند، نه روایت حاکمان، بلکه درک رنجی است که بر جان یک ملت نشسته است.

● ایران این دهه‌ها، تنها صحنه‌ی کشمکش‌های سیاسی نبود، بلکه میدان تحلیل رفتن امید، فروریختن اعتماد، و از دست رفتن فرصت‌هایی بود که می‌توانست سرنوشت چند نسل را دگرگون کند.

● منابعی که می‌توانست صرف ترمیم زندگی مردم شود، در مسیرهایی هزینه شد که برای بسیاری از شهروندان، نه قابل لمس بود و نه قابل توجه، همین شکاف میان «آنچه هست» و «آنچه باید می‌بود»، به یکی از عمیق‌ترین زخم‌های این دوره تبدیل شد.

کوروش کلهر - تاریخ، حافظه‌های خاموش اما بی‌رحم است، نه هیاهوی قدرت آن را می‌فریبد و نه تکرار تبلیغات، حقیقت را در آن محو می‌کند. آنچه در نهایت باقی می‌ماند، نه روایت حاکمان، بلکه درک رنجی است که بر جان یک ملت نشسته است. در چنین ترازویی، کارنامه‌ی علی خامنه‌ای - به‌عنوان عالی‌ترین مقام جمهوری اسلامی در بیش از سه دهه‌ی گذشته - اکنون نه در برابر رسانه‌ها، بلکه در برابر داوری سنگین و گریزناپذیر تاریخ قرار گرفته است.

برای فهم این داوری، باید از سطح کلمات عبور کرد و به آنچه در عمق زندگی مردم جریان داشته‌است نگریست، به سال‌هایی که نه یک بحران، بلکه زنجیره‌ای ممتد از فرسایش بوده‌است. ایران این دهه‌ها، تنها صحنه‌ی کشمکش‌های سیاسی نبود، بلکه میدان تحلیل رفتن امید، فروریختن اعتماد، و از دست رفتن فرصت‌هایی بود که می‌توانست سرنوشت چند نسل را دگرگون کند. این رنج، لحظه‌ای و گذرا نبود، لایه لایه انباشته شد، در سکوت خانه‌ها نشست، و در چهره‌ی مردمی نقش بست که هر روز، بهای سنگین‌تری پرداختند.

اعتراضاتی که در مقاطع مختلف سر برآوردند، فریادهایی مقطعی نبودند، پژواک دردی بودند که سال‌ها مجال بیان نیافته بود. اما پاسخ به این صداها، نه شنیدن، که خاموش کردن بود، نه اصلاح، که حذف. این چرخه، به‌تدریج شکافی را شکل داد که دیگر صرفاً سیاسی نیست، بلکه به گسستی عمیق در پیوند میان مردم و حاکمیت بدل شد، گسستی که نشانه‌های آن را می‌توان در بی‌اعتمادی فراگیر، در مهاجرت‌های بی‌سابقه، و در نوعی خستگی جمعی مشاهده کرد که از مرز اعتراض گذشته و به مرز فرسودگی رسیده است.

در همین حال، سیاست‌هایی که در بیرون از مرزها دنبال شد، باری مضاعف بر دوش جامعه‌ای گذاشت که در درون، با دشواری‌های معیشتی دست‌وپنجه‌نرم می‌کرد. منابعی که می‌توانست صرف ترمیم زندگی مردم شود، در مسیرهایی هزینه شد که برای بسیاری از شهروندان، نه قابل لمس بود و نه قابل توجه، همین شکاف میان «آنچه هست» و «آنچه باید می‌بود»، به یکی از عمیق‌ترین زخم‌های این دوره تبدیل شد.

اما تاریخ، در داوری خود، نه به نیت‌ها تکیه می‌کند و نه به توجیهات. معیار تاریخ، ساده اما بی‌گذشت است: حاصل یک دوره حاکمیت چه بوده است؟ آیا زندگی مردم، امن‌تر،

خوردن بودند. در همان سوله داخل کهریزک بود که پیکر را به بهشت زهراهای تهران بردند و ما ۳ ساعت جنازه سودا را گم کردیم، چون او را از کهریزک به بهشت زهرا برده بودند.» وقتی سودا را تحویل گرفتند به آنها گفتند «تروریست کشته ما نکشتیم»: «من هم برای اینکه فقط جنازه را به من بدهند گفتم باشه، بعد از من یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان خواستند که من گفتم «ندارم و نمی‌تونم جورش کنم». گفتند «پس ۷۰۰ میلیون بدین» ولی من هم که نداشتم همه باهم جمع کردند فامیل و آشناها که دایی من پول را به آنها داده بود. بعد چند نفر در قبرستان مرا خیلی اذیت کردند چون می‌گفتند سودا را در دهات‌های خیلی دور در صفا دشت خاک کنبد، بعد از کلی التماس من و خانواده‌ام به دادستان بالاخره رضایت دادند در قبر سه طبقه برادرم او را به خاک بسپاریم. ابتدا قبول نمی‌کردند می‌گفتند «غیسه پیشه داییش خاک بشه باید یا روی قبر پدر یا مادر یا برادر خاک بشه پیش دایی غی‌شه» من برگشتم گفتم نکنه داداشم واسش نامحرمه، چطور شما دختری مارو می‌گیرید، هر بلایی سرشون مبارید. الان دختر من و کشتید من که مادرم راضیم پیش داداشم خاک بشه.»

در پزشکی قانونی کهریزک با وجود اینکه سودا ۱۹ دی کشته شده بود ولی در برگه فوت او تاریخ مرگ را ۱۸ دی قید کردند وقتی اعتراض کردم گفتند تشخیص پزشکی قانونی بوده است. حتی در غسلخانه بهشت زهرا خودشان بدن خونین سودا را شستند و هرکاری کردم اجازه ندادند او را ببینم. فقط برای شناسایی توانستم صورتش را ببینم که دیدم سر و گردن و صورتش کبود شده بود.

«بعد از خاکسپاری سودا، تعداد زیادی مأمور امنیتی آمدند و به ما گفتند سریع باید جمع بشه، به خاطر بارندگی روی قبر را با نایلون پلاستیکی پوشاندم که آن را هم چند بار از روی قبر کشیدند. بعد از کلی درگیری بر سر گذاشتن سنگ، به من اجازه ندادند روی سنگ قبر، عکس سودا را بگذارم.»

مادر سودا اکرمی فرد ادامه می‌دهد: «سه روز بعد از خاکسپاری سودا دائم به من زنگ می‌زدند «بایام خونتون واسه تسلیت» من می‌گفتم «از پشت گوش می‌تونید تسلیت بگید من تسلیت شماها رو نمی‌خوام». می‌خواستند بیایند از من فیلم بگیرند و من در فیلم به زور مرا وادار کنند که بگویم دخترم را تروریست‌ها کشته‌اند، من هم گفتم شهرستانم چون هر روز به من زنگ می‌زدند. به من فشار آوردند و خانواده‌ام را تهدید کردند، تا اینکه مجبور شدم به اداره اطلاعات امنیت ملارد بروم، آنجا گفتند باید ویس بدهی یا مصاحبه بدهی که مردم یا تروریست‌ها دخترم را کشتند، من گفتم «با پای خودم اومدم حتی من و بکشید نمیگم چون من خود مردمم چرا باید چنین حرفی بزنم». هر کاری کردند مصاحبه ندادم. گفتند «بعدا باید بیای اینجا و نباید با کشته شده‌های ۹۸ و ۴۰۱ ارتباط بگیری و به شبکه‌های خارجی بگی که ما اینها رو ازت خواستیم». از من تعهد گرفتند بعد از چهل بروم و حرف بزنم من و خانواده‌ام را تهدید کردند و گفتند نباید سودا عکس داشته باشد، نباید روی سنگ قبرش بزنید «جاوید نام» نباید مراسم خوب بگیرید و دست بزنید.»

از این مادر داغدار در مورد واکنش دوستان و همکلاسی‌های سودا پس از انتشار خبر کشته شدن او سوال پرسیدم، می‌گوید: «دوستانش در مدرسه مراسم گرفته بودند و از زبان سودا صحبت کرده بودند اما معلم‌ها و کادر مدرسه راضی نبودند در مدرسه مراسمی برگزار شود، حتی به بچه‌ها فشار آوردند حق ندارند غیبت کنند و باید به مدرسه بروند و به مراسم چهل نروند اما روز چهل سودا که ۲۹ دی بود همه دوستان و هم کلاسی‌های او بر سر مزارش حاضر بودند.»

آزادتر و انسانی‌تر شده‌است، یا برعکس، تنگ‌تر، سنگین‌تر و فرساینده‌تر؟ در این سنجش، اعداد و آمار تنها بخشی از واقعیت‌اند؛ آنچه تعیین‌کننده است، تجربه زیست مردمی است که با این نتایج زندگی کرده‌اند.

در چنین ترازویی، کارنامه هر حاکمیتی - از جمله دوران رهبری علی خامنه‌ای - نه با آنچه گفته شد، بلکه با آنچه بر مردم گذشت سنجیده خواهد شد. نسل‌هایی که فرصت‌هایشان از دست رفت، خانواده‌هایی که زیر بار فشارهای اقتصادی خم شدند، و جوانانی که آینده‌ی خود را نه در وطن، بلکه در دوردست‌ها جستجو کردند، همگی سطرهای نانوخته اما ماندگار این داوری‌اند.

با این حال، اهمیت این مقطع تنها در قضاوت گذشته نیست. تاریخ، همزمان که داوری می‌کند، امکان انتخاب نیز پیش روی ملت‌ها می‌گذارد. یک ملت می‌تواند در چرخه‌ی تکرار گرفتار ماند، یا از دل رنج، به درکی تازه برسد و مسیر دیگری را برگزیند. این نقطه، نقطه‌ی عبور از انفعال به آگاهی، و از پراکندگی به همگرایی است.

ایران امروز، در آستانه‌ی چنین انتخابی ایستاده است. عبور از این وضعیت، تنها با تغییر چهره‌ها ممکن نیست، بلکه نیازمند بازسازی عمیق رابطه میان دولت و ملت، احیای اعتماد عمومی، و شکل‌گیری اراده‌ی مشترک برای ساختن آینده‌ای متفاوت است، آینده‌ای که در آن، قدرت نه بر ترس، بلکه بر رضایت و مشروعیت استوار باشد.

در نهایت، قضاوت تاریخ، قضاوتی شخصی یا مقطعی نیست؛ بلکه جمع‌بندی رنج‌ها، امیدها و تجربه‌های یک ملت است. قدرت‌هایی که بر فرسایش انسان بنا شوند، هرچند ممکن است سال‌ها دوام آورند، اما در حافظه‌ی تاریخ، نه به‌عنوان سازندگان، بلکه به‌عنوان عبرت‌ها ثبت خواهند شد.

آنچه باقی می‌ماند، نه قدرت است و نه هراس؛ بلکه حقیقتی است که در زندگی مردم نقش بسته است، حقیقتی که دیر یا زود، خود را در قضاوت تاریخ آشکار خواهد کرد.

سریع‌تر. مسئله بر سر اینست: لحظه‌ای که تاریخ می‌تواند به سمت بهتر تغییر کند.

ما منتظر آمریکا یا اروپا نمی‌مانیم؛ فقط به آنها می‌گوییم: چرا ایرانی‌ها را پس از سقوط رژیم، بهترین شریک خودتان نمی‌بینید؟ ما هستیم تا جهان امن‌تر شود؛ تا رادیکالیسم، تروریسم، تهدید هسته‌ای و هر چیز دیگری که دنیا را درگیر کرده، فوراً مهار شود. ما می‌توانیم فرصت شکوفایی اقتصادی برای کشور خودمان و کشور شما بسازیم و آینده بهتری برای نسل‌های بعد فراهم کنیم. می‌توانیم به اروپا امنیت در استقلال انرژی بدهیم- چیزی که امروز عمده‌تاً دست روسیه است- و ایران می‌تواند آن را فراهم کند. ایران می‌تواند روند مهاجرت را معکوس کند و جلوی موج‌های بیشتر مهاجرت را بگیرد؛ موج‌هایی که اگر وضعیت موجود ادامه پیدا کند، اروپا- که همین حالا هم اشباع است- بیشتر زیر فشار قرار می‌گیرد. علاوه بر این، می‌توانیم این افراط‌گرایی را که حالا روی جوامع اروپایی هم اثر گذاشته، ریشه‌کن کنیم و... البته چیزهای بسیار بیشتری در میان است تا صرفاً حرف زدن از «اصل آزادی». کسی با آزادی مخالف نیست؛ اما واقعا این معیار دوگانه و ریاکاری را کنار بگذارید! این فرصت شماسه که به مردم ایران بگویید «ما با شمایم، نه علیه شما». انتظار ما همین است- کاملاً عمل‌گرایانه- و ما پادمان می‌ماند چه کسانی در روزهای سخت کنارمان بودند و چه کسانی نبودند.

● برای شما و مردم ایران بهترین‌ها را آرزو می‌کنم. بسیار ممنونم.  
-سپاسگزارم.

\* «ویزگراد۲۴» مستقر در بریتانیا که از سال ۲۰۲۰ با مدیریت استفن تامپسون فعالیت خود را شروع کرده، این رسانه را «مرکز خبری پیشرو در اروپا» و «پیشگام ژورنالیسم مدرن» معرفی نموده و در وسایط خود می‌نویسد که در این مدت «به سرعت به یک رسانه خبری بین‌المللی تبدیل شده است» که در کنار انتشار اخبار مهم به گزارش‌های تحقیقی و مسائل مهم جهان «از مهاجرت گسترده در اروپا گرفته تا تصرف اراضی در آفریقای جنوبی» می‌پردازد. این رسانه خود را مدافع «ارزش‌های بنیادین غرب و دفاع از ارزش‌های متعالی- حقیقت، زیبایی و خوبی» می‌داند و می‌نویسد: «ما بر روایت‌هایی که توسط رسانه‌های سنتی نادیده گرفته یا تحریف شده‌اند، نور می‌تابانیم و صدای کسانی را که اغلب نادیده گرفته می‌شوند، تقویت می‌کنیم؛ مبارزان آزادی، مخالفان و ستمدیدگان. از مخالفان دموکراتیک ونزوئلا گرفته تا مسیحیان نیجریه که تحت حمله افراط‌گرایان اسلامگرا هستند، تا معترضان ایرانی که در برابر استبداد مقاومت می‌کنند، ما داستان‌های آنها را روایت می‌کنیم... فیلترهای ایدئولوژیک شکل‌دهنده گفتمان مدرن غرب را به چالش می‌کشیم و از ارزش‌های اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی که اکنون تحت محاصره دستور کارهای پسامارکسیستی، ووکها و پساسکولار هستند، دفاع می‌کنیم.»

گفتنی است که «ویزگراد» نام شهریست قدیمی در چهل کیلومتری بوداپست پایتخت مجارستان. همچنین عنوان پیمانی است که در فوریه ۱۹۹۱ بین کشورهای مجارستان، لهستان و چکسلواکی بسته شد که بر اساس آن متعهد شدند تا با نظام سیاسی و اقتصادی و فرهنگی اروپا همسو شوند. پس از تبدیل چکسلواکی در سال ۱۹۹۳ به دو کشور چک و اسلواکی، آنها با مجارستان و لهستان، «گروه ویزگراد» یا «V4» را تشکیل دادند. هدف مشترک این کشورها عضویت در اتحادیه اروپا و ناتو بود که به هر دو رسیدند.

## ادامه متن مصاحبه شاهزاده رضا پهلوی با «ویزگراد» ادامه از صفحه ۷

اسم مرا صدا می‌زند و می‌خواهند این گذار را من رهبری کنم. به من باور و اعتماد دارند. می‌دانند ۴۷ سال پای این مسیر ایستاده‌ام؛ پای ارزش‌هایمان مانده‌ام و به آنها گفته‌ام آنچه برای ایران می‌خواهم اینست: یک نظام سکولار و دموکراتیک که جای این دیکتاتوری مذهبی را بگیرد. ایران و ایرانی شایسته بهتر از این‌اند؛ کشوری با این سطح از تاریخ، فرهنگ و استعداد. به جهان امروز نگاه کنید: بله، خیلی از ایرانی‌ها مجبور به تبعید یا مهاجرت شدند. بیشترشان در خیلی از این کشورها نقش‌های کلیدی دارند- کارآفرینان موفق، پزشکان و دانشمندان؛ در حالی که ترجیح می‌دادند همان کار را در وطن خودشان انجام دهند. اما جرم‌شان این بود که یا یهودی بودند، یا یبایی، یا مسلمان [مخالف رژیم]، یا شاید عضو جامعه LG-



BTQ بودند، یا حتی بی‌دین. آنها به دلیل فشار نمی‌توانستند در کشورشان مانند حرم اینست: ایران شایسته‌ی بسیار بهتر از اینهاست و ما قبلاً هم ثابت کرده‌ایم. ایران زمانی یکی از موفق‌ترین اقتصادهای رو به رشد خاورمیانه بود. کشورهای دیگر می‌آمدند از ایران الگو بگیرند. هیئت‌های کراهی به ایران می‌آمدند؛ از کشورهای دیگر هم می‌آمدند. آن زمان تولید ناخالص داخلی ما پنج برابر کره جنوبی بود. امروز ما کره شمالی شده‌ایم. حتی با وجود گاز و نفت و ظرفیت عظیم، در میان ۱۵۰ اقتصاد اول جهان هم رقابت‌پذیر نیستیم. این چیزی نیست که ایران سزاوارش باشد. و به عنوان یک ایرانی، می‌دانید، من با شور حرف می‌زنم- اما از ناسیونالیسم کور حرف نمی‌زنم. ما در دنیای واقعی زندگی می‌کنیم. دوست داریم با همسایه‌ها، به شرط احترام متقابل و تجارت منصفانه، دوست باشیم. اما فکر می‌کنم ایران می‌تواند خیلی بهتر باشد؛ قبلاً هم ثابت کرده‌ایم و می‌دانم اگر فرصت داشته باشیم، می‌توانیم ده برابر بهتر عمل کنیم. فکر می‌کنم این فرصت به زودی به دست می‌آید، چون این رژیم در آستانه فروپاشی است؛ فقط مسئله بر سر زمان آنست. آنچه می‌تواند این فروپاشی را جلو بیندازد اینست که جهان اینبار کنار مردم ایران بایستد و موضعی قاطع بگیرد و به ما کمک کند تا شرّ رژیمی را کم کنیم که برای هیچکس خبری نداشته جز بقای خودش و برای بقا حاضر است هر کاری بکند حتی کشتن ده‌ها هزار نفر. دیگر نمی‌شود این را بپذیرفت.

ما به‌عنوان ایرانی هر کاری لازم باشد انجام می‌دهیم و من اولین کسی هستم که به هم‌میهن‌انم می‌گویم: نباید به کسی جز خودمان تکیه کنیم. با این حال، اگر جهان اینبار تصمیم بگیرد در سمت درست تاریخ بایستد یعنی در کنار آزاد ساختن ملتی که شایسته‌ی بهتر از این وضعیت است، در برابر ایدئولوژی شروزی که در داخل و خارج دست به ویرانی زده، هم تلفات کمتر می‌شود و هم مسیر بسیار

● این همان پارادوکس کارل پوپر است: «بردباری با نبردباری». یکی از چیزهایی که در چند ماه گذشته خیلی توجهم را جلب کرد، دیدن پوستری از رهبر جمهوری اسلامی در دست یک چپ‌گرا و یک «کافر» در تظاهرات لندن بود؛ روی پوستر نوشته بود: «در سمت درست تاریخ بایست!» به چه نقطه‌ای رسیده‌ایم که این رادیکال‌ها طرف رژیم اسلامی را می‌گیرند، نه معترضان را که دارند قتل‌عام می‌شوند؟ شما درباره چیزی که بعضی‌ها «اسلامی‌سازی غرب» می‌نامند چه احساسی دارید؟ پشت سر هم موج مهاجرت گسترده بوده از بسیاری از کشورهای اکثر مسلمان. آیا هشدار شما به آن ژرد بریتانیایی در دهه ۸۰ دارد از نظر «جایگزینی جمعیتی» هم به واقعیت تبدیل می‌شود؟ آیا نگرانید که آنها را به عنوان متحدان از دست بدهید؟

-من نمی‌خواهم سناریویی را ببینم که در آن بپذیریم «باید اوضاع بدتر شود تا بعد بهتر شود». در این چارچوب، فرض کنید یکی از کشورهای غربی و فقط چون دلیل دارد این مثال را می‌زنم؛ مثلاً بلژیک. من کسی را می‌شناسم که درباره ایران کتاب نوشته و پژوهش و تدریس هم می‌کند. می‌گفت آپارتمانم یک مایل با کاخ سلطنتی بروکسل فاصله دارد، اما در همان محله‌ی خودم اسلامگراهایی هستند که برای تصویب قوانینی فشار می‌آوردند که نه فقط اجرای شریعت، بلکه اتوبوس‌ها را نیز زنانه و مردانه جدا کنند! حالا از شما می‌پرسم: به عنوان یک اروپایی، آیا به جایی رسیده‌ایم که کشوری بگوید «می‌توانید به عنوان مهمان بیاید»، اما بجای جذب شدن و احترام گذاشتن به ارزش‌ها و فرهنگ ما، برای ما تعیین تکلیف کنید که حالا باید شریعت را در اروپا- در دل سیستم- اجرا کنیم؟ اگر اروپا می‌خواهد به این سمت برود، راستش من دیگر حرفی ندارم... حرف من اینست: ایرانی‌ها- و می‌دانم خیلی کشورهای دیگر در منطقه نیز- به شدت دنبال راهی از این افراط‌گرایی و رادیکالیسم‌اند، چون از این «شریعت» به اصطلاح، هیچ خیر و برکتی بیرون نیامده. به نام شریعت، اولین کاری که خمینی کرد این بود که آنچه رژیم قبلی درباره برابری و حقوق زنان- از جمله طرح قانون خانواده- به دست آورده بود، عقب زد؛ همان را اول از همه لغو کردند و بعد همه چیز به قهقرا رفت. این نتیجه رژیم است که شریعت را تبلیغ می‌کرد. ما می‌دانیم چقدر فاجعه‌بار بوده؛ کافیت به ایران و وضعیت آن نگاه کنید. و حالا فکر می‌کنید این الگوی خوبی برای اروپایی‌هاست؟ چون خیلی زود شبیه ایران می‌شود! نشانه‌ها روشن است. فقط کافیت از کسانی که واقعا آن را تجربه کرده‌اند پرسید معنایش چیست. من نمی‌خواهم اروپایی‌ها به جایی برسند که ایرانی‌ها امروز هستند تا تازه بفهمند. فقط می‌خواهم فرصت‌هایتان از دست نرود. اما اگر اصرار دارید، خب باشد؛ ولی آنوقت فقط خودتان را باید سرزنش کنید.

● در پایان این مصاحبه، خیلی درباره واقعیت‌ها حرف زدیم. اما شما یک ایرانی هستید؛ پسر شاه، شاهزاده، و یکی از چهره‌های اصلی اپوزیسیون ایران. وقتی این تصاویر از کشور خودتان بیرون می‌آید چه احساسی دارید؟ تبعید بودن، دور از مردم‌تان، در حالی که آنها با این تراژدی بزرگ روبرو هستند، چه حسی دارید؟

- خُب، می‌دانید، اینطور نیست که من دوست داشته باشم در تبعید زندگی کنم. مجبور شدم تبعید را بپذیرم. اگر ایران می‌بود امروز زنده نبودم؛ حذف می‌کردند. و مرده بودن هم به درد کسی نمی‌خورد. پس مسئله، بقا بود. اما ملت دارد

# افزایش نگرانی‌ها از آینده وضعیت انرژی در جهان با ادامه جنگ در خاورمیانه



هند به دنبال منابع جایگزین نفت خام، گاز مایع (LPG) و گاز طبیعی مایع (LNG) است تا خود را برای شرایطی که بحران فراتر از ۱۰ تا ۱۵ روز ادامه یابد، آماده کند. اندونزی نیز قصد دارد واردات نفت خام از آمریکا را افزایش دهد تا کاهش عرضه از سوی خاورمیانه را جبران کند.

برخی گزارش‌ها نیز از تلاش شرکت دولتی نفت عربستان (آرامکو) برای صادرات نفت خام از مسیر دریای سرخ و دور زدن تنگه هرمز حکایت دارد.

همچنین شاخص‌های بازارهای سهام جهانی نیز به شدت تحت تأثیر جنگی قرار گرفته که دامنه آن طی چند روز به چندین کشور خاورمیانه گسترده شده است.

در آمریکا، شاخص صنعتی داو جونز در بدو شروع معاملات بازار بورس نزدیک به ۹۰۰ واحد سقوط کرد. شاخص‌های اس‌اند‌پ ۵۰۰ و نزدک نیز در پی افت شدید بازارهای اروپایی، کاهش یافتند.

سهام بورس دبی و ابوظبی نیز در روز چهارشنبه چهارم مارس (۱۳ اسفندماه) پس از گذشت دو روز توقف به علت نگرانی در مورد ریزش، بازگشایی و حدود ۵ درصد سقوط کرد.

شاخص بورس کره جنوبی (KOSPI) طی سه روز گذشته حدود ۲۰ درصد کاهش یافته و در نتیجه آن نزدیک به ۴۵۰ میلیارد دلار از ارزش بازار از بین رفته است.

شاخص بورس ژاپن (NIKKEI) نیز در همین بازه زمانی حدود ۸ درصد افت کرده و بیش از ۶۵۰ میلیارد دلار از ارزش خود را از دست داده است.

برخی تحلیلگران معتقدند اگر بر مبنای سخنان دونالد ترامپ جنگ طی چهار هفته آینده پایان یابد بحران ناشی از کاهش صادرات انرژی قابل مدیریت است اما اگر جنگ برای هفته‌ها و ماه‌های طولانی‌تری ادامه پیدا کند، اثرات تورمی آن به زودی در بازار کشورهای اروپایی و شرق آسیا نمایان خواهد شد.

که بر حسب عمق قابلیت کشتیرانی دارد در اختیار هیچ کشوری نیست اما اکنون این محدوده از قوانین بین‌المللی و رژیم حقوقی دریایا بر آن حاکم نیست و هر کسی که قدرت داشته باشد می‌تواند فضا را مدیریت کند.

از سوی دیگر تهدیدات نظامی علیه نفتکش‌ها و کشتی‌ها هزینه بیمه‌های دریایی را به شکل فزاینده‌ای افزایش داده و در نتیجه افزایش هزینه حمل‌ونقل نیز بر قیمت تمام شده انرژی و سوخت در کشورهای واردکننده اثرگذار است.

بر اساس گزارش‌ها طی روزهای گذشته تولید گاز طبیعی مایع (LNG) با کاهش ۲۰ درصدی روبرو شده است. روز دوشنبه ۱۱ اسفند ۱۴۰۴ در پی حملات گسترده جمهوری اسلامی به کشورهای حوزه خلیج فارس، قطر اعلام کرد که پس از حملات نظامی به تأسیسات خود در راس لفان و مسعید، تولید گاز طبیعی مایع (LNG) را متوقف کرده است.

عراق، دومین تولیدکننده بزرگ اوپک، تولید خود را به شدت کاهش داده است. عربستان سعودی نیز تولید پالایشگاه ۵۵۰ هزار بشکه‌ای راس تنوره را متوقف کرده است.

از سوی دیگر منطقه کردستان عراق نیز بخشی از تولید نفت و گاز خود را محدود کرده‌اند. کشورهای خاورمیانه تأمین‌کننده بخش قابل توجهی از گاز طبیعی اروپا و شرق آسیا هستند و حالا کاهش تولید و صادرات از سوی این کشورها سبب نگرانی از پایداری انرژی را افزایش داده است. روز گذشته قیمت گاز در بریتانیا بیش از ۴۶ درصد افزایش یافت و به بالاترین سطح در سه سال اخیر رسید. همزمان «خبرگزاری فرانسه» نیز گزارش داد قیمت نفت خام برنت نیز برای مدتی کوتاه به بیش از ۸۵ دلار در هر بشکه رسید. گزارش‌ها حاکی از آنست که به علت کاهش صادرات نفت و گاز از تنگه هرمز، پالایشگاه‌های چین در حال تعطیل کردن واحدهای تقطیر نفت خام یا جلو انداختن تعمیرات دوره‌ای خود هستند.

● با آغاز جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی و محدودیت رفت و آمد نفتکش‌ها و کشتی‌ها از تنگه هرمز، و همچنین کاهش تولید نفت و گاز از طرف کشورهای حوزه خلیج فارس، قیمت جهانی سوخت و انرژی افزایش یافته است.

● عراق، دومین تولیدکننده بزرگ اوپک، تولید خود را به شدت کاهش داده است. همچنین قطر روز دوشنبه تولید در تأسیسات LNG خود را متوقف کرد.

● عربستان سعودی نیز تولید پالایشگاه ۵۵۰ هزار بشکه‌ای راس تنوره را متوقف کرده است.

● از سوی دیگر منطقه کردستان عراق نیز بخشی از تولید نفت و گاز خود را محدود کرده‌اند.

● به علت کاهش صادرات نفت و گاز از تنگه هرمز، پالایشگاه‌های چین در حال تعطیل کردن واحدهای تقطیر نفت خام یا جلو انداختن تعمیرات دوره‌ای خود هستند.

● اندونزی نیز قصد دارد واردات نفت خام از آمریکا را افزایش دهد تا کاهش عرضه از سوی خاورمیانه را جبران کند.

● هند به دنبال منابع جایگزین نفت خام، گاز مایع (LPG) و گاز طبیعی مایع (LNG) است تا خود را برای شرایطی که بحران فراتر از ۱۰ تا ۱۵ روز ادامه یابد، آماده کند.

● برخی تحلیلگران معتقدند اگر بر مبنای سخنان دونالد ترامپ جنگ طی چهار هفته آینده پایان یابد بحران ناشی از کاهش صادرات انرژی قابل مدیریت است اما اگر جنگ برای هفته‌ها و ماه‌های طولانی‌تری ادامه پیدا کند، اثرات تورمی آن به زودی در بازار کشورهای اروپایی و شرق آسیا نمایان خواهد شد.

در پنجمین روز از جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی همچنان بازار سوخت و انرژی در جهان با التهاب روبروست. قیمت سوخت در اتحادیه اروپا با افزایش قابل توجهی روبرو شده و واردکنندگان نفت به دنبال منابع جایگزین برای منابع نفتی کشورهای حاشیه خلیج فارس هستند.

با آغاز جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی و محدودیت رفت و آمد نفتکش‌ها و کشتی‌ها از تنگه هرمز، و همچنین کاهش تولید نفت و گاز از طرف کشورهای حوزه خلیج فارس، قیمت جهانی سوخت و انرژی افزایش یافته است.

رابین بروکز، تحلیلگر ارشد انرژی گفته «افزایش قیمت نفت در دو روز گذشته بیش از سه برابر افزایش هنگام حمله روسیه به اوکراین بود، و این شوک می‌تواند هر لحظه بزرگتر شود.»

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در نخستین روز جنگ از بسته شدن تنگه هرمز خبر داد. تنگه هرمز گذرگاهی راهبردی است که حدود ۲۰ درصد نفت جهان از آن عبور می‌کند و از کشورهای خلیج فارس به دیگر کشورها صادر می‌شود.

احسان جنابی تحلیلگر ارشد بازار نفت و انرژی توضیح داده که «بخشی از تنگه هرمز در آب‌های سرزمینی ایران و بخشی در آب‌های سرزمینی عمان است و مناطق میانی

# از فرار زیرپله‌های جنگ ایران و عراق تا بام‌های امروز جنگ آمریکا- اسرائیل و جمهوری اسلامی



آن زمان، آژیر به معنای وحشت بود. به معنای صداها کشته در یک روز ... و نفس حبس شده در سینه. آن زمان آژیر یعنی پناه گرفتن کنار دیوارها و یا زیر پله‌ها و میان کیسه‌های شن و سنگری که در باغ خانه حفر کرده بودیم، پیش از آن که انفجار برسد. ما جنگ را تلاشی برای تسخیر سرزمین‌مان می‌دیدیم. می‌دانستیم دشمن نه تنها خاک وطن را می‌خواهد، بلکه جان ما نیز برایش ارزشی ندارد. هر هواپیما که در آسمان ظاهر می‌شد، می‌توانست پایان زندگی من یا ده‌ها انسان دیگر باشد.

هیچ‌کس مطمئن نبود که هدف بعدی خودش نیست! من در پشت جبهه هر کاری از دستم برمی‌آمد برای حفاظت از سرزمین و مردم انجام می‌دادم؛ از کار داوطلبانه در درمانگاه شرکت نفت برای پانسمان و مداوای مجروحان گرفته تا بافتن شال و کلاه و جوراب برای سربازان.

با هر انفجار می‌دانستم همین حالا انسان‌هایی قربانی شده‌اند. برای ما، جنگ زشت‌ترین و عریان‌ترین چهره‌ی مرگ بود.

اما امروز، از این فاصله‌ی دور، تصویر دیگری می‌بینم. جوانانی که با شنیدن آژیر، مانند نسل من به پناهگاه نمی‌دوند؛ بلکه برعکس، به بام می‌روند. به آسمان نگاه می‌کنند. دوربین‌ها را بیرون می‌آورند و با شوق، لحظه‌ها را ثبت می‌کنند.

این دو تصویر ذهنم را به خود مشغول کرده‌است و رهایم نمی‌کند. و از خود می‌پرسم: چگونه ممکن است؟ چگونه جنگ، که همواره ویرانگرترین ابزار علیه‌ی بشریت بوده‌است، در نگاه نسلی نشانه‌ای از امید می‌شود؟

من جنگ را با ترس از نابودی شناختم. ما می‌دانستیم دشمن آمده تا سرزمین‌مان را بگیرد و زندگی‌ها را

دو سه سال نخست جنگ بازمی‌گردد...

تصویر امروز که از هموطنانم؛ جوانانی که با شنیدن صدای هواپیما نه تنها نمی‌گریزند، بلکه به بام می‌روند؛ مرا بی‌اختیار به واکنش و حس خودم در آن سال‌ها پرتاب می‌کند.

انگار بخشی از وجود هزاران کیلومتر آن‌سوتر زندگی می‌کند. گرچه واقعیت هر بار مرا به خود می‌آورد؛ من در تبعیدم و فرسنگ‌ها دور از ایران.

اما صداها و تصاویر حافظه دارند؛ گاهی حتی دیدن یا شنیدن آن‌ها در فضای مجازی، انسان را ناگهان به حافظه‌ی تاریخ شخصی‌اش پرتاب می‌کند.

بعضی صداها و تصویرها هرگز از انسان جدا نمی‌شوند. تصاویر وحشتناک جنگ، صدای انفجارها و بمباران‌ها،

دویدن به سوی محل انفجار یا بیمارستان‌ها برای کمک و اهدای خون، بوی دود و خاک، دیدن ویرانی مناطق مسکونی و اجساد تکه‌تکه شده در میان آوار، ترسی مداوم و نفرتی عمیق از خود جنگ.

تصویر موشک‌هایی که بر سر شهرم، مسجد سلیمان، فرود می‌آمدند؛ کوه‌های استوارش که در میان دود سیاهی که آسمان همیشه آبی‌اش را پوشانده بود، گویی خمیده شده بودند و دیگر دیده نمی‌شدند؛ و تصویر بمباران خیابان ۲۴ متری اهواز (وقتی از منطقه‌ی کوروش پیاده خودم را به آنجا رساندم) هرگز از ذهنم بیرون نخواهند رفت.

صدای بمب‌ها، شیون مردم، تصویر اجساد تکه‌تکه شده زیر آوار... جمعیت مقابل بیمارستان شرکت نفت و سردخانه ...

این‌ها هرگز در این چهار دهه از من جدا نشدند. چنان‌که تا سال‌ها بعد در تبعید، هر مانور ارتش آلمان یا ناتو در آسمان، یا حتی صدای محکم بسته‌شدن یک در، یا آژیرهای آزمایشی که سالی چند بار نواخته می‌شود، هنوز هم قلبم را می‌لرزاند و ترس جنگ را در وجودم زنده می‌کند.

● میان زیرپله‌های تاریک دهه شصت و بام‌های امروز ایران، فاصله‌ی فراتر از زمان شکل گرفته است؛ فاصله‌ی میان دو تعریف از جنگ، ترس و شجاعت.

● آژیری که برای نسل جنگ ایران و عراق صدای مرگ بود، برای بخشی از جوانان امروز نشانه‌ای از فروریختن ساختار سرکوب تلقی می‌شود.

● شجاعت همیشه یک شکل ندارد؛ گاه در پناه گرفتن زیر آوار معنا می‌شود و گاه در ایستادن بر بام و خیره شدن به آسمان.

● شجاعت نسل ما در ماندن و کمک کردن زیر بمباران بود؛ در زندگی کردن با ترسی دائمی و باز هم ایستادن. و شجاعت نسل امروز شاید در جای دیگری معنا پیدا کرده است؛ در ایستادن بر بام، در فریاد زدن علیه حاکمان

دیکتاتور زیر باران موشک و بمب و ...

● شاید بزرگ‌ترین تراژدی یک ملت آن‌جاست که روزی آزادی را نه در سکوت صلح، که در صدای انفجار جستجو کند.

● من هنوز از جنگ نفرت دارم و از آن می‌ترسم؛ اما نسلی را می‌بینم که از نداشتن آزادی بیش از جنگ نفرت دارد و می‌ترسد، و آن‌جاست که گاهی نفرت، ترس و امید به مفهومی واحد تبدیل می‌شوند.

اختراقی قاسمی- من در زمان جنگ ایران و عراق، جوانی بیست‌ساله بودم. می‌خواهم احساسم و تجربه‌ی زیستی خودم را در آن زمان با مفهوم جنگ و شجاعت در مقایسه با نسل جوان امروز بیان کنم.

به‌عنوان کسی که سال‌های نخست آن جنگ را از نزدیک تجربه کرده‌است، شاید گفتنش کمی آرامم کند. دو سه سال نخست جنگ، من در مسجد سلیمان و اهواز بودم. حسی عجیب و تضادی عمیق درونم را رها نمی‌کند. افکارم مدام به

## تجمع ایرانیان بریتانیا در واکنش به حمله آمریکا و اسرائیل به جمهوری اسلامی



ویدئو

و انگلیسی در حمایت از حمله به جمهوری اسلامی و در حمایت از انقلاب شیروخورشید سر دادند. ایرانیان ساکن بریتانیا در هفته‌های گذشته و پس از سرکوب ده‌ها هزار شهروند معترض در ایران توسط جمهوری اسلامی در دی ۴۰۴ تجمعات گسترده‌ای را در حمایت از مردم ایران و با درخواست درخواست انجام تعهدنامه بین‌المللی R2P یا Repsonsibility to Protect برگزار کرده بودند.

شماره‌ای از ایرانیان ساکن بریتانیا روز شنبه ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ برابر با نهم اسفندماه ۱۴۰۴ و ساعتی پس از آغاز حملات اسرائیل و آمریکا علیه جمهوری اسلامی مقابل سفارت رژیم اسلامی در لندن تجمع کردند. همزمان شمار دیگری از ایرانیان که مقابل دفتر نخست‌وزیری بریتانیا در لندن تجمع کرده بودند به تظاهرکنندگان مقابل سفارت جمهوری اسلامی پیوستند. تجمع‌کنندگان شعارهایی به زبان فارسی

ویران کند. اما امروز بسیاری از جوانان، جنگ را با امید به بازپس‌گیری سرزمین‌شان و امید به زندگی و رهایی می‌شناسند.

آنها باور دارند هدف این حملات، تصرف سرزمین یا کشتن آنها نیست؛ بلکه ضربه زدن به قدرتی است که سال‌ها نه تنها زندگی و آزادی‌شان را گرفته، بلکه امنیت منطقه و جهان را نیز تهدید کرده است.

برای همین، آژیری که برای من صدای مرگ بود، برای نسل امروز شاید صدای درهم‌شکستن ابزار خشونت است که حکومت سال‌ها با آن، آنان را سرکوب کرده است. این مقایسه به این معنا نیست که من یا نسل من ترسو بودیم؛ بلکه نشانی دیگر از تضاد مفاهیم است. همان‌گونه که جنگ همیشه یک معنا ندارد، شجاعت نیز تنها یک شکل ندارد.

شجاعت نسل ما در ماندن و کمک کردن زیر بمباران بود؛ در زندگی کردن با ترسی دائمی و باز هم ایستادن. و شجاعت نسل امروز شاید در جای دیگری معنا پیدا کرده است؛ در ایستادن بر بام، در فریاد زدن علیه حاکمان دیکتاتور زیر باران موشک و مپ و...

در نگاه کردن مستقیم به آسمانی که سال‌ها سایه‌ی سرکوب بر آن بوده، در نترسیدن از صدایی که زمانی برای ما ناقوس مرگ بود؛ اینجاست که من با تعریف دیگری از شجاعت روبرو می‌شوم و به فکر فرو می‌روم و می‌پرسم: آیا این تضاد، مفاهیمی چون جنگ و شجاعت است؟

دختری که روزی از صدای هواپیما کنار دیوار پناه می‌گرفت، امروز زنی است که از هزاران کیلومتر دورتر نسلی را می‌بیند که زیر همان آسمان، معنایی دیگر از جنگ می‌سازد.

شاید به همین دلیل است که این روزها بیش از همیشه به «نسبیت» فکر می‌کنم؛ این‌که هیچ تجربه‌ای «مطلق» نیست، و حتی مفهومی به تلخی جنگ در دوره‌ها و بسترهای متفاوت، معنایی دیگر می‌گیرد.

نه می‌توانم جنگ را دوست داشته باشم، و نه می‌توانم امید بخش بزرگی از جوانان هم‌میهنم را نفهمم. و این تضاد است که این روزها رهایم نمی‌کند؛ من، در تبعید، میان این دو احساس ایستاده‌ام. و همچنان این پرسش تلخ اما انسانی را در ذهنم زنده نگه می‌دارد: چگونه ممکن است ویرانگرترین پدیده‌ی جهان، در نگاه مردمی، آخرین روزنه‌ی رهایی شود؟

شاید درد تبعید همین باشد؛ این‌که حس و حال مردم سرزمینت را از نزدیک لمس نکرده‌ای، زندگی را با آنها تجربه نکرده‌ای، و دقیق نمی‌دانی بر آنها چه می‌گذرد، حتی اگر پیوندت در همه‌ی این سال‌های تبعید هرگز از آنها جدا نشده باشد.

شاید بزرگ‌ترین تراژدی یک ملت آنجاست که روزی آزادی را نه در سکوت صلح، که در صدای انفجار جستجو کند.

من هنوز از جنگ نفرت دارم و از آن می‌ترسم؛ اما نسلی را می‌بینم که از نداشتن آزادی بیش از جنگ نفرت دارد و می‌ترسد، و آنجاست که گاهی نفرت، ترس و امید به مفهومی واحد تبدیل می‌شوند.

شاید فاصله‌ی میان زیرپله‌های دیروز من و بام‌های نسل جوان امروز میهنم، فاصله‌ی میان دو تعریف متفاوت از امنیت و آزادی، جنگ و صلح، شجاعت و ترس باشد.

به امید آزادی  
پاینده ایران

## برگزاری سمینار «ابر پروژه امید ایران» در لندن



ویدئو

بحران کمبود آب و بحران‌های زیست‌محیطی ایران است. «همچنین مهندس مرداویج زیاری دستاوردهای این پروژه را اینطور برشمردند: «پروژه انتقال آب از خلیج فارس، تقریباً هیچ آسیب محیط‌زیستی ندارد، و می‌توان تا اندازه‌ای از هزینه‌های لازم را از طریق فروش نمک حاصل از تصفیه آب تأمین کرد. رطوبت، کیفیت هوا، و مهار ریزآلاینده‌ها را بهبود می‌بخشد، و اینکه باعث اصلاح و پاکسازی شوره‌زارها می‌شود و بر کیفیت پرورش محصولات کشاورزی تأثیر مستقیم خواهد داشت.»

سمینار زمستانی «ابر پروژه امید ایران» با موضوع «توسعه راهبردی فلات مرکزی ایران، از راه پروژه انتقال آب» و با حضور جمعی از استادان، پژوهشگران و کارشناسان محیط زیستی در شهر لندن برگزار شد. دکتر نامدار بقایای یزدی، مشاور بیوتکنولوژی پروژه، و یکی از برگزارکنندگان اصلی هفتمین دوره این سمینار، توضیحاتی درباره «ابر پروژه امید ایران» داد: «اینکه این پروژه متشکل از متخصصان، دانشمندان و پژوهشگران میهن‌پرست پادشاهی‌خواه در حوزه دانش و فناوری است، که طرح‌های آن متمرکز بر

## تأکید بر ادامه قطع برق در بهار و تابستان سال جدید



بادی، خورشیدی و نیروگاه‌های آبی کوچک است.» این استاد دانشگاه با بیان اینکه «کل ظرفیت انرژی تجدیدپذیر کشور ۴۲۰۰ مگاوات است» گفته «این عدد شامل کل منابع تجدیدپذیر اعم از بادی، خورشیدی و نیروگاه‌های آبی کوچک است. در عمل تنها ۶۰۰ مگاوات توسط انرژی خورشیدی وارد مدار می‌شود.»

هاشم اورعی افزوده «اگر قرار باشد در سال آینده ناترازی را رفع کنیم، که قطعاً نمی‌توانیم، نباید از طریق کاهش تقاضای بخش مولد اقتصاد باشد. چراکه خود را در تولید ناخالص داخلی و رکود نشان می‌دهد.»

او گفته «آمارهای منتشر شده از سوی بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و نیز تاییدهای اخیر بانک مرکزی نشان می‌دهد که اقتصاد کشور در سال جاری و سال آینده در وضعیت رکود قرار خواهد داشت. در چنین شرایطی، کاهش تقاضا در بخش صنعت و تولید ممکن است رخ دهد. این امر نه یک دستاورد، بلکه نشانه‌ای از رکود اقتصادی است، زیرا کاهش مصرف در بخش مولد به معنای کاهش تولید و اثر منفی بر رشد اقتصادی است.»

هاشم اورعی همچنین تأکید کرده «توانیر در سال جاری در اوج مصرف اعلام کرد که ۱۷ هزار مگاوات ناترازی وجود داشته است، در صورتی که حدود ۲۰ هزار مگاوات بوده است. در تابستان سال آینده، اگر تقاضای بخش مولد اقتصاد هم کاهش پیدا کند، در بخش خانگی کاهش تقاضا نخواهیم داشت. از این رو، با اطمینان و با کمال تاسف می‌گوییم که در تابستان سال آینده هم قطعاً قطعی برق خواهیم داشت و وعده ارائه شده عملی نمی‌شود.»

او گفته «تقریباً هر سال این وعده‌ها داده می‌شود. دقیقاً بهمن سال گذشته، توانیر و رئیس‌جمهوری عنوان کردند که ۱۴ مگا پروژه برای رفع ناترازی دارند و قطعی برق نخواهیم داشت. امسال نیز صحبت‌های پارسال را تکرار می‌کنند. همان‌طور که وعده پارسال عملی نشد، امسال نیز محقق نمی‌شود.»

هزار مگاوات کسری برق داشتیم.» مسعود پزشکیان افزوده «اما با اقداماتی که انجام شد، تاکنون نزدیک به ۱۰ هزار مگاوات از طریق پنل‌های خورشیدی، نیروگاه‌های سیکل ترکیبی، افزایش بهره‌وری و احداث واحدهای جدید وارد مدار شده است. با وجود شرایط جنگی، تورم، تنش‌ها و افزایش انتظارات عمومی، که برخی گمان می‌کنند باید یک‌باره همه مشکلات حل شود، امسال در بخش خانگی قطعی برق نداشتیم و تابستان آینده نیز قطع برق نخواهیم داشت.»

این ادعا در حالی مطرح شده که محمد اله‌داد سرپرست شرکت تولید، انتقال و توزیع نیروی برق ایران (توانیر) اعلام کرده که با وجود پیش‌بینی رشد تولید برق در سال آینده آن‌ا ناترازی در شبکه برق کشور ادامه خواهد داشت.

محمد اله‌داد افزوده «تقویت هماهنگی میان بخش‌های مختلف صنعت برق می‌تواند آمادگی لازم برای عبور از اوج بار تابستان سال آینده را فراهم کند.»

کمبود برق در سال‌های گذشته سبب جیره‌بندی برق در بخش خانگی، صنعتی و کشاورزی شد. پیش‌بینی می‌شود با توجه به کاهش شدید بارندگی و کاهش سطح آب ذخیره پشت سدهای مهم کشور، تولید برق از طریق نیروگاه‌های آبی نیز در سال جدید با کاهش چشمگیر روبرو و بحران کمبود برق تشدید شود. کارشناسان نیز معتقدند کمبود برق در بهار و تابستان پیش‌رو ادامه خواهد داشت و دولت همچنان قطع و جیره‌بندی برق در بخش صنعتی و خانگی خواهد شد.

در همین رابطه هاشم اورعی کارشناس ارشد انرژی و استاد دانشگاه در گفتگو با وبسایت «تجارت نیوز» در مورد وعده قطع‌نشدن برق در تابستان سال آینده گفته «بر اساس آخرین آمار منتشر شده از سوی سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق (ساتبا)، کل ظرفیت انرژی‌های تجدیدپذیر کشور حدود ۴۲۰۰ مگاوات اعلام شده است. این عدد شامل کل منابع تجدیدپذیر اعم از

● مسعود پزشکیان مدعی شده «امسال در بخش خانگی قطعی برق نداشتیم و تابستان آینده نیز قطع برق نخواهیم داشت.»

● کمبود برق در سال‌های گذشته سبب جیره‌بندی برق در بخش خانگی، صنعتی و کشاورزی شد. پیش‌بینی می‌شود با توجه به کاهش شدید بارندگی و کاهش سطح آب ذخیره پشت سدهای مهم کشور، تولید برق از طریق نیروگاه‌های آبی نیز در سال جدید با کاهش چشمگیر روبرو و بحران کمبود برق تشدید شود.

● محمد اله‌داد سرپرست شرکت تولید، انتقال و توزیع نیروی برق ایران (توانیر) اعلام کرده که با وجود پیش‌بینی رشد تولید برق در سال آینده آن‌ا ناترازی در شبکه برق کشور ادامه خواهد داشت.

● هاشم اورعی کارشناس ارشد انرژی هم گفته «دقیقاً بهمن سال گذشته، توانیر و رئیس‌جمهوری عنوان کردند که ۱۴ مگا پروژه برای رفع ناترازی دارند و قطعی برق نخواهیم داشت. امسال نیز صحبت‌های پارسال را تکرار می‌کنند. همان‌طور که وعده پارسال عملی نشد، امسال نیز محقق نمی‌شود.»

در حالیکه مسعود پزشکیان به تازگی مدعی کاهش کمبود برق شده و گفته در تابستان پیش‌رو قطع برق صورت نخواهد گرفت، یک کارشناس ارشد از تداوم کمبود برق در ماه‌های آینده خبر داده و گفته کسانی که به پزشکیان آمار و ارقام ارائه می‌دهند، اشتباه می‌کنند.

مسعود پزشکیان به تازگی از افزایش ظرفیت تولید برق و کاهش کمبود برق خبر داده و گفته است «زمانی که دولت را تحویل گرفتیم، با کسری حدود ۲۵ هزار مگاوات انرژی مواجه بودیم که بخشی از آن، حدود ۵ هزار تا ۱۰ هزار مگاوات، مربوط به نیروگاه‌های برق آبی بود که به دلیل کاهش بارندگی امکان تولید نداشتند. در مجموع، حدود ۲۰

# افزایش قیمت جهانی نفت در نخستین روز بازگشایی بازار پس از آغاز جنگ



تأسیسات نفتی شنیده شده و دود در بخش‌هایی از مجموعه مشاهده شده است. تاکنون جزئیات دقیقی از میزان خسارات یا تلفات احتمالی منتشر نشده و مقام‌های رسمی عربستان بیانیه تکمیلی صادر نکرده‌اند.

برخی کارشناسان معتقدند بازار نفت اکنون بیش از آنکه تحت تأثیر تحولات اقتصادی باشد، وابسته به جنگی است که از ۴۸ ساعت گذشته آغاز شده است. کارشناسان تأکید دارند آنچه اکنون بر بازارها حاکم است نه صرفاً جنگ، بلکه «عدم قطعیت» درباره دامنه و مدت آن است؛ عاملی که می‌تواند در روزها و هفته‌های آینده نیز نوسانات قابل توجهی را رقم بزند.

برخی تحلیلگران نیز خاطرنشان می‌کنند که این دور جدید از افزایش قیمت نفت که در اثر ترکیبی از رشد انباشته سال جاری به دلیل تشدید تنش‌های پیشین صورت گرفته، باعث شده قیمت نفت از ابتدای سال تاکنون حدود ۱۷ درصد بالا برود.

از سوی دیگر افزایش قیمت نفت وضعیت انرژی و سوخت در دنیا را تحت الشعاع قرار خواهد داد. قیمت گاز در اروپا روز دوشنبه به دلیل درگیری ناشی از حملات ایالات متحده و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی، که صادرات گاز طبیعی مایع از خلیج فارس، به ویژه از قطر را به خطر می‌اندازد، به شدت افزایش یافت.

روزنامه «فینگارو» اعلام کرد قیمت پس از جهش ۲۲ درصدی در ۳۸/۸۵ یورو، بیش از ۲۰ درصد افزایش یافت. قیمتی که هنوز کمتر از قیمتی است که در ژانویه به دلیل سرمای شدید به آن رسیده بود.

در بازار فلزات گران‌بها نیز واکنشی قابل توجه به جنگ رخ داده است. طلا به عنوان دارایی امن، با رشد محسوسی همراه شد و به بالای ۵۴۰۰ دلار رسید. نقره نیز روندی مشابه را تجربه کرد و تا محدوده ۹۶ دلار در هر اونس افزایش یافت.

دوم مارس ۲۰۲۶ برابر با ۱۱ اسفندماه ۱۴۰۴ قیمت نفت وست تگزاس اینترمدیت با ۱۰/۹۸ درصد افزایش به ۷۴/۳۸ دلار رسید.

قیمت نفت برنت برای تحویل در ماه مه نیز با ۱۳ درصد رشد از ۸۲ دلار گذشت. افزایش ۱۳ درصدی قیمت نفت برنت تنها در دقایق نخستین بازگشایی بازار در سه دهه گذشته سابقه ندارد و کارشناسان معتقدند، تداوم این شرایط قیمت نفت را سه رقمی خواهد کرد.

قیمت فعلی نفت برنت گویای افزایش حدود ۱۸ درصدی نسبت به ماه گذشته و افزایش ۲۰ درصدی آن نسبت به سه ماه قبل است.

خبرگزاری «بلومبرگ» نوشته کارشناسان بر این باورند قیمت نفت با باز گشایی بازارهای جهانی، جهشی قابل توجه خواهد کرد. «بلومبرگ اکونومیکس» برآورد کرده که در سناریوی مسدودشدن کامل تنگ هرمز، قیمت نفت می‌تواند به بیش از ۱۰۰ دلار در هر بشکه افزایش یابد.

ساعاتی پس از آغاز حملات اسرائیل و آمریکا علیه جمهوری در بامداد روز شنبه نهم اسفندماه، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به‌طور موقت عبور کشتی‌ها و نفتکش‌ها از تنگه هرمز را ممنوع کرد. تنگه هرمز گذرگاهی راهبردی است که حدود ۲۰ درصد نفت جهان از آن عبور می‌کند و از کشورهای خلیج فارس به دیگر کشورها صادر می‌شود.

از سوی دیگر یکی از تهدیدهایی که سبب افزایش پرسرعت قیمت جهانی نفت شده است، احتمال هدف قرار گرفتن پالایشگاه‌های کشورهای حاشیه خلیج فارس است.

در همین رابطه طی ساعات گذشته جمهوری اسلامی با استفاده از پهپادهای «شاهد ۱۳۶» پالایشگاه شرکت آرامکو در منطقه «رأس تنوره» عربستان سعودی را هدف قرار داده است. پالایشگاه «رأس تنوره» یکی از مهم‌ترین مراکز صادرات نفت این کشور به شمار می‌رود.

بر اساس اطلاعات اولیه، صدای چند انفجار در اطراف

● بازار جهانی نفت در نخستین ساعات بازگشایی پس از آغاز حملات اسرائیل و ایالات متحده به جمهوری اسلامی با افزایش قابل توجه قیمت‌ها روبرو شده است. خبرگزاری «بلومبرگ» اعلام کرده است که افزایش قیمت نفت در بازگشایی این هفته، بیشترین میزان افزایش در طول چهار سال گذشته بوده است.

● قیمت نفت برنت برای تحویل در ماه مه نیز با ۱۳ درصد رشد از ۸۲ دلار گذشت. افزایش ۱۳ درصدی قیمت نفت برنت تنها در دقایق نخستین بازگشایی بازار در سه دهه گذشته سابقه ندارد و کارشناسان معتقدند، تداوم این شرایط قیمت نفت را سه رقمی خواهد کرد.

● ساعاتی پس از آغاز حملات اسرائیل و آمریکا علیه جمهوری در بامداد روز شنبه نهم اسفندماه، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به‌طور موقت عبور کشتی‌ها و نفتکش‌ها از تنگه هرمز را ممنوع کرد. تنگه هرمز گذرگاهی راهبردی است که حدود ۲۰ درصد نفت جهان از آن عبور می‌کند و از کشورهای خلیج فارس به دیگر کشورها صادر می‌شود.

● کارشناسان تأکید دارند آنچه اکنون بر بازارها حاکم است نه صرفاً جنگ، بلکه «عدم قطعیت» درباره دامنه و مدت آن است؛ عاملی که می‌تواند در روزها و هفته‌های آینده نیز نوسانات قابل توجهی را در قیمت انرژی و سوخت رقم بزند.

بازار جهانی نفت در نخستین ساعات بازگشایی پس از آغاز حملات اسرائیل و ایالات متحده به جمهوری اسلامی با افزایش قابل توجه قیمت‌ها روبرو شده است. خبرگزاری «بلومبرگ» اعلام کرده است که افزایش قیمت نفت در بازگشایی این هفته، بیشترین میزان افزایش در طول چهار سال گذشته بوده است.

در اولین دقایق بازگشایی بازارهای جهانی در روز دوشنبه



وزیر دفاع اسرائیل:  
می‌خواهیم شرایط قیام مردم و سرنگونی  
حکومت ایران را فراهم کنیم



با دولت ترامپ و کنگره آمریکا  
در ارتباط هستیم



بیانیه جمعی از نویسندگان ایرانی  
در همبستگی با داریوش آشوری



پیام شاهزاده رضا پهلوی به مردم ممسنی:  
حضور میهن پرستانه شما، نمایانگر  
مسیر پیروزی ملت بزرگ ایران است



شاهزاده رضا پهلوی:  
خامنهای ضحاک خونخوار زمانه از  
صفحه روزگار محو شد



مناخه مصاحبه شاهزاده رضا پهلوی با «ویزگراد»:  
مداخله بشردوستانه برای کمک به  
مردم ایران ضروری است



مناخه امنیتی غربی:  
علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی  
کشته شد



اسرائیل و آمریکا حمله نظامی را آغاز کردند:  
ترامپ خطاب به مردم ایران:  
وقت آزادی شما فرا رسیده



شستشوی مغزی دانش‌آموزان  
بازداشت شده در اعتراضات دی ۴۰۴



آیت‌الله مکارم شیرازی علیه  
اسرائیل و آمریکا حکم جهاد داد



در حملات هوایی آمریکا و اسرائیل  
به جلسه «شورای دفاع» موسوی، پاکپور،  
شمخانی و نصیرزاده کشته شدند



مناخه‌های در حملات اسرائیل و آمریکا کشته شد:  
مناخه منطقه‌ای:  
«جسدش از زیر آوار بیرون کشیده شد»



فایننشال تایمز:  
اسرائیل با هک دوربین‌های ترافیکی،  
بیت خامنه‌ای را زیر نظر داشت



تهدید دوباره شهروندان زیر موشک‌باران:  
وزارت اطلاعات: با مزدوران داخلی مثل  
«سرباز اسرائیلی» برخورد می‌شود



جمهوری اسلامی دوباره در شرایط  
جنگی مردم ایران را تهدید کرد!



تهدید دوباره شهروندان  
جنگ‌زده ایران از سوی قوه قضاییه



شرایط ویژه جنگی:  
آغاز توزیع اسکناس یک میلیون تومانی



روزنامه «دبلی تلگراف»:  
جمهوری اسلامی چگونه با حملات  
تلافی جویانه جنگ را جهانی کرد



قطر دو هواپیمای جمهوری اسلامی  
را سرنگون کرد



حمله جمهوری اسلامی به  
سکوی نفتی امارات



کاهش ساعت خدمات‌دهی  
بانک‌ها با تشدید جنگ



بورس ایران تا ۱۷ اسفندماه  
تعطیل شد



افزایش قیمت جهانی نفت  
در نخستین روز بازگشایی بازار پس  
از آغاز جنگ



شرایط ویژه جنگی:  
قطر تولید گاز را متوقف کرد



تداوم تهدید و سرکوب حکومتی در شرایط جنگی!  
جمهوری اسلامی ارتباط ده‌ها میلیون ایرانی را  
با جهان قطع کرده است



هشدار ترامپ به جمهوری اسلامی:  
با نیرویی بی سابقه به حملات  
پاسخ می دهیم



شرایط ویژه جنگی؛  
افزایش قیمت جهانی سوخت و انرژی



دونالد ترامپ در کاخ سفید:  
عملیات «خشم حماسی» بهترین و آخرین  
فرصت برای نابودی رژیم شورو ایران است



شاهزاده رضا پهلوی در «واشنگتن پست»:  
با سیاست از پرزیدنت ترامپ، زمان آزادی  
ایران فرا رسیده است



ترامپ در مصاحبه با «نیویورک تایمز»:  
نظامیان و سپاه سلاحشان را به  
مردم تحویل دهند



ترامپ: جمهوری اسلامی خواستار  
مذاکره شده، اما خیلی دیر شده



ارتش اسرائیل:  
جنگنده اسرائیل بر فراز تهران جنگنده  
نیروی هوایی ارتش را سرنگون کرد



وزیر جنگ آمریکا خطاب به مردم ایران:  
یک «فرصت فوق العاده» ایجاد شده،  
اکنون نوبت شماست



ترامپ خطاب به مردم ایران:  
وقت آزادی شما فرا رسیده است



کی بر استارمر حکومت ایران را به  
«راهبرد زمین سوخته» متهم کرد؛  
چراغ سبز لندن به استفاده از پایگاهها برای  
حملات آمریکا



منصوره خجسته همسر  
خامنهای کشته شد



پایان دوره سپاه ۳۶ سال رهبری خامنهای؛  
شورایی سه نفره مسئول دوره انتقال شد



روزنامه «وال استریت ژورنال»:  
لاریجانی در پی مذاکره با آمریکا است



حمله طرفداران خامنه‌ای در  
کراچی به کنسولگری آمریکا؛  
هشدار امنیتی به کارکنان دولتی بریتانیا  
در پاکستان



جمهوری اسلامی  
تنگه هرمز را بست



شکوفه عبیدی، عکاس حرفه‌ای،  
هنگام عکاسی از اعتراضات دی ۴۰۴  
کشته شد



لغو مراسم «وداع» با  
جسد خامنه‌ای



احمد خاتمی به طور ضمنی انتخاب  
جانشین خامنه‌ای را تکذیب کرد:  
«به جمع‌بندی نزدیک شده‌ایم»



کشته شدن داماد و  
عروس علی خامنه‌ای



جمهوری اسلامی استفاده از  
مدارس به عنوان «سپر» را تأیید کرد



خروج کارکنان غیرضروری  
دولت آمریکا و اعضای خانواده آنها  
از اسرائیل



افزایش نگرانی‌ها از آینده  
وضعیت انرژی در جهان با ادامه  
جنگ در خاورمیانه



وزارت دفاع ترکیه:  
موشک بالستیک جمهوری اسلامی پیش  
از ورود به حریم هوایی ترکیه ختنی شد



فرمانده سنتکام:  
نیروی دریایی جمهوری اسلامی  
تقریباً نابود شد



کلیه مدارس ایران تا آخر  
اسفندماه تعطیل شد



### عکس هفته | بهرام که گور می‌گرفتی همه عمر ...

در حملات اسرائیل و آمریکا به جمهوری اسلامی مراکز سرکوب حکومت که سالها محلی برای طراحی و اجرای پروژه‌های سرکوب شهروندان بودند، نابود شدند. بسیاری از کاربران ایرانی تصاویر مکان‌های منهدم شده را در شبکه‌های اجتماعی منتشر و یادآوری می‌کنند در این مکان‌ها بازداشت بوده یا شکنجه شدند. تصویر: ساختمان پلیس پیشگیری در ابتدای خیابان کارگر جنوبی تهران بعد از بمباران توسط اسرائیل